

حیات در مسیح

بررسی آموزه نجات

نویسنده: دیوید د. دانکن

مترجم: افشین لطیف زاده

ویراستار: آرمان رُشدی

انتشارات ایلام - انگلستان ۲۰۰۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۱-۹۰۴۹۹۲-۳۰-۱

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Alive in Christ

A Study of Salvation

By: David D. Duncan

Translated into Persian by: Afshin Latifzadeh

Edited by: Arman Roshdi

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave.
Springfield, MO 65804
U.S.A

Published by:
ELAM PUBLICATIONS
P.O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

Persian Translation Copyright © Elam Ministries 2008

ISBN 978-1-904992-30-1

حیات در مسیح، دوره خدمات مسیحی

کلیه آیات نقل شده، از کتاب مقدس، ترجمه قدیم می‌باشد. در صورتی که این ترجمه برای تان دشوار است، می‌توانید آیه‌ها را از ترجمه «هزاره نو»، «مژده برای عصر جدید» یا ترجمه «تفسیری» بیابید و بخوانید.

فهرست مطالب

مقدمه

۵

بخش اول: آنچه خدا درخواست می کند

- درس ۱: نجات انسان مهیا گشت ۱۳
- درس ۲: انسان مسیر خود را تغییر می دهد: توبه ۳۹
- درس ۳: انسان به خدا اعتماد می کند: ایمان ۶۷
- درس ۴: انسان بسوی خدا باز می گردد: بازگشت ۹۳

بخش دوم: آنچه خدا تدارک می بیند

- درس ۵: اراده خدا در نجات ۱۱۹
- درس ۶: خدا خلقت جدیدی می آفریند: تجدید حیات ۱۴۷
- درس ۷: خدا انسان را بی گناه اعلام می کند: عادل شمردگی ۱۷۷
- درس ۸: خدا انسان را در خانواده خود می پذیرد: فرزند خواندگی ۲۰۷

بخش سوم: آنچه خدا کامل می گرداند

- درس ۹: کامل نمودن سرشت انسان: تقدیس ۲۳۷
- درس ۱۰: تکمیل نجات انسان: جلال آینده ۲۶۵
- پاسخ خودآزمایی ها ۲۹۱
- آزمون های میانی ۲۹۹

مقدمه

کتاب درسی که در اختیار دارید آموزه نجات را مورد بررسی قرار می‌دهد. نجات در بردارنده تمام برکاتی است که در صلیب برای ما مهیا شده است و تمام نیازهای روحانی ما را رفع می‌کند. نجات شامل آمرزش گناهان گذشته، رهایی از قدرت گناه در زمان حاضر و حتی حفاظت از حملات گناه در آینده می‌باشد.

نجات مقوله‌ای است که هم چشم به جلال آینده دارد و هم سرچشمه شادی برای زمان حاضر است. اما اطلاعات بسیاری از مسیحیان درباره مفهوم نجات آنقدر اندک است که این آموزه، شور و شادی را در زندگیشان به ارمغان نمی‌آورد. آنها نجات را فقط راهی برای ورود به آسمان می‌دانند. اما همانگونه که خواهیم دید، اشخاصی که هدیه نجات را پذیرفته‌اند: ۱- منور گشته‌اند، ۲- شریک روح‌القدس گردیده‌اند، ۳- لذت کلام نیکوی خدا را چشیده‌اند و ۴- نیروهای عالم آینده را احساس کرده‌اند (عبرانیان ۴:۶ و ۵). بنابراین مسیحیان در سلوک خود با خداوند بر روی زمین، بیعانه‌ای را از آن شادی عظیم و پر جلال آینده می‌چشند.

پس از بررسی دقیق پیشینه نجات، زنجیری از وقایع را مطالعه خواهید کرد که با جدایی یک گناهکار از گناه (توبه) و اعتماد به خدا (ایمان) آغاز می‌گردد و سبب جهت‌گیری جدیدی در شیوه زندگیش می‌گردد (تغییر). شما نتایج حاصله از یک سرشت جدید یا تولد تازه (تجدید حیات)، موضع جدید در برابر خدا (عادل‌شمردگی) و جایگاه جدیدی را در خانواده خدا (فرزندخواندگی) برای یک ایماندار به مسیح ارزیابی خواهید نمود. در پایان، مسئولیت یک ایماندار را برای رشد روحانی، از همان بدو نجات بررسی خواهید کرد. زیرا یک مسیحی نابالغ، شایسته مسیح و قدرت نجات‌بخش او نیست. چنین شخصی به علت عدم تغذیه روحانی یقیناً رشد روحانی خود را از دست می‌دهد (اول قرنتیان ۳:۱-۳، عبرانیان ۵:۱۱-۱۴).

همچنین خواهید آموخت که عدم آگاهی و بی تفاوتی موانع رشد روحانی هستند. عدم آگاهی را می توان با مطالعه کلام خدا و درک ارزش نجات رفع نمود اما غلبه بر بی تفاوتی، تنها ثمره کار روح القدس در شما است. در این رابطه باید قلب خود را تسلیم روح خدا کنید تا گرسنگی و تشنگی روحانی برای عدالت که مشخصه اشتباهی سالم روحانی است ایجاد گردد.

شما با بهره گیری از تجربه مسیحیانی که روح خدا نقش بارزی در رشد و ثمردهی روحانی آنها داشته، با شیوه کار روح القدس و هدف او آشنا خواهید شد و این گاهی زندگی شما را پربار خواهد ساخت. دعای من این است که مطالعه این درس سبب گردد نجات خود را بهتر بشناسید، برای آن بیشتر خدا را شکر کنید و به طرز مؤثرتری درباره آن با دیگران صحبت کنید.

توصیف درس

کتاب حیات در مسیح، بررسی آموزه نجات می باشد. این کتاب نجات را عمل و اراده خدا معرفی می کند که بر پایه کار کفاره کننده مسیح می باشد. توجه اولیه ما باید به فیض خدا معطوف گردد که سرچشمه نجات است. تعالیم کتاب مقدس پیرامون مسأله انتخاب و پیش تعیینی در رابطه با نقش خدا و انسان در امور نجات مورد بررسی قرار می گیرد. در این رابطه سعی خواهد شد تا از هر گونه نگرش افراطی پیرامون نقش و ابتکار خدا و یا انسان در رابطه با آموزه نجات پرهیز شود. در این درس به بررسی تعالیم کتاب مقدس در رابطه با توبه، ایمان، تغییر، تجدید حیات، عادل شمردگی، فرزندخواندگی، تقدیس و جلال یافتن خواهیم پرداخت.

درباره نویسنده

دیوید دانکن David Duncan به مدت ۱۲ سال مبشر انجیل بوده است و اکنون در بخش آموزش مؤسسه ICI خدمت می‌کند. قبل از خدمت در ICI به مدت ۸ سال مدیر مؤسسه کتاب مقدس کالوری در جزایر مارشال بوده است. آقای دانکن، لیسانس خود را از دانشگاه فولرتون Fullerton در ایالت کالیفرنیا گرفته است و سپس از همانجا در رشته علوم اجتماعی در مقطع فوق لیسانس فارغ التحصیل شد و سپس در مقطع دکترا در مدرسه الهیات کالیفرنیا تحصیلات خود را به پایان رسانید.

اهداف درس

- پس از اتمام این کتاب شما باید بتوانید:
- ۱- نقش خدا و انسان را در نجات بررسی کنید.
 - ۲- مراحل منطقی فرایند نجات را بشناسید.
 - ۳- توضیحات کافی از کتاب مقدس برای اطمینان نجات خود ارائه دهید.
 - ۴- تفاوت شیوه نجات یافتن از دیدگاه کتاب مقدس را با سایر شیوه‌های غیر کتاب مقدسی درک کنید.
 - ۵) محبت، فیض و حکمت خدا را بطرز عمیق‌تری در نجات کشف کنید و برای آن شاکر باشید.

نحوه مطالعه این کتاب

کتاب حاضر به شیوه‌ای ویژه نگارش یافته است که خواننده بتواند از آن به صورت خودآموز استفاده کند.

در مقدمه درس، کلیات و اهداف درس ارائه شده است. ابتدا قسمت‌های مختلف درس را به ترتیب مطالعه نمایید و سپس به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید. این سؤالات در لابلای دروس گنجانده شده‌اند. پاسخ‌های صحیح سؤالات را در آخر هر درس خواهید یافت. جواب‌های خود را با آنها مقایسه کنید. برای کمک به خودتان، بهتر است تا زمانی که به سؤالات جواب نداده‌اید، به پاسخ‌ها نگاه نکنید. در پایان هر درس نیز یک خودآزمایی وجود دارد. این خودآزمایی شما را در به‌خاطر سپردن مطالب درس و یادگیری نکاتی که احیاناً توجه نکرده‌اید، یاری می‌دهد. پاسخ صحیح به سؤالات خودآزمایی در پایان کتاب آمده است.

ارزش دانشگاهی این دوره

هر کتاب از دوره «خدمت مسیحی» معادل یک واحد دانشگاهی ارزش دارد (لیسانس الهیات معادل ۱۲۸ واحد می‌باشد). دانشجویان می‌توانند کتاب‌های دوره «خدمت مسیحی» را به سه شیوه مطالعه کنند:

نخست، این کتاب‌ها را می‌توانند فقط برای اطلاعات عمومی و مطالعه شخصی بخوانند؛

دوم، می‌توانند آن را مطالعه کرده، و در پایان فقط آزمون‌های میانی را به شرح زیر بگذارند؛

سوم، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، آزمون رسمی و نهایی را طبق توضیحات زیر بگذارند و یک واحد دانشگاهی اخذ کنند.

آزمون‌های میانی

در پایان کتاب، سؤالات مربوط به آزمون‌های میانی را خواهید یافت. در بخش انتهایی این آزمون، پاسخنامه‌ای وجود دارد. نام و نشانی خود را بر روی پاسخنامه بنویسید، و سپس به سؤالات پاسخ دهید. پس از آن، پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم.

پس از اتمام هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» یک گواهینامه تقدیم دانشجوی خواهد شد.

آزمون رسمی (نهایی)

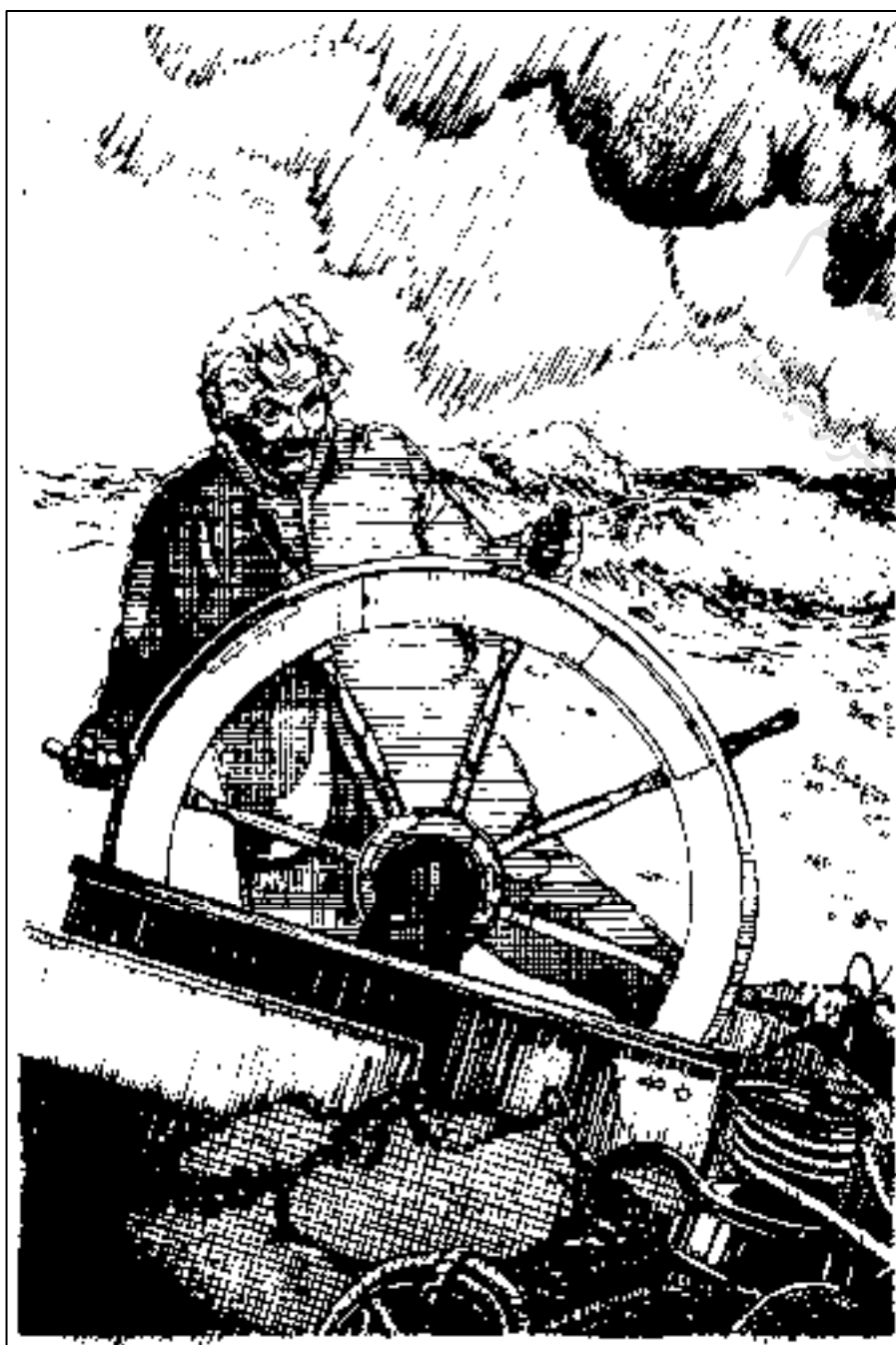
دانشجویانی که مایل باشند، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، برای دریافت آزمون رسمی هر کتاب، یک فرم ثبت‌نام رسمی گلوبال تکمیل نمایند و با پرداخت هزینه مربوطه، آزمون رسمی را بگذرانند. این آزمون از آنجا که ارزش دانشگاهی دارد، باید نزد یک شبان یا خادم رسمی کلیسا گذرانده شود. در صورت موفقیت در این آزمون (امتیاز ۸۰٪ و بالاتر)، دانشجوی یک واحد کسب خواهد کرد و گواهی مربوط به آن درس را از دفتر بین‌المللی گلوبال دریافت خواهد داشت.

در صورت تکمیل هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» دانشجوی هجده واحد رسمی از ۱۲۸ واحد لازم برای اخذ لیسانس الهیات را کسب می‌کند. در این صورت، دانشجوی می‌تواند با ورود به دوره‌های پیشرفته‌تر دانشگاهی، تحصیل الهیات را تا حد فوق دیپلم (۶۴ واحد) یا لیسانس (۱۲۸ واحد) ادامه دهد.

برای تان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

بخش اول

آنچه خدا درخواست می کند



انتشارات
نسخه الکترونیک

نجات انسان مهیا گشت

در سال‌های اخیر مطالب بسیاری درباره نجات به رشته تحریر درآمده است. واژه تولد دوباره، در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات معتبر جهان به چشم می‌خورد. موضوعات تولد تازه و نظریه نجات در ذهن عموم مردم جایگاه ویژه‌ای دارند. با وجود این، تجربه تولد تازه و درک آموزه‌های نجات که بر پایه مفاهیم بسیار مهم و اساسی قرار دارند اغلب به درستی درک نمی‌شوند. موضوع این درس درک همین مفاهیم اساسی می‌باشد.

ساختار نجات بر پایه تدراک الهی می‌باشد. در این درس شما متوجه تدارک فیض‌آمیزی خواهید شد که نقشه نجات را ممکن می‌سازد. شما خواهید دید که نجات از فیض خدا سرچشمه می‌گیرد و این فیض در کار کفاره‌کننده مسیح متجلی می‌شود. نقشه خدا برای نجات انسان از ازل طرح‌ریزی شد و در زمان مناسب به اجرا درآمد و نیازهای همه انسان‌ها را رفع می‌کند. در درس‌های ۲ الی ۴ تعلیم کتاب مقدس را در رابطه با عملکرد انسان در نجات خواهید دید.

هنگامی که به بررسی عمیق تعلیم کلام خدا درباره آموزه نجات می‌پردازید برای محبت، فیض و حکمت خدا که نجات را برای همه مردم تدارک می‌بیند احترام بیشتری قائل خواهید شد و با شگفتی، توجه عظیم الهی را در ایجاد نقشه نجات خواهید دید.



رئوس مطالب

نجات ثمره فیض خدا است
نجات با کار کفاره‌کننده مسیح شروع می‌شود
نجات نیازهای روحانی انسان را رفع می‌کند

اهداف درس

- در پایان این درس شما باید بتوانید:
- سرچشمه نجات را تشخیص داده، اهمیت آن را شرح دهید.
 - ارتباط بین نجات خودتان و مرگ نیابتی مسیح را برای همه انسان‌ها درک کنید.
 - توضیح دهید که نجات بر پایه کار کفاره‌کننده مسیح قرار دارد و تمام نیازهای شما و اشخاص دیگر را رفع می‌کند.

فعالیت‌های یادگیری

- (۱) بخش آغازین درس را با دقت بخوانید.
- (۲) فهرست و اهداف درس را مطالعه کنید زیرا به شما کمک خواهند کرد تا نکات لازم را بیاموزید.
- (۳) متن درس را بخوانید و تمرین‌های آن را انجام دهید. برای پاسخگویی به برخی از سؤالات می‌توانید از دفتر یادداشت‌تان استفاده کنید. پاسخ‌های خود را با پاسخنامه انتهای درس مقایسه کنید.

۴) به خودآزمایی انتهای درس پاسخ دهید و جوابهای خود را بهدقت با پاسخهای داده شده در انتهای کتاب مقایسه کنید. پاسخهای غلط خود را مرور نمایید.

متن درس

نجات ثمره فیض خدا است

مطالعه آموزه نجات با در نظر گرفتن یک حقیقت بسیار اساسی و بنیادی آغاز می‌گردد: خدای محبت و حاکم بر همه امور، محبت خود را بدون هیچ دلیل واضحی، با بخشیدن گناهان انسان‌هایی که شایستگی چنین بخششی را ندارند، نشان می‌دهد. آمرزش و بخشش الهی بیانگر فیض خدا است.

داستانی در ارتباط با پسری کوچک که یتیم و گرسنه بود وجود دارد. او به مدرسه دهکده می‌رفت. در راهروی ورودی مدرسه جایی برای نگهداری ناهار و بالاپوش بچه‌ها تدارک دیده شده بود و در وقت نهار بچه‌ها آنها را از آنجا برمی‌داشتند. یک روز یکی از ناهارها گم شد و معلم با عصبانیت پرسید که «چه کسی نهار را برداشته؟» سرانجام آن پسر یتیم دست لاغر و لرزان خود را بلند کرد. معلم شلاق ترسناکی را از میزش بیرون آورد و به پسر دستور داد که برای تنبیه جلو برود. او در حالی که احساس تقصیر و تنهایی می‌کرد و در سکوت اشک می‌ریخت، با سری خمیده و بدنی لرزان جلو آمد. سکوتی همه بچه‌ها را فرو گرفت. ناگهان پسری با عجله جلو آمد و به معلم گفت: «مرا به جای او شلاق بزنید.» و در برابر همه بچه‌ها لباس خود را در آورد و به جای آن پسر گناهکار تنبیه شد و تاوان قانون شکسته شده را پرداخت. رحم و شفقت او را وادار کرد تا به جای آن پسر گرسنه، بی‌یاور و فراموش شده رنج بکشد. محبت خدا بسیار عظیم‌تر است. او پسر خود را داد تا به جای همه انسان‌ها تنبیه شود. پرداخت تاوان گناهان دیگری عملی است که کتاب مقدس آن را فیض می‌نامد.

فیض، لطف و بخششی است که با توانایی شخصی نمی‌توان آن را به‌دست آورد. در آموزه نجات، فیض، بخشش خدا برای انسان‌هایی است که شایستگی دریافت آن را ندارند. اشخاصی که گناه می‌کنند، شایستگی داوری و مجازات را دارند و به‌خاطر ناطاعتی از خدا سزاوار بخشش نیستند. اما خدا محبت خود را به آنها نشان داد و مسیح را فرستاد تا به‌جای آنها بمیرد.

خدا در محبت خود، پسرش را فرستاد تا بتوان گناهان آنها را بپردازد و آنها را از قدرت گناه آزاد نماید و به آنها به گونه‌ای نگاه کند که انگار هرگز گناهی مرتکب نشده‌اند. این فیض است!

رحمت خدا
او به ما آنچه را که شایسته آن هستیم
نمی‌دهد.



فیض خدا
او به ما آنچه را که شایسته آن نیستیم
می‌دهد.



فیض به این معنا نیست که خدا، گناه را نادیده می‌گیرد. کلام خدا می‌گوید که مزد گناه مرگ است (رومیان ۶: ۲۳) و خدا نمی‌تواند تفکر عادلانه خود را در ارتباط با داوری گناه کنار گذارد. اما قربانی مسیح بر تپه جلعتا، عدالت خدا را به‌طرز کاملی اجرا نمود و جریمه قانون شکسته‌شده، پرداخت شد. فیض، گناه را نادیده نمی‌گیرد بلکه آن را برطرف می‌کند.

۱- با عبارات خود فیض را تعریف کنید و ارتباط آن را با نجات شرح دهید.

بنابراین سرچشمه و نقطه آغازین فیض در خدا می‌باشد. او منبع فیض است. فیض ثمره گنجینه بی‌پایان لطف الهی است که هر انسانی را دربرمی‌گیرد.

انواع فیض

در ارتباط خدا با انسان دو نوع فیض می‌بینیم. فیض عام و فیض خاص و نجات‌بخش. فیض عام، محبت خدا است که شامل همه انسان‌ها حتی گناهکاران می‌شود. این فیض به مردم کمک می‌کند تا از شرارت دوری جویند و آنها را تشویق می‌کند تا اعمال صحیح و نیکو را به‌جا آورند. فیض عام اشخاص را قادر می‌سازد که تاحدی به شایستگی رفتار کنند و در هماهنگی اجتماعی با سایر هموعان خود زندگی کنند. فیض خدا مواهب طبیعی را (باران، فصول پربار، غذا و برکات بسیار دیگر مادی و اجتماعی) برای جهان تدارک می‌بیند.

۲- متی ۴۳:۵-۴۸ را بخوانید. کدام یک از این آیات نمونه‌ای از فیض عام خدا است؟

فیض عام علاوه بر به ارمغان آوردن مواهب طبیعی در جهان، دربردارنده برکات دیگری از جمله وجود و تأثیر کلام خدا، روح‌القدس و کلیسا است. فیض عام برای نجات کافی نمی‌باشد. با وجود این، آشکار کننده نیکویی خدا برای همه انسان‌ها است. این فیض بینشی را به مردم می‌بخشد تا تدارک الهی را در زندگی‌شان ببینند. فیض عام فضایی مناسب را برای مکاشفه‌ای فراتر آماده می‌نماید و بی‌شک انسان را آماده نجات می‌کند. فیض عام به گناهکار توانایی می‌بخشد تا پاسخی مناسب به خدا دهد. خدا با فیض خود امکان نجات را برای همه انسان‌ها مهیا می‌سازد.

۳- رومیان ۱:۲-۱۱ را بخوانید. کدام یک از این آیات نشان‌دهنده لطف خدا (فیض) در ارتباط با نجات می‌باشد؟

دیدیم که فیض عام این امکان را به انسان می‌بخشد تا پاسخی مناسب به خدا بدهد. اما تنها فیض خاص و نجات‌بخش است که انسان‌ها را نزد مسیح می‌آورد (یوحنا ۴:۶)، قلب آنها را تازه می‌کند و آزادی از گناه را فراهم می‌سازد. فیض

نجات‌دهنده خدا به طرز منحصر به فردی در مسیح به چشم می‌خورد. یوحنا در انجیل خود می‌گوید: «فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید» (یوحنا ۱: ۱۷). این آیه بدین معنا نیست که قبل از مسیح فیض نجات‌بخش وجود نداشته است. همه مقدسین عهدعتیق نجات یافتند. آنها بر پایه ایمان خود به تدارک و تدبیر خدا و اطاعت از فرامین او نجات یافتند. یوحنا به سادگی می‌گوید که مسیح، مکاشفه کامل فیض نجات‌بخش خدا است و او پس از تجسمش تنها شخصی است که فیض نجات‌بخش را عطا می‌کند.

۴- عبرانیان ۱: ۲-۱ را بخوانید. این آیات چه ارتباطی با یوحنا ۱۶: ۱-۱۷ دارند.

۵- دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. هر یک از عبارات ستون سمت راست معرف چه فیضی است؟

- a) خورشید بر بدان و نیکان یکسان می‌تابد. (۱) فیض عام
- b) گناهکار به سوی خدا می‌رود. (۲) فیض خاص و نجات‌بخش
- c) شرایطی که این امکان را به انسان می‌بخشد تا پاسخی مناسب به خدا بدهد.
- d) مواهب طبیعی که در اختیار همه انسان‌ها است.
- e) انسان می‌تواند به ندای خدا پاسخ دهد و از گناه آزاد گردد.

فیض در کتاب مقدس

کلمه‌ای که فیض ترجمه شده، ۱۶۶ بار در کتاب مقدس به چشم می‌خورد. در عهدعتیق ۳۸ بار و در عهدجدید ۱۲۸ بار این کلمه به کار می‌رود. در بیشتر موارد، فیض بیانگر خدایی است که در ذات خود بخشنده است (یونس ۲: ۴). خدا فیض خود را به طرق مختلف نشان می‌دهد: (۱) او به همه مردم برکات خوبی می‌دهد (متی ۵: ۴۵)، (۲) او مشتاق است همه مردم نجات یابند (دوم پطرس ۳: ۹)، (۳) به ایمانداران

ثروت خود را می‌بخشد (دوم قرن ۸:۹) و شخص مسیحی را در زمان‌های تنگی و سختی حفظ می‌کند (اول پطرس ۵:۶-۱۰) و همانگونه که پولس در رومیان ۲۰:۵ تأکید می‌کند، فیض خدا پایانی ندارد. فیض خدا تمام نیازهای انسان را در صلیب رفع می‌کند و حتی بیش از نیازهای انسان تدارک می‌بیند.

۶- فیض را در عهدعتیق می‌بینیم اما در عهدجدید بسیار بیشتر به چشم می‌خورد زیرا.....

(a) فیض خدا گاهی تغییر می‌کند.
(b) همانگونه که در عهدجدید می‌بینیم، عیسی فیض خدا را به طرز کامل‌تری آشکار نمود.

(c) عهدعتیق بر داوری و عهدجدید تنها بر آزادی تأکید می‌ورزد.

۷- واژه فیض به کرات در رسالات عهدجدید دیده می‌شود (همه کتاب‌های عهدجدید از رومیان تا یهودا)، به باب اول هر یک از این رسالات نگاه کنید. کلمه فیض چند بار در بخش آغازین این باب‌ها به کار رفته است؟

۸- حال آیات پایانی این رسالات را بررسی کنید. چند کتاب با کلمه فیض خاتمه نمی‌یابد؟ آنها را نام ببرید.

۹- کلمه فیض در سراسر کتاب مقدس ذکر می‌شود اما در عهدجدید.....

(a) دو برابر عهدعتیق به کار می‌رود.

(b) تقریباً ۴ برابر عهدعتیق ذکر می‌شود.

آیا متوجه شدید که در انتهای رسالات، فیض در ارتباط با عیسی مسیح است؟ احتمالاً درک کرده‌اید که در تعالیم عهدجدید فیض از اهمیت بالایی برخوردار است و مسیح مکاشفه کامل فیض خدا است. در واقع با فیض مسیح است که قلب‌های ما به سوی خدا کشیده می‌شود.

تیگران (Tigranes)، پادشاه نیرومند ارمنستان پس از هجوم ارتش روم به اسارت گرفته شد. این پادشاه مغموم، همسرش و همه فرزندانیش برای مجازات مرگ در مقابل افسر فرمانده حاضر شدند. تیگران نزد پای‌های فاتح خود افتاد و برای نجات جان خانواده‌اش التماس کرد. او عاجزانه درخواست کرد: «هر کاری می‌خواهید با من بکنید اما زن و فرزندانم را نکشید». درخواست او آن چنان بر افسر رومی تأثیر گذاشت که تیگران و همه خانواده او را آزاد کرد. هنگامی که تیگران و خانواده‌اش از اردوگاه روم دور شدند، پادشاه حق‌شناس به همسرش گفت: «چه نظری درباره افسر رومی داری؟» همسرش پاسخ داد: «من او را ندیدم». شوهرش گفت: «تو در حضور او بودی، کجا را نگاه می‌کردی؟» همسرش گفت: «چشمان من متمرکز بر شخصی بود که می‌خواست جاننش را برای من فدا کند، من هیچ کس دیگری را نمی‌دیدم». هنگامی که به نجات خدا و صلیب نگاه می‌کنیم، تنها عیسی را می‌بینیم که مشتاق بود جاننش را برای ما فدا کند. مرگ مسیح بزرگ‌ترین تجلی فیض خدا است.

نجات با کار کفاره‌کننده مسیح شروع می‌شود

اگر می‌خواهیم ماهیت نجات را بشناسیم، باید به مفهوم کفاره توجه کنیم. کفاره واژه‌ای است که بیانگر آشتی بین دشمنان است و به عمل مصالحه اشاره می‌کند؛ یعنی تغییر موضع خصومت به دوستی و صلح. در آموزه نجات، کفاره بیانگر عملکردی است که توسط آن گناهکار نزد خدا برمی‌گردد تا با او صلح کند. معنای دیگر کفاره، رفع شدن یا پوشش است. قربانی و مرگ مسیح سبب شد تا گناهان انسان‌ها پوشیده شود و تاوان گناه پرداخت گردد.



برای درک کامل اهمیت کفاره و جایگاه آن در نقشه نجات، به این داستان توجه کنید. روزی پدری با فرزندش بحث خیلی تندی داشتند. در نتیجه این برخورد تند، پسر خانه را ترک کرد و قسم خورد تا زمانی که پدرش زنده است به خانه برنگردد. مادر از این جدایی بسیار رنج می کشید زیرا هر دو آنها را بسیار دوست داشت. پس از گذشت ماه‌ها، خبر بیماری شدید مادر و مشرف به موت بودن او به گوش پسر رسید و او می بایست هر چه سریع تر به خانه باز می گشت. وقتی پسر وارد اتاق مادرش در بیمارستان شد، او را دید که ضعیف و ناتوان روی تخت خوابیده است. پدر و پسر هر دو در سکوت به محبوب خود نگاه می کردند و می دانستند که او با مرگ فاصله چندانی ندارد. مادر با آخرین توان خود با دستش، دست پدر را گرفت و با دست دیگر دست پسرش را گرفت و با عشق دست هر دو را بر روی سینه خود گذاشت و جان داد.

مرگ مسیح بر روی صلیب به معنای ملاقات خدای قدوس و انسان گناهکار است. صلیب، کفاره گناهان بشر است زیرا با مرگ نیابتی مسیح، گناهان ما پوشیده شده و تاوان آنها پرداخت گشته است و خدا و انسان به یکدیگر نزدیک می شوند.

۱۰- کدام یک از عبارات زیر نشانگر رابطه بین گناهان انسان و کار کفاره‌کننده

مسیح است؟

(a) گناهان ما، ما را از خدا جدا کرد اما کفاره مسیح، رابطه انسان را با خدا احیا نمود.

(b) گناه، بیانگر عمل ناطاعتی است که خدا و انسان را از یکدیگر جدا می‌کند اما کفاره، پوشش گناه است که عامل جدایی را رفع می‌کند.

(c) گناهان انسان با این که جدی هستند اما مخرب نمی‌باشند. کفاره، وسیله‌ای برای نشان دادن مقاصد خوب انسان است حتی اگر انسان نتواند و یا نخواهد در اطاعت از فرامین خدا زندگی کند.

ضرورت کفاره

برای بعضی‌ها این سؤال مطرح است که چرا خدا انسان را در گناهش ترک نکرد و یا چرا به‌سادگی او را فردی خوب و عادل اعلام ننمود؟ کتاب مقدس نشان می‌دهد که خدا محبت است اما عادل و قدوس نیز می‌باشد. او نمی‌خواهد که هیچ انسانی هلاک شود اما نمی‌تواند گناهان انسان را بپذیرد و از خطایای انسان‌ها اغماض نماید. خدا برای آن که رابطه انسان را با خودش احیاء نماید، راه حل کفاره را تدارک دید. این راه حل در شخص عیسی مسیح و کار او می‌باشد. در مسیح عدالت به کمال می‌رسد، او با زندگی‌اش به‌جای ما شریعت را کاملاً حفظ نمود و با مرگش تاوان نافرمانی و گناهان ما را پرداخت.

در کفاره، عدالت و محبت الهی به کمال می‌رسند. مردم از قدرت گناه آزاد می‌شوند و برای مشارکت با خدا تقویت می‌گردند.

ضرورت کفاره در کتاب مقدس به‌روشنی نشان داده شده است. اول، قدوسیت خدا نمی‌تواند گناه را نادیده بگیرد (خروج ۶:۳۴-۷ و رومیان ۳:۲۵-۲۶)؛ باید گناه پوشیده شود و رفع گردد. دوم، شریعت خدا که منعکس‌کننده ماهیت و ذات الهی

است، از گناهکار انتظار دارد تا فرامین الهی را تماماً اجرا نماید (تثنیه ۲۷:۲۶). سپس راستی خدا، کفاره را لازم می‌داند (اعداد ۱۹:۲۳ و رومیان ۴:۳). خدا به صراحت به آدم و حوا گفت که اگر از فرامینش ناطاعتی کنند، خواهند مرد. (پیدایش ۲:۱۶-۱۷ را با حزقیال ۴:۱۸ و رومیان ۶:۲۳ مقایسه کنید). راستی خدا، اقتضا می‌کرد که او کلامش را حفظ کند و تاوان گناه چه برای مجرمین و چه برای جانشین گناهکاران پرداخت گردد و در نهایت قربانی بزرگ خدا، ضرورت کفاره را نشان می‌دهد. خدا قطعاً مرگ پسرش را غیر ضروری نمی‌داند (لوقا ۲۴:۲۶ و عبرانیان ۱۰:۲ و ۲۲:۹-۲۳).

- ۱۱- آیات فوق را در ارتباط با ضرورت کفاره بخوانید. به نظر شما کدام یک از این آیات، ضرورت کفاره را با توجه به ذات خدا بهتر شرح می‌دهد؟
- ۱۲- کدام یک از عبارات زیر بیانگر ضرورت کفاره می‌باشد؟
 - a) قدوسیت، عدالت و راستی خدا کفاره گناه را اقتضا می‌کند.
 - b) بهای گران قربانی مسیح بیانگر ضرورت کفاره است.
 - c) شریعت الهی که منعکس کننده ذات خدا است، لازم می‌داند که به گناه پاسخی قاطع دهد.
 - d) همه موارد فوق بیانگر ضرورت کفاره هستند.

آموزه کتاب مقدسی کفاره

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که انسان با ناطاعتی به ورطه گناه افتاد و عیسی با اطاعت خود، به جای انسان گناهکار تاوان گناه را پرداخت (رومیان ۵:۱۲-۱۹). این بدان معنا است که عیسی به جای ما و برای ما مرد. قربانی او برای گناه، خدا را از ما خشنود نمود. عمل پرداخت تاوان گناهان و مرگ نیابتی او را در اصطلاح جانشین کیفری گویند. این اصطلاح در تعلیم کتاب مقدس درباره کفاره، نقش اساسی دارد. در اشعیا ۵۳:۵-۶ می‌خوانیم: «حال آن که به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب

گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد.»

این آیات (به همراه ۴:۵۳) به روشنی بیانگر مفهوم کفاره از طریق جانشینی است. عیسی درباره خودش چنین فرمود: «زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند» (مرقس ۱۰:۴۵). در رساله غلاطیان ۳:۱۳ پولس رسول می‌نویسد: «مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد...». تنها تفسیر این آیات این است که مسیح قدوس و بی‌گناه، تاوان گناهان انسان‌هایی را پرداخت که در واقع می‌بایست مجازات می‌شدند. در رومیان ۳:۲۱-۲۶ پولس به تفصیل این مطلب را توضیح می‌دهد و با یقین اعلام می‌دارد که مرگ مسیح نشانگر عدالت و رحمت خدا است.

۱۳- کدام یک از عبارات زیر بیانگر آموزه کتاب مقدس درباره کفاره است؟

- a) انسان به خاطر ناطاعتی و گناهانش سزاوار مجازات است.
- b) مسیح با اطاعت خود تاوان گناهان همه انسان‌ها را پرداخته است.
- c) مسیح ابتدا برای گناه خود و سپس برای گناهان سایر مردم جان داد.
- d) مسیح به عنوان جانشینی برای گناهان بشر جان داد.
- e) مسیح به جهان آمد تا با زندگی خود گناه انسان را بپوشاند.

جوانب مختلف کفاره

هنگامی که از جوانب مختلف کفاره صحبت می‌کنیم، به سادگی اقرار می‌کنیم که هیچ واژه منفردی وجود ندارد که همه جوانب کفاره را دربر بگیرد و بتواند عظمت آن را توضیح دهد. واژه‌های زیر به شما کمک می‌کنند تا کار نجات‌بخش مسیح را بهتر درک کنید.

اطاعت - از بین جوانب مختلف کفاره، تنها جنبه‌ای که بیشترین یکپارچگی را به مفهوم جامع کفاره می‌بخشد، اطاعت مسیح است. از آنجا که اطاعت جنبه‌ای است که دیگر جوانب بر آن استوار هستند، اول به آن خواهیم پرداخت.

مسیح برای آن که نجات ما را مهیا سازد، قربانی مطیع گردید. او خود را از تمام مزایای به حق برابری با خدا، محروم نمود و آزادانه صورت غلام را پذیرفت (فیلیپیان ۷:۲-۸). برای او ضروری بود تا برای مدتی مثل انسان محدود شود (عبرانیان ۲:۱۴). یوحنا این موضوع را اینگونه شرح می‌دهد: «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد» - یعنی او انسان شد (یوحنا ۱:۱۴). لوقا می‌گوید که عیسی در دوران جوانی‌اش مطیع والدین بود (لوقا ۲:۵۱) و عیسی خود شهادت داد که مأموریتش بر روی زمین اطاعت از اراده خدا می‌باشد (یوحنا ۶:۳۸).

مسیح به‌عنوان پسر انسان از فرامین شریعت اطاعت کرد. او به‌عنوان یک یهودی‌زاده از قوانین مدنی یهودیان پیروی نمود و آداب شریعت را به‌جا آورد. او همچنین از قوانین اخلاقی مثل ترس از خدا و نگاه داشتن فرامین او، اطاعت کرد. علاوه بر آن، مجازات ناطاعتی انسان از شریعت خدا را بر خود گرفت.

۱۴ - کدام یک از عبارات زیر صحیح می‌باشند.

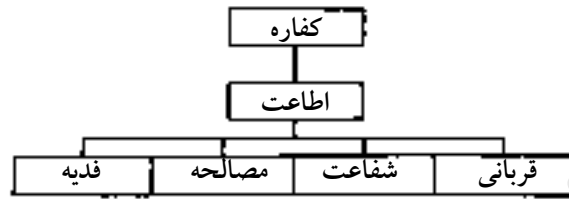
(a) با توجه به آنچه که درباره مفهوم کفاره تاکنون آموختیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که واژه کفاره دربردارنده مفاهیم (نظریه‌های) مهمی در ارتباط با کار نجات‌بخش مسیح است.

(b) مفهوم جامع (نگرش صحیح) کفاره، بر پایه اطاعت مسیح می‌باشد.

(c) اطاعت مسیح در ابتدا مربوط به خدمت او است نه زندگی شخصی و خانوادگی او.

علاوه بر نگرش جامع کفاره یعنی اطاعت مسیح، می‌توانیم به چهار واژه دیگر نیز اشاره کنیم که بیانگر عمل خدا در مرگ مسیح هستند و عبارتند از: قربانی، شفاعت، مصالحه و فدیة. هر یک از این واژه‌ها، بیانگر تدارک و تدبیر الهی در رفع نیاز خاصی

از انسان گناهکار می‌باشد. اهمیت این واژه‌ها از این جهت می‌باشند که در عهدجدید از آنها استفاده بسیار شده است.



قربانی - این واژه از مفهوم وسیعی برخوردار است و شامل تمام کارهایی است که مسیح برای نجات ما انجام داد. قربانی او گناهان انسان را پوشاند. گناه و تقصیر ما را تنها یک قربانی رفع می‌نمود. پولس می‌گوید: «و در محبت رفتار نمایید، چنانکه مسیح هم ما را محبت نمود و خویشتن را برای ما به خدا هدیه و قربانی برای عطر خوشبوی گذرانید» (افسیان ۲:۵). در عهدجدید واژه قربانی به بهترین شکل، بیانگر مرگ مسیح می‌باشد. هنگامی که کتاب مقدس مسیح را بره خدا می‌نامد که خون او ما را از هر گناه پاک می‌سازد و تعلیم می‌دهد که او به‌خاطر گناهان ما مرد، به‌روشنی درمی‌یابیم که مرگ مسیح قربانی واقعی گناه است (یوحنا ۱:۲۹، اول یوحنا ۷:۱-۹، اول قرنتیان ۳:۱۵). مرگ او به‌خاطر گناه انسان بود، او گناه را بر خود گرفت (دوم قرنتیان ۵:۲۱). خدا مسیح را قربانی گناه ساخت (اشعیا ۵۳:۱۰). او بهایی را پرداخت که ما قادر به پرداخت آن نبودیم و گذشته‌ای را پاک کرد که نمی‌توانستیم از آن آزاد شویم. مسیح قربانی ما است و مرگ او نشانگر فداکاری و تسلیم کامل است (عبرانیان ۹:۱۴ و افسسیان ۲:۵). قربانی او برای رفع غضب (خشم) خدا کافی بود تا همه موانع موجود بین خدا و انسان را بردارد (عبرانیان ۹:۲۸ و اول پطرس ۳:۱۸) تا مشارکت انسان با خدا ادامه یابد.

۱۵- کدام یک از عبارات زیر در ارتباط با قربانی مسیح صحیح می‌باشند.

- (a) گناهان انسان را می‌پوشاند.
(b) این قربانی کامل، امکان نجات را حداقل برای بعضی از انسان‌ها فراهم می‌سازد.
(c) قربانی وسیله‌ای برای رفع غضب الهی (خشم) است.
(d) قربانی مسیح، قربانی ابدی و منحصر به فرد خدا است.
(e) مرگ مسیح جنایت نبود بلکه یک قربانی بود. او اراده خدا را به کمال رساند تا کفار گناهان انسان باشد و انسان را با خدا صلح دهد.

شفاعت - خشم طبیعی خدا از گناه، با شفاعت برطرف می‌گردد. شفاعت به معنای فرونشاندن (آرام کردن) خشم عادلانه خدا از طریق قربانی و کفار مسیح است. مسیح، شفیع نامیده شده است (رومیان ۳:۲۵، اول یوحنا ۲:۲ و ۴:۱۰). مفهوم خشم خدا را در سراسر کتاب مقدس به خصوص در عهد عتیق می‌بینیم که بر جدیت و وخامت واقعیت گناه تأکید دارد. عیسی مسیح با رنج و مرگ نیابتی خود، غضب الهی را فرو نشاند (آرام کرد) و در نتیجه شفاعت خود، مجازات گناه را از دوش گناهکار برداشت.

عده‌ای از مردم به علت عدم درک صحیح محبت خدا، مفهوم خشم الهی را رد می‌کنند. اما خشم خدا مثل خشم ما نیست. ما عصبانی می‌شویم چون آسیب دیده‌ایم یا رنجیده‌خاطر شده‌ایم و از کوره در می‌رویم. اما خشم خدا خشمی است صحیح و شرعی بر ضد گناه و انسان‌های گناهکار. او در خشم خود کنترل خود را از دست نمی‌دهد.

۱۶- جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- (a) غضب (خشم) خدا، هیجان و احساس کنترل نشده‌ای نیست بلکه خشمی است ثابت و پایدار بر علیه گناه.
- (b) واژه شفاعت، بیانگر فرو نشانیدن خشم شخصی است.
- (c) شفاعت، عدم رضایت الهی را که نتیجه گناه است رفع می‌کند و این کار از طریق مجازات تک تک گناهکاران صورت می‌پذیرد.

مصالحه - مصالحه، جدایی انسان گناهکار را از خدا از میان برمی‌دارد. کتاب مقدس به ما می‌گوید که گناهکاران، دشمنان خدا هستند (رومان ۵: ۱۰-۱۱، کولسیان ۱: ۲۱ و یعقوب ۴: ۴). گناه انسان سبب قطع رابطه او با خدا گردید (اشعیا ۵۹: ۲). مسیح مرد تا علت این جدایی و دشمنی که همانا گناه بود، رفع گردد. خدا برای تصحیح و تقویت این رابطه منفصل قدم اول را برداشت: «... هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد» (رومان ۵: ۸) و «یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد...» (دوم قرنتیان ۵: ۱۹). بنابراین مصالحه، رفع موانع موجود در رابطه بین خدا و انسان است که به برقرار شدن رابطه می‌انجامد.

۱۷- آیا تا به حال باعث رنجش دوست نزدیک خود شده‌اید یا گناهی را برضد او انجام داده‌اید که بعد درصدد رفع آن کدورت‌ها برآیید و رابطه را تصحیح نمایید؟ در آن زمان چه احساسی داشتید؟ دوست شما چه احساسی داشت؟ حال باب ۱۵ انجیل لوقا را بخوانید. این باب بیانگر چه مطالبی درباره احساسات خدا است؟ پاسخ را در دفترچه خودتان یادداشت نمایید.

فدیه - انسان اسیر گناه است و فدیه این اسارت را برمی‌دارد. فدیه، بیانگر پرداخت بهایی است که سبب رهایی انسان از چنگال شریر می‌شود. آزادی از گناه و مجازات آن، مستلزم پرداخت بها است و مرگ کفاره‌کننده نجات‌دهنده ما، بهای

آزادی ما است. نویسنده رساله به عبرانیان اعلام می‌دارد که مرگ او برای کفاره تقصیرات بود (عبرانیان ۹:۱۵). مسیح همچنین «ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد» (غلاطیان ۳:۱۳). بدون رهایی از چنین لعنتی، نجات ممکن نبود. علاوه بر آزادی از لعنت، ما از اسارت شریعت نیز رها شده‌ایم و دیگر لازم نیست که حفظ آداب شریعت را شرط پذیرفته شدن در حضور خدا بدانیم.



۱۸- توضیحات ستون سمت راست را با جوانب مختلف از مفهوم کفاره، در ستون چپ تطبیق دهید.

- | | |
|----------------|---|
| (۱) اطاعت مسیح | (a) بیانگر فرونشاندن غضب خدا است. |
| (۲) قربانی | (b) گناه انسان را می‌پوشاند و آن را کفاره می‌کند. |
| (۳) شفاعت | (c) موانع بین رابطه انسان و خدا را اصلاح می‌نماید. |
| (۴) مصالحه | (d) با پرداخت بها انسان را از اسارت آزاد می‌کند. |
| (۵) فدیة | (e) بعدی که تمام ابعاد دیگر را در خود جمع می‌نماید. |

وسعت کارکرد کفاره

اگر می‌خواهیم درباره وسعت کارکرد کفاره بحث کنیم، باید به این سؤال پاسخ دهیم: آیا هدف خدا از مرگ مسیح نجات همه مردم بود یا فقط عده‌ای منتخب را شامل می‌شد؟

۱۹- اول تیموتائوس ۴:۲ و ۶، ۱۰:۴، عبرانیان ۹:۲، دوم پطرس ۹:۳، اول یوحنا ۲:۲ را بخوانید. با عبارات خود بیان کنید که موضوع این آیات چیست و این موضوع چگونه دیدگاه ما را نسبت به وسعت یا کارکرد کفاره بهبود می‌بخشد؟ لطفاً در دفترچه خودتان به آن پاسخ دهید.

ارزش کفاره نامحدود است اما کاربرد آن محدود می‌باشد. مرگ کفاره‌کننده مسیح برای نجات همه انسان‌ها کافی است اما تنها ایمانداران از برکات آن بهره می‌برند. خدا آنقدر جهان را محبت نمود که پسر خود را برای نجات آن بخشید (یوحنا ۳:۱۶) (در درس بعد خواهیم دید که هر شخص باید به تدارک و تدبیر خدا پاسخ دهد).

نجات نیازهای روحانی انسان را رفع می‌کند

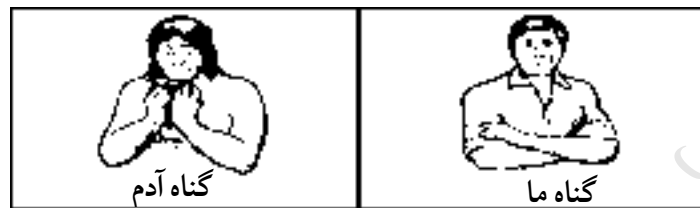
یکی از دلایل اساسی مطالعه آموزه نجات، رفع نیازهای روحانی انسان می‌باشد. ما مسیحیان مسئولیم که پیغام نجات را با همه مردم در میان بگذاریم اما باید نیازهای مردم را بشناسیم و مسیح را به عنوان پاسخگوی نیازهای آنها معرفی کنیم.

گناه انسان

کتاب مقدس درباره سرشت انسان دو حقیقت را بیان می‌کند که عبارتند از: گناه و پیامدهای ناگوار آن. گناه، قصور در زندگی مطابق با شریعت خدا است و یا به عبارتی دیگر نقض آگاهانه فرامین خدا می‌باشد. گناه، امری فراتر از ناپااعتی است. گناه، زندگی خودمحو رانه‌ای است که در آن خدا نقشی ندارد. ما مخلوقات هستیم که از نعمت عقل و اراده آزاد برخورداریم. ما می‌دانیم چه کاری را نباید کرد و یا باید انجام داد، می‌دانیم چگونه باید و یا نباید رفتار کنیم اما در عمل گناه می‌ورزیم.

هر انسان از دو جهت گناهکار است. اول آن که او گناهکار متولد می‌شود و دوم آن که او آگاهانه مرتکب گناه می‌شود. گناه آدم، تمام بشر را زیر محکومیت برد زیرا او نماینده نسل انسان بود (رومان ۵:۱۲). بنابراین هنگامی که آدم سقوط کرد، همه

نسل انسان با او سقوط نمود و بشر وارث سرشتی گناه‌آلود شد. همین سرشت گناه‌آلود، انسان را به تمرد و طغیان در برابر خدا وامی‌دارد. علاوه بر آن، انسان به‌خاطر گناهان خودش مسئول است (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱).



۲۰- با عبارات خود گناه را تعریف کنید و دو جنبه‌ای را که به‌خاطر آنها همه انسان‌ها گناهکار هستند نام ببرید. پاسخ را در دفترچه خودتان بنویسید.

وضعیت و خیم انسان

نتیجه گناه انسان جدایی از خدا و دیگر انسان‌ها است. سقوط انسان و متعاقب آن برخورداری از یک سرشت گناه‌آلود، سبب شد تا انسان کاملاً آلوده گناه گردد و جزء جزء وجودش یعنی ذهن، احساس و اراده‌اش تحت تأثیر گناه قرار گیرد. به همین جهت انسان از نجات دادن خود ناتوان است. ذهن انسان آنقدر از گناه تاریک گشته که توانایی درک مسائل روحانی را ندارد (اول قرنتیان ۲: ۱۴). برای انسان مسائل روحانی احمقانه به‌نظر می‌آید و چون بصیرت روحانی ندارد، قادر به درک حقایق الهی نیست. ذهن طبیعی انسان نمی‌تواند امور روحانی را درک کند و به اطلاعات دیگری که تنها ثمره کار روح القدس است، احتیاج دارد تا به بینشی روحانی دست یابد.

اراده انسان به‌دلیل عدم بصیرت روحانی، در بردگی گناه، اسیر می‌باشد. پولس می‌گوید «تفکر جسم دشمنی خدا است، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی‌کند زیرا نمی‌تواند هم بکند و کسانی که جسمانی هستند نمی‌توانند خدا را خوشنود سازند» (رومیان ۷: ۸-۷). از این حقایق می‌توانیم به نتایجی دست یابیم.

(۱) انسان سقوط کرده قادر به تفکر صحیح نیست، اراده‌اش تحت تأثیر گناه است و نمی‌تواند عملی به‌واقع خوب انجام دهد.

(۲) انسان می‌تواند در بعضی موارد به‌خاطر فیض عام خدا، کارهای خوب انجام دهد.

(۳) توانایی انتخاب و قدرت عمل انسان به‌خاطر واقعیت بردگی او به گناه، محدود است (رومیان ۶:۱۷ و ۲۰).

(۴) تنها راه رهایی از اسارت گناه، فیض نجات‌بخش خدا است.

کتاب مقدس این حقیقت بزرگ را به ما تعلیم می‌دهد که انسان دارای اراده‌ای آزاد است تا بین خوبی و بدی یکی را انتخاب کند. هر چند که شرارت قدرت عمل این اراده را تضعیف کرده ولی باز هم انسان می‌تواند با اراده‌ی آزاد خود به سوی خدا بازگردد، توبه کند و به او ایمان آورد.

۲۱- متی ۲:۳ و ۳:۱۸ و لوقا ۳:۱۳ و یوحنا ۶:۲۹ و اعمال ۲:۳۸ و ۳:۱۹ را بخوانید. این آیات نشانگر چه حقیقتی درباره آزادی انسان هستند. لطفاً در دفترچه خودتان به این سؤال پاسخ دهید.

فرمان خدا این است که انسان گناهکار توبه کند. انسان این توانایی را دارد که به فرمان خدا پاسخ مثبت دهد چون اگر غیر از این بود معنای زندگی و آزادی انسان زیر سؤال می‌رفت. انسان با کمک خدا می‌تواند طبق خواست و اراده‌ی او عمل کند. اراده خدا توبه انسان از گناهان، ایمان به عیسی مسیح و پذیرش نجات خدا است (فیلیپیان ۲:۱۲-۱۳). نجات از طریق عیسی مسیح تنها راه حل گناه انسان است.

- ۲۲- عبارات صحیح را که بیانگر وضعیت وخیم انسان می باشند و اینکه چطور نجات نیازهای انسان را رفع می کند مشخص کنید.
- (a) گناه فقط ذهن انسان را آلوده می کند و در نتیجه با تباهی قدرت تفکر او زندگی اش نابود می گردد.
- (b) پیامد گناه، جدایی از خدا و دیگر انسان ها است.
- (c) گناه بر تمام ابعاد زندگی انسان یعنی فکر، احساس و اراده تأثیر گذاشته و انسان را کاملاً آلوده ساخته است.
- (d) نجات، سرشتی تازه به انسان می بخشد و به انسان این توانایی و اشتیاق را عطا می کند تا طبق فرامین خدا زندگی کند.
- (e) تنها راه رهایی از گناه داشتن انگیزه های خوب است. شخص نیاز خود را به توبه از گناه تشخیص می دهد و به خدا ایمان می آورد.

خودآزمایی

پس از مرور درس، خودآزمایی را انجام دهید. سپس پاسخ‌های خود را با پاسخنامه انتهای کتاب مقایسه کنید. پاسخ‌های غلط خود را مرور کنید.

۱) نجات از فیض خدا سرچشمه می‌گیرد. کدام یک از عبارات زیر درباره فیض صحیح می‌باشند.

a) فیض را می‌توان محبت خدا برای انسان‌های ناشایست تعریف نمود. محبتی که دلیل آشکاری برای ابراز آن وجود ندارد.

b) به‌سادگی می‌توان گفت که فیض، بخشش بلاعوض خدا برای انسان خاطی است.

c) فیض، لطف خدا است که گناه را نادیده می‌گیرد.

d) فیض خدا گناه را تحمل نمی‌نماید بلکه راهی برای رفع آن تدارک می‌بیند.

e) فیض عام مربوط به همه انسان‌ها است و آنها را به‌سوی نجات می‌آورد.

۲) نجات با کار کفاره‌کننده مسیح آغاز می‌گردد. کدام یک از عبارات زیر درباره کفاره صحیح هستند.

a) کفاره به‌خاطر قدوسیت خدا و گناهکار بودن انسان ضروری بود.

b) موضوع مرکزی کفاره، نادیده گرفتن و یا پنهان نمودن گناه است.

c) یکی از معانی کفاره، مصالحه دشمنان با یکدیگر است.

d) جانشین کیفری، اشاره به مرگ جانشینی عیسی مسیح دارد که تاوان گناهان انسان را پرداخت می‌کند.

e) شفاعت واژه‌ای است که اشاره به فرونشاندن خشم شخص مجروح می‌کند.

f) قربانی جنبه‌ای از کفاره است که تمام مفاهیم و ابعاد دیگر مربوط به کفاره را در خود جمع می‌کند.

(g) کفار مسیح برای نجات همه انسان‌ها کافی است اما تنها ایمانداران از برکات آن بهره‌مند می‌گردند.

(۳) نجات نیازهای انسان را رفع می‌کند. کدام یک از عبارات زیر در ارتباط با گناه انسان و پیامدهای ناگوار آن است.

(a) گناه، قصور در حفظ شریعت خدا و نقض آگاهانه آن می‌باشد.

(b) طبق کتاب مقدس، گناه آدم هیچ ارتباطی با انسان ندارد.

(c) گناه، انسان را خودمحور و نسبت به خدا بی‌اعتنا می‌گرداند.

(d) وضعیت وخیم انسان به سبب گناه، او را از خدا جدا می‌کند و در نتیجه تمام وجودش آلوده به شرارت می‌گردد. بنابراین تنها راه حل ممکن برای انسان، نجات توسط عیسی مسیح است.

(e) مشکل انسان بزرگ می‌باشد زیرا او قربانی سرنوشت است. انسان نمی‌تواند با اراده آزاد خود به سوی خدا باز گردد.

(f) با توجه به فرامین متعدد کتاب مقدس برای توبه انسان می‌توانیم نتیجه بگیریم که انسان قربانی سرنوشت نمی‌باشد بلکه می‌تواند با کمک روح خدا به سوی خدا باز گردد.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

پاسخ به سؤالات درس به ترتیب شماره نمی‌باشد تا هنگام مطالعه، پاسخ شماره بعدی اشتباهاً خوانده نشود.

d (۱۲)

۱) پاسخ شما. شما احتمالاً پاسخ می‌دهید که فیض، بخششی است که نمی‌توان آن را با تلاش انسانی به‌دست آورد یا محبتی است برای شخصی که شایستگی دریافت آن را ندارد. فیض، اساس رحمت خدا برای انسان‌هایی است که سزاوار دریافت آن نیستند.

a (۱۳) صحیح

b) صحیح

c) غلط

d) صحیح

e) صحیح

۲) آیه ۴۵ بیانگر فیض عام خدا است.

a (۱۴) صحیح

b) صحیح

c) غلط

۳) آیه ۴ نشانگر نیکویی خدا است که انسان‌ها را به توبه دعوت می‌کند.

a (۱۵) درست

b) غلط

c) درست

(d) درست

(e) درست

(۴) عهدعتیق مکاشفه‌ای ناکامل از خدا به ما می‌دهد. اما عهدجدید مکاشفه‌ای کامل‌تر از خدا در عیسی مسیح ارائه می‌کند. از طریق عیسی مسیح، مکاشفه کامل فیض خدا را دریافت می‌کنیم.

(۱۶) (a) درست

(b) درست

(c) غلط

(۵) (a) فیض عام

(b) فیض نجات‌بخش

(c) فیض عام

(d) فیض عام

(e) فیض نجات‌بخش

(۱۷) پاسخ شما. یاد می‌گیریم که خدا هنگامی که به‌سوی او برمی‌گردیم بسیار خوشحال می‌شود.

(۶) (b) همانگونه که در عهدجدید می‌بینیم، عیسی فیض خدا را به‌طرز کامل‌تری آشکار نمود.

(۱۸) (a) ۳- شفاعت

(b) ۲- قربانی

(c) ۴- مصالحه

(d) ۵- فدیة

(e) ۱- اطاعت مسیح

(۷) ۱۶ بار

(۱۹) پاسخ شما. به یقین مسیح برای گناهان تمام جهان جان داد. کلام خدا ما را متقاعد می‌سازد که تدارک خدا برای نجات نامحدود است و شامل همه انسان‌ها می‌گردد.

(۸) ۵ کتاب: یعقوب، اول و دوم و سوم یوحنا و یهوذا

(۲۰) پاسخ شما. گناه، قصور در اطاعت از فرامین خدا و نقض آگاهانه آنها است. گناه به معنای خود-محوری و نادیده انگاشتن خدا است. گناه از سرشت گناه‌آلود ما سرچشمه می‌گیرد که آن را از آدم به ارث برده‌ایم و با کارهای گناه‌آلود خود مهر تأییدی بر آن می‌زنیم.

(۹) (b) تقریباً ۴ برابر عهدعتیق ذکر می‌شود.

(۲۱) پاسخ شما. این آیات بیان می‌دارند که انسان باید تصمیم بگیرد. اگر انسان قادر به پاسخگویی نبود تمام این فرامین بی‌معنا می‌گشتند.

(۱۰) (c) غلط

(۲۲) (a) غلط

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(e) غلط (انگیزه‌های خوب نمی‌توانند ما را نجات دهند. پذیرش عیسی مسیح اساس نجات است).

(۱۱) پاسخ شما. با توجه به ذات خدا، به‌نظر من در ارتباط با ضرورت کفاره رومیان ۲۵:۳-۲۶ بسیار مفید می‌باشد. لوقا ۲۴:۲۶ نیز در این باره آیه بسیار قاطعی است.

انسان مسیر خود را تغییر می دهد: توبه

روزی روزگاری پسر کوچکی زندگی می کرد که عاشق شیرینی و به خصوص آب نبات و بیسکویت بود. یک روز مادرش در حالی که بیسکویت می پخت به او گفت: «پسر، تا بعد از شام بیسکویت نخور».

اما آن پسر نمی توانست آن بیسکویت های خوشمزه و وسوسه کننده را فراموش کند و هر چه زمان می گذشت، گرسنگی و اشتیاقش بیشتر می شد. سرانجام خیلی آرام به آشپزخانه رفت و ظرف شیشه ای بیسکویت را باز کرد و دو یا سه بیسکویت از آن درآورد. اما هنگامی که در ظرف را با عجله سر جایش می گذاشت، ظرف از دستش افتاد و شکست. مادرش سراسیمه وارد آشپزخانه شد تا ببیند چه اتفاقی افتاده است. پسر می دانست که مادرش او را تنبیه خواهد کرد پس عاجزانه گفت: «مادر، من متأسفم. خواهش می کنم مرا تنبیه نکن». مادرش زنی دلسوز و فهمیده بود پس با لحنی جدی گفت: «بله می دانم که پشیمان هستی. اما نه برای این که از من ناطاعتی کردی و بیسکویت ها را برداشتی بلکه چون در حین انجام کار بد غافلگیر شدی».

در این مورد، آن پسر توبه کار نبود بلکه از پیامدهای اقدامش پشیمان و ناراحت بود. در این درس، شما به بررسی تفاوت بین توبه واقعی و پیامدهای ناشی از گناه خواهید پرداخت. با درک ماهیت توبه واقعی در خواهید یافت که چگونه خدای قدوس و با محبت و انسان گناهکار می توانند به یکدیگر نزدیک شوند و شما می توانید حرکت ملایم و شیرین روح خدا را در تشویق انسان به توبه بهتر درک کنید و برای آن خدا را سپاس گوئید.



رئوس مطالب

- ماهیت توبه
- جوانب مختلف توبه
- ثمره توبه
- تأکید عهد جدید
- تجربه توبه

اهداف درس

- در پایان این درس باید بتوانید:
- توضیح دهید چرا توبه در آموزه نجات امری ضروری است.
 - جوانب مختلف توبه را تجزیه و تحلیل کرده، اهمیت هر یک را شرح دهید.
 - تجربه توبه را شرح دهید و نتایج آن را بیان کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- (۱) رئوس مطالب و اهداف آن را با دقت مطالعه کنید.
- (۲) لوقا ۱۱:۲۴-۲۵ را چند بار با دقت بخوانید.
- (۳) متن درس را بخوانید و به همه سؤالات پاسخ دهید.
- (۴) به خودآزمایی انتهای درس پاسخ دهید.

متن درس

ماهیت توبه

در درس اول آموختیم که خدا نجات را برای همه انسان‌ها مهیا ساخته است و از طریق کار کفاره‌کننده مسیح، راهی برای انسان تدارک دیده تا بتواند به حضور خدا وارد شود. همچنین دیدیم که نجات، تمام نیازهای روحانی انسان را رفع می‌کند و انسان را به یک زندگی پر از برکت و شادی و مملو از آرامش و در نهایت حیات جاوید رهنمون می‌شود. اما برای آن که واقعه عجیب و آنی نجات رخ دهد، انسان باید هدیه خدا را قبول کند. پاسخ انسان به خدا با توبه شروع می‌شود.

عنوان این درس بیانگر این حقیقت است که توبه، تغییر ایجاد می‌کند. برای عده‌ای از مردم، توبه تغییری ناخوشایند است زیرا نمی‌خواهند از زندگی خود-محوری خود، دست بردارند. برای افرادی که هیچ هدف و امیدی در زندگی ندارند، تابش نور انجیل در زندگی آنها نویدبخش تغییری احیاءکننده است. دگرگونی که با آرامش ذهن، آزادی از ترس و امیدی بی‌زوال همراه است. اگر فیض خداوند ما عیسی مسیح را بشناسیم که می‌تواند زندگی افسردگان را دگرگون سازد، انسان‌های خودخواه را متبدل کند و به زندگی جهت دیگری ببخشد، آنگاه توبه به‌عنوان حقیقتی ضروری و غیرقابل اجتناب خواهد بود که باید اعلام شود. توبه، شرط اساسی نجات است (لوقا ۱۳: ۲-۵). توبه به همراه ایمان دگرگونی ایجاد می‌کند.

تعریف توبه

پسری کوچک توبه را این‌گونه تعریف می‌کند: «تأسف کافی برای ترک کردن». توبه مثل یک سکه دو طرف دارد.

۱) تشخیص گناه و روی‌گردان شدن از آن و اعتراف گناه به خدا.

۲) قدم دوم، فراتر از بازگشت صرف از گناه می‌باشد و به معنای ترک کامل همه گناهان است.

توبه همچنین دربردارنده مفاهیمی از قبیل حس تأسف و غم (ناراحتی و اندوه) و تسلی خاطر نیز می‌باشد. علاوه بر آن توبه به معنای بازگشت و تغییر شیوه زندگی است. در این معنا، توبه نشانگر تغییر فکر و هدف در زندگی است.

۱- کدام یک از عبارات زیر کامل‌ترین تعریف برای توبه است؟

- (a) توبه احساس تأسف برای گناهان خود است.
 (b) توبه بازگشت از گناهان خود است چون گناهان من شخص دیگری را غمگین کرده است.
 (c) توبه، تشخیص گناه، تأسف برای آن، روی‌گردان شدن و ترک کامل آن می‌باشد.



در بررسی مفهوم توبه، در پاره‌ای از بخش‌های کتاب مقدس به این نکته برمی‌خورید که خدا از بعضی از کارهای خود «پشیمان شد». حال ببینیم این عبارت چه معنایی دارد.

۲- آیات زیر را بخوانید و شرح دهید که در هر یک علت پشیمان شدن خدا چه می‌باشد؟ لطفاً به کلماتی توجه کنید که بیانگر تغییر فکر او می‌باشد.

- (a) پیدایش ۵:۶-۷
 (b) خروج ۳۲:۷-۱۴
 (c) اول سموئیل ۱۱:۱۵

این آیات نشان می‌دهند که خدا به‌خاطر طرز فکر و اعمال قومش غمگین گشت. گناه، ناپااعتی و طغیان آنها بر علیه معیار اخلاقی مشخص خدا، نیاز به توبه و تغییر را ایجاب می‌کرد.

۳- این آیات را با دقت بخوانید: مزمو ۵:۱۴۷، امثال ۱۱:۱۵، اشعیا ۱۰:۴۶، عبرانیان ۱۳:۴. این آیات چه حقیقتی را درباره خدا آشکار می‌کنند؟

آموختیم که خدا از قبل می‌دانست که پاسخ مردم در مورد فیض و نقشه نجات‌بخش او چه خواهد بود. سرشت به‌ظاهر آزاد اما آلوده به گناه انسان، که تحت تأثیر مرگبار شیطان است، نمی‌تواند شخصیت پاک و عادل را آنگونه که خدا انتظار دارد در او پدید آورد. هنگامی که خدا انسان را خلق کرد، قوم اسرائیل را برگزید و یا شائول را انتخاب نمود، نحوه پاسخگویی و عکس‌العمل آنها را مشخص نکرد. گر چه او از پیش می‌دانست که هر یک از آنها در آینده چه عکس‌العملی در مقابل فیض او نشان خواهند داد. هر کدام این فرصت را داشتند تا به دعوت الهی پاسخ مثبت دهند اما این گونه عمل ننمودند. (مبحث پیش‌دانی خدا را در درس ۵ عمیق‌تر بررسی خواهیم کرد).

به‌یاد داشته باشیم که ذات خدا تغییرناپذیر است. اعمال خدا در تطابق با ذات او است. تصمیم خدا را در فرمان عادلانه او نسبت به نینوا می‌بینیم، «بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد» (یونس ۴:۳) این فرمان از ذات عادل و غیرقابل تغییر او سرچشمه می‌گیرد. اما هنگامی که مردم نینوا توبه کردند، سایر خصوصیات لاتغییر الهی، از جمله حلم و ترحم سبب شدند تا خدا از تصمیم خود منصرف شود و شهر نابود نگردد. در این مورد خدا تغییر نکرد بلکه مردم تغییر کردند. تمام آیاتی را که بیانگر انصراف خدا از تصمیمش می‌باشد، باید در پرتو همین نگرش دید.

- ۴- واکنش خدا را در موقعیت‌هایی که در این درس به آنها اشاره شد، دیدیم. کدام یک از جملات زیر توبه را به بهترین شکل توضیح می‌دهد.
- (a) عملی که خدا تنها براساس اقتدار خود به آن دست می‌یازد.
- (b) پاسخ خدا به شکست انسان.
- (c) هدف تغییرناپذیر خدا در داوری، مجازات و نابودی انسان.

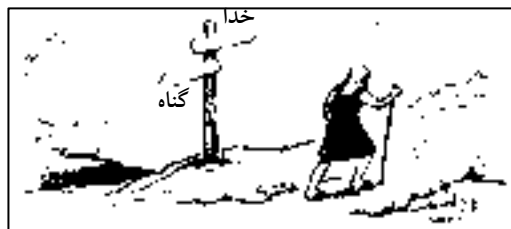
در عهدجدید با نمونه‌هایی روبرو می‌شویم که به‌روشنی بیانگر مفهوم توبه می‌باشند. در متی ۲۸:۲۱-۳۱ عیسی مثل دو پسر را بیان می‌کند. در این مثل پدر از پسر بزرگتر می‌خواهد تا به تاکستان برود و در آنجا کار کند. پسر پاسخ داد: «نمی‌روم». اما بعد فکرش تغییر کرد و رفت. کلمه یونانی تغییر فکر (توبه) به معنای «پشیمان شدن، ندامت و تغییر احساس» نیز می‌باشد. در ارتباط با مفهوم توبه، عبارات دیگری نیز وجود دارند که بیانگر تغییر دیدگاه یا جهت‌گیری تازه در زندگی می‌باشند. شخصی که توبه می‌کند، فکر و قلبش تغییر کرده است. او متوجه خطایا و اشتباهات خود شده و صادقانه به‌خاطر آنها متأسف است و می‌خواهد گناهان خود را ترک کند. بنابراین شخصی که توبه می‌کند، دیدگاه متفاوتی نسبت به خدا و گناه پیدا می‌کند.

عمل توبه با دل‌شکستگی (لوقا ۱۸:۱۳) و روحی که شکسته است (مزمور ۵۱:۱۷) همراه می‌باشد. شخص زمانی گناهان خود را اعتراف می‌کند که زشتی و کراهت آنها او را به‌شدت تکان داده باشد. بعضی‌ها ممکن است مثل پطرس به‌شدت گریه کنند (لوقا ۲۲:۶۲). اما عمل توبه، مقوله‌ای فراتر از غم و احساس ناشی از آن است. مسئله مهم در توبه، اعتراف به گناه و تصمیم به ترک آن می‌باشد. عواطف و احساسات ما نمی‌توانند جایگزین اعتراف و ترک گناه گردند.

۵- مطابق عهد جدید، توبه.....

- (a) واکنش احساسی گناهکار هنگام مواجه شدن با گناهش می‌باشد.
(b) تأسف برای گناه و تغییر فکر نسبت به گناه و خدا می‌باشد.
(c) در ابتدا با تغییر فکر و دیدگاه همراه است اما تغییر در رفتار را شامل نمی‌شود.

گناه را ترک کنید



توبه، همراه با غمی الهی برای گناه است. غمی که در عمق وجود شخص توبه‌کار وجود دارد، به‌خاطر ترس از مجازات نیست بلکه به‌علت گناهان وحشتناکی است که بر علیه خدای قدوس، بخشنده و با محبت انجام داده است. پولس، این نوع تأسف و غم را برای ایمانداران قرن‌تس بیان می‌دارد. «غمی که برای خدا است منشأ توبه می‌باشد به‌جهت نجات که از آن پشیمانی نیست اما غم دنیوی منشأ موت است» (دوم قرنتیان ۷:۱۰).

بسیار مهم است که گناه را تشخیص داده، آن را اعتراف کنید. اما روی‌گردان شدن از گناه و ترک کامل آن نیز به همان اندازه اهمیت دارد. در ابتدای این درس دیدید که غم آن پسر کوچک به‌خاطر ناطاعتی از مادرش نبود. چرا آن غم نمی‌توانست منشأ توبه واقعی باشد؟ زیرا او نمی‌خواست از گناه خود دست بردارد و با وسوسه‌هایی که در آینده برای ارضای خواسته‌هایش روبرو می‌گردد، مبارزه نماید. توبه، به معنای روی‌گردان شدن و ترک گناه است.

۶- آیات زیر را بخوانید و در هر مورد بیان کنید که اشخاص هنگام توبه چه گناہانی را ترک کردند؟

(a) اول تسالونیکیان ۹:۱

(b) اعمال رسولان ۱۴:۱۳-۱۵

(c) اعمال رسولان ۱۸:۲۶

توبه، تنها یک واکنش احساسی نسبت به اعمال گناه‌آلود نمی‌باشد. در توبه واقعی، ترک و روی‌گردان شدن از گناه رخ می‌دهد. برای نمونه، شخصی به نام موریس در یکی از امتحانات درسی خود تقلب کرد. معلمش او را دید و به او نمره صفر داد. موریس ابراز تأسف کرد اما نه به‌خاطر آن که کار اشتباهی انجام داده بود بلکه چون گیر افتاده و چاره دیگری جز ابراز ندامت نداشت. او از تقلب‌هایی که مکرراً در گذشته انجام داده بود، متأسف نبود. او غمگین بود، اما توبه‌کار نبود. در حقیقت او در فرصتی مناسب باز هم تقلب می‌کرد.

موری نیز در امتحانی تقلب کرد اما وجدانش او را آزار می‌داد. او نزد معلمش رفت و گناہش را اعتراف کرد و مجازات خطای خود را نیز پذیرفت. او چون تصمیم گرفت که دیگر تقلب نکند، واقعاً توبه کرد. شخصی می‌گوید: «آسمان پر از گناهکارانی است که توبه کرده‌اند و جهنم پر از انسان‌های نادمی است که توبه نکرده‌اند». داشتن احساس تأسف و یا غم برای کارهای بد کافی نیست، اگر می‌خواهیم شادی بخشش گناهان را داشته باشیم، باید توبه واقعی کنیم.

۷- کدام یک از مثال‌های زیر بیانگر توبه واقعی است و کدام یک نشانگر غم نسبت به گناه می‌باشد (توبه ناقص)؟

(a) پدری در حالت مستی در حین رانندگی تصادف وحشتناکی می‌کند. فرزندش می‌میرد و دو نفر دیگر به‌شدت مجروح می‌شوند. پدر خود را مسبب این واقعه غم‌انگیز می‌داند و بسیار پشیمان می‌گردد. او تصمیم می‌گیرد که باز به دامن الکلی پناه نبرد تا این واقعه را فراموش کند.

b) حمید به گروه بسیار خشن و خطرناکی ملحق می‌شود. یک روز آنها مرد جوانی را تا آستانه مرگ کتک می‌زنند. وجدان حمید او را آزار می‌دهد. او متوجه عمل وحشتناک خود می‌گردد و آن را نزد پلیس اعتراف می‌کند و از آن گروه نیز جدا می‌شود. او باید به‌طور مرتب درباره فعالیت‌های خود به پلیس گزارش دهد و دستورالعمل‌های آنها را برای یکسال اجرا کند. او زندگی جدیدی را به‌عنوان شهروندی که حافظ قانون است، شروع می‌کند.

در سؤال ۷ شما متوجه تفاوت رفتاری بین حمید و آن پدر شدید. پدر عمیقاً از اشتباه خود متأسف شد اما دوباره به همان کاری دست زد که آن واقعه وحشتناک را به‌وجود آورد. اما واکنش حمید فراتر از تأسف و احساس صرف بود. او متوجه اشتباهات خود شد و سپس تصمیم گرفت تا از آن زندگی گناه‌آلود دست بردارد. فکر و قلب حمید تغییر کرده بود.

در انجیل لوقا ۱۹:۱۶-۳۱ داستان مرد ثروتمندی را می‌بینیم که در جهنم فریاد می‌زند تا کسی به یاری او بشتابد. او احساس پشیمانی می‌کرد، اما زمان توبه دیگر از دست رفته بود. اشخاصی که اکنون توبه نمی‌کنند، یک روز به‌خاطر گناهان‌شان گریه و شیون خواهند کرد (متی ۴۲:۱۳، ۵۰ و لوقا ۱۳:۲۸) اما نه به جهت توبه واقعی. یک روز آنها «به کوه‌ها و صخره‌ها می‌گویند که بر ما بیفتید ... زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که می‌تواند ایستاد؟» (مکاشفه ۱۶:۶-۱۷) زیرا که از گناهان خود توبه نکرده بودند.

تأسف بدون تغییر حقیقی قلب و ذهن، تنها به ناامیدی می‌انجامد. اما توبه واقعی، غمی است الهی که به نجات ختم می‌شود (دوم قرنتیان ۷:۱۰) و با تغییر قلب و ذهن همراه است. تأسف به‌خاطر اشتباهات، گناهان و خطایا (بدون تغییر قلب و ذهن) تنها ما را متوجه ضعف و گناهان‌مان می‌کند. این نوع غم ما را از خود متنفر می‌گرداند در حالی که ممکن است گناه خود را دوست داشته باشیم. اما توبه حقیقی، در رحمت و بخشش خدا را برای ما باز می‌کند. توبه حقیقی به ما کمک می‌کند که فراتر از

وضعیت ناگوار و ناخوشایند خود به صلیب مسیح نگاه کنیم، آنجا که نور، حیات و آزادی در انتظار توبه کاران است.



آزادی از گناه

۸- کدام یک از عبارات زیر بیانگر معنای توبه می باشد (آن چنانکه در کلام خدا ارائه شده است).

a) شخصی خود را شکست خورده و ضعیف می بیند. او فرامین خدا را نادیده گرفته یا آنها را زیر پا گذاشته است. او خود را مقصر می داند و پراز احساس تأسف و نفرت نسبت به خویش است. او خود را بدبخت می داند بنابراین تصمیم می گیرد تا سخت تر کار کند و کارهای خوبی انجام دهد تا گناهان خود را جبران کند.

b) شخصی متوجه می شود که فرامین خدا را زیر پا گذاشته و انجام نداده است. او کراهت و زشتی گناه خود را می بیند و برای آن عمیقاً متأسف است. او گناهانش را اعتراف می کند و تصمیم قاطع می گیرد تا دیگر گناه نکند.

در پاسخ a گزاشی نسبت به ماهیت توبه می بینیم که به عدم درک صحیح بعضی از اشخاص نسبت به معنای واقعی توبه می انجامد. این برداشت غلط از آنجا ناشی می شود که عده ای فکر می کنند که می توانند فیض خدا را با انجام کارهای خوب به دست آورند. همان گونه که دیدیم، توبه به همراه ایمان به عیسی مسیح دگرگونی ایجاد می کند. در حالی که انجام دادن کارهای خوب برای کسب امتیازات در حضور خدا امری خلاف کتاب مقدس است. هیچ چیز را نمی توان به کار کفاره کننده مسیح

اضافه نمود. به علاوه، شخص ممکن است کارهای خوبی انجام دهد اما از گناهان خود نیز دست بردارد و در نتیجه به این باور اشتباه برسد که ارتکاب گناه و نیکوکاری می‌توانند همسو با یکدیگر باشند. اما در توبه، گناهکار باید متوجه گناهان خود شود، از آنها روی گردان شده، آنها را در حضور خدا اعتراف کند و گناهانش را به طور کامل ترک نماید. تنها در این صورت است که گناهان بخشیده می‌شود و تنها توبه واقعی است که شادی نجات عظیم خدا را به ارمغان می‌آورد.

جوانب مختلف توبه

توبه کتاب مقدسی از سه بُعد یا جنبه برخوردار است که عبارتند از: فکر، احساس و اراده (که بیانگر تصمیم شخص می‌باشد). برای درک بهتر ابعاد مختلف توبه به این مثال توجه کنید. فرض کنید با اتوبوس به جایی می‌روید. ناگهان متوجه می‌شوید که سوار اتوبوس اشتباهی شده‌اید و در مسیری مخالف و به طرف مقصد دیگری می‌روید. این آگاهی، بیانگر بُعد منطقی و عقلانی قضیه می‌باشد که از طریق کلام خدا شخص متوجه می‌شود که رابطه صحیحی با خدا ندارد. هنگامی که می‌فهمید در مسیری نادرست پیش می‌روید، احساس تشویش و نگرانی می‌کنید و حتی ممکن است بترسید.

این احساسات، بیانگر جنبه احساسی واقعیت توبه می‌باشند که با غم حقیقی و حس تقصیر به دلیل رنجاندن خدا، همراه است (دوم قرن‌تیا ۷:۹-۱۰). شما در اولین فرصت از اتوبوس پیاده می‌شوید و اتوبوسی را پیدا می‌کنید که به مقصد صحیح برود. تصمیم شما بیانگر جنبه ارادی توبه می‌باشد که همان تغییر کامل، بازگشت و سفر در مسیر و جاده الهی است. این مثال ساده نشان می‌دهد که توبه واقعی بر ذهن، احساسات و اراده شخص توبه‌کار تأثیر می‌گذارد.

۹- دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت چپ جوانب مختلف توبه و ستون سمت راست تعاریف آنها می باشد.

- (a) بیانگر تصمیمی است که به تغییر مسیر ختم می گردد.
 (b) تشخیص این حقیقت است که انسان با خدا رابطه صحیحی ندارد.
 (c) بیانگر تغییر احساسات شخص نسبت به گناهانش می باشد.

(۱) فکر

(۲) احساس

(۳) اراده

بهایی را که باید برای ترک گناهان بپردازیم، بسیار بالا است. «پس همچنین هر یکی از شما که تمام مایملک خود را ترک نکند، نمی تواند شاگرد من شود» (لوقا ۱۴:۳۳).

توبه، تمام جوانب زندگی ما را دربر می گیرد. توبه فقط به معنای تشخیص گناهان و احساس تأسف برای آنها نمی باشد بلکه بیانگر اهداف و تصمیمات ما برای آینده نیز می باشد. توبه، ترک راه های گذشته و قدم زدن در طریق خدا، در اطاعت و مشارکت با او است.

اغلب ما این پیام را می شنویم که عیسی می گوید: «بیائید نزد من ای تمام زحمتکشان و گران باران و من شما را آرامی خواهم بخشید» (متی ۲۸:۱۱). ولی همان شخصی که گفت: «بیائید»، نیز گفت: «یوغ مرا بر خود گیرید» (آیه ۳۰). جهت دریافت نجات، پذیرفتن بی قید و شرط عیسی کافی نیست. امکان ندارد بتوانیم عیسی را به عنوان منجی بپذیریم اگر فکر، احساس و اراده ما معطوف به خداوند ما مسیح نباشد، زیرا این ابعاد بر تمام زندگی مان از جمله اهداف، آرزوها و علایق ما تأثیر می گذارند. باید تسلیم کامل خداوند ما عیسی مسیح گردیم و یوغ او را در قلب خود بپذیریم.

۱۰- هر یک از ابعاد زیر چگونه در توبه مؤثر هستند؟

- (a) فکر
- (b) احساس
- (c) اراده

ثمره توبه

در انجیل لوقا ۳:۳-۱۸ یحیی تعمیددهنده خبر خوش را موعظه می‌کند و به مردم اصرار می‌کند تا زندگی خود را تغییر دهند. در آیه ۸، او مردم را تشویق می‌کند که «پس ثمرات مناسب توبه بیاورید». یحیی از آنها می‌خواهد که با زندگی خود نشان دهند که توبه حقیقی کرده‌اند. ثمره توبه به معنای جبران اشتباهات گذشته و تصحیح خطایا می‌باشد.

در عهدعتیق، جبران گناهان، به عنوان یک اصل معرفی می‌شود (خروج ۱:۲۲، لاویان ۵:۶ و اعداد ۵:۶-۷). اگرچه جبران گناهان امری کتاب مقدسی است که باید به آن احترام گذاشت اما به خودی خود سبب نجات شخص نمی‌گردد.

۱۱- لوقا ۳:۸-۱۴ و ۱۹:۲-۱۰ را بخوانید و جلوی عبارات صحیح علامت

بزنید.

(a) از لوقا ۳:۱۲-۱۳ و ۸:۱۹ می‌آموزیم که زکی نمی‌خواست گناهان خود را بشناسد.

(b) لوقا ۸:۱۹ به ما می‌گوید که زکی واقعاً توبه کرد.

(c) با مقایسه لوقا ۳:۸-۱۴ با ۱۹:۲-۱۰ یاد می‌گیریم که جبران گناهان گذشته (ثمره توبه)، اعلامی به سوی خدا و انسان است مبنی بر این که از روش زندگی گذشته خود دست برداشته‌ایم.

ثمره توبه، معرف تصمیم جدی ما برای دست کشیدن از گناه و ایمان آوردن به مسیح است و بیانگر این حقیقت است که از هم اکنون در زندگی مان پیرو رهبر جدیدی هستیم. ثمره توبه، عامل نجات نیست اما نشان طبیعی این حقیقت است که فیض نجات بخش خدا را تجربه کرده ایم.

۱۲- ارتباط بین توبه و ثمره آن چیست؟

تأکید عهدجدید

پیام ثابت

کتاب مقدس اعلام می دارد که توبه اولین قدم در بازگشت انسان به سوی خدا است (حزقیال ۶:۱۴ و ۳۰:۱۸ و ملاکی ۷:۳ و لوقا ۱۳:۵ و ۵). بدون توبه هیچ کس نجات نمی یابد. بنابراین خدا در عهدعتیق و هم در عهدجدید از مردم می خواهد که توبه کنند. پیام قاطع و ثابت انبیای عهدعتیق و تأکید آنها بر توبه که با ملاکی خاتمه می یابد، دوباره در عهدجدید با پیام نیرومند یحیی تعمیددهنده و تأکید مجدد او بر توبه احیا می گردد (متی ۳:۸، ۲، مرقس ۱:۴ و لوقا ۳:۳ و ۸).

واژه توبه در عهدجدید کاربرد وسیعی دارد. تنها در عهدجدید، کلمه توبه یا توبه کردن ۶۴ بار به کار رفته است. یحیی تعمیددهنده در صحرای یهودا به قوم یهود هشدار داد که توبه کنند زیرا که مسیح می آید (متی ۳:۱-۱۲). پیام توبه او نتایج بسیاری به بار آورد و عده زیادی از مردم توبه کردند و زندگی جدیدی در خدا پیدا نمودند. بدون شک عده بسیاری از همین مردم که صادقانه به پیام یحیی پاسخ مثبت دادند، در روز پنطیکاست به کلیسا ملحق شده، خدا را پیروی کردند.

عیسی خدمت آشکار خود را از جلیل آغاز نمود و مثل یحیی اعلام کرد: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۱۷:۴ را با مرقس ۱:۱۵ مقایسه کنید). در متی ۱۷:۴ توبه، به معنی بازگشت از گناهان می باشد زیرا ملکوت آسمان نزدیک

است. توبه در موعظه عیسی و سپس شاگردان او جایگاه مهمی داشت (متی ۱۱:۲۱-۲۲ و ۴۱:۱۲ و لوقا ۵:۳۲ و مرقس ۶:۱۲).

یکی از آخرین فرامینی که عیسی قبل از صعود خود به آسمان داد، پیام توبه و آمرزش گناهان برای همه ملل بود (لوقا ۲۴:۴۷ و اعمال رسولان ۸:۱). اما پیام کامل توبه و ایمان را در کتاب اعمال رسولان می‌بینیم، کتابی که از ابتدا تا انتها بر عمل توبه تأکید دارد. پطرس در روز پنتیکاست به موعظه توبه برای نجات از گناه می‌پردازد و هزاران نفر توبه می‌کنند (اعمال ۲:۳۸). او کمی بعد از واقعه پنتیکاست، همین پیام را دوباره اعلام می‌کند و بسیاری از مردم از گناهان خود توبه کردند و به سوی خدا بازگشت نمودند (اعمال ۳:۱۹). پطرس در رساله خود درباره خداوند چنین می‌گوید: «خداوند در وعده خود تأخیر نمی‌نماید چنانکه بعضی تأخیر می‌پندارند بلکه بر شما تحمل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند» (دوم پطرس ۳:۹).



یحیی تعمیددهنده

عیسی مسیح

پولس رسول

پولس در شهر آتن توبه را موعظه می‌کند (اعمال ۱۷:۳۰) و خدمت خود را چنین خلاصه می‌کند: «به یهودیان و یونانیان نیز از توبه به سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح شهادت می‌دادم» (اعمال ۲۰:۲۱). پولس در ارتباط با عدم توجه به توبه، چنین می‌گوید: «پس خدا از زمان‌های جهالت چشم پوشیده، الان تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند» (اعمال ۱۷:۳۰).

۱۳- در دفترچه خود ۴ نفر را از عهدجدید نام ببرید که توبه را موعظه کردند و بنویسید که پیام هر یک حاوی چه نکته‌ای بود.

۱۴- کدام یک از عبارات زیر بیانگر تأکید عهدجدید بر توبه است. جلوی آن علامت بزنید.

(a) توبه، دعوت خدا از مردم است تا او را بشناسند.
(b) پیام یحیی تعمیددهنده برای توبه، ادامه پیام انبیای عهدعتیق برای بازگشت به سوی خدا و نیکوکاری است.

(c) پطرس و پولس پیام توبه را فقط برای یهودیان موعظه کردند.
(d) پیام اصلی یحیی تعمیددهنده، عیسی و شاگردانش و کلیسای اولیه، توبه بود.

توبه، مقوله‌ای است که به دفعات در کتاب مقدس بیان می‌گردد. زیرا تا زمانی که نیاز به نجات از گناه وجود دارد، باید توبه موعظه شود. این پیام از زمان سقوط انسان آغاز گشت و تا پایان دوران فیض و آغاز داوری خدا ادامه خواهد داشت.

چه کسی باید توبه کند

دعوت توبه برای همه انسان‌ها می‌باشد. «پس خدا از زمان‌های جهالت چشم پوشیده، الان تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند» (اعمال ۱۷:۳۰). این دعوت برای همه انسان‌ها است. تمام کسانی که به مسیح ایمان نیاورده‌اند، باید توبه کنند و آمرزش الهی را تجربه کرده، عضو خانواده خدا گردند (یوحنا ۱۵:۳-۱۷ و تیطس ۱۱:۲ و مکاشفه ۱۷:۲۲).

حتی اشخاصی که قبلاً به مسیح ایمان آورده‌اند و پیروان او گشته‌اند، به توبه دعوت شده‌اند. گاهی مسیحیان غیرت خود را برای مسیح از دست می‌دهند و محبت‌شان نسبت به او سرد می‌گردد. گناه مسیحیان کلیسای افسس همین بود (مکاشفه ۵:۲). از آنها دعوت می‌شود تا توبه کنند و رابطه جدیدی با مسیح آغاز نمایند. مسیحیان کلیسای لاودکیه آنقدر بی‌تفاوت شده بودند که حیات روحانی آنها

به خطر افتاده بود (مکاشفه ۱۵:۳-۱۷). توبه واقعی تنها راه علاج برای مرگ روحانی، بی‌تفاوتی و لاقیدی است. در هنگام شکست و ارتکاب گناه، تنها راه بازگشت به سوی خدا، توبه است.

قول خدا این است که اگر گناهان خود را اعتراف کنیم ما را می‌بخشد (اول یوحنا ۹:۱). این وعده در ابتدا برای مسیحیان و همه اشخاصی است که حاضرند توبه کنند.

۱۵- کدام یک از عبارات زیر بیانگر این است که چه شخصی باید توبه کند و چرا باید توبه کند؟

a) هر که به مسیح ایمان ندارد، باید از گناهان خود توبه کند و مسیح را پیروی کند.

b) مسیحیانی که در دام گناه افتاده‌اند، محبت نخستین خود را ترک کرده‌اند و از لحاظ روحانی بی‌تفاوت شده‌اند، باید توبه کنند تا وجدان خود را در حضور خدا پاک نگه دارند.

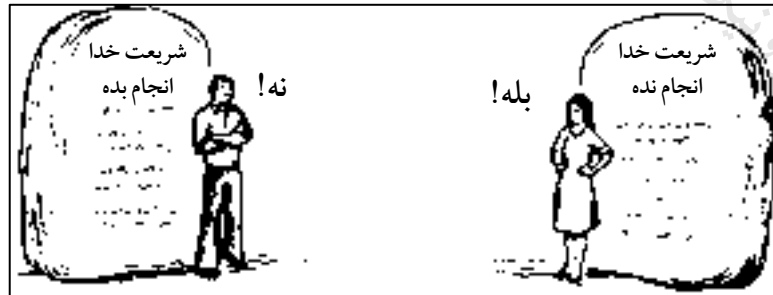
c) مسیحیان باید مثل غیرمسیحیان برای نجات خود توبه کنند.

تجربه توبه

چرا توبه ضروری است؟

برای پاسخگویی به این سؤال که چرا توبه ضروری است، باید بگوییم: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند» (رومیان ۳:۲۳). این آیه برای همه ما است و هیچ استثنائی وجود ندارد (به استثنای خداوند عیسی مسیح). همانگونه که در درس اول دیدیم گناه، قصور از زندگی مطابق با شریعت خدا و یا نقض آگاهانه فرامین او می‌باشد. سوزن‌بانی که وظیفه خود را به‌درستی انجام نمی‌دهد و باعث تصادف قطار با اتومبیل پر از سرنشینی می‌گردد، به همان اندازه جنایتکاری که آگاهانه عده‌ای را به قتل می‌رساند، مجرم است. گناه سوزن‌بان، گناه قصور، غفلت و

سهل انگاری می‌باشد. زیرا در انجام کاری که از او انتظار می‌رفت غفلت ورزیده است (یعقوب ۴:۱۷). اما گناه جنایتکاری که شخصی را به قتل می‌رساند، تعمدی و آگاهانه است. او فرمان خدا را زیر پا گذاشته است (اول یوحنا ۳:۴). گناهان ما چه ناشی از غفلت باشد (قصور در انجام دستور خدا) و چه آگاهانه (زیر پا گذاشتن دستور خدا)، ما را در حضور خدا مجرم می‌گرداند و یقیناً هر خطایی گناه است (اول یوحنا ۵:۱۷).



گناه، ما را در حضور خدا مجرم می‌گرداند و شریعت الهی، مجازات گناهکار را تقاضا می‌کند. از آنجا که تاوان گناه مرگ است (رومیان ۲۳:۶)، ما محکوم و بدون امید در وضعیت سقوط کرده و گناهکار خود باقی می‌مانیم. اما خدا به تمام کسانی که بخشش او را می‌پذیرند، حیات جاودان عطا می‌کند.

۱۶- توضیح دهید که چرا توبه ضروری است. به این سؤال در دفترچه خودتان پاسخ دهید.

توبه چگونه ایجاد می‌شود

پولس رسول در رساله رومیان ۴:۲ می‌گوید: «مهربانی خدا تو را به توبه می‌کشد». خدا با محبت و رحمت خود مردم را به توبه دعوت می‌کند (یوحنا ۶:۴۴). دعوت

خدا از مردم برای توبه به روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد. یکی از روش‌ها، موعظه کلام خدا است. هنگامی که یونس کلام خدا را برای مردم نینوا موعظه کرد، آنها ایمان آوردند و از اعمال شریرانه و رفتار بد خود دست کشیدند (یوحنا ۳: ۴، ۸ و ۱۰).

موعظه صلیب نیز سبب توبه می‌گردد. پیام محبت خدا در صلیب مسیح، مردم را عمیقاً تکان می‌دهد و به کسانی که ناامید و ناتوان از درمان گناهانشان می‌باشند و به شفای روحانی احتیاج دارند، قوت می‌بخشد (متی ۱۳: ۹). چنین محبتی برای انسان‌هایی که سزاوار بخشش الهی نیستند، سبب توبه می‌گردد.

ملاقات با خدا نیز باعث توبه می‌شود. هنگامی که ایوب عظمت خدا را دید از خود متنفر شد و توبه کرد (ایوب ۱: ۴۲-۶). موعظه کلام، موعظه صلیب و ملاقات با خدا سبب توبه می‌گردند اما خدا از روش‌های دیگری نیز استفاده می‌کند.

آیا تا به حال این سخن را شنیده‌اید که «عده‌ای فقط زمانی به‌سوی خدا نظر می‌کنند که در عمق یأس و ناامیدی به‌سر می‌برند»؟ پدر آسمانی پر از محبت، گاهی اجازه می‌دهد تا وقایع دردناکی در زندگی ما پیش بیاید تا نیاز خود را تشخیص دهیم (مکاشفه ۱۹: ۳). گاهی مشکلات، بیماری و یا پیش‌آمد غم‌انگیزی به ما کمک می‌کنند تا نیاز خود را به خدا تشخیص دهیم. داستان پسر گمشده را به‌یاد بیاورید، او زمانی که عمق فاجعه دردناک خود را دید «به خود آمد» و توبه کرد و به‌سوی خانه بازگشت (لوقا ۱۵: ۱۷-۲۰).

گاهی خدا از زندگی و شهادت‌های مسیحیان وقف شده و مردان خدا استفاده می‌کند تا دیگران را به توبه دعوت کند. بله، خدا از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند تا با قلب‌های مردم سخن گوید.

۱۷- بعضی از روش‌هایی را که خدا از آنها استفاده می‌کند تا مردم را به توبه دعوت کند، نام ببرید.

نتایج توبه چیست؟

نتایج توبه به‌راستی بسیار عظیم می‌باشند. توبه، فرشتگان خدا را در آسمان به وجد می‌آورد و در قلب گناهکار شادی ایجاد می‌کند (لوقا ۱۵:۱۰). توبه، ایمان و بخشش گناهان را به ارمغان می‌آورد. یوحنا می‌گوید: «اگر ما به گناهان خود اعتراف نماییم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد» (اول یوحنا ۱:۹). برکات بسیار دیگری نیز علاوه بر شادی غیرقابل وصفی که گناهکار تجربه می‌کند، وجود دارند.

هنگامی که ایوب توبه کرد، خدا او را شفا داد و خانواده و دارایی او را برکت داد (ایوب ۱۰:۴۲-۱۷). هنگامی که یونس توبه کرد، خدا او را از آستانه مرگ رها نمود (یونس ۱:۲-۱۰). خدا وعده داده است که «قوم من که به اسم من نامیده شده‌اند متواضع شوند و دعا کرده طالب حضور من باشند و از راه‌های بد خویش بازگشت نمایند، آنگاه من از آسمان اجابت خواهم فرمود و گناهان ایشان را خواهم آمرزید و زمین ایشان را شفا خواهم داد» (دوم تواریخ ۷:۱۴).

بازگشت



نجات

ایمان

توبه

۱۸- بعضی از نتایج توبه را نام ببرید.

خودآزمایی

جلوی پاسخ صحیح علامت بزنید.

- (۱) توبه در فرایند نجات مهم است زیرا...
- (a) اولین قدم برای بازگشت به سوی خدا است.
 - (b) ارزش شخصی را که توبه می‌کند، نشان می‌دهد.
 - (c) بیانگر حزن و غمی است که مهم‌ترین بخش توبه را تشکیل می‌دهد.
- (۲) بهترین تعریف توبه عبارت است از...
- (a) غم آشکار برای گناهان.
 - (b) شناخت گناه، تأسف برای آنچه که انجام داده‌ایم، اعتراف گناه به خدا و ترک کامل آن.
 - (c) شناخت قصورات و اشتیاق برای بهتر شدن.
- (۳) داستان آن دولتمند که برای کمک در جهنم فریاد می‌زد، به ما می‌آموزد که...
- (a) بعضی از مردم خیلی دیر گناهان خود را می‌بینند.
 - (b) باید هر چند وقت یک بار زندگی خود را مرور نماییم تا ببینیم آیا آنچه را که فکر می‌کنیم صحیح است، انجام می‌دهیم.
 - (c) اشخاصی که حالا توبه نمی‌کنند، یک روز برای گناهان‌شان ماتم می‌گیرند اما دیگر خیلی دیر است.
- (۴) جوانب مختلف توبه به ما می‌آموزد که...
- (a) سرنوشت ما در گرو توبه است.
 - (b) توبه، اساساً قدمی ساده است که مستلزم پرداخت بهایی بسیار اندک از جانب ما است.
 - (c) توبه هدیه خدا است، پس مردم در آن سهمی ندارند.

- (۵) توبه از جایگاه ویژه‌ای در کتاب مقدس برخوردار است و می‌بینیم که...
- (a) در عهدجدید از اهمیت کمتری برخوردار است زیرا که عهدجدید بر فیض خدا تأکید می‌کند.
- (b) توبه فقط در اناجیل مهم می‌باشد و در سایر بخش‌های عهدجدید تأکید چندانی بر آن نمی‌شود.
- (c) تعلیم توبه در عهدجدید به صورت جامعی بیان می‌گردد.
- (۶) بر طبق تعلیم کتاب مقدس، چه کسی باید توبه کند؟
- (a) اشخاصی که هرگز به مسیح ایمان نیاوردند.
- (b) مسیحیانی که نسبت به خدا قصور ورزیده‌اند و از لحاظ روحانی بی تفاوت شده‌اند و همچنین همه گناهکاران.
- (c) توبه فقط مخصوص برگزیدگان مقرب درگاه خدا است.
- (۷) بر طبق آنچه که در این درس آموختیم، توبه چگونه ایجاد می‌شود؟
- (a) تنها با نیکویی (محبت) خدا. توبه هدیه خدا است و انسان سهمی در آن ندارد.
- (b) توبه ثمره محبت خدا است و خدا از روش‌های مختلفی از جمله موعظه کلام، موعظه صلیب، ملاقات با خدا و یا شرایط سخت، بیماری و یا وقایع ناگوار استفاده می‌کند تا مردم را به توبه دعوت کند.
- (c) توبه، ثمره ذات خوب انسان است زیرا انسان پس از آن که پیامدهای گناه خود را دید با اشتیاق به سوی خدا می‌رود.
- (۸) کتاب مقدس اعلام می‌کند که توبه ضروری است زیرا...
- (a) همه مردم گناه کرده‌اند.
- (b) مردم چه گناهکار باشند و چه نباشند، به توبه احتیاج دارند.
- (c) توبه نشان می‌دهد که مقاصد و اهداف مردم صحیح است.

۹) جلوی کامل‌ترین پاسخ علامت بزنید. نتایج توبه عبارت است از...

- a) شادی عظیم گناهکار، خانواده و دوستانش
 - b) شادی آسمان به خاطر گناهکاری که به سوی خدا می‌رود.
 - c) توبه گناهکار باعث شادی جهان می‌گردد.
- ۱۰) طبق تعلیم کتاب مقدس، ارزش والای ثمره توبه عبارت است از...

- a) ایجاد حس عدالت شخصی در پیشگاه خدا.
- b) پیامی که به جهان می‌دهد: ثمره توبه بیانگر تغییر شخص است.
- c) ثمره توبه تضمین‌کننده نجات است.

۱۱) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت چپ جنبه‌های

مختلف توبه و ستون سمت راست تعاریف هر یک از این جنبه‌ها می‌باشند.

- a) شخص به خاطر گناهانش احساس تأسف می‌کند.
- b) شخص می‌فهمد که زندگیش خدا را خشنود نمی‌سازد.
- c) شخص تصمیم می‌گیرد که زندگی گناه‌آلود خود را کاملاً ترک کند.
- d) پسر گمشده گفت: «به خانه پدرم می‌روم».
- e) پسر گمشده به خود آمد.
- f) پسر گمشده برای گناهان زشت خود متأسف می‌شود.

۱) فکر

۲) احساس

۳) اراده

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

- (۱۰) پاسخ شما ممکن است قدری با جواب ما متفاوت باشد.
- (a) جنبه عقلی توبه، با تشخیص گناه و حقارت ما، در پیشگاه خدا ارتباط دارد.
- (b) جنبه احساسی توبه، با احساس تأسف و شرمندگی ما در قبال فیض و محبت خدا ارتباط دارد.
- (c) جنبه ارادی توبه با تصمیم به ترک گناه و بازگشت به سوی خدا ارتباط دارد.
- (۱) (c) توبه، تشخیص گناه، تأسف برای آن، روی گردان شدن از آن و ترک کامل گناه می‌باشد.
- (۱۱) (a) غلط
- (b) درست
- (c) درست
- (۲) (a) خدا هنگامی که شرارت انسان را دید پشیمان شد که چرا انسان را خلق کرده است.
- (b) به خاطر گناه قوم اسرائیل و رد کردن حضورش.
- (c) خدا به خاطر ناطاعتی شائول، پشیمان شد که او را پادشاه کرده است.
- (۱۲) ثمره توبه نشانگر توبه واقعی است. ثمره نمی‌تواند شخص را نجات دهد اما شهادتی است بر تغییر باطن شخص.
- (۳) خدا دانای مطلق است و همه چیز را می‌داند.
- (۱۳) یحیای تعمیددهنده توبه را موعظه کرد و بر آمدن مسیح تأکید کرد. عیسی نیز توبه را موعظه کرد و آن را عامل بخشش گناهان و برخورداری از ملکوت

خدا معرفی نمود. پطرس توبه را موعظه نمود و بر ایمان نجات‌بخش تأکید ورزید. پولس خدمت خود بر یهودیان و امت‌ها را بر پایه پیام توبه بنا نهاد (اعمال ۲۰:۲۱).

(۴) b پاسخ خدا به شکست انسان.

(۱۴) a درست

b درست

c غلط

d درست

(۵) b تأسف برای گناه و تغییر فکر نسبت به گناه و خدا می‌باشد.

(۱۵) a و b صحیح هستند. پاسخ c غلط می‌باشد. مسیحیان برای آن که وجدان

پاک و رابطه شفافی با خدا داشته باشند، توبه می‌کنند نه برای نجات خودشان چون قبلاً نجات یافته‌اند.

(۶) a بت‌پرستی

b بت‌پرستی و خرافات

c تاریکی و شیطان

(۱۶) همه ما گناهکاریم و در اجرای اراده خدا و دستوراتش قصور ورزیده‌ایم.

مجازات شخصی که توبه نکرده مرگ است. اما توبه‌کاران بخشش و محبت الهی را دریافت می‌کنند.

(۷) b

(۱۷) مهربانی خدا ما را به توبه دعوت می‌کند. روش‌هایی که خدا استفاده می‌کند

عبارتند از: موعظه کلام خدا، موعظه صلیب، ملاقات با خدا، مشکلات، بیماری، همچنین وقایع غم‌انگیز زندگی. زندگی مسیحیان و شهادت آنها.

(۸) (b)

۱۸) شادی در آسمان و شادی گناهکار. توبه ایمان را ایجاد می‌کند و ایمان بخشش گناهان را به ارمغان می‌آورد. در زنجیره نجات، توبه اولین قدم می‌باشد.

(۹) (a) ۳- اراده

(b) ۱- فکر

(c) ۲- احساس

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

انسان به خدا اعتماد می کند: ایمان

یکی از مهم ترین عبارات کتاب مقدس این آیه می باشد: «بدون ایمان تحصیل رضامندی خدا محال است» (عبرانیان ۱۱: ۶). چرا این آیه کوتاه اینقدر مهم است؟ مطمئن هستیم که شما نیز با من هم عقیده اید که اعتقادات شخص زندگی فرد را شکل می دهد و ایمان مسیحیان به مسیح، اساس زندگی آنها می باشد. ایمان به عیسی مسیح و پذیرش نجات او برای ما و همه انسان های این جهان اهمیتی حیاتی دارد.

شجاعت و ایمان تسلیم نشدنی زن کنعانی، واکنشی ستایش برانگیز در ما برمی انگیزاند، او شفای دخترش را با استقامت خود از مسیح گرفت (متی ۱۵: ۲۱-۲۸). فروتنی آن افسر رومی که به مسیح گفت: «لایق آن نیستم که به زیر سقف من آیی» ما را به تعجب و امید دارد (متی ۸: ۵-۱۰). پشتکار و تلاش صادقانه بارتیمائوس که با وجود مخالفت جمعیت، فریاد خود را برای دریافت رحمت از عیسی مسیح بلند می کند، ما را به شگفت وامی دارد (مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲). همه این اشخاص، زن کنعانی، افسر رومی و بارتیمائوس گدای کور، نقطه مشترکی داشتند که واقعاً می توانست توجه مسیح، سرور آنها را جلب کند. بله، خصوصیتی که خداوند در همه آنها دید و به آن پاداش داد، ایمان بود. مسیح با دیدن ایمان اشخاص بسیار تحت تأثیر قرار می گرفت.

ایمان، عامل اصلی تجربه بازگشت است. هنگامی که شخص واقعاً توبه می کند، باید به خداوند عیسی ایمان بیاورد. یوحنا به ما می گوید، «اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲). در این درس، خواهیم دید که پذیرش و ایمان به عیسی مسیح چه معنایی دارد و چه نوع دگرگونی در زندگی ما ایجاد می کند: هنگامی که شخص از

گناهانش به‌سوی خدا بازگشت می‌کند و با تمام قلب به بخشش عیسی خداوند اعتماد می‌کند، توسط روح‌القدس تغییر عظیمی در قلب او ایجاد می‌شود.



رئوس مطالب

- اهمیت ایمان
- ماهیت ایمان
- عناصر ایمان
- تجربه ایمان

اهداف درس

- در پایان این درس باید بتوانید:
- اهمیت ایمانی نجات‌بخش را در کار نجات شرح دهید.
 - عناصر ایمانی نجات‌بخش را توضیح داده، ماهیت هر یک را بیان کنید.
 - با قلبی شکرگزار، خدمت روح‌القدس و کلام خدا را در ایجاد چنین ایمانی ارج نهید.

فعالیت‌های یادگیری

- (۱) رساله عبرانیان باب ۱۱ را با دقت بخوانید و در این باب به اشخاصی فکر کنید که به سادگی و با تمام قلب خود به وعده‌های خدا ایمان آوردند.
- (۲) اهداف درس و فهرست هر یک از بخش‌ها را مطالعه نمایید.
- (۳) متن درس را بخوانید و به همه سؤالات درس پاسخ دهید.

متن درس

اهمیت ایمان

هر یک از ابعاد نجات ما نشانگر عملکرد فوق‌طبیعی خدا است، عملکردی که تنها ثمره کار منحصر به فرد خدا می‌باشد. حال بیایید بعضی از این ابعاد را مرور نماییم.

- (۱) گزینش ازلی خدا
- (۲) قربانی شدن منجی
- (۳) تدارک فیض عام و نجات بخش خدا
- (۴) جذب گناهکار توسط روح القدس
- (۵) عملکرد فوری و نجات بخش خدا با تمام ابعاد بی نظیر آن
- (۶) عملکرد حفاظت کننده پدر، پسر و روح القدس
- (۷) کار رهایی بخش و تقویت کننده روح القدس
- (۸) کاملیت و جلال نهایی مقدسین

برکت عالی نجات را تنها می‌توان با ایمان به دست آورد. تنها ایمان است که گنجینه‌های جاودانی را در فیض خدا برای ما به ارمغان می‌آورد.

۱) آیات زیر را از کتاب مقدس بخوانید و بنویسید که در هر کدام، ایمان چه کار مهمی انجام می‌دهد.

(a) افسسیان ۸:۲ و رومیان ۱:۵

(b) اعمال رسولان ۱۸:۲۶ را با اعمال ۹:۱۵ مقایسه کنید.

(c) اول پطرس ۵:۱، اول یوحنا ۴:۵ و رومیان ۲۰:۱۱

(d) یعقوب ۱۵:۵ و اعمال رسولان ۹:۱۴

(e) غلاطیان ۲:۳ و ۵ و ۱۴

(f) رومیان ۱۸:۴-۲۲ و مرقس ۲۳:۹

(g) عبرانیان ۶:۱۱

(h) متی ۲۸:۱۵

(i) مرقس ۲:۳-۵

(j) رومیان ۲۳:۱۴

بنابراین، علاوه بر تجربه نجات، ایمان با هر جنبه‌ای از زندگی مسیحی ارتباط دارد. به‌طور کلی اعمال ما بر اساس ایمان و اعتقادات ما شکل می‌گیرند. ما ایمان داریم که خدا آنچه را که می‌گوییم، انجام می‌دهیم و یا فکر می‌کنیم می‌داند، پس سعی می‌کنیم در همه حال او را خشنود سازیم.

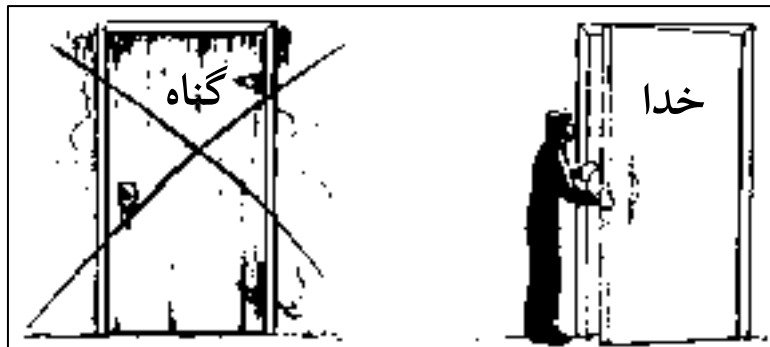
۲) نظر خود را در مورد اهمیت ایمان در زندگی یک مسیحی بنویسید.

ارتباط ایمان و توبه

در درس گذشته آموختیم که عمل توبه، آغازگر یک سری عکس‌العمل‌ها است. واقعاً نجات از جوانب مختلفی چون توبه، ایمان (و یا سایر ابعاد نجات) تشکیل شده است و انسان می‌خواهد تحقق تمامی این ابعاد را در یک زمان ببیند. برای سهولت در

بررسی هر یک از این ابعاد، ترتیب ذیل را در نظر می‌گیریم: توبه، ایمان، بازگشت، تجدید حیات، عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی.

نجات ما در گرو بازگشت از گناه (توبه) و رفتن به سوی خدا (ایمان) می‌باشد. انسان نباید با توبه و ایمان به خود بی‌بالد زیرا خدا همه چیزهایی را که برای نجات لازم است برای ما تدارک دیده است. با توبه، آن مانعی که نمی‌گذارد هدیه نجات را دریافت کنیم، رفع می‌شود و با ایمان، آن هدیه را قبول می‌کنیم.



توبه، با گناه و عواقب دردناک آن در ارتباط است در حالی که ایمان به رحمت خدا پناه می‌برد. ایمان، وسیله دریافت نجات است (رومیان ۹: ۱۰-۱۰). بدون توبه واقعی ایمان وجود ندارد زیرا تنها شخصی که واقعاً از گناهانش پشیمان است، به نجات‌دهنده احتیاج دارد و نجات را تجربه می‌کند. از سوی دیگر، توبه خداپسندانه نیز بدون ایمان به کلام خدا وجود ندارد، زیرا تنها ایمان است که هدیه نجات را به ما می‌بخشد و ما را از ترس دآوری جاودانی رهایی می‌دهد.

۳) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست مربوط به معنای ایمان و توبه می‌باشند.

- | | |
|-----------|---|
| (۱) توبه | a) تشخیص گناه و بازگشت از آن |
| (۲) ایمان | b) رفتن به سوی خدا برای دریافت نجات الهی |
| | c) از میان برداشتن موانع گناه برای دریافت هدیه نجات |
| | d) دریافت هدیه نجات |
| | e) در ارتباط با گناه و پیامدهای آن می‌باشد. |
| | f) به رحمت و محبت خدا مربوط است. |

ماهیت ایمان

تعریف ایمان

دیدیم که ایمان در زندگی مسیحی ما اهمیت حیاتی دارد. همچنین در مقیاسی وسیع‌تر، ایمان ما تعیین‌کننده اعمال ما است. اما ایمان چیست؟ عبرانیان ۱:۱۱ به شرح یکی از تأثیرات ایمان می‌پردازد اما این واژه را تعریف نمی‌کند. ما ایمان را چنین تعریف می‌کنیم: «ایمان، عمل و تفکر داوطلبانه و آگاهانه است که در آن، فرد تمام توکل خود را بر شخص یا شیء مورد اعتماد می‌نهد و به آن شخص یا موضوع ایمان، اجازه می‌دهد تا اعمال و زندگی‌اش را به دست گیرد». در قلمرو روحانی، موضوع ایمان ما، خدا است و عمل ایمان با شنیدن و باور کلام خدا حاصل می‌گردد. ایمان، اعتقاد و اعتماد است. در عهدعتیق، کلمه عبری که بیانگر ایمان است، به معنای «پشتیبانی، تقویت، وفاداری، ثابت قدمی و اعتماد» می‌باشد. در عهدجدید، ترجمه یک واژه یونانی به معنای «ایمان یا اعتماد داشتن، اعتماد کردن، سپردن» می‌باشد. واژه یونانی دیگری که بیانگر ایمان است، به معنای «تکیه کردن، اعتماد قلبی و تسلیم» است. در صفحات بعد به تفصیل خواهیم دید که ایمان آوردن به خدا یا مسیح به عنوان موضوع ایمان، دربردارنده سه عامل می‌باشد که عبارتند از: ۱) پذیرش

حقیقتی که خدا گفته یا مکشوف کرده، ۲) باور و اعتماد شخصی به او، ۳) تسلیم و اطاعت از او. واژه ایمان، اغلب با حرف اضافه «به» همراه است. برای نمونه، «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور و نجات خواهی یافت» (اعمال ۱۶: ۳۱) این حرف بر اعتماد و تعهد قلبی تأکید می‌ورزد. باید مراقب باشیم که ایمان را تنها در باوری ذهنی محدود ننماییم. شناخت و درک حقایقی درباره خدا ضروری است و کتاب مقدس در این باره می‌گوید: «زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد» (عبرانیان ۱۱: ۶). اما تنها اعتقاد به خدا کافی نیست: «تو ایمان داری که خدا واحد است، نیکو می‌کنی! شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند» (یعقوب ۲: ۱۹). شیاطین گرچه ایمان دارند، اما دشمن خدا هستند. بنابراین ایمان به معنای ترک همه چیزهای فانی است که به آنها دل بسته‌ایم؛ ترکی که دیگر جایگاهی جز آغوش پرمحبت خدا برای ما باقی نمی‌گذارد. در این بازگشت، روح القدس به ما کمک می‌کند تا به حقایق کلام خدا ایمان آوریم و بدین ترتیب فیض خدا را باور نموده، ایمان را تجربه کنیم.

در آشنا شدن با مفاهیم مختلف ایمان باید حقایق زیر را به‌خاطر بسپاریم:

«ایمان سلوکی است که در آن انسان گناهکار و نادم، به رحمت خدا در مسیح پناه می‌برد». ایمان، به شخص این توانایی را می‌بخشد که بگوید: «بی‌ایمانی و خودمحوری را ترک می‌کنم و مسیح را پیروی می‌نمایم. من سرنوشت ابدی خود را با تمام قلبم به او می‌سپارم».

- ۴) کدام یک از عبارات زیر بیانگر معنای صحیح و کتاب مقدسی ایمان است.
- a) ایمان، امیدی است که در نتیجه دعاها و آرزوهای صمیمانه ما تحقق می‌یابد.
- b) ایمان، عملی است که بیانگر اعتماد کامل ما به خدا است. با ایمان، به خدا اجازه می‌دهیم زندگی و اعمال ما را به‌دست خود گیرد.
- c) ایمان، عزمی راسخ است که به موضوع یا هدف مطلوب خود توسل می‌جوید.

انواع ایمان

ایمان را می‌توان به طرق مختلف شرح داد. گرچه معمولاً ایمان را در ارتباط با یک تجربه روحانی در نظر می‌گیریم، اما ایمان کاربردهای دیگری نیز دارد که خارج از مقوله مذهب می‌باشد. برای نمونه، ما به سیستم‌های الکتریکی اعتماد داریم، می‌دانیم با فشار یک کلید، چراغ روشن می‌شود. ما به قوانین رانندگی نیز اعتماد داریم، به خطوط عابر پیاده و علایم رانندگی توجه می‌کنیم. ما به سیستم بانکی خود ایمان داریم، می‌دانیم که پول خود را در جای امنی گذاشته‌ایم. چون به هواپیماها و مهارت خلبانان ایمان داریم، با هواپیما سفر می‌کنیم. ایمان و اعتماد در تمامی این موارد و همچنین سایر ابعاد زندگی کاربرد دارد.

بخشی از ایمان، به عقل و درک ما مربوط می‌شود. ایمان ذهنی، حقایق را درباره مسیح باور می‌کند اما به خود او ایمان ندارد.

خیلی از مردم اعتقاد دارند که تنها یک خدا وجود دارد اما چنین اعتقادی سبب نجات آنها نمی‌گردد. عده‌ای نیز باور دارند که کتاب مقدس کلام خدا است اما آن را هرگز نخوانده‌اند و یا تعالیم آن را اجرا نکرده‌اند. ایمان ذهنی، یک بعد مهم و حیاتی را نادیده می‌گیرد و آن عمل است. یعقوب ۱۸:۲ این مطلب را با زبانی گویا شرح می‌دهد: «بلکه کسی خواهد گفت تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال به من بنما و من ایمان خود را از اعمال خود به تو خواهم نمود».



ایمان نتایجی به همراه می‌آورد

کامل‌ترین و مهم‌ترین نوع ایمان، ایمان زنده است. این ایمان در تضاد با ایمان مرده و غیرفعال قرار می‌گیرد. ایمان زنده، نتیجه ایمانی نجات‌بخش است که با پشتکار، اطاعت و تعهد قلبی ما به مسیح و اهداف او همراه می‌باشد. با ایمان زنده، ما هر روز به قدرت روحی که ما را تقویت می‌کند، توکل می‌کنیم. پولس این نوع ایمان را در رساله غلاطیان ۲:۲۰ چنین شرح می‌دهد: «با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این بلکه مسیح در من زندگی می‌کند و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد». ایمان منفعل یا مرده، برعکس ایمان زنده هیچگونه عملی به همراه ندارد. یعقوب این مطلب را بدین گونه شرح می‌دهد: «زیرا چنانکه بدن، بدون روح مرده است همچنین ایمان بدون اعمال نیز مرده است» (یعقوب ۲:۲۶).

یکی از خصوصیات ایمان زنده، به‌جا آوردن اعمال نیکو است. همانگونه که شاخه‌ای رشد می‌کند و میوه می‌آورد، ایمان زنده نیز همیشه اعمال نیکو را به همراه دارد. کارهای نیکو شخص را نجات نمی‌دهند، اما بیانگر زنده بودن ایمان فرد می‌باشند. فیض خدا شخص را نیکو می‌گرداند تا کارهای خوب انجام دهد. سرچشمه تمام این اعمال نیکو خدایی است که توسط روحش در ما ساکن است. این اعمال تجلی‌بخش ایمان زنده شخص است (غلاطیان ۵:۲۲).

- (۵) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست بیانگر خصوصیات ایمان و ستون سمت چپ بیانگر انواع ایمان می‌باشند.
- a) محمود زمانی شخص فعالی در کلیسا بود و با تمام توان خود به دیگران کمک می‌کرد. اما حالا دیگر برای خود زندگی می‌کند.
- b) هانری در جلسات کلیسا حضور می‌یابد، به تعالیم و حقایق مکشوف کلام خدا اعتقاد دارد، اما هرگز در زندگی خود تسلیم مسیح نشده است.
- c) مریم به سیستم الکتریکی اعتقاد دارد. کلید را فشار می‌دهد و چراغ روشن می‌شود.

(d) فریده، پنج سال پیش به مسیح ایمان آورد و در هر فرصتی با خدمت خود به دیگران اعتمادش را به مسیح نشان می دهد.

(۱) ایمان ذهنی

(۲) ایمان غیر مذهبی

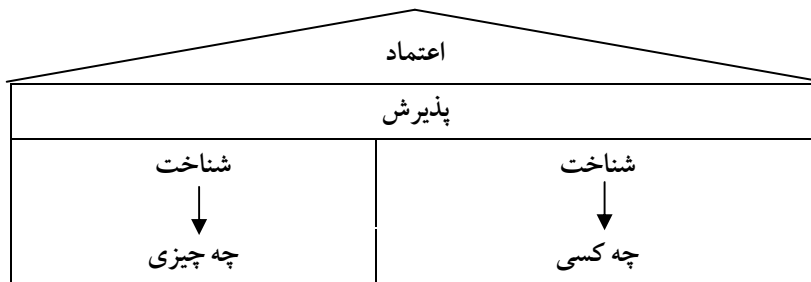
(۳) ایمان زنده

(۴) ایمان منفعل

عناصر ایمان

سه عنصر اصلی در ایمان نجات بخش وجود دارند: شناخت، پذیرش و اعتماد. ایمان نجات بخش، عمل و حالت داوطلبانه است که در آن، فرد تمام توکل خود را بر مسیح می نهد و به او اجازه می دهد تا اعمال و زندگیش را به دست گیرد.

چنین عملی، نتیجه شنیدن و باور حقایق اساسی در ارتباط با شخصیت و کار عیسی مسیح است که در کلام خدا به آنها برمی خوریم. این حقایق ما را تشویق می کنند تا تمام وجود خود را تسلیم خداوند عیسی مسیح کنیم. ایمان نیز مثل توبه، از سه بعد فکر، احساس و اراده تشکیل شده است.



شناخت: فرض کنید از شما دعوت می شود تا ایمان آورید. احتمالاً می پرسید که «به چه کسی باید ایمان بیاورم؟» توجه کنید که کتاب مقدس نمی گوید: «فقط ایمان آور» بلکه می گوید: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور» (اعمال ۱۶: ۳۱ و همچنین

نگاه کنید به رومیان ۹:۱۰-۱۰). ایمان، بر پایه شناخت خدا می‌باشد و او خود را در طبیعت و کلامش مکشوف کرده است. ایمان، از طریق شناخت و آگاهی از تعالیم کتاب مقدس رشد می‌کند. تعالیمی چون: وضعیت گناه‌آلود انسان، نجات مهیا شده در مسیح، شرایط نجات، و وعده‌های بسیار خدا به فرزندان‌ش. شناخت خداوند عیسی و درک محتوای اعتقادات یک مسیحی از کلام خدا، قدمی حیاتی در برخورداری از ایمانی زنده می‌باشد.

پذیرش: پذیرش، بیانگر تسلیم و تعهد قلبی و احساسی ما است. شناخت و آگاهی از تعالیم کلام و درک حقایق تاریخی درباره مسیح، یک جنبه از حقیقت است که باید در قلب خود آنها را باور داشته باشیم. شاید اهمیت حقایق جاودانی در مورد نجات را در ذهن بپذیریم، اما در قلب خود آنها را باور نکنیم. ایمان، پذیرش (باور) قلبی است که می‌گوید آنچه که از کلام درک کرده‌ای درست می‌باشد. قلب، به مسیح و همه برکات او پاسخ مثبت می‌دهد. باید فراتر از مرحله شناخت گام برداریم، باید این حقایق را در خود بپذیریم. شخصی پس از شنیدن موعظه‌ای، خطاب به واعظ گفت: «موعظه‌تان بسیار خوب بود.» واعظ از او پرسید: «آیا شما مسیحی هستید؟» آن جوان پاسخ داد: «بله.» واعظ باز پرسید: «چند سال است که مسیحی هستید؟» آن جوان گفت: «در تمام زندگی‌ام.» واعظ ادامه داد، گفت: «آیا با مسیح تجربه شخصی داشته‌اید، آیا ایمان خود را به طریقی نشان داده‌اید؟» جوان لبخندی زد و گفت: «من شخصاً توبه نکرده‌ام. سال‌ها پیش پدران و اجداد من به مسیح ایمان آوردند و ما مسیحی شدیم. خانواده مسیحی ما خانواده بزرگی است.» واعظ گفت: «چه خوب. اما تصور کنید که از زوجی می‌پرسید: چه مدتی است که ازدواج کرده‌اید؟ و آنها می‌گویند ما ازدواج نکرده‌ایم بلکه اجدادمان ازدواج کرده‌اند. در خانواده ما عده بسیاری ازدواج کرده‌اند. آیا به نظر شما این توضیح کافی است؟» مرد جوان نکته را دریافت و خندید. بنابراین دانش ما در ارتباط با مسیح، باید با پذیرش و تسلیم به او همراه گردد.

اعتماد: اگر شخصی حقایق انجیل را بشناسد و آنها را به عنوان یک واقعیت قبول داشته باشد، ولی خودش را به عیسی مسیح تسلیم نکند، از ایمان نجات بخش برخوردار نمی باشد. ایمان مسیحی امری فراتر از پذیرش مکاشفه خدا و نجات به عنوان یک واقعیت و حتی درک نیاز شخص به نجات می باشد. اعتماد، بیانگر عملی آگاهانه و ارادی است. اعتماد، تصمیمی است که شخص برای تسلیم کامل خود به مسیح می گیرد، تا از این پس در زندگی خود از مسیح پیروی نماید. اگر شخص با اراده آزاد خود، مشتاقانه تسلیم مسیح نگردد، نمی تواند نجات یابد.

۶) شناخت عناصر ایمان با ذکر یک مثال بهتر درک می شود. تصور کنید شخص بیماری برای درمان خود به پزشک مراجعه می کند. جاهای خالی زیر مربوط به کدام یک از عناصر ایمان می باشد (شناخت، پذیرش، اعتماد).

- a) دکتر گزارش وضعیت مریض را به او می دهد...
- b) مریض باور می کند که گزارش، صحیح و مناسب است...
- c) مریض تصمیم می گیرد که دستورات پزشک را اجرا کند و خود را برای معالجه به پزشک بسپارد...

۷) کدام یک از عبارات زیر بیانگر عناصر ایمان نجات بخش و اهمیت آن می باشد.

- a) شناخت، عنصری از ایمان است که گناهکار نادم را به ایمان دعوت می کند تا نجات یابد. شخص با ایمانش برای خود امتیازی کسب می کند و برتری می یابد.
- b) شناخت، در ارتباط با حقایق و شخص مورد اعتماد می باشد. ایمان بر اساس شناخت عیسی مسیح و مکاشفه کلام خدا و تعالیم کتاب مقدس در ارتباط با گناه انسان و راه نجات می باشد.
- c) ایمان، پذیرش (باور) قلبی نسبت به حقایقی است که می دانیم.
- d) پذیرش، تنها با شناخت حقیقت ارتباط دارد.

e) اعتماد، بیانگر توکل فرد به شخص دیگر است.

f) اعتماد، عملی است آگاهانه و ارادی که در آن شخص خود را کاملاً تسلیم مسیح می‌کند.

تجربه ایمان

تا کنون درباره اهمیت، ماهیت و عناصر ایمان در زندگی مسیحی سخن گفته‌ایم. اما اگر ایمان را به واقع تجربه نکنیم، تمامی این بخش‌ها بی‌فایده می‌باشد. شخصی را می‌شناسم که اعتقاد راسخی به دموکراسی، حقوق بشر، حقوق شهروندان، آزادی، شادی و خوشبختی و حق هر شخص برای شرکت در سرنوشت مملکتش داشت. او حتی مقالات مهمی در ارتباط با این موارد نوشت اما خودش نمی‌توانست آنها را در عمل اجرا نماید. چون هنوز تابع آن کشور نبود. به همین ترتیب، اگر ما نیز تمام حقایق مربوط به ایمان را بدانیم اما آنها را نپذیریم و عملاً به‌کار نبریم، باز از خدا دور می‌باشیم. این حقیقت را در ارتباط با تجربه ایمان همیشه به‌خاطر بسپاریم.

درجات ایمان

رابطه زنده با عیسی مسیح، اشتیاق رشد در ایمان را در ما ایجاد می‌کند. به پاسخی که دوازده شاگرد مسیح به محبت بخشاینده او دادند، توجه کنید: «ایمان ما را زیاد کن» (لوقا ۵:۱۷). شاگردان فهمیدند که برای برخورداری از محبت و شفقت الهی، باید ظرفیت روحانی آنها که همان ایمان است بیشتر شود. ایمان رشد می‌کند و بزرگ می‌شود. به همین دلیل ما می‌توانیم درباره درجات ایمان سخن گوئیم. پولس در رساله به کلیسای قرنتس می‌نویسد که امیدوار است که ایمان آنها رشد کند تا او بتواند دامنه خدمت خود را وسیع‌تر سازد (دوم قرنتیان ۱۰:۱۶). پولس در رساله به اول تسالونیکیان دعا می‌کند که فرصتی برای خدمت بیابد تا نواقص ایمان ایمانداران را رفع کند (اول تسالونیکیان ۳:۹-۱۰). ایمان آنها هنوز مثل طفلی در مراحل اولیه قرار داشت و می‌بایست رشد می‌کرد تا بتواند در مقابل شرایط سخت و مخالفت‌های

شدید ایستادگی کند. اما پولس در رساله دوم به تسالونیکیان شکرگزار است که ایمان آنها هر چه بیشتر در حال رشد می‌باشد (دوم تسالونیکیان ۳:۱).

اغلب با شرایطی روبرو می‌شویم که به ایمانی بزرگ‌تر از آنچه داریم نیاز پیدا می‌کنیم. ولی هر چه در محبت و اطاعت، ارتباط نزدیک‌تری با خدا برقرار کنیم، ایمان ما قوی‌تر می‌گردد. دعای مستمر و زنده و رابطه مستقیم با خود خداوند، ایمان ما را تقویت می‌کند و به مشکلات به‌ظاهر حل نشدنی پاسخ می‌دهد (مرقس ۹:۲۹). کاش دعای ما حرارت دعای آن پدر نیازمند را داشته باشد که گفت: «ایمان می‌آورم. ای خداوند، بی‌ایمانی مرا امداد فرما» (مرقس ۹:۲۴). ایمان زنده و پویا رشد می‌کند.

۸) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- a) ایمان زنده مثل هر چیز دیگر می‌باید رشد کند.
- b) رشد در ایمان، نشان‌دهنده این حقیقت است که فرد در حالی که به طرف ایمانی بزرگ‌تر می‌رود، هرگز در ایمان خود ضعیف نخواهد شد.
- c) دعا یکی از سرچشمه‌های رشد در ایمان است.
- d) رسولان و مردمی که عیسی به آنها خدمت کرد، هر یک به نوعی ایمان را نشان دادند اما بیشتر آنها متوجه شدند که به ایمانی بزرگ‌تر نیاز دارند.

۹) متی ۲۵:۶-۳۴، ۲۳-۲۷، ۱۴-۲۲-۳۲ و ۱۶-۵-۱۲ را بخوانید و جاهای خالی

زیر را با کلمه یا کلمات صحیح پر کنید.

- a) این آیات چه نوع ایمانی را معرفی می‌کنند.....
- b) (متی ۳۱:۶) ایمان کم ما را از..... حفظ نمی‌کند.
- c) (متی ۲۶:۸) ایمان کم ما را از..... حفظ نمی‌کند.
- d) (متی ۳۱:۱۴) ایمان کم ما را از..... حفظ نمی‌کند.
- e) (متی ۸:۱۶) ایمان کم نمی‌تواند ما را از..... حفظ کند.

ایمان کم، نشانگر آن است که شخص، از لحاظ روحانی کودک می‌باشد اما خدا انتظار دارد ایمان ما بزرگ‌تر شود و ما از لحاظ روحانی رشد کنیم. ایمان کم، ما را از لحاظ روحانی ناتوان و بی‌ثمر می‌گرداند و نمی‌توانیم کار مسیح را انجام دهیم. ایمان کم شک را در ما ایجاد می‌کند.



در مقدمه درس، نمونه‌هایی از ایمان عظیم را دیدیم. عیسی تنها دو بار ایمان عظیم اشخاص را ستود. در مورد اول، ایمان افسر رومی باعث شد تا عیسی با کلام خود خادم آن افسر را که در آنجا حاضر نبود، در همان لحظه شفا دهد (متی ۸: ۵-۱۳). در مورد دوم، زن کنعانی که با اصرار از مسیح خواست تا دختر دیوزده‌اش را شفا دهد. هر چند که عیسی در وهله اول پاسخی به درخواست او نداد ولی او به اصرار خود ادامه داد. درخواست‌های او باز هم نادیده گرفته شد. اما گفتار عیسی نور امیدی در دل آن زن تاباند پس با عزمی راسخ سخنانی گفت که به این معنا بود: «خداوندا، من یکی از افراد قوم اسرائیل نیستم اما یکی از مخلوقات خدا می‌باشم و به پیام تو ایمان دارم؛ از آن رحمت ازلی خودت سهم کوچکی به من ارزانی دار». عیسی با مشاهده ایمان تسلیم نشدنی آن زن، دخترش را شفا داد و ایمان عظیم آن زن را ستود.

۱۰) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست بیانگر درجات ایمان و ستون سمت چپ بیانگر نوع ایمان می‌باشند.

a) شخص درباره نیازهای اساسی زندگی خود مثل خوراک، پوشاک و مسکن نگران است.

b) طوفان سختی درمی‌گیرد و شخص با اضطراب نگران جان خود است.

c) والدین با بچه‌ها در مدرسه در معرض خطر جدی قرار می‌گیرند. والدین این مسئله را به خداوند می‌سپارند و ایمان دارند که خدا از فرزندان آنها مراقبت خواهد کرد.

(۱) ایمان کم

(۲) ایمان عظیم

ابراهیم، نمونه مردی است که ایمان عظیم داشت. او با وجود آن که بسیار پیر بود و همسرش توانایی بچه‌دار شدن نداشت، به وعده خدا ایمان آورد و صاحب پسری شد. تحقق این مسئله از لحاظ فیزیکی غیرممکن بود اما ایمان راسخ ابراهیم، ایمانی عظیم بود. ایمان نیرومند ابراهیم به او «اطمینان کاملی» بخشید که خدا قادر است مطابق آنچه وعده فرموده است عمل کند (رومیان ۴: ۱۸-۲۱). ایمان مستحکمی که تا پاسخ خدا را نگیرد از پا نمی‌ایستد.

نویسنده رساله به عبرانیان، ایمان عظیم را به گونه‌ای دیگر شرح می‌دهد. در عبرانیان ۲۲: ۱۰ نویسنده، ایمانداران را به نزدیک شدن به حضور خدا تشویق می‌کند، اما رفتن به حضور خدا باید با «یقین ایمان» صورت گیرد. یقین ایمان به معنای اعتقادی راسخ، اعتمادی کامل و تسلیم محض به خدای عجیب و بی‌نظیر می‌باشد.

هر مسیحی، ایمان را در زندگیش در درجات مختلف تجربه می‌کند. اکثر ما با شرایطی روبرو شده‌ایم که برای لحظاتی ما را ناامید گردانده و به آن مشکلات با ایمان کم و اندک پاسخ داده‌ایم. باید بدانیم که با وجود تجربیات مختلفی که در گذشته داشته‌ایم، ایمان ما باز هم امتحان خواهد گردید. ایمان آزمایش شده، زنده بودن خود

را نشان می‌دهد. چنان که آتش فولاد را محکم می‌کند، امتحان ایمان نیز قوت و تحمل مسیحیان را فزونی می‌بخشد. در رساله به عبرانیان باب ۱۱ تجربه اشخاصی را می‌بینید که ایمان‌شان امتحان شد و سربلند بیرون آمدند. عده‌ای با ایمان از مشکلات بسیاری گذشتند و پیروزی‌های بزرگی به‌دست آوردند. عده‌ای نیز به بهای حفظ ایمان خود جان باختند تا به حیات بهتر وارد شوند. عده‌ای دیگر در کوران زندان و شکنجه و زنجیرها و تمسخر، ایمان خود را حفظ کردند. آنها می‌توانستند زندگی طبیعی داشته باشند اما با شریک سازش نکردند. این اشخاص برای اهدافی بهتر و مبارک‌تر از برکات زمینی زندگی کردند. مقدسین عهدعتیق با ایمان، به مسیح موعود نگاه کردند. آنها با همین نگاه شفاف از دنیا رفتند و اکنون انتظار ظهور مجدد مسیح و کامل شدن نجات ما را می‌کشند.

پطرس می‌گوید که هدف از امتحان ایمان، خالص شدن ایمان ما است (اول پطرس ۶: ۱-۷) و یعقوب می‌گوید که اگر خلوص ایمان شما در آزمایش ثابت شود، بردباری شما بیشتر می‌شود (یعقوب ۳: ۱).

خدا اجازه می‌دهد که ما در امتحان ایمان قرار گیریم تا با وجود شرایط سخت، یاد بگیریم که به او اعتماد کنیم. هنگامی که یاد بگیریم برای رفع احتیاجات خود به او توکل کنیم، محبت ما نسبت به او رشد می‌کند و ایمان ما زیاد می‌شود. امتحان ایمان به این دلیل با ارزش است که سبب تقویت و تحکیم ایمان در گذر از تجربیات زندگی می‌گردد.

۱۱) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست شرح دو نوع ایمان می‌باشد.

a) شخصی در کشوری زندگی می‌کند که با مسائل اجتماعی متعددی روبرو است. او در خطر از دست دادن کارش می‌باشد و زندگیش نیز در مخاطره است. او خود و خانواده‌اش را تسلیم خدا می‌کند و می‌داند که جایگاهی امن‌تر از آغوش خدا وجود ندارد. با چنین اطمینانی به زندگی خود ادامه می‌دهد.

(b) شخصی در کشوری پیشرفته زندگی می‌کند. آن کشور با مسائل مختلف از جمله بحران اقتصادی، مسائل متعدد اجتماعی و خطر جنگ روبرو است. زندگی آن شخص در ترس سپری می‌شود. او فکر می‌کند که هر لحظه ممکن است جنگ جهانی شروع شود و به همین دلیل نگران است و نمی‌تواند بخوابد.

(۱) ایمان کم

(۲) ایمان عظیم

سرچشمه ایمان

ایمان نجات‌بخش را می‌توان از دو نقطه‌نظر الهی و انسانی بررسی نمود. از دیدگاه الهی، ایمان هدیه خدا است (رومان ۳:۱۲ و دوم پطرس ۱:۱). برای نمونه در انجیل یوحنا می‌خوانیم که «کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر آن که پدری که مرا فرستاد او را جذب کند» (یوحنا ۶:۴۴). دگرگونی بنیادی هر شخص، ثمره تأثیر نیرومند کار روح‌القدس است زیرا تنها روح خدا است که می‌تواند قلب انسان را به توبه و بازگشت به سوی خدا هدایت نماید (اعمال رسولان ۱۹:۳، فیلیپیان ۱۲:۲-۱۳). در عبرانیان می‌خوانیم که عیسی «پیشوا و کامل‌کننده ایمان ما است» (عبرانیان ۲:۱۲). علاوه بر آن، روح‌القدس در شرایطی خاص عطای ایمان را به کلیسا می‌بخشد (اول قرنیتیان ۹:۱۲) و یکی از ثمرات روح در زندگی ما، ایمان است. بنابراین از نقطه‌نظر الهی، ایمان عطای خدا است.

با وجود این، ما نباید برای دریافت ایمان، انتظاری منفعل داشته باشیم. این حقیقت که به ما فرمان داده شده تا ایمان آوریم، بیانگر سهم و توانایی ما در ایمان آوردن است.

همه مردم می‌توانند به شخصی یا موضوعی اعتماد کنند. هنگامی که ایمان ما برپایه کلام خدا قرار می‌گیرد و به خداوند عیسی اعتماد می‌کنیم، از ایمان نجات‌بخش برخوردار می‌گردیم. این ایمان ثمره کلام خدا است (رومان ۱۰:۱۷ و اعمال ۴:۴). کتاب مقدس نیاز ما را مشخص می‌کند، وعده‌ها را نشان می‌دهد و

برکات نجات را آشکار می‌نماید. پس وظیفه داریم کلام خدا را بخوانیم تا ایمان در قلب‌های مان رشد کند.



خداوند می‌بخشد - ما دریافت می‌کنیم

۱۲) سرچشمه ایمان را از نقطه نظر الهی و انسانی شرح دهید.

حفظ ایمان

تاکنون درباره اهمیت و سرچشمه ایمان صحبت کردیم، اما نمی‌توان نسبت به حفظ ایمان بی‌تفاوت بود. زندگی مسیحی بدون ایمان، مثل ماشینی است که می‌خواهد بدون سوخت حرکت کند. ماشین آنجا است اما توانایی حرکت را ندارد. در زندگی مسیحی نیز قابلیت حرکت وجود دارد اما بدون ایمان جهشی صورت نمی‌گیرد. اجازه دهید مثال دیگری بزنم: یک دوچرخه‌سوار باید به حرکت خود ادامه دهد وگرنه سقوط می‌کند. حال ببینیم کتاب مقدس درباره حفظ ایمان چه می‌گوید. حبقوق در پیام الهامی و نبوتی خود می‌گوید: «عادل به ایمان زیست خواهد کرد» (حبقوق ۲:۴). این آیه در عهدجدید سه بار تکرار می‌گردد (رومیان ۱:۱۷، غلاطیان ۳:۱۱، عبرانیان ۱۰:۳۸).

پولس ایمانداران کولسی را تشویق می‌کند که ایمان خود را از دست ندهند و محکم و استوار بمانند و آن امیدی را که در وقت شنیدن انجیل به دست آورده‌اند

ترک نکنند (کولسیان ۲۳:۱). پولس ایمانداران قرن‌تس را نصیحت می‌کند که هشیار باشند و در ایمان ثابت بمانند (اول قرنتیان ۱۳:۱۶). پولس خود و همکارانش را به‌عنوان نمونه‌ای از ایمان برای آنها معرفی می‌کند. پولس همچنین ایمانداران افسس را تشویق می‌کند تا سپر ایمان را بردارند تا بتوانند تیرهای آتشین شریر را خاموش کنند (افسیان ۱۶:۶). بنابراین حفظ ایمان از دیدگاه کلام خدا، امری مهم و مشخص است. راه‌هایی که توسط آنها می‌توانیم ایمان‌مان را حفظ کنیم، عبارتند از:

- (۱) دعا
- (۲) مطالعه کلام خدا
- (۳) مشارکت با ایمانداران
- (۴) بشارت
- (۵) پرستش با ایمانداران

(۱۳) افسسیان ۱۰:۶-۱۸، اول پطرس ۵:۸-۱۰ و دوم قرنتیان ۴:۱۰-۵ را بخوانید. سپس به سؤالات زیر پاسخ دهید و راه‌های حفظ ایمان را یادداشت نمایید.

(a) یک مسیحی از چه سلاح‌های روحانی برخوردار است (افسیان ۱۴:۶-۱۷)؟

- (b) همه این سلاح‌ها برای دفاع می‌باشند غیر از یکی، آن سلاح کدام است؟
- (c) یک مسیحی تنها با سلاح و مقاصد خوب به پیروزی نمی‌رسد. در افسسیان ۱۸:۶ چه امکانات دیگری برای کمک به ایماندار معرفی می‌شوند؟
- (d) افسسیان ۱۰:۶ و اول پطرس ۵:۱۰ بیان می‌کنند که قدرت روحانی ما توسط چه چیزی بیشتر می‌شود؟

(e) افسسیان ۱۱:۶-۱۳ چه کسی را دشمن ایماندار می‌داند؟

همانگونه که غذا برای سلامتی و رشد شخص لازم است، ایمان را نیز باید تغذیه نمود تا سلامت روحانی شخص به‌مخاطره نیفتد. پولس به تیموتائوس نصیحت می‌کند که «ایمان را حفظ کن» (اول تیموتائوس ۱۱:۶-۱۲).

او تیموتائوس را تشویق می‌کند تا از شهواتی که مربوط به دوران جوانی است بگریزد و ایمان را پیشه خود سازد (دوم تیموتائوس ۲:۲۲). حفظ و رشد ایمان به ما کمک می‌کند تا به شباهت مسیح درآئیم. مهم‌ترین عاملی که باید به‌خاطر بسپاریم این است که مسیح برای ما شفاعت می‌کند تا ایمان‌مان را از دست ندهیم (لوقا ۲۲:۳۲). او بر همه چیز حاکم است و ما می‌توانیم در «فیض و معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح رشد کنیم» (دوم پطرس ۳:۱۸).

شرایط و اثر ایمان

برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است (مرقس ۹:۲۳). هنگامی که به خدا ایمان می‌آوریم، امکانات نامحدودی در دسترس ما قرار می‌گیرد. ایمان کلیدی است که در گنجینه‌های آسمان را به روی‌مان می‌گشاید. عیسی گفت: «اگر ایمان ... می‌داشتید هیچ امری بر شما محال نمی‌بود» (متی ۱۷:۲۰). اما ایمان نمی‌تواند جدا از اراده خدا باشد. یوحنا این مطلب را چنین شرح می‌دهد، «این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه برحسب اراده او سؤال نمائیم ما را می‌شنود» (اول یوحنا ۵:۱۴). یوحنا شرط درخواست و دریافت را بیان می‌کند. دریافت بعضی از وعده‌های کلام خدا شرطی را دربر ندارد. اما بیشتر وعده‌های کلام مشروط می‌باشد یعنی باید برای دریافت وعده پاسخی مناسب بدهیم. باید در مسیح بمانیم و کلام او در ما بماند (یوحنا ۱۵:۷)، باید مطیع باشیم (اول پطرس ۱:۱۴) و تحت فرمان روح‌القدس زندگی کنیم (غلاطیان ۵:۱۶). تأثیرات ایمان نامحدود می‌باشد. ایمان سبب می‌شود که گنجینه‌های نامحدود آسمان، نیازهای انسان‌های روی زمین را رفع کند. ایمان با وجود تمام مصائبش زندگی را غنی می‌گرداند و آرامشی را که فوق از عقل است به ما می‌بخشد.

۱۴) تأثیرات ایمان را در آیات زیر بنویسید.

(a) اعمال ۴۳:۱۰

(b) غلاطیان ۱۴:۳

(c) افسسیان ۱۷:۳

(d) رومیان ۱:۵

(e) فیلیپیان ۹:۳

(f) یوحنا ۱۲:۱

(g) غلاطیان ۶:۴

(h) اعمال ۱۸:۲۶

(i) اول پطرس ۵:۱

(j) مرقس ۲۴:۱۱

۱۵) شرایطی را که برای حفظ ایمان در این درس به آن اشاره شد نام ببرید.

خودآزمایی

جلوی عبارات صحیح حرف T و جلوی عبارات غلط حرف F بنویسید.

(۱) ایمان به نوعی بر اعمال و زندگی ما تأثیر می‌گذارد و به همین دلیل از جایگاه مهمی برخوردار است.

(۲) در ایمان نجات‌بخش، شخص به یک شیء مقدس اعتماد می‌کند و سپس در آرامش زندگی می‌کند و می‌داند که خود را کاملاً تسلیم نقشه نجات کرده است.

(۳) ایمان نجات‌بخش، عمل و تفکر آگاهانه است که فرد در آن تمام توکل خود را بر شخص مورد اعتماد می‌نهد و به آن شخص یا موضوع ایمان اجازه می‌دهد تا اعمال و زندگیش را به‌دست خود گیرد.

(۴) ایمان ذهنی را می‌توان در تمام ابعاد زندگی مشاهده کرد. مثل اعتقاد به سیستم بانکی، جریان برق، پرواز و غیره.

(۵) تسلیم و اطاعت مستمر شخص به خدا و اراده او، خصوصیت ایمان زنده‌است.

(۶) عنصر شناخت در ایمان از دو جزء تشکیل می‌شود که عبارتند از: شناخت حقایق و شناخت شخص مورد ایمان.

(۷) عنصر پذیرش در ایمان دربردارنده باور قلبی و احساسات ما است. پذیرش می‌گوید آنچه که می‌دانیم حقیقت دارد.

(۸) عمل آگاهانه ما در تسلیم به اصولی که به اعتقاد ما درست هستند، در ابتدا با ذهن و عقل ما در ارتباط است.

(۹) هنگامی که از درجات ایمان سخن می‌گوییم، منظورمان آن است که شخص هرگز در تجربه ایمان خود سقوط نمی‌کند.

(۱۰) واژه درجات ایمان، بیانگر زنده بودن و پویایی ایمان است.

(۱۱) نمی‌توان ایمان کم و عظیم را با هم در زندگی تجربه کرد.

(۱۲) در انجیل، عیسی تنها در دو مورد ایمان عظیم اشخاص را تحسین می‌نماید.

(۱۳) ایمان از خدا سرچشمه می‌گیرد، پس انسان در آن نقشی ندارد.

(۱۴) ایمان زنده را باید با تمرین روحانی حفظ نمود که عبارتند از: مطالعه کتاب مقدس، دعا و خدمت روح القدس.

(۱۵) اگر ایمان سالم و زنده باشد، دیگر هیچ محدودیت کتاب مقدسی برای درخواست و دریافت برکات الهی وجود ندارد.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

(۸) a) درست

b) غلط

c) درست

d) درست

(۱) a) ایمان ما را نجات می‌دهد.

b) ایمان ما را پاک می‌گرداند.

c) ایمان ما را حفظ می‌کند و ما را توانا می‌سازد تا به جهان غلبه کنیم.

d) ایمان ما را شفا می‌دهد.

e) با ایمان روح القدس را دریافت می‌کنیم.

f) با ایمان بر مشکلات فائق می‌آییم.

g) ایمان خدا را خوشنود می‌سازد. ایمان وجود خدا را بدون هیچ سؤالی

می‌پذیرد.

h) ایمان ما را تشویق می‌کند تا باوری راسخ داشته باشیم.

i) ایمان ما را تشویق می‌کند تا به جای دیگران تلاش کنیم.

j) بی‌ایمانی گناه است.

(۹) a) ایمان کم

b) نگرانی

c) ترس و هراس

d) شک

e) استدلال‌ناشی از شک

۲) پاسخ شما. به نظر من ایمان بر هر جنبه‌ای از زندگی یک مسیحی تأثیر می‌گذارد. یک ایماندار به خدا اعتماد می‌کند تا تمام نیازهای او را اعم از مادی و روحانی رفع کند (فیلیپیان ۱۹:۴).

۱۰ (a) ۱- ایمان کم

(b) ۱- ایمان کم

(c) ۲- ایمان عظیم.

۳ (a) ۱- توبه

(b) ۲- ایمان

(c) ۱- توبه

(d) ۲- ایمان

(e) ۱- توبه

(f) ۲- ایمان

۱۱ (a) ۲- ایمان عظیم

(b) ۱- ایمان کم.

(b) ۴

۱۲) ایمان هدیه خدا است. عملکرد روح خدا ایمان را ایجاد می‌کند. اما به انسان فرمان داده شده تا ایمان بیاورد و او توانایی ایمان آوردن را دارد. ایمان با مطالعه کلام خدا رشد می‌کند.

۵ (a) ۴- ایمان منفعل

(b) ۱- ایمان ذهنی

(c) ۲- ایمان غیرمذهبی

(d) ۳- ایمان زنده

(۱۳) a) کمربند حقیقت، جوشن عدالت، نعلین آمادگی برای انتشار انجیل، سپر ایمان، شمشیر روح که کلام خدا است و کلاه خود نجات.

(b) شمشیر روح

(c) دعا و طلبیدن کمک خدا، مهم می‌باشند.

(d) اتحاد با خدا و تأکید بر قدرت او.

(e) شیطان (نه مردم زیرا نبرد ما علیه فرمانروایان و فوج‌های روحانی شرارت است که می‌خواهند ایمان ما را نابود سازند).

(۶) a) شناخت

(b) پذیرش

(c) اعتماد

(۱۴) a) بخشش گناهان

(b) دریافت روح القدس

(c) سکونت مسیح

(d) عادل‌شمردگی

(e) عدالت

(f) فرزند خدا شدن

(g) فرزندخواندگی

(h) تقدیس

(i) پشتکار

(j) هر آنچه درخواست کنیم.

(۷) a) غلط

(b) درست

(c) درست

(d) غلط

(e) غلط

(f) درست

(۱۵) ماندن در مسیح، کلام او در ما بماند، مطیع بودن، زندگی در روح (سایر شرایط نیز در درس ذکر شده‌اند).

انتشارات آیلا
نسخه الکترونیک

انسان به سوی خدا بازمی گردد: بازگشت

یک روز پسری به خاطر مسئولیتی که والدینش به عهده او گذاشته بودند، از خانه فرار کرد. او از پذیرش مسئولیت متنفر بود. او می‌بایست هر روز هیزم مورد نیاز را فراهم می‌کرد. بنابراین روزی لباس‌ها و چیزهای مورد نیازش را برداشت و خانه را ترک کرد. اما به زودی پولش تمام شد، لباس‌هایش کثیف شد و از شدت سرما نمی‌توانست بیرون بخوابد.

سرانجام، شرایط برای او آنقدر سخت شد که تصمیم گرفت به خانه باز گردد. او با تلفن با پدر خود تماس گرفت تا نظر او را راجع به خود بداند. پسر با نگرانی و شک از پدرش پرسید، «پدر، آیا من را می‌بخشی؟ می‌توانم به خانه برگردم؟» پدرش گفت: «تو برای ما عزیز هستی و دل ما برای تو خیلی تنگ شده، برگرد. اما وقتی آمدی قدری هیزم جمع کن و بیاور».

چند روز بعد پدر در سر راه خود به خانه، هنگام غروب، پسرش را دید که مشغول هیزم شکستن است. این بار پسر عوض شده بود زیرا مسئولیت خود را با شادی انجام می‌داد. تغییری عظیم به وجود آمده بود. آن پسر دیگر شخص تنبلی نبود. در این درس، به سهم انسان در تجربه نجات و بازگشت توجه خواهیم نمود. چنین بازگشتی تجربه‌ای است پویا که ما را شبیه به مسیح می‌گرداند تا خواسته او را با شادی انجام دهیم.



رئوس مطالب

ماهیت بازگشت
بازگشت در کتاب مقدس
تجربه بازگشت

اهداف درس

- هنگامی که این درس را به اتمام رساندید باید بتوانید:
- ارتباط توبه و ایمان را با بازگشت شرح دهید.
- شرح دهید که بازگشت به چه طریق‌هایی حاصل می‌شود.
- حداقل پنج نتیجه بازگشت را نام ببرید.

فعالیت‌های یادگیری

- (۱) اعمال رسولان ۱:۹-۳۱، ۱:۱۶-۴۰، ۱:۲۲-۲۱ و ۴:۲۶-۱۸ را بخوانید. این آیات مرور خوبی از نمونه‌های بازگشت خواهد بود.
- (۲) طبق آنچه که در درس اول بیان شد، دستورالعمل‌های ذکر شده برای مطالعه درس را رعایت نمایید.
- (۳) به خودآزمایی انتهای درس پاسخ داده جواب‌های خود را مرور نمایید.
- (۴) درس‌های ۱-۴ را مرور کنید و سپس به آزمون میانی اول پاسخ دهید.

ماهیت بازگشت

در مبحث تجربه نجات، درباره بازگشت سخن گفتیم. شاید تعجب کنید که چه تفاوتی بین نجات و بازگشت وجود دارد. به این مثال توجه کنید. دائم‌الخمر مشهوری از اعتیاد به الکل، قمار و یا گناهان دیگر دست می‌کشد. او اکنون از آن چیزهایی که زمانی عاشق‌شان بوده، متنفر است و به کارهایی مبادرت می‌ورزد که زمانی از آنها تنفر داشت. اشخاصی که او را می‌شناسند، می‌گویند: «او دگرگون شده است. او شخص دیگری شده است». آنها تنها بر اساس آنچه می‌بینند، قضاوت می‌کنند. اما از دیدگاه الهی مسئله را بدین‌گونه ارزیابی می‌کنیم. خدا آن شخص را بخشیده و به او حیات و خلقتی جدید عطا نموده است. بازگشت، بر عملکرد مثبت انسان در تجربه نجات تأکید می‌ورزد.

تعریف بازگشت

بازگشت به معنای روی‌گردان شدن از گناه و روی آوردن به سوی عیسی خداوند، برای بخشش گناهان می‌باشد و در نتیجه، از گناه و مجازات ناشی از آن رهایی می‌یابیم.

واژه‌ای که بازگشت ترجمه شده، به معنای «دگرگونی و یک تغییر جهت کامل» است. این تغییر و دگرگونی، تنها بیانگر عوض شدن بخشی از ذهن، نگرش و یا اخلاق نمی‌شود بلکه تمام وجود شخص، آرزوها، شیوه زندگی، اراده، روح و دیدش را نسبت به زندگی دربر می‌گیرد. تغییر شخص، تغییری است بنیادی و روحانی. طبق انجیل یوحنا ۲۴:۵ «هر که بشنود زنده گردد» یعنی شخص از موت به حیات منتقل می‌شود. دگرگونی روحانی که ثمره کار مسیح است، با انواع دیگر دگرگونی متفاوت است. برای نمونه، ممکن است من دیدگاه سیاسی، مذهبی یا اخلاقی خود را تغییر

دهم، اما تغییر دیدگاه لزوماً همراه با وقف و تسلیم کامل من نباشد. زیرا ما در تجربه بازگشت نسبت به گناه می‌میریم اما برای خدا زنده می‌گردیم (رومان ۶:۱-۱۴). پولس اساس بازگشت یک مسیحی را چنین شرح می‌دهد: «پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه‌ای است، چیزهای کهنه درگذشت اینک همه چیز تازه شده است» (دوم قرنتیان ۵:۱۷).

۱) کدام یک از عبارات زیر بیانگر معنای واقعی بازگشت از دیدگاه کتاب مقدس می‌باشد؟

a) بازگشت عملی است که شخص در آن فکر، اخلاق و دیدگاه خود را تغییر می‌دهد.

b) بازگشت تغییر احساسات شخص نسبت به شیوه زندگی است.

c) اساساً بازگشت، تغییر کامل زندگی شخص است که در هنگام بازگشت از گناه و روی آوردن به خدا صورت می‌گیرد.

به مثالی که در مقدمه درس بیان کردیم، توجه کنید. در تجربه بازگشت، سه قدم مهم صورت می‌گیرد. اول، شخص باید با دقت اشتباهات خود را بشناسد و این کار قدمی است مهم برای آماده‌سازی شخص، زیرا تا زمانی که شخص نیاز به تغییر را در خود احساس نکند، به بازگشت احتیاجی نخواهد داشت. دوم، باید با عزمی راسخ به‌سوی خدا بازگشت نمود. این مرحله قدمی است عملی در راه کسب تجربه بازگشت. و سوم، باید از خدا اطاعت کرد. زیرا بازگشت به معنای زندگی تغییر یافته است.

در مثال مقدمه درس، قدم آمادگی، تشخیص دقیق اشتباهات بود. قدم دوم، عزم راسخ پسر برای بازگشت به‌سوی خانه می‌باشد و سرانجام با اطاعت از پدر و تغییر شیوه زندگی، بازگشت کامل او را مشاهده می‌کنیم.



تغییر عمل آمادگی

۲) سه قدم لازم جهت بازگشت را نام ببرید.

ارتباط بازگشت با توبه و ایمان

بازگشت، ارتباط نزدیکی با توبه و ایمان دارد. در حقیقت کلمه بازگشت در مواقعی به جای توبه و ایمان به کار برده شده است و نشانگر تمام اعمالی است که برای بازگشت از گناه و رفتن به سوی خدا صورت می‌پذیرند. به یاد دارید که توبه به معنی روی گردان شدن از گناه می‌باشد. روی گردان شدنی که با غم ناشی از ارتکاب به گناه توأم است و ما را متوجه صلیب می‌سازد. توبه گناه را نادیده نمی‌گیرد بلکه می‌پذیرد که گناه صورت گرفته و فرمان خدا زیر پا گذاشته شده است. ایمان، جنبه مثبت عمل بازگشت است زیرا که ما را به سوی خدا می‌برد. ما به خدایی نگاه می‌کنیم که در صلیب مسیح ما را از بیماری گناه و عواقب آن رهایی می‌بخشد و زندگی و سرنوشت خود را به او می‌سپاریم. هنگامی که توبه می‌کنیم و ایمان می‌آوریم، در حقیقت بازگشت کرده‌ایم.

(۳) کدام یک از عبارات زیر به درستی بیانگر رابطه توبه و ایمان با بازگشت می باشد.

- (a) توبه و ایمان قدم‌هایی در زنجیر بازگشت هستند اما ارتباطی با آن ندارند.
- (b) تجربه توبه و ایمان مثل تجربه بازگشت است زیرا انسان از گناه بازمی‌گردد و با تمام وجود به خدا اعتماد می‌کند.
- (c) تجربه توبه و ایمان از لحاظ زمانی فاصله زیادی با تجربه بازگشت دارند.

عناصر بازگشت

همانگونه که قبلاً به آن اشاره کردیم، هر شخص یک کلیت است و به‌طور کلی آنچه که شخص انجام می‌دهد از تمامیت وجود او یعنی فکر، احساس و اراده نشأت می‌گیرد. تمامی این عناصر که در توبه و ایمان دخیل هستند در تجربه بازگشت نیز سهیم می‌باشند. شخص نمی‌تواند بازگشت کند مگر آن که بداند چه می‌کند. اگر شخص با احساسات و عواطف خود مایل به این کار نباشد، نمی‌تواند بازگشت کند. و پر واضح است که بازگشت بدون تصمیم و اراده به وجود نمی‌آید.

(۴) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- (a) در مفهوم بازگشت، توبه بیانگر توکل به خدا است.
- (b) ایمان عملی است که شخص توسط آن به سوی خدا باز می‌گردد و زندگی و سرنوشت خود را تسلیم او می‌کند.
- (c) بازگشت اساساً تغییری ذهنی است.
- (d) بازگشت بر تمام ابعاد زندگی شخص اعم از فکر، احساس و اراده تأثیر می‌گذارد.

۵) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست بیانگر عناصر بازگشت و ستون سمت چپ اسامی آنها می‌باشند.

- a) دربردارنده عواطف و پذیرش قلبی نسبت به صحت دانسته‌های ما است.
b) با شناخت ارتباط دارد، با درک این مسئله که از چه باید توبه کنیم و به چه باید ایمان آوریم.
c) با تصمیم ما در ارتباط است زیرا خود را تسلیم آنچه که می‌دانیم و احساس می‌کنیم، می‌نماییم.

(۱) فکر

(۲) احساس

(۳) اراده

بازگشت در کتاب مقدس

بازگشت، در شروع زندگی یک مسیحی، تجربه‌ای شگفت‌انگیز است. هر یک از ما بر اساس تجربیات خود، چگونگی رخداد این واقعه را به صورت‌های مختلف برای دیگران بازگو می‌کنیم. اما تنها ملاک واقعی برای سنجش تجربه بازگشت واقعی، کلام خدا می‌باشد. کتاب مقدس تنها ملاک عینی برای ارزیابی صحیح تجربه بازگشت می‌باشد.

کاربرد واژه بازگشت

دیدیم که واژه بازگشت، به معنای تغییر جهت کامل در زندگی شخص می‌باشد. در زبان‌های اصلی کتاب مقدس تقریباً تمامی واژه‌ها بیانگر همین معنا می‌باشند. گاهی این تغییر فقط فیزیکی است (اعمال ۹: ۴۰). در موارد دیگر نشانگر تغییر در تأکید بر مسائل است (اعمال ۱۳: ۴۶). اما در میان کاربردهای مختلف آن، واژه بازگشت بیشتر به معنای تغییر روحانی است. در اول سموئیل ۶: ۱۰ می‌بینیم که بازگشت شاول یک

تغییر مشخص روحانی بود (همچنین نگاه کنید به مرقس ۱۲:۴، مزمور ۱۳:۵۱ و لوقا ۳۲:۲۲). در اعمال ۱۹:۳ پطرس مردم را تشویق می‌کند تا توبه و بازگشت کنند تا گناهان‌شان محو گردد. در اینجا باز موضوع تغییر روحانی مطرح می‌گردد.



پولس مریضان را شفا می‌دهد پولس مسیحیان را جفا می‌رساند

گاه این واژه بیانگر دلور شدن از خدا است که آن را بازگشت منفی یا ارتداد می‌نامیم (ارمیا ۲۷:۲). نمونه دیگر تغییر منفی را پطرس در دوم پطرس ۲۲:۲ بیان می‌کند. در اینجا او این مسئله را با بازگشت سگ به قی خود مقایسه می‌کند. با آن که می‌توان نمونه‌های بسیاری از کتاب مقدس درباره واژه بازگشت ذکر کرد اما این کلمه در ابتدا به معنای بازگشت شخص از گناه و روی آوردن به خدا است تا بخشش الهی را دریافت کند.

۶) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست بیانگر تغییر روحانی یا غیر روحانی است و ستون سمت چپ اسامی آنها می‌باشد.

a) پولس و برنابا در انطاکیه تصمیم می‌گیرند خدمت خود را از یهودیان به‌سوی امت‌ها معطوف سازند.

b) عیسی به پطرس گفت: «هنگامی که بازگردی، برادرانت را تقویت نما» (لوقا ۳۲:۲۲).

c) عیسی گفت: «تا بازگشت نکنید و مثل بچه‌ها نشوید، هرگز وارد ملکوت آسمان نخواهید شد» (متی ۱۸:۳).

d) اشعیا گفت: «توانگری دریا به‌سوی تو گردانیده خواهد شد» (اشعیا ۵:۶۰).

(۱) تغییر روحانی

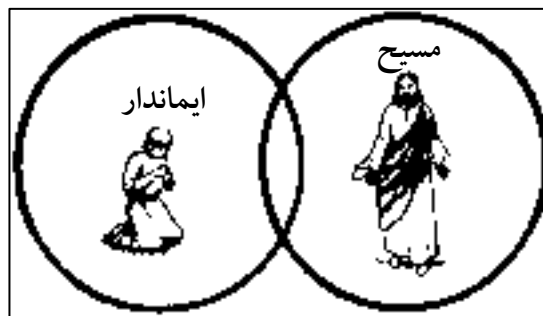
(۲) تغییر غیر روحانی

نمونه‌های بازگشت

تجربه بازگشت در ارتباط با یک مذهب نیست بلکه بازگشت به‌سوی یک شخص می‌باشد. از ما خواسته نشده تا ده فرمان، اعتقادنامه یک کلیسا و یا موعظه سر کوه را بشناسیم و با به‌خاطر سپردن آن مسیحی شویم، بلکه باید به شخصی ایمان آوریم و او را به‌عنوان خداوند زندگی‌مان بپذیریم و باور کنیم که او از مردگان قیام کرده و اکنون زنده است (رومان ۹:۱۰-۱۰). در یک جلسه جوانان، دختری از واعظی پرسید که چه نیازی به داشتن تجربه شخصی با مسیح وجود دارد؟ سپس ادامه داد، گفت: «باور این مطلب برای من سخت است. اگر شخصی به فاشیسم یا کمونیسم اعتقاد داشته باشد آیا او یک فاشیست یا کمونیست نیست؟ خوب من هم به مسیحیت اعتقاد دارم آیا مسیحی نیستم؟» واعظ پاسخ داد: «لزوماً نه». سپس اضافه کرد: «گویا شما انگشت‌نامزدی به‌دست دارید، آیا به ازدواج اعتقاد دارید؟» آن دختر پاسخ داد: «بله و به‌زودی ازدواج خواهیم کرد». واعظ گفت: «اعتقاد شما برای ازدواج بر پایه چه دلایلی است؟» آن جوان گفت: «ازدواج برای یک زن امنیت، خانه و خانواده‌ای را به ارمغان می‌آورد». واعظ رو به سوی سایر دختران جوان نمود و گفت: «چند نفر از شما به ازدواج اعتقاد دارید؟»

تقریباً همه پاسخ مثبت دادند. واعظ ادامه داد: «خوب، خیلی جالبه، همه شما به نهاد ازدواج اعتقاد دارید و من هم طبق قوانین دولتی اجازه اجرای مراسم ازدواج را دارم. بنا به اعتقاد این دختر جوان، اگر شخصی به فاشیسم و یا کمونیسم اعتقاد داشته باشد، یک فاشیست و یا کمونیست می‌باشد و اگر به مسیحیت اعتقاد داشته باشد، یک مسیحی است. خوب، همه شما هم به ازدواج اعتقاد دارید. پس اجازه دهید شما را متاهل اعلام کنم».

همه حاضرین خندیدند. واعظ دوباره پرسید: «ایراد این استدلال در کجا است؟» دختر جوان دیگری گفت: «ازدواج فلسفه‌ای مثل فاشیسم و یا کمونیسم نیست بلکه رابطه‌ای است شخصی». واعظ گفت: «نکته دقیقاً همین است». مسیحیت یک فلسفه نیست بلکه رابطه‌ای است شخصی با خداوند عیسی که شخصیت زنده‌ای است». بنابراین، بازگشت از دیدگاه مسیحیت تجربه‌ای کاملاً منحصر به فرد است و با تغییر و تبدیل‌های دیگر تفاوت اساسی دارد.



مسیحیت یعنی رابطه

یکی از نمونه‌های بسیار زیبای بازگشت را در اعمال رسولان ۱۶: ۱۳-۱۵ می‌بینیم. لیدیا، زنی خداپرست و غیریهودی، بدون اجرای همه آیین‌های مذهب یهود، خدا را پرستش می‌کرد. روزی هنگام شرکت در مراسم دعا، پولس را دید که مژده نجات

عیسی مسیح را اعلام می‌کرد. خدا قلب لیدیا را گشود و او با شادی پیام پولس را پذیرفت.

لیدیا تعمید گرفت و از گروه پولس در خانه خود پذیرایی نمود و بدین ترتیب تغییر خود را نشان داد.

در این مثال، تدارک و تدبیر عجیب الهی را در نجات مردم می‌بینیم. لیدیا گرچه زنی خداپرست بود اما برای شناخت نجات، احتیاج به اطلاعات بیشتری داشت و خدا نیاز او را رفع کرد. هنگامی که دعا می‌کرد، خدا او را به جایی آورد که انجیل موعظه می‌شد. بنابراین برای ایجاد یک تغییر روحانی، دعا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. تجربه لیدیا به ما نشان می‌دهد که گرچه شخص ممکن است فردی صادق و در ظاهر مذهبی باشد اما اگر بخواهد مسیحی واقعی باشد باید تغییری بنیادی و روحانی در او صورت پذیرد. در این نمونه، هماهنگی بین کلام خدا و روح‌القدس را در ایجاد عمل بازگشت به‌سوی خدا می‌بینیم. ولی به این نکته توجه کنید که در تجربه بازگشت، در قبال پاسخگویی مثبت به پیام خدا، کار روح و هم مسئولیت انسان دخیل هستند

(۷) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

a) بازگشت به خودی خود صورت می‌گیرد اگر شخص به کلیسا برود، به پیام موعظه گوش دهد و عضو کلیسا شود.

b) تجربه لیدیا مبین این حقیقت است که خدا جهان را دوست دارد و نمی‌خواهد هیچ کس هلاک گردد.

c) حتی زمانی که شخص زندگی خوبی دارد و صادق است، باز هم به تجربه بازگشت احتیاج دارد.

d) بازگشت، فقط با شناخت گناه و آرزوی تغییر صورت نمی‌گیرد بلکه یک تجربه شخصی نیز باید به دنبال آن اتفاق بیافتد.

زندانبان شهر فیلیپی نمونه دیگری از تجربه بازگشت مسیحی است (اعمال ۱۶:۱۶-۳۴). در این مورد دوم می‌بینیم که خدا برای نجات انسان از وسایل مختلفی همچون بلاهای طبیعی مثل زلزله، طوفان یا بحران‌های شخصی و یا مسئله‌ای حاد در خانه استفاده می‌کند. این وقایع، گناهکار را شدیداً تکان می‌دهد تا نیاز روحانی خود را تشخیص داده، به دنبال راه حل بگردد.

به این نکته توجه کنید که انجیل، پاسخ نیازهای انسان گناهکار است (آیه ۳۲). کلام، عامل بازگشت است. همچنین هنگامی که انسان گناه خود را می‌پذیرد، باید به نجاتی که توسط مسیح مهیا شده، ایمان آورد (آیه ۳۱) و دوباره می‌بینیم که بازگشت واقعی یک مسیحی، اعمال نیکو را در زندگی شخص به همراه دارد.

۸) اعمال رسولان ۱۶:۱۶-۳۴ را بخوانید. در این نمونه، همه عناصر بازگشت را مشاهده می‌کنید. آیاتی که بیانگر هر یک از این عناصر می‌باشند مشخص کنید.

(a) فکر

(b) احساس

(c) اراده

نمونه دیگری از تجربه بازگشت را در زندگی پولس می‌بینیم. اعمال رسولان ۱:۹-۳۱ حقایق را در ارتباط با بازگشت پولس بیان می‌کند. بازگشت پولس از بعضی جهات با سایر نمونه‌ها فرق دارد. یکی از موارد مهم، وقایع شگفت‌انگیزی است که در بازگشت پولس می‌بینیم. در مواردی نادر، شرایط غیر معمولی سبب ایجاد تجربه بازگشت می‌شود. اشتباه است اگر فکر کنیم تجربه بازگشت باید همیشه با یک زلزله و یا تابش نوری از آسمان و یا سایر علائم فوق‌طبیعی توأم باشد. زیرا خود تجربه بازگشت بزرگ‌ترین معجزه در جهان است. در تجربه پولس می‌بینیم که حتی اگر شخص تحصیلات عالی داشته باشد و از توانایی‌های طبیعی بسیار بالایی برخوردار باشد و در مذهب خود نیز بسیار غیور و صادق باشد، باز هم ممکن است از حیات روحانی کاملاً بی‌بهره بماند و به تجربه بازگشت نیازمند باشد. مورد پولس

به ما نشان می‌دهد که غیرت عظیم برای خدا ممکن است بر پایه یک شناخت صحیح از خدا نباشد (رومیان ۲:۱۰).

پولس صادق بود اما اشتباه می‌کرد. فردی که انجیل را نمی‌شناسد و عمیقاً معتقد به مذهب و آیین خود است، به شدت بر علیه انجیل واکنش نشان می‌دهد. اما هنگامی که چنین شخصی حقیقت خداوندی عیسی مسیح را بشناسد، دانش او پایه‌ای محکم برای بازگشتش خواهد بود. در نهایت، بازگشت پولس نشانگر این حقیقت است که خدا نمی‌خواهد مردم با هر طرز فکر، موقعیت اجتماعی و یا سطح اقتصادی در گمراهی به سر برند. در تجربه پولس، فیض خدا را می‌بینیم که جفاکننده‌ای را به یک واعظ تبدیل می‌کند.

۹) در ارتباط با نمونه‌های کتاب مقدس از بازگشت به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- a) چه عناصری در تجربه بازگشت دخیل هستند؟
- b) خدا عملاً چگونه پیامش را به ما می‌دهد و بر چه اساسی با ما رفتار می‌کند؟
- c) چرا تجربه‌های بازگشت از یکدیگر متفاوت هستند؟
- d) وجه تشابه این تجربیات در چیست؟

تجربه بازگشت

طرق بازگشت

داشتن یک نگرش متعادل و واقع‌بینانه نسبت به تجربه بازگشت مهم است. عده‌ای می‌گویند که بازگشت، تماماً توسط خدا صورت می‌گیرد و عده‌ای دیگر آن را تماماً سهم انسان می‌دانند. لازم است که ما تعلیم متعادل کتاب مقدس را در این رابطه درک نماییم. این موضوع را به صورت عمیق‌تر در درس ۵ تحت عنوان «اراده خدا در نجات» بررسی خواهیم کرد. در آن درس خواهیم دید که در تجربه بازگشت، اراده آزاد انسان از جایگاه مهمی برخوردار است و همچنین مشاهده خواهیم کرد که خدا

انسان را به سوی خود دعوت می‌کند. دیدگاه متعادل ما نباید خدشه‌ای به اراده آزاد انسان وارد سازد و یا سلطنت و حاکمیت الهی را محدود نماید. هنگام مطالعه طرق بازگشت، باید این نکته را به‌خاطر بسپارید.

(۱۰) آیات زیر را بخوانید و آنها را در دو ستون زیر قرار دهید.

امثال ۲۳:۱، مزمور ۴:۸۵، اشعیا ۶:۳۱ و ۲۰:۵۹، ارمیا ۱۸:۳۱، حزقیال ۳۲:۱۸، هوشع ۶:۱۲، یوئیل ۱۲:۲-۱۳، مراثی ارمیا ۲۱:۵ و اعمال رسولان ۲۰:۲۶.

خدا انسان را به‌سوی خود باز می‌گرداند	خدا انسان را دعوت می‌کند تا به‌سوی او بازگشت کند

بنابراین کتاب مقدس، جنبه الهی و انسانی بازگشت را نشان می‌دهد. خدا همیشه به اراده انسان احترام می‌گذارد. هنگامی که خدا انسان را خلق کرد و به او شخصیت بخشید، مخلوقی را خلق نمود که با اراده خود می‌توانست به خدا پاسخ مثبت دهد و خود را با تمام وجود تسلیم او کند و یا به او پاسخ رد دهد و از خدا روی گردان شود. خدا از طریق روح و کلامش تجربه بازگشت را آغاز می‌نماید اما ما نیز باید به دعوت روح و کلام پاسخ مثبت دهیم تا بازگشت را تجربه کنیم. به‌خاطر بسپارید: اشتیاق ما برای پاسخگویی به دعوت خدا امتیازی را برای ما به ارمغان نمی‌آورد. خدا به انتخاب ما احترام می‌گذارد و از ما دعوت می‌کند تا به‌سوی او بازگشت کنیم. هنگامی که به‌سوی خدا بازگشت می‌کنیم، در واقع از خدا می‌خواهیم که کنترل زندگی ما را

به‌دست گیرد و ارباب زندگی‌مان گردد (مکاشفه ۳:۲۰). شاید با ذکر یک مثال بتوانیم مطلب را بهتر شرح دهیم. هنگامی که خدا وارد زندگی ما می‌شود، ما را به خلقت جدیدی تبدیل می‌کند. قبل از حضور ملموس خدا در زندگی‌مان، ما مثل خلبانان بی‌تجربه‌ای هستیم که هر لحظه خطر سقوط، تهدیدمان می‌کند. اما هنگامی که به‌سوی خدا باز می‌گردیم، در واقع به او اجازه می‌دهیم که کنترل را به‌دست خود گیرد.

انسان به‌سوی خدا باز می‌گردد و خدا انسان را به‌سوی حقیقت و راستی هدایت می‌کند. می‌توانیم با سراینده مزمور هم‌صدا شده، دعا کنیم: «ای خدای نجات ما، ما را برگردان» (مزمور ۴:۸۵). و خدا نیز از ما می‌خواهد که به‌سوی او بازگردیم. خداوند بر در قلب ما ایستاده می‌کوبد، ما نیز باید در را باز کنیم. خدا هرگز خود را به زندگی ما تحمیل نمی‌کند.

خدا از موعظه انجیل استفاده می‌کند تا مردم به‌سوی او بازگردند. روح‌القدس با استفاده از کلام خدا ما را به گناه ملزم می‌سازد و ایمان را ایجاد می‌کند (رومیان ۱۰:۱۷). ما نیز توبه می‌کنیم و به خداوند عیسی ایمان می‌آوریم و بازگشت را تجربه می‌نماییم و بدین ترتیب ما نجات می‌یابیم و خدا جلال می‌یابد و در نهایت اراده آزاد ما و همچنین حاکمیت الهی خدشه‌دار نمی‌گردند.

پولس رسول اعلام می‌کند که پیامش مسیح مصلوب است (اول قرنتیان ۲:۲). او اهمیت مرگ و قیام مسیح را موعظه نمود (اول قرنتیان ۳:۱۵-۴). و در پیام او روح‌القدس جایگاه مهمی داشت (رومیان ۸، اول قرنتیان ۱۲ و ۱۴). اما تأکید پیام پولس بر مرگ کفاره‌کننده مسیح قرار داشت. پولس پیام خود را نه با بلاغت و شیوایی سخن بلکه با قدرت روح‌القدس بیان کرد. نتایج پیام او نیز منعکس‌کننده قدرت خدا است و نه قدرت انسان (اول قرنتیان ۱:۲-۵، اول تسالونیکیان ۵:۱ و ۱۳:۲).

(۱۱) کدام یک از عبارات زیر بیانگر طرق بازگشت هستند.

(a) بازگشت، تنها ثمره فیض خدا و ثمره کار روح القدس است. بنابراین انسان نیازی ندارد که به پیام انجیل ایمان بیاورد زیرا در پاسخگویی به دعوت خدا اختیاری ندارد.

(b) بازگشت، نتیجه ارزیابی انسان از شرایط خودش است، انسان متوجه می شود که به تغییر احتیاج دارد و این تغییر، ثمره تصمیم خود او است.

(c) خدا و انسان هر دو در بازگشت سهیم هستند. خدا انسان را به گناه ملزم می سازد و او را از وضعیت سقوط کرده خود آگاه می سازد اما این انسان است که باید توبه کند، ایمان آورد و کاملاً به سوی خدا بازگردد.

هدف بازگشت

هدف از بازگشت دو چیز می باشد: اول، بازگشت از اعمال شریرانه، گناه و هلاکت ابدی (حزقیال ۱۱:۳۳ و متی ۱۳:۷). دوم، سلوک در راه تنگی که به حیات جاودان می انجامد (متی ۱۴:۷). هدف متعال خدا، بازگشت ما از گناه به سوی او است. بازگشت، اولین قدم به سوی حیات جاوید است و زندگی تازه ما بدین گونه آغاز می گردد.

بازگشت ما را قادر می سازد تا طبق اصول کلام خدا زندگی کنیم. هدف ما این است که دگرگونی باطنی در زندگی مان متجلی شود. ایمان ما به مسیح، شهادتی نیرومند برای مردم است. زیرا ما با رفتار و زندگی خود ایمان مان را نشان می دهیم. در تجربه بازگشت، پولس فرایند پویای رشد مسیحی را در شبیه شدن به مسیح، چنین شرح می دهد: «لیکن همه ما چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می شویم چنانکه از خداوند که روح است» (دوم قرنتیان ۱۸:۳). بله، در بازگشت تغییری کامل رخ می دهد. انسان چشمان خود

را از زمین به‌سوی آسمان برمی‌افرازد تا جلال خدا را منعکس سازد. بنابراین ما رساله زنده خدا برای دیگران می‌شویم (دوم قرن‌تیان ۲:۳).

۱۲) دو ستون زیر را در ارتباط با هدف خدا از بازگشت، با یکدیگر تطبیق دهید.
a) بازگشت، مرحله‌ای است که خدا توسط آن انسان گناهکار را در همان لحظه کامل می‌گرداند.

b) در بازگشت، انسان از گناه به‌سوی خدا باز می‌گردد.

c) هدف متعال خدا دعوت انسان به‌سوی خود است و بازگشت، اولین قدم در تحقق این هدف می‌باشد.

d) بازگشت، اولین قدم در شبیه شدن به مسیح است. بازگشت، عملکردی است پویا که تمام ابعاد زندگی مسیحی را در برمی‌گیرد.

۱) هدف خدا است

۲) هدف خدا نیست

نتایج بازگشت

با پذیرش عیسی مسیح به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود، متوجه عظمت و محبت خدا می‌گردیم. «خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر او است...» (اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲). نجات از مرگ روحانی، یکی از نتایج فوری بازگشت می‌باشد (یعقوب ۵:۲۰). اما همان گونه که مشاهده خواهید کرد، ما تنها گناهکاران نجات یافته نیستیم. در هنگام بازگشت، ما عضو خانواده خدا می‌گردیم: «ای حبیبان، اکنون ما فرزندان خدا هستیم» (اول یوحنا ۳:۲). همچنین گناهان ما برای همیشه پاک شده است (اعمال ۳:۱۹). در حقیقت سراینده مزمور می‌گوید: «به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است» (مزمور ۱۰۳:۱۲). اشعیا بر این حقیقت تأکید می‌ورزد که «من هستم، من که

به خاطر خود خطایای تورا محو ساختم و گناهان تورا به یاد نخواهم آورد» (اشعیا ۲۵:۴۳).

در خانواده الهی، رابطه جدیدی را با خدا و دیگر مسیحیان خواهیم داشت. عده بسیاری در پای صلیب مسیح از گناهان خود بازگشت می کنند و آنها برادران و خواهران ما می گردند. در واقع، ما برای چنین مشارکتی دعوت شده ایم (اول قرنتیان ۹:۱). یوحنا می گوید: «شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است» (اول یوحنا ۳:۱). مشارکتی را که آدم در هنگام سقوط از دست داد، با مرگ مسیح دوباره احیا گردیده است. هنگامی که هر روز با خداوند مشارکت داریم، برکات بسیاری در زندگی مان جاری می گردد. «لکن اگر در نور سلوک می نمایم چنان که او در نور است با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد» (اول یوحنا ۷:۱). چه انتقال بی نظیری! ما از جهان گناه آلود و سقوط کرده خود به قصر ابدی جلال وارد می گردیم. ما فقر جهان را ترک کرده، به گنجینه های فیض الهی دست می یابیم، ما راه عظیم و فراخ هلاکت را ترک کرده به راه تنگ و باریک حیات پای می گذاریم؛ جایی که پدر آسمانی ما با دستانی باز منتظر ما است. بله، آسمان منتظر ما است.

(۱۳) حداقل پنج نتیجه بازگشت را بنویسید.

خودآزمایی

سؤالات چندگزینه‌ای

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

- (۱) ارتباط توبه و ایمان با بازگشت چیست؟
- (a) توبه و ایمان با بازگشت ارتباط بسیار نزدیکی دارند زیرا آنها قدم‌هایی هستند که شخص را برای بازگشت آماده می‌سازند.
- (b) توبه و ایمان با بازگشت ارتباط خیلی کمی دارند زیرا در قلمرو روحانی، قدم‌های کاملاً متفاوتی می‌باشند.
- (c) توبه با عقل، ایمان با احساس و بازگشت با اراده مرتبط است.
- (۲) ما فهمیدیم که توبه، ایمان و بازگشت.....
- (a) منحصرأ عملکرد خدا می‌باشند و انسان در آنها نقشی ندارد.
- (b) تمام ابعاد زندگی اعم از فکر، احساس و اراده را دربر می‌گیرند.
- (c) همگی یک معنا دارند.
- (۳) بازگشت نتیجه.....
- (a) پاسخ مثبت انسان به کلام خدا و عملکرد روح القدس است.
- (b) شناخت انسان‌ها از خودشان است چون در این صورت می‌فهمند که از نظر اخلاقی به قدر کافی رشد نکرده‌اند.
- (c) جستجوی عمیق انسان برای یافتن نجات‌دهنده‌ای است که او را نمی‌شناسد و از او بی‌اطلاع است.

(۴) بازگشت از رفتن به سوی خدا و دریافت بخشش الهی سخن می گوید، چنین

بازگشتی

- (a) تنها به عهده انسان ها است زیرا خدا فرمان آن را داده است.
- (b) تنها به عهده خدا است بنابراین بازگشت عملکرد الهی است.
- (c) در ابتدا به عهده انسان است زیرا خدا فرمان آن را داده است با وجود این انسان ها نزد خدا دعا می کنند تا آنها را به سوی خود بازگرداند.

(۵) اولین وسیله ای که خدا برای ایجاد بازگشت استفاده می کند؟

- (a) خدمت روح القدس می باشد که در ارتباط با هر شخص عملکردی متفاوت دارد.

(b) موعظه انجیل است.

(c) خدمت بدن مسیح است یعنی کلیسا.

(۶) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

- (a) حیات جاودان را دریافت می کنیم.
- (b) از هلاکت ابدی نجات می یابیم.
- (c) در لحظه بازگشت عادل و کامل می شویم.
- (d) گناهان ما کاملاً پاک می گردد و خدا دیگر هرگز آنها را به یاد نمی آورد.
- (e) ما از روابط جدیدی برخوردار می گردیم.
- (f) مشارکت با سایر مسیحیان تولد تازه یافته، به ما کمک می کند تا رشد کنیم و در ایمان تقویت شویم.

(g) شناخت و دانش ما از مسائل روحانی کامل می گردد.

(h) با خالق کائنات و پسرش عیسی مسیح مشارکت خواهیم داشت.

(۱) نتیجه بازگشت می باشد

(۲) نتیجه بازگشت نمی باشد

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

(۷) a غلط

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(۱) (c) اساساً بازگشت، تغییر کامل زندگی شخص است که در هنگام بازگشت از گناه و روی آوردن به خدا صورت می‌گیرد.

(۸) (a) آیه ۳۲، این آیه نشان می‌دهد که زندانبان و خانواده‌اش کلام خدا را شنیدند و آن را درک کردند.

(b) آیات ۲۵-۳۰، معجزه، زندانبان را به شدت تحت تأثیر قرار داد، چون او پرسید که چه کاری باید انجام دهد تا نجات یابد؟ (مشخصاً او ایمان آورد و این واقعه سبب شد تا تغییری اساسی در زندگیش رخ دهد).

(c) آیه ۳۳، زندانبان آگاهانه تصمیم می‌گیرد تا خود را تسلیم خدا کند و این مطلب را با تعمیدش نشان می‌دهد.

(۲) ملاحظه و شناخت راه‌های خود، بازگشت قاطع به سوی خدا و اطاعت از او.

(۹) (a) تمامیت وجود شخص یعنی فکر، احساس و اراده

(b) خدا توسط کلامش با ما سخن می‌گوید و بر اساس کلام خود با ما رفتار می‌کند.

(c) زیرا خدا با هر انسانی به گونه‌ای خاص برخورد می‌کند و تجربه‌های اشخاص تا اندازه‌ای با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

(d) شخص باید در هر مورد گناهانش را بشناسد و آنها را ترک کند، به خدا ایمان آورد و او را خداوند زندگیش بداند. هنگامی که این کار را انجام داد، او بازگشت نموده است.

(۳) (b) تجربه توبه و ایمان مثل تجربه بازگشت است زیرا انسان از گناه باز می‌گردد و با تمام وجود به خدا اعتماد می‌کند.

(۱۰)

خدا انسان را دعوت می‌کند تا به‌سوی او بازگشت کند	خدا انسان را به‌سوی خود باز می‌گرداند
امثال ۱:۲۳، اشعیا ۶:۳۱ و ۲۰:۵۹، حزقیال ۳۲:۱۸ و هوشع ۶:۱۲، یوئیل ۲:۱۲- ۱۳، اعمال رسولان ۲۰:۲۶	مزمور ۴:۸۵، ارمیا ۱۸:۳۱ و مراثی ارمیا ۲۱:۵

(۴) (a) غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) درست

(۱۱) (c) خدا و انسان هر دو در بازگشت سهیم هستند. خدا انسان را به گناه ملزم می‌سازد و او را از وضعیت سقوط کرده خود آگاه می‌سازد اما این انسان است که باید توبه کند، ایمان آورد و کاملاً به‌سوی خدا بازگردد.

(۵) (a) ۲-احساس

(b) ۱-فکر

(c) ۳-اراده

۲ (a) ۱۲

۱ (b)

۱ (c)

۱ (d)

۲ (a) ۶

۱ (b)

۱ (c)

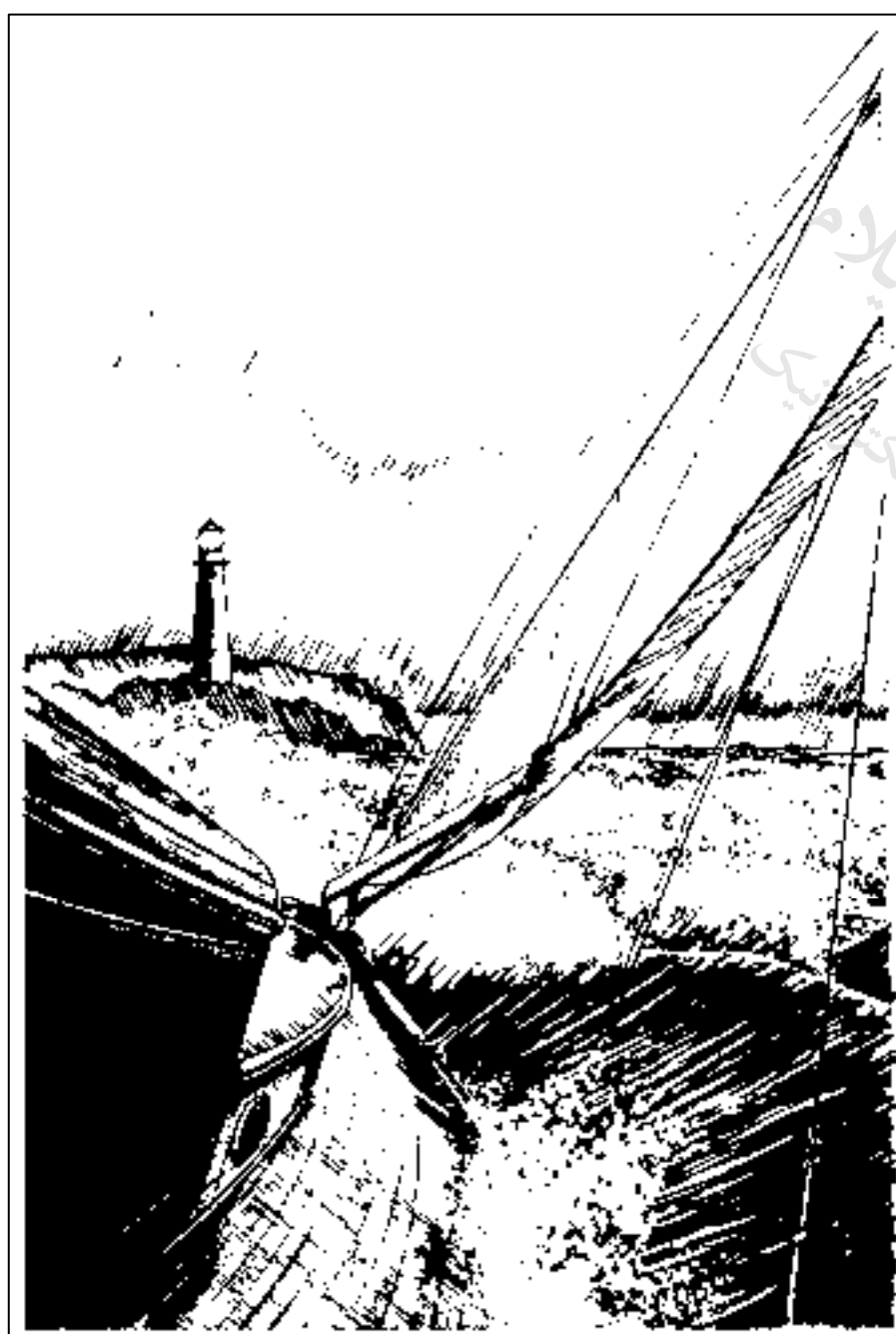
۲ (d)

۱۳) دریافت حیات جاوید، عضو خانواده خدا شدن، پاک شدن گناهان و نجات از مرگ روحانی، مشارکت با خدا و سایر مسیحیان، تقدیس و شادی آسمان.

این آخرین درس از بخش اول این کتاب درسی می‌باشد. بعد از اتمام این خودآزمایی، دروس ۱ تا ۴ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی ۱ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

بخش دوم

آنچه خدا تدارک می بیند



انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

اراده خدا در نجات

در بخش اول این کتاب، عناصر بنیادی آموزه نجات را بررسی کردیم و آموختیم که خدا از انسان چه می‌خواهد. سپس مشاهده کردیم که آموزه نجات زنجیری از وقایعی است که با توبه، ایمان و بازگشت آغاز می‌گردد. حال به بررسی اراده خدا در نجات و تدارک الهی برای زندگی روحانی می‌پردازیم یعنی هر که به انجیل پاسخ مثبت دهد، جایگاه و مقام جدیدی در حضور خدا خواهد داشت.

در بررسی اراده خدا درباره نجات، متوجه می‌گردیم که تدبیر و هدف ابدی خدا در پیش‌تعیینی ایمانداران و آنچه از ازل مقرر شده این است که ما به شباهت پسر خدا یعنی عیسی مسیح درآئیم. همیشه حیرت و شگفتی، عکس‌العمل انسانی است که صادقانه و با قلبی جستجوگر می‌کوشد تا ارتباط بین هدف و اراده حاکم خدا را با اراده آزاد انسان درک نماید. اراده خدا را در محبت و رحمتش مشاهده می‌کنیم، او محض رحمت خود، ما را در مسیح زنده گردانید زمانی که در گناهان و خطایای خود مرده بودیم (افسیان ۲: ۴-۵).

فیض، پاسخ خدا به انسان گناهکار است. او محض فیض خود، ما را خلق کرد و به ما این توانایی را بخشید که حتی بتوانیم محبتی را که او به ما نمود، رد کنیم. سپس او با فیض عظیم و بی‌پایان خود، پسر محبوبش را برای ما، نسل گناهکار و خاطی فدا نمود. مسیح چگونه می‌توانست خود را با انسان‌های گناهکار یکی بداند، بار گناهان آنها را بر دوش خود گیرد و روی صلیب بهای رهایی آنها را پرداخت کند؟ پاسخ این است: خدا جهان را آنقدر محبت نمود! بله، چنین پاسخی غیر قابل درک است و تنها واکنش طبیعی ما انسان‌ها در پاسخ به محبت، رحمت و فیض خدا، پرستش او می‌باشد.



رئوس مطالب

گزینش
دیدگاه‌های گزینش
گزینش در کتاب مقدس
پیش‌تعیینی (پیش‌تقدیری)

اهداف درس

- در پایان این درس باید بتوانید:
- اهمیت گزینش را در کار نجات شرح دهید.
 - با استفاده از کلام خدا توضیح دهید که گزینش توسط چه شخصی، برای چه کسانی و برای چه هدفی صورت می‌گیرد.
 - برای این حقیقت که درک معنای گزینش و پیش‌تعیینی برای اشخاصی که در مسیح هستند، اطمینان نجات را به همراه می‌آورد، شکرگزار باشید.

فعالیت‌های یادگیری

۱) دستورالعمل‌های ذکر شده برای مطالعه درس را طبق آنچه که در درس اول بیان شد، رعایت نمایید. به سؤالات درس پاسخ دهید و تمامی آیات مندرج را بخوانید.

۲) افسسیان ۱: ۳-۱۴ را چند بار بخوانید. این آیات بخش مهمی در ارتباط با درک اراده خدا می‌باشند. همچنین دوم تیموتائوس ۱: ۹ و رومیان ۸: ۲۸-۳۰ را بخوانید.

۳) به خودآزمایی انتهای درس پاسخ دهید و پاسخ‌های خود را با پاسخنامه انتهای کتاب مقایسه کنید. پاسخ‌های غلط خود را مرور نمایید.

متن درس

گزینش

مبحث گزینش یکی از بخش‌های بسیار مهم این درس می‌باشد. سایر قسمت‌ها در ارتباط با تعلیم پیش‌تعیینی سخن می‌گویند. دو واژه گزینش و پیش‌تعیینی حاوی حقایق بسیاری در ارتباط با اراده و هدف خدا برای انسان‌ها می‌باشند. مشخصاً هر امری که به گذشته بسیار دور مربوط باشد، در بردارنده رازی شگرف است. این مطلب، به‌خصوص در ارتباط با تصمیمات ابدی خدا صحت دارد. اما همانگونه که خواهیم دید، اراده خدا برای اشخاصی که به او پاسخ مثبت می‌دهند، امری پیچیده نیست. اراده خدا برای ایمانداران آرامش، امنیت، مشارکت و میراث ابدی است. هنگامی که ما عملکرد پدر آسمانی را که توسط دو واژه گزینش و پیش‌تعیینی توصیف می‌شوند بررسی کنیم، تدارک فیض‌آمیز او را نسبت به کسانی خواهیم دید که پیشنهاد نجات او را می‌پذیرند.

(۱) افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ را بخوانید. با توجه به این آیات و مطالبی که درباره اراده خدا بیان کردیم، کدام یک از عبارات زیر درباره دو واژه گزینش و پیش‌تعیینی درست می‌باشد؟

- (a) این دو مقوله در کل، هدف ابدی خدا برای انسان می‌باشند.
 (b) گزینش و پیش‌تعیینی، هدف خدا است برای اشخاصی که به محبت او پاسخ مثبت می‌دهند.
 (c) این دو واژه، بیانگر قدرت خدا برای اجرای خواسته‌هایش در کائنات می‌باشند.

معنای گزینش

گزینش در ارتباط با آموزه نجات، عملکرد فیض‌آمیز الهی است که در آن خدا از پیش همه اشخاصی را که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند و در ایمان‌شان پایدار می‌مانند، می‌شناسد و آنها را برمی‌گزیند. نمودار زیر به شما کمک خواهد کرد تا مفهوم گزینش را بهتر درک نمایید.

مسئولیت انسان (۱) خدا نجات را به همه انسان‌ها تقدیم کرد. (۲) نجات از طریق قربانی شدن مسیح مهیا گشت. (۳) نجات ما مشروط است به: الف) پذیرش قربانی مسیح ب) ایمان ما در پیروی از مسیح	انتخاب خدا (۱) گزینش، عمل فیض‌آمیز الهی است که در آن خدا اشخاصی را که نجات مسیح را می‌پذیرند، انتخاب می‌کند. (۲) خود خدا از پیش می‌داند چه اشخاصی هدیه نجات را خواهند پذیرفت و در ایمان خود پایدار خواهند ماند.
--	---

در این تعریف کلی، تدارک فیض آمیز الهی را مشاهده می‌کنیم. تدارکی که نجات را در عیسی مسیح برای همه انسان‌ها مهیا می‌سازد. به این نکته توجه کنید که تدارک الهی برای انسان شرطی قائل می‌شود. انسان باید نجات خدا را بپذیرد و به کفاره کامل خداوند ما عیسی مسیح ایمان آورد و در ایمانش پایدار باشد. بنابراین، هدف خدا از ازل نجات همه انسان‌ها بود ولی از آنجا که می‌دانست چه افرادی ایمان خواهند آورد، آنها را هم انتخاب کرد و این نه به خاطر لیاقت و یا شایستگی آنها بود بلکه محض شایستگی عیسی مسیح. خدا آنها را برگزید تا مقدس و بی‌لکه باشند و مقام فرزندخواندگی را دریافت کرده، جلال خدا را ستایش نمایند و میراث ابدی را دریافت کنند (افسیسیان ۱: ۳-۱۴). همانطور که ذکر شد، تدارک خدا برای نجات همه انسان‌ها می‌باشد اما در این درس، متوجه برکات خدا برای اشخاصی خواهیم بود که بخشش فیض آمیز خدا را می‌پذیرند.



تصمیم انسان = تصمیم خدا

- ۲) طبق افسسیان ۱: ۳-۱۴ کدام یک از عبارات زیر تعلیم کتاب مقدس در رابطه با گزینش می‌باشد؟
- a) همه انسان‌هایی که به دعوت خدا پاسخ مثبت می‌دهند نجات خواهند یافت.
 - b) خدا، از ازل آنهایی را در مسیح انتخاب می‌کند که می‌داند به هدیه نجات او پاسخ مثبت خواهند داد.
 - c) هدف خدا آن است که عده‌ای نجات فیض آمیز خدا را تجربه کنند و عده‌ای دیگر هلاک شوند.

نمونه‌های کتاب مقدسی گزینش

برای درک کامل معنای گزینش، واژه‌های عبری و یونانی آن را در کتاب مقدس بررسی خواهیم نمود و نمونه‌هایی را از عهدعتیق و عهدجدید در نظر خواهیم گرفت.

عهدعتیق از واژه عبری *bahar* به دفعات استفاده می‌کند. این کلمه به معنای «انتخاب یا گزینش» است. این واژه ۱۶۴ بار در عهدعتیق به کار می‌رود و در بیش از ۱۰۰ مورد، خدا است که انتخاب می‌کند. این نمونه‌ها بسیار مهم می‌باشند زیرا عملکرد خدا را در گزینش نشان می‌دهند.

۳) آیات زیر را بخوانید و بنویسید که خدا چه کسی و یا چه چیزی را انتخاب کرد.

(a) اول سموئیل ۲۴:۱۰

(b) دوم تواریخ ۶:۶

(c) دوم تواریخ ۱۶:۷

(d) مزمور ۲۳:۱۰۶

در نمونه‌های فوق، گزینش الهی را در رابطه با انتخاب اشخاص، مکان‌ها و یا اشیاء می‌بینیم. خدا قوم اسرائیل را برگزید اما هیچ دلیل و یا خصوصیت خاصی را نمی‌توان عنوان نمود که چرا خدا این قوم را بر اقوام دیگر ترجیح داد (تثنیه ۷:۷). خدا قومی کوچک و حقیر را برگزید تا فیض خود را متجلی سازد و قدرت و نام خود را به همه ملل جهان اعلام کند (خروج ۱۶:۹). در ارتباط با گزینش قوم اسرائیل، چنین می‌خوانیم، «تو را برگزیدم و رد ننمودم» (اشعیا ۴۱:۹).

انتخاب قوم اسرائیل، امتیازی بزرگ و مقدس برای آنها بود. اما انتخاب خدا، مسئولیت بزرگی را برای قوم برگزیده به همراه داشت. قوم اسرائیل در صورت زیر پا

گذاشتن فرامین خدا و یا مغرور شدن، مجازات سخت‌تری نسبت به همسایگان خود متحمل می‌شدند.



برگزیدگی مسئولیت به‌همراه دارد

(۴) ارمیا ۵:۱۲، ۷:۴ و ۱۰ و میکاه ۳:۱۱ را بخوانید. در این آیات، غرور قوم اسرائیل چه می‌باشد؟

در ارمیا ۷:۹-۱۰ می‌بینیم که قوم اسرائیل عمیقاً بر این باور است که گزینش الهی او را از هر مسئولیتی آزاد می‌کند. اما همانگونه که خواهیم دید، این امر هرگز هدف خدا برای قوم اسرائیل نبوده است. انتخاب خدا گرچه امتیازی بزرگ بود، اما مسئولیت پاسخگویی به محبت خدا در ایمان و اطاعت از او شامل می‌شد. خدا قوم اسرائیل را برگزید و این گزینش مسئولیتی را برای تک تک اعضای این قوم به‌همراه داشت تا به اراده خدا پاسخ مثبت دهند.

(۵) حزقیال ۱۸:۱-۳۲ و ۷:۲۰ را بخوانید. طبق این آیات، هدف خدا برای اشخاصی که برمی‌گزیند چیست؟ (بهترین پاسخ را انتخاب کنید).

a) درک حاکمیت و کنترل خدا در زندگی اشخاص.

b) درک حاکمیت و کنترل خدا در زندگی اشخاص با اطاعت و پیروی دائم

ازفرامین او.

(c) هیچ کاری نباید کرد چون گزینش نشان‌دهنده این است که خدا انتخاب خود را کرده و بدون توجه به اعمال برگزیدگان، آن را به‌جا خواهد آورد.

حزقیال می‌دانست که انتخاب قوم اسرائیل توسط خدا، برای تک‌تک اعضای قوم، مسئولیتی به‌همراه دارد. آنها باید در زندگی خود از فرامین خدا اطاعت می‌کردند (حزقیال ۴:۱۸). قصور در زندگی، مطابق با فرامین خدا، تنها مرگ را به‌دنبال داشت (حزقیال ۱۳:۱۸).

(۶) عاموس ۱:۳-۲، لوقا ۴۸:۱۲، رومیان ۲:۱۷-۲۹ را بخوانید. این آیات بیانگر چه اصلی در رابطه خدا و انسان می‌باشند؟

این آیات به‌خوبی بیانگر عملکرد فیض‌آمیز پدر قدوس و آسمانی ما در گزینش قوم اسرائیل می‌باشند. این آیات همچنین شخصیت قدوس خدا و دیدگاه او را نسبت به گناه نشان می‌دهند و رساله به رومیان ۱۷:۱۱-۲۳ نیز به ما می‌گوید که نباید مثل قوم اسرائیل از خدا جدا شویم.

در عهدجدید ۵۰ بار کلمه گزینش به‌کار رفته است. واژه‌های یونانی آن عبارتند از:

(۱) Eklegomai که به معنای «انتخاب کردن» است.

(۲) Ekloge که به معنای «انتخاب یا عمل انتخاب» می‌باشد.

(۳) Eklektos که به معنای «شخص انتخاب شده یا برگزیده» می‌باشد.

تقریباً نیمی از این واژه‌ها، بیانگر اراده خدا در انتخاب می‌باشند. اصل انتخاب آزاد انسان نیز، از اهمیت والایی برخوردار است. در عهدجدید فعل «انتخاب»، نشانگر علاقه فردی است که انتخاب را انجام می‌دهد، که در این مورد انتخاب‌کننده خود خدا می‌باشد. در موضوع گزینش، خدا هرگز آینده انسان را از پیش تعیین نمی‌کند و مسئولیت انتخاب انسان نیز از او سلب نمی‌گردد.

۷) جلوی عباراتی که در رابطه با موضوع گزینش بیانگر تعلیم کتاب مقدس می باشد علامت بزنید.

- a) انتخاب خدا براساس ارزش یا اهمیت شخص منتخب می باشد.
- b) برگزیدگی، امتیازی بسیار با ارزش است و مسئولیت شخص منتخب را در قبال آن دربردارد.
- c) نمونه های کتاب مقدس، چه در عهدعتیق و چه در عهدجدید نشان می دهند که چون خدا انسان ها را انتخاب می کند دیگر لازم نیست به فیض الهی پاسخ دهند زیرا همه چیز به خدا بستگی دارد.
- d) چون خدا انسان ها را برای نجات برگزیده است، پس مسئول است آنها را برای آسمان آماده کند و با اراده مقاومت ناپذیر خود پاک گرداند.
- e) در عهدعتیق، خدا قوم اسرائیل را برگزید، اما تک تک اعضای قوم نسبت به پاسخگویی به فیض خدا مسئول بودند. در عهدجدید، خبرخوش برای همه انسان ها است و هر شخص مسئول است به هدیه نجات خدا پاسخ دهد.

دیدگاه های گزینش

دیدگاه جبری

عده ای در ارتباط با تعلیم جامع کلام خدا پیرامون موضوع گزینش، دیدگاهی متفاوت نسبت به آنچه ما اعتقاد داریم، دارند. آنها بر این باورند که خدا از ازل سرنوشت انسان ها را تعیین نمود. آنها معتقدند که خدا عده ای را برای نجات و عده ای را برای هلاکت جاودانی تعیین کرده است. طبق نظر آنها، مسیح فقط برای عده ای منتخب جانش را فدا کرد. ما این نقطه نظر را دیدگاه جبری می نامیم.

دیدگاه جبری	آیاتی در جهت دفاع از این دیدگاه
(۱) اراده حاکم خدا عامل اصلی انتخاب است.	افسیان ۵:۱
(۲) گزینش، نجات اشخاص منتخب در مسیح را تضمین می‌کند. گزینش همچنین به معنای این است که اشخاصی که در مسیح انتخاب نشده‌اند، امکان نجات یافتن ندارند.	رومیان ۸:۳۰-۳۱
(۳) گزینش از ازل وجود داشته است.	افسیان ۴:۱
(۴) گزینش، بی‌شرط می‌باشد. انتخاب الهی، برپایه ایمان و یا اعمال خوب انسان نیست بلکه تماماً بر اساس خشنودی الهی است که سرچشمه ایمان است	اعمال رسولان ۱۳:۴۸، رومیان ۹:۱۱، ۲ تیموتائوس ۱:۹، اول پطرس ۱:۲
(۵) گزینش، مقاومت‌ناپذیر است. یعنی اینکه خدا می‌تواند چنان تأثیر نیرومندی بر روح انسان بگذارد که او را مشتاق نجات بکند.	فیلیپیان ۱۳:۲

پیروان این دیدگاه، نجات را کاملاً وابسته به خدا و امری الهی می‌دانند و برای انسان هیچ نقشی قائل نیستند. اگر انسان توبه کند، ایمان آورد و نزد مسیح آید، صرفاً به‌خاطر عمل روح‌القدس بوده که او را به‌سوی خدا جذب کرده است. بنا به اعتقاد آنها، انسان به‌قدری فاسد و برده گناه است که بدون کمک خدا قادر به توبه، ایمان و انتخاب صحیح نمی‌باشد. بیایید بعضی از مشخصه‌های بارز این دیدگاه را به‌طور خلاصه بررسی نماییم:

این دیدگاه، تعلیم و یا آموزه امنیت جاودان را مطرح می‌کند. این دیدگاه می‌گوید که وقتی شخص زیر فیض خدا قرار می‌گیرد، همیشه از فیض او بهره‌مند می‌گردد. به‌عبارتی دیگر، وقتی شخص نجات می‌یابد، همیشه نجات را دارد. چون خدا از ازل نجات شخص را تعیین نموده و گزینش نیز امری بی‌شرط و مقاومت‌ناپذیر است، پس شخص هرگز نجاتش را از دست نمی‌دهد.

- ۸) جلوی عباراتی که بیانگر دیدگاه جبری گزینش می‌باشند علامت بزنید.
- (a) انتخاب خدا بی‌شرط است. انسان در برابر انتخاب الهی هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد.
- (b) اساس گزینش، محبت خدا و اعمال خوب انسان است.
- (c) گزینش، موضوعی عالمگیر است، یعنی همه انسان‌ها برای نجات انتخاب شده‌اند.
- (d) خدا با اراده مقاومت‌ناپذیر خود، آنچنان تأثیری بر روح انسان می‌گذارد که او مشتاق نجات شود.
- (e) خدا از ازل سرنوشت انسان را مقرر فرموده است. عده‌ای برای نجات و عده‌ای دیگر برای هلاکت ابدی خلق شده‌اند.

دیدگاه اراده آزاد

در مقابل دیدگاه جبری، دیدگاه دیگری در رابطه با مسئله گزینش وجود دارد که بسیاری از مسیحیان به آن اعتقاد دارند. این دیدگاه که بیانگر مسئولیت انسان در نجات است، دیدگاه اراده آزاد نام دارد، که ما نیز معتقد به آن هستیم. ما ایمان داریم که طبق کلام، اراده خدا این است که همه مردم نجات یابند؛ زیرا مسیح برای همه انسان‌ها جان داد (اول تیموتائوس ۲:۶، ۴:۱۰، عبرانیان ۲:۹، اول یوحنا ۲:۲، دوم قرنتیان ۵:۱۴). و فیض خدا برای همه می‌باشد. ما با اینکه اعتقاد داریم که نجات تماماً کار خدا است و کاملاً جدا و مستقل از اعمال خوب انسان و یا شایستگی‌هایش می‌باشد، اما انسان نیز باید برای دریافت این نجات، مسئولیتی به عهده گیرد. مسئولیت انسان در امر گزینش، اعتماد و توکل به مسیح است که نجات الهی را محفوظ می‌دارد. این عبارت با گفته‌های مسیح مطابقت دارد یعنی هر که ایمان آورد، حیات جاودانی دارد (یوحنا ۳:۱۵-۱۸). ایمان یعنی اعتقاد به عیسی مسیح، شرط نجات است. انسان با ایمان خود، شایستگی‌اش را به اثبات نمی‌رساند، بلکه تنها با داشتن

ایمان نجات می‌یابد. ما می‌توانیم فیض خدا را بپذیریم و یا آن را رد کنیم. قدرت و آزادی انتخاب برای ما وجود دارد.

پاسخ ما به خدا، سرنوشت ما را تعیین می‌کند. ما با اراده آزاد خود یا نجات را می‌پذیریم، یا آن را رد می‌کنیم. مشخصه‌های برجسته دیدگاه اراده آزاد را در نمودار زیر می‌بینیم.

دیدگاه اراده آزاد	آیاتی در جهت دفاع از این دیدگاه
(۱) گزینش، بیانگر حاکمیت الهی است به این معنا که خدا هیچ اجباری در انتخاب انسان نداشت. همه انسان‌ها به‌خاطر گناه در حضور خدا محکوم هستند، بنابراین سزاوار مجازات می‌باشند.	افسیان ۱:۱۱ رومیان ۳:۲۳
(۲) گزینش، عملکرد فیض‌آمیز خدا است زیرا برگزیدگان شایستگی چنین انتخابی را ندارند.	افسیان ۲:۸-۱۰
(۳) خدا گزینش را براساس شایستگی پسرش انجام داد	افسیان ۱:۳-۴
(۴) خدا اشخاصی را انتخاب کرد که می‌دانست ایمان خواهند آورد.	رومیان ۸:۲۹-۳۰
(۵) خدا با فیض خود به همه انسان‌ها قدرت کافی برای انتخاب بخشید تا نجات مسیح را بپذیرند و یا آن را رد کنند. خدا با پیش‌دانی خود می‌داند که پاسخ انسان چه خواهد بود بنابراین اشخاصی را برمی‌گزیند که نجاتش را می‌پذیرند و تسلیم او می‌گردند.	تیتس ۲:۱۱، اول تیموتائوس ۴:۹

دیدگاه اراده آزاد می‌گوید که دعوت خدا برای همه انسان‌ها است تا نجات یابند. عده زیادی از مسیحیان در سراسر جهان معتقدند که هدیه نجات برای همه انسان‌ها می‌باشد، یعنی برای هر که می‌خواهد نجات یابد. ما ایمان داریم که خدا با پیش‌دانی خود، همه اشخاصی را که پیغام انجیل را می‌پذیرند و نجات خود را حفظ می‌کنند، می‌شناسد. او با پیش‌تعیینی خود این اشخاص را از ازل برای حیات جاوید مقرر

فرمود. دیدگاه اراده آزاد، آن است که خدا سرنوشت ابدی انسان را می‌داند اما او تعیین‌کننده سرنوشت انسان نمی‌باشد.

(۹) کدام یک از عبارات زیر در رابطه با دیدگاه اراده آزاد انسان درست می‌باشند. جلوی آن علامت بزنید.

- (a) گزینش، بر اساس پیش‌دانی خدا نسبت به پاسخ انسان به انجیل است.
(b) گزینش شرطی است و بسته به پاسخ هر شخص نسبت به هدیه نجات می‌باشد.
(c) اساس نجات، ایمان به خداوندی عیسی مسیح می‌باشد.
(d) ایمان به‌خودی خود فضیلت و یا ارزشی نیست بلکه پاسخی است حاکی از اطاعت و اعتماد به کلام خدا.

به‌طور خلاصه، دیدگاه اراده آزاد بیشتر با کلام خدا منطبق است. ما ایمان داریم که در بررسی آموزه نجات، این دیدگاه در مقایسه با دیدگاه جبری به تعلیم جامع کتاب‌مقدس نزدیک‌تر است. هرگز در کتاب‌مقدس مسئله گزینش به‌عنوان عاملی خلاف اراده انسان مطرح نشده است. کتاب‌مقدس نیز هرگز انسان را موجودی بی‌مسئولیت معرفی نمی‌کند. مسئولیت و انتخاب آزاد همسو با یکدیگرند.

- (۱۰) «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید به‌وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خدا است و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند» (افسیان ۸:۲-۹). با توجه به این آیه جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.
(a) طبق آیه فوق، نجات تماماً تدارک خدا است.
(b) هدیه نجات را با ایمان دریافت می‌کنیم.
(c) هدیه نجات رایگان است اما باید به آن ایمان آوریم و آن را بپذیریم تا از برکات آن بهره‌مند گردیم.

(d) پذیرش هدیه خدا اجباری است و نمی‌توان آن را رد نمود. لازم نیست انسان به پیام خدا پاسخ دهد. خدا انسان را مجبور می‌کند تا پیامش را بشنود تا برگزیدگان از فیض الهی بهره‌مند گردند.

(۱۱) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست تعاریف گزینش و ستون سمت چپ دیدگاه‌های گزینش می‌باشند.

- (a) گزینش بی‌شرط و مقاومت‌ناپذیر است.
 (b) پاسخ مثبت و با ایمان انسان به نجات مسیح در گزینش مهم است.
 (c) نجات برای همه انسان‌ها ممکن است اما تنها ایمانداران، آن را به دست می‌آورند.

- (d) خدا عده‌ای را از ازل برای نجات و عده‌ای را برای هلاکت برگزید. این گزینش ارتباطی به ایمان یا عمل آنها ندارد.
 (e) خدا با فیض خود، به همه انسان‌ها قدرت انتخاب می‌بخشد تا نسبت به نجات مسیح تصمیم بگیرند.

۱- دیدگاه جبری

۲- دیدگاه اراده آزاد

گزینش در کتاب مقدس

گاهی اوقات می‌خواهیم با استناد به یک یا دو دلیل موثق، عقیده یا نظر خود را پیرامون مسئله‌ای به اثبات برسانیم، اما اگر در پی تلاش صادقانه برای درک حقیقت هستیم، باید به جمع‌آوری همه شواهد موجود پرداخته، حقایق مربوطه را ارزیابی کنیم و سپس به نتیجه‌گیری اقدام ورزیم. برای نمونه، ممکن است شخصی نتیجه‌گیری کند که طبق یوحنا ۱۴:۱۳-۱۴ هر چه به نام مسیح درخواست کنیم، می‌یابیم. با این وجود، هنگامی که به این موضوع، دقیق‌تر نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در پس همین وعده‌ای که در یوحنا ۱۵:۱۶ نیز ذکر شده، شرایطی وجود

دارند که در یوحنا ۱۵:۱-۱۵ آنها را می‌خوانیم. یوحنا ۱۵:۱-۱۵ نوری است که بر تعلیم کلام خدا در رابطه با ماهیت دعای مؤثر می‌تابد. با به‌خاطر سپردن این حقایق در ذهن، به نمونه‌های دیگری از کتاب مقدس در رابطه با موضوع گزینش می‌پردازیم.

(۱۲) تثنیه ۶:۷-۸ و ۱۰:۱۲-۱۵ و ۱۴:۱-۲ را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- (a) این آیات به ما می‌گویند که خدا.....
- (b) خدا قوم اسرائیل را به‌خاطر انتخاب نمود.
- (c) عمق محبت خدا به قوم اسرائیل از آنجا آشکار می‌شود که او آنها را برگزید.
- (d) قوم اسرائیل به‌خاطر برخورداری از گزینش الهی به دعوت شده‌اند.

در آیات فوق، حاکمیت خدا را در انتخاب قوم اسرائیل دیدیم. همچنین متوجه شدیم که این قوم علاوه بر دارا بودن امتیاز گزینش، مسئولیت‌هایی نیز دارد. آنها می‌باید مطیع باشند، پاک و درست زندگی کنند و با پرستش و محبت به فیض خدا پاسخ دهند. هلاکت، مجازات ناطاعتی است (نگاه کنید به تثنیه ۷:۱۰-۱۱). شادی برخورداری از برکات گزینش الهی، ثمره پاسخ با ایمان و اطاعت هر شخص می‌باشد (تثنیه ۷:۱۲-۲۶ و همچنین باب ۸).

(۱۳) آیات زیر را بخوانید و برگزیدگان را در هر یک مشخص نمایید.

- (a) اعمال رسولان ۹:۱۵
- (b) رومیان ۱۱:۵
- (c) رومیان ۱۱:۲۶
- (d) اول تسالونیکیان ۱:۴

(۱۴) حال دوباره افسسیان ۱:۳-۴ را با دقت بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- (a) چه شخصی گزینش را انجام داد؟
- (b) گزینش الهی به چه شخصی وابسته است؟
- (c) گزینش در چه زمانی صورت گرفت؟
- (d) تأثیر گزینش در چه زمانی است؟
- (e) هدف از گزینش چیست؟

گرچه تقدس اساس گزینش ما نیست اما هدف آن است. پولس می‌گوید: «نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد» (تیطس ۵:۳). هدف و تأکید از گزینش الهی آن است که انسان پس از نجات، پاک و مقدس باشد.

(۱۵) در مورد موضوع گزینش و سهم ما در آن، چه مطالبی را از آیات زیر می‌آموزیم؟

- (a) اول پطرس ۱:۱-۲
- (b) دوم پطرس ۱:۱۰
- (۱۶) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.
- (a) شخصی که گزینش الهی به او وابسته است.
- (b) گزینش تحقق می‌یابد.
- (c) شخصی که گزینش در او صورت می‌گیرد.
- (d) زمان گزینش
- (e) هدف از گزینش

(۱) قبل از خلقت

(۲) خدا

(۳) زندگی مقدس و بی‌آلایش

(۴) در زندگی کنونی ما، اکنون

(۵) مسیح

پیش‌تعیینی (پیش‌تقدیری)

تعریف پیش‌تعیینی

اکنون به بررسی واژه دومین واژه مهم در درک هدف خدا از نجات انسان می‌پردازیم. این واژه پیش‌تعیینی می‌باشد. دو واژه پیش‌تعیینی و پیش‌تقدیری هم‌معنی هستند و ما واژه پیش‌تعیینی را در این بخش به کار خواهیم برد. این واژه از این آیات اخذ شده است: رومیان ۸: ۲۹-۳۰ و افسسیان ۱: ۵ و ۱۱.

ما در مسیحیت نسبت به گزینش خدا دیدگاه جبری نداریم. ما ایمان داریم که خدا، حاکم و سلطان است اما همچنین ایمان داریم که انسان به گونه‌ای خلق شده که می‌تواند در برابر خدا مقاومت نشان دهد. کتاب مقدس نشان می‌دهد که انسان می‌تواند برای ایمان آوردن و نجات یافتن به ندای روح القدس پاسخ مثبت ندهد و در نهایت هلاک گردد (امثال ۱: ۲۹ و عبرانیان ۳: ۷-۱۹). همچنین اشاره شده که هر شخص می‌تواند به هدیه خدا پاسخ مثبت دهد و نجات یابد (مکاشفه ۱۷: ۲۲، یوحنا ۳: ۳۶).

ریشه یونانی واژه پیش‌تعیینی Proorizo است که به معنای «پیشاپیش تصمیم گرفتن» می‌باشد. در ارتباط با آموزه نجات، هدف خدا در گزینش آن است که اشخاصی را که به مسیح ایمان می‌آورند و هدیه نجات را می‌پذیرند، نجات بخشد و پیش‌تعیینی بیانگر عزم خدا در تحقق این هدف می‌باشد. بنابراین منظور از پیش‌تعیینی آن است که خدا هدف خود را در نجات اشخاصی که هدیه نجات را می‌پذیرند به انجام می‌رساند. تدارک الهی، برای همه اشخاصی است که خدا می‌داند به هدیه نجات او پاسخ مثبت خواهند داد.

(۱۷) کدام یک از عبارات زیر بیانگر تعریف واژه پیش‌تعیینی و ارتباط آن با موضوع گزینش است.

- (a) پیش‌تعیینی به معنای آن است که خدا در زمان مناسب، تصمیمات و اهداف ازلی خود را اجرا می‌کند.
- (b) پیش‌تعیینی در ارتباط با آموزه نجات، تحقق هدف خدا برای ایمانداران است.
- (c) پیش‌تعیینی به این معنا است که هر عمل، تصمیم، فکر، انگیزه، پاسخ و وضعیت انسان از ازل توسط خدا مقرر شده است. زندگی انسان از قبل تنظیم شده و انسان نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

اساس پیش‌تعیینی

هدف ما در این درس، بررسی تعلیم کتاب مقدس در ارتباط با موضوع گزینش و پیش‌تعیینی، به گونه‌ای متعادل است. خواهیم دید که دیدگاه کتاب مقدس در رابطه با موضوع گزینش، همسان و هماهنگ با تعلیم کلام خدا در ارتباط با سلطنت خدا و مسئولیت انسان است.

(۱۸) رومیان ۸:۲۹ و اول پطرس ۱:۲ را بخوانید. این آیات چه چیزی را اساس گزینش می‌دانند؟

معنای ساده پیش‌دانی «آگاهی پیش از وقوع» می‌باشد. پولس در رومیان ۸:۲۸-۳۰ به‌طور واضح ترتیب الهی را در ابتدا پیش‌دانی و سپس پیش‌تعیینی معرفی می‌کند. پطرس پیش‌دانی را پایه گزینش معرفی می‌کند (اول پطرس ۱:۲). بنابراین، خدا با پیش‌دانی خود برمی‌گزیند و در نهایت هدف خود را به انجام می‌رساند (پیش‌تعیینی). سؤالی که اکنون مطرح می‌شود این است که: «آگاهی خدا درباره اشخاصی که در رومیان ۸:۲۹ از آنها نام می‌برد، چه می‌باشد؟» پاسخ به این سؤال را در این باب نمی‌یابیم اما تعلیم جامع کتاب مقدس در رابطه با سهم واقعی انسان در نجات (از طریق ایمان) بیانگر پیش‌دانی خدا از ایمان انسان است. خدا از ازل عده‌ای را که

نجات خواهند یافت، برمی‌گزینند. نقشه نجات، همه انسان‌هایی را که می‌خواهند نجات یابند دربرمی‌گیرد. این حقیقت را می‌توان با این مثال شرح داد: بر روی در نجات نوشته شده است: «هر که می‌خواهد وارد شود»، اما وقتی که شخص وارد می‌شود و نجات می‌یابد، این عبارت را می‌خواند: «گزینشی که بر طبق پیش‌دانی خدا صورت گرفته است».

خدا با پیش‌دانی خود می‌داند که چه اشخاصی نجات او را خواهند پذیرفت و در ایمان خود به مسیح پایدار خواهند ماند. او میراثی ابدی برای آنها تعیین نموده است. خدا با پیش‌دانی خود از انتخاب و سرنوشت ابدی آنها آگاه است. اما تصمیم‌گیری را به‌عهده خود آنها می‌گذارد و برای انسان تصمیم نمی‌گیرد.

۱۹) پیش‌تعیینی خدا بر اساس

- a) شایستگی انسان، اعمال خوب و زندگی پاک می‌باشد.
- b) تصمیم مطلق خدا برای نجات عده‌ای و رد عده دیگر می‌باشد.
- c) آنچه که او از قبل می‌داند (پیش‌دانی خدا) می‌باشد.

پیش‌تعیینی در کتاب مقدس

در عهدجدید، واژه پیش‌تعیینی، شش بار به‌کار برده شده است. معنای آن در تمامی موارد «تعیین کردن» و یا «پیشاپیش تصمیم گرفتن» می‌باشد. در آیات زیر به بررسی بیشتر موضوع پیش‌تعیینی خواهیم پرداخت تا آن را بهتر درک کنیم و ببینیم که پیش‌تعیینی خدا شامل چه مواردی می‌شود.

۲۰) در آیات زیر پیش‌تعیینی خدا شامل چه مواردی است؟

- a) اعمال رسولان ۲۷:۴-۲۸
- b) رومیان ۸:۲۹-۳۰
- c) اول قرنتیان ۷:۲
- d) افسسیان ۱:۵
- e) افسسیان ۱:۱۱-۱۲

دوباره به آیات فوق رجوع کنید و به آنچه که شامل پیش‌تعیینی خدا نمی‌باشد، توجه کنید. جزئیات زندگی ما ثابت و غیرقابل تغییر نیستند.

پیش‌تعیینی، شامل هدف رهایی‌بخش خدا برای نجات انسان می‌باشد. هدف اصلی پیش‌تعیینی خدا برای اشخاصی که نجات او را می‌پذیرند این است که زندگی و رابطه‌ای مقدس و فرزندگونه با خدا داشته باشند و به شباهت مسیح درآیند.

در نقشه نجات، خدا و انسان ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. خدا فیض سرشار خود را به جهان تقدیم می‌کند و انسان ایمان می‌آورد. خدا امکان انجام کارهای نیکو را برای قوم خود تدارک می‌بیند. قوم خدا ایمان می‌آورند و ایمان‌شان منجر به کارهای خوب می‌شود. آنها با انجام کارهای خوب، نجات نمی‌یابند اما اعمال نیکو نشانگر رابطه زنده با مسیح می‌باشد. خدا کارهای خوب را مشخص و تعیین می‌کند ولی انسان آنها را انجام می‌دهد. خدا به ما اجازه می‌دهد که در اجرای نقشه نجات در زندگی‌مان، با او همکاری کنیم. سهم خدا بسیار بزرگ است و شامل پیش‌دانی، گزینش، پیش‌تعیینی، دعوت، جلال دادن، تقدیس نمودن و خیلی برکات دیگر می‌باشد. با این وجود، او به ما اجازه می‌دهد تا با او همکاری کنیم.

بیایید برای خلاصه نمودن مبحث گزینش و پیش‌تعیینی، نصیحت پولس به افسسیان را به‌خاطر بسپاریم:

«زیرا که محض فیض، نجات یافته‌اید به‌وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خدا است و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک کنیم» (افسسیان ۲: ۸-۱۰).

(۲۱) می‌دانیم که خدا همه چیز را می‌داند اما او تعیین‌کننده سرنوشت انسان

نیست. در این رابطه دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

a) توطئه دشمنان علیه مسیح.

- (b) تصمیمات زندگی. برای مثال: کار، ازدواج و مکانی که در آن زندگی خواهید کرد.
- (c) مسیحی به شباهت مسیح درآید.
- (d) حکمت ازلی الهی که در مسیح تحقق یافت.
- (e) عده‌ای نجات یابند و عده‌ای دیگر هلاک گردند (براساس عملکرد خدا نه پاسخ انسان).
- (f) اشخاصی که به انجیل ایمان می‌آورند و مسیح را می‌پذیرند، فرزندان خدا می‌گردند.
- (g) مسیحیان برای تمجید جلال خدا زندگی کنند.
- (h) مکان پرستش شما، پاسخ‌تان به مسائل روحانی، بخشندگی و یا خساست شما در رابطه با کار خدا.
- (۱) آنچه خدا تعیین نمود
- (۲) آنچه خدا تعیین ننمود

خودآزمایی

پس از مرور درس، خودآزمایی را انجام دهید. سپس پاسخ‌های خود را با پاسخنامه انتهای کتاب مقایسه کنید و جواب‌های غلط خود را مرور نمایید.

سؤالات چهار جوابی - بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

- (۱) موضوع گزینش در آموزه نجات مهم است زیرا...
 - (a) تعیین می‌کند که آیا شخص می‌تواند نجات یابد یا نه.
 - (b) بیانگر مرحله‌ای است که در آن ایماندار بیشتر شبیه خداوندش می‌گردد.
 - (c) نشانگر تسلط نیرومند خدا است که بر اراده انسان حاکم می‌باشد.
- (۲) ملاک گزینش ایمانداران پیش از خلقت جهان چیست؟
 - (a) شایستگی آنها براساس کارهای خوبی که انجام می‌دهند.
 - (b) تصمیم مطلق خدا برای نجات عده‌ای و رد عده‌ای دیگر.
 - (c) انتخاب در مسیح عیسی
- (۳) براساس حقایق جامع کتاب مقدس می‌توانیم بگوییم که برگزیدگان.....
 - (a) اشخاصی هستند که به هدیه نجات خدا پاسخ مثبت می‌دهند.
 - (b) عده قلیلی هستند که خدا آنها را برای نجات انتخاب می‌کند.
 - (c) اشخاصی هستند که با کارهای خوب شایستگی خود را برای نجات به اثبات می‌رسانند.
- (۴) پیش‌تعیینی که به معنای «پیشاپیش تصمیم گرفتن» می‌باشد براساس
 - (a) شایستگی انسان است.
 - (b) پیش‌دانی خدا است.
 - (c) قوانین غیرقابل تغییر الهی است.

(۵) کدام یک از آیات زیر با اراده خدا در نجات، ارتباط نزدیک ندارد؟

(a) افسسیان ۱: ۳-۱۴

(b) اول پطرس ۱: ۱-۲

(c) یوحنا ۱۴: ۱-۳

(۶) کتاب مقدس به روشنی پیش‌دانی خدا را اساس پیش‌تعیینی معرفی می‌کند. خدا در اشخاصی که به او ایمان می‌آورند، چه می‌بیند؟

(a) ایمان

(b) شایستگی شخص

(c) چون خدا تصمیم می‌گیرد که چه شخصی نجات یابد و چه شخصی نجات نیابد، پس همه چیز وابسته به خود او است.

(۷) خدا با پیش‌دانی خود از همه چیز در خلقت آگاه است. پیش‌تعیینی خدا در آموزه نجات بدان معنا است که.....

(a) اشخاصی که نجات خدا را می‌پذیرند، نجات می‌یابند و اشخاصی که نجات الهی را رد می‌کنند، هلاک می‌گردند.

(b) ایمانداران برای تمجید جلال خدا به شباهت مسیح در می‌آیند.

(c) هر دو مورد a و b

(۸) پیش‌تعیینی در ارتباط با پاسخی است که انسان به نجات خدا می‌دهد. خدا با پیش‌دانی خود می‌داند که انسان چه واکنشی نسبت به هدیه نجات او نشان می‌دهد و بر این اساس، آینده انسان تعیین می‌گردد اما خدا.....

(a) نجات یا هلاکت انسان را تعیین نمی‌کند. انسان با تصمیم ارادی خود سرنوشتش را مشخص می‌کند.

(b) باید حاکمیت و سلطنت خود را با انتخاب عده‌ای برای نجات و عده‌ای برای هلاکت نشان دهد.

۹) اگر ما بدانیم هر کس که ایمان آورد، نجات می‌یابد، مسئولیت ما در قبال جهان چه می‌باشد؟

- a) سعی کنیم برگزیدگان را بشناسیم و به آنها شهادت دهیم.
 - b) پیغام انجیل را با هر وسیله ممکن به همه انسان‌ها اعلام کنیم.
 - c) چون خدا برگزیدگان را می‌شناسد، پس دیگر لازم نیست کاری انجام دهیم.
- ۱۰) درک این موضوع که تا زمانی که در مسیح یعنی سرچشمه نجات خود ساکن هستیم از برکات الهی بهره‌مند می‌گردیم و هرگز هلاک نخواهیم شد، چه احساسی در ما ایجاد می‌کند؟

- a) از این که تصمیم گرفتیم مسیح را پیروی نماییم، احساس غرور می‌کنیم.
- b) چون خدا مسئول است که ما را از سقوط حفظ کند، احساس رضایت می‌کنیم.
- c) شکرگزاری عمیقی را در قلب خود نسبت به فیض خدا احساس می‌کنیم و همچنین نسبت به کار روح القدس که می‌خواهد ما را بیشتر شبیه مسیح کند، احساس امنیت و اعتماد می‌کنیم.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

(۱۱) a) ۱- دیدگاه جبری

b) ۲- دیدگاه اراده آزاد

c) ۲- دیدگاه اراده آزاد

d) ۱- دیدگاه جبری

e) ۲- دیدگاه اراده آزاد

(۱) b) گزینش و پیش‌تعیینی، هدف خدا است برای اشخاصی که به محبت او پاسخ مثبت می‌دهند.

(۱۲) a) رحیم، امین و با محبت است. او خدای جلال و کبریایی است.

b) محبت عظیم خود

c) از میان ملل جهان

d) اطاعت از خدا و زندگی پاک.

(۲) b) خدا، از ازل آنهایی را در مسیح انتخاب می‌کند که می‌داند به هدیه نجات او پاسخ مثبت خواهند داد.

(۱۳) a) پولس

b) تعدادی را

c) همه قوم اسرائیل

d) جماعت مسیحیان

(۳) a) شائول

b) اورشلیم و داود

c) معبد

d) موسی

(۱۴) a) خدا

(b) مسیح

(c) پیش از بنیاد عالم

(d) اکنون و در زندگی ما، آیه ۳ می گوید که او ما را مبارک ساخته است...

(e) تا ما مقدس و بی عیب باشیم.

(۴) آنها می گفتند که چون برگزیده خدا هستند دیگر به سبب ناطاعتی تنبیه نمی گردند.

(۱۵) a) گزینش براساس پیش دانی خدا می باشد.

(b) ما دعوت شدیم تا به فیض خدا پاسخ مثبت دهیم و پس از تجربه فیض نجات بخش خدا، رابطه مان را با او حفظ کنیم.

(۵) b) درک حاکمیت و کنترل خدا در زندگی اشخاص با اطاعت و پیروی دائم از فرامین او.

(۱۶) a) ۲- خدا

(b) ۴- در زندگی ما- اکنون

(c) ۵- مسیح

(d) ۱- قبل از خلقت

(e) ۳- زندگی مقدس و بی آلایش

(۶) انسان هر چه بیشتر خدا را بشناسد، مسئولیتش بیشتر می گردد و در صورت ناطاعتی، مجازات سنگین تری در انتظارش می باشد. همچنین امر گزینش، انسان را از داوری گناهانش آزاد نمی کند. داشتن رابطه با خدا، امری ظاهری نیست بلکه با قلب و روح ما ارتباط دارد.

(۱۷) a) درست

(b) درست

(c) غلط

(۷) (a) غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) غلط

(e) درست

(۱۸) پیش‌دانی خدا

(۸) (a) درست

(b) غلط

(c) غلط

(d) درست

(e) درست

(۱۹) (c) آنچه که او از قبل می‌داند (پیش‌دانی خدا) می‌باشد.

(۹) (a) درست

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(۲۰) (a) توطئه هیروдіس، پنطیوس پیلاطس، امت‌ها و یهودیان که در نهایت

به کار نجات‌بخش مسیح انجامید.

(b) پیش‌تعیینی خدا برای مسیحیان، تا به شباهت مسیح درآیند.

(c) حکمت ازلی خدا که در مسیح تحقق یافت.

(d) ایمانداران فرزندان خدا می‌گردند.

(e) زندگی مسیحیان برای تمجید عظمت خدا.

(۱۰) (a) درست

(b) درست

(c) درست

(d) غلط

(۲۱) (a) ۱- آنچه خدا تعیین نمود

(b) ۲- آنچه خدا تعیین ننمود

(c) ۱- آنچه خدا تعیین نمود

(d) ۱- آنچه خدا تعیین نمود

(e) ۲- آنچه خدا تعیین ننمود

(f) ۱- آنچه خدا تعیین نمود

(g) ۱- آنچه خدا تعیین نمود

(h) ۲- آنچه خدا تعیین ننمود

خدا خلقتی تازه می آفریند: تجدید حیات

شخصی در قلب خود تشنگی عمیقی احساس می کرد. او با خود فکر کرد: «باید مذهب خود را تغییر دهم تا این تشنگی معنوی رفع گردد.» در نتیجه هندوئیسم را ترک کرد و به مذهب دیگری روی آورد. مذهب، برای او مثل کالایی بود که می شد آن را از بازار خرید. اما قلبش با هیچ چیز آرام نمی یافت. یک روز درباره مذهب مسیحیت مطالبی شنید. به خود گفت: «از گناهانم توبه می کنم و بعد تعمید می گیرم و سپس آرامش خواهم یافت.» اما حتی پس از توبه و تلاش سخت برای داشتن یک زندگی خوب، در عمق وجودش می دانست که هنوز چیزی کم دارد. او متوجه شد که در این مدت مذاهب متفاوتی را تجربه کرده است. او مثل شخصی بود که با لباس کثیف از یک اتاق به اتاق دیگر می رود. تعویض اتاق ها لباس او را عوض نکرده بود. لباس او در هر اتاقی کثیف بود. مشکل اصلی آن بود که او تولد تازه را تجربه نکرده بود. او مذهب مسیحیت را پذیرفته بود، نه مسیح را.

اما چون صادقانه در پی کشف حقیقت بود، روح خدا چشمان او را باز کرد تا حقیقت را بشناسد. اکنون او خود را می دید اما نه مثل شخصی که نیازمند یک مذهب است بلکه چون گناهکاری که به نجات دهنده احتیاج دارد. او به ندای روح القدس پاسخ مثبت داد، به مسیح اعتماد کرد و زندگیش را کاملاً به او سپرد و مسیح، نجات دهنده و خداوند او گشت. او دیگر مسیح را شخصاً نمی شناخت. تجربه تولد تازه او فقط یک بازگشت نبود بلکه احیای روح و تجدید حیات را شامل می شد. او ماهیت و سرشت جدیدی را دریافت کرد و زندگیش واقعاً عوض شد.

در این درس، به جنبه دیگری از آموزه نجات می پردازیم که تجدید حیات نام دارد. تجدید حیات برکتی است الهی که در آن خدا، حیات روحانی را به گناهکار توبه کاری که رابطه ای شخصی با مسیح دارد، ارزانی می دارد.



رئوس مطالب

تعریف تجدید حیات

نیاز به تجدید حیات

تجربه تجدید حیات

اهداف درس

در پایان این درس باید بتوانید:

- مفهوم تجدید حیات را با استفاده از کتاب مقدس شرح دهید.
- با استفاده از کلام خدا، آیاتی را بیان کنید که نشانگر نیاز عالمگیر به تجدید حیات است.
- تجربه تجدید حیات را توضیح دهید.

فعالیت‌های یادگیری

۱) انجیل یوحنا باب ۳ را چند بار با دقت بخوانید و به‌خصوص به تعلیم مسیح درباره تولد تازه در آیات ۱-۲۱ توجه کنید.

۲) متن درس را مطابق معمول بخوانید و به سؤالات درس پاسخ دهید. برای پاسخ‌های طولانی می‌توانید از دفتر یادداشت‌تان استفاده کنید. پیش از پاسخگویی به

سؤالات به پاسخ‌های داده شده نگاه نکنید. به خودآزمایی جواب دهید و پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های انتهای کتاب مقایسه نمایید.

متن درس

تعریف تجدید حیات

در بخش اول این کتاب دیدیم که انجیل، انسان را به توبه، ایمان و بازگشت دعوت می‌کند. انسان گناهکار برای نجات از گناه باید به دعوت انجیل پاسخ مثبت دهد. اکنون در این درس به سهم خدا در نجات می‌پردازیم و خواهیم دید که تدارک نجات به عهده خدا است و انسان در این مرحله سهمی ندارد. زیرا تنها خدا است که می‌تواند در قلب انسان‌هایی که به علت ناپااعتی از لحاظ روحانی مرده‌اند، حیات را مشتعل سازد (افسیسیان ۵:۲).

سرنوشت عالی و متعال انسان آن است که تا به ابد با خدا زندگی کند. اما در شرایط حاضر، سرشت انسان چنین قابلیت و ظرفیتی را برای زندگی در ملکوت آسمان ندارد. به همین دلیل حیات آسمانی، انسان خاکی را در برمی‌گیرد تا سرشت انسان تغییر یابد و او بتواند عضوی از ملکوت آسمان گردد. بله، حیات الهی باید از آسمان بر انسان نازل شود.

خصوصیات تجدید حیات

تجدید حیات، عمل خدا است که در آن به انسان گناهکاری که توبه می‌کند و به مسیح ایمان می‌آورد، حیات روحانی بخشیده می‌شود (تیتس ۵:۳). تجدید حیات عملی است فوق طبیعی که به محض توبه شخص و ایمان به مسیح، به وجود می‌آید. شخصی که توبه می‌کند، نه تنها از حیات الهی برخوردار می‌شود بلکه سرشت جدیدی نیز دریافت می‌کند (دوم پطرس ۴:۱) و در نتیجه، خلقت تازه‌ای می‌گردد.

(دوم قرن ۵:۱۷). در تجربه تجدید حیات، روح القدس عامل احیا و زنده ساختن انسان‌هایی است که از لحاظ روحانی مرده‌اند (یوحنا ۶:۶۳، رومیان ۸:۱-۱۰، افسسیان ۱:۲). جان و سلی می‌گوید: «تجدید حیات، تغییری است عظیم که در آن خدا به جان و روحی مرده حیات می‌بخشد و انسان را از تباهی و مرگ ناشی از گناه نجات داده، به او زندگی پاک و درستی می‌بخشد».

بدین ترتیب، خدا انسان‌هایی را که از لحاظ روحانی مرده‌اند، توسط روح القدس زنده می‌کند و حیات روحانی را در وجودشان قرار می‌دهد. چنین اشخاصی تازه‌گی روحانی، احیاء و خلقت تازه را تجربه می‌کنند. روح القدس، آنها را احیا می‌کند و به آنها تولد تازه می‌بخشد.

(۱) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- (a) تجربه تجدید حیات امری است طبیعی و تدریجی.
- (b) روح القدس عامل تجدید حیات در روح و روان شخصی است که به مسیح ایمان می‌آورد.
- (c) تولد دوباره روحانی، عملکردی است الهی که در هنگام ایمان شخص به مسیح روی می‌دهد.
- (d) تجدید حیات، سرشت جدیدی را در شخص ایماندار ایجاد می‌کند. او خلقت تازه‌ای می‌گردد.

عبارات کتاب مقدسی در رابطه با تجدید حیات

در درس اول به بررسی سقوط آدم و گناهی که نسل انسان را فرا گرفت پرداختیم. آموختیم که واقعه سقوط، تمام انسان‌ها را در برمی‌گیرد و یکی از نتایج آن سرشتی است آلوده به گناه که در عمق وجود هر انسانی ریشه دوانیده است. انسان به‌خاطر سقوط، مشارکت خود را با خدا از دست داد. اما کار رهایی‌بخش عیسی مسیح بر روی صلیب، نتایج سقوط را تغییر داد. هنگامی که شخص توبه می‌کند، به خداوند

عیسی مسیح ایمان می‌آورد و او را به عنوان نجات‌دهنده خود می‌پذیرد، حیات روحانی و رابطه‌اش با خدا احیا می‌گردد. بنابراین تجدید حیات، احیای زندگی روحانی می‌باشد. به محض آن که شخص توبه کند و به مسیح ایمان بیاورد، روح‌القدس تغییری فوق‌طبیعی را در روح و روان و زندگی شخص ایجاد می‌کند. در کلام خدا، عبارت بسیار معمولی که بیانگر تجدید حیات است، «تولد تازه» و یا «تولد از بالا» می‌باشد.

در ترجمه قدیمی واژه تجدید حیات را تنها در متی ۲۸:۱۹ و تیتس ۵:۳ می‌بینیم که بیانگر تولد دوباره از خدا می‌باشد که این مفهوم، جامع‌ترین تعریف کتاب مقدس می‌باشد. جدا از تولد، حیاتی وجود ندارد. زندگی طبیعی شخص، با تولد و ورودش به جهان آغاز می‌گردد. ورود به قلمرو و حیات روحانی نیز، تنها با تولد دوباره میسر می‌گردد.

عیسی به نیکودیموس گفت: «آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید» (یوحنا ۶:۳-۷). والدین ما به ما تولد طبیعی می‌بخشند اما خدا به ما تولد روحانی عطا می‌کند و با تولد روحانی، خدا پدر ما می‌گردد (یوحنا ۱:۱۳، اول یوحنا ۳:۹). پولس تجربه تجدید حیات را خلقت دوباره می‌داند. «پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه‌ای است. چیزهای کهنه درگذشت اینک همه چیز تازه شده است» (دوم قرنتیان ۵:۱۷).



تولد از انسان



تولد از روح خدا

سرشت کهنه و احیا نگشته ما، همانند دانه‌ای است که بر زمین می‌افتد. گرچه قابلیت و پتانسیل زیستن را دارد، اما محتاج به چیز دیگری است تا بارور گشته، نمو کند. تا زمانی که بر روی زمین قرار دارد، رشد نخواهد کرد و شکوفه و میوه‌ای به بار نخواهد آورد. آن دانه باید زنده و احیا گردد. همانگونه که بیان کردیم، تجدید حیات، یک بخشش حیات روحانی است که روح‌القدس انسان‌هایی را که از لحاظ روحانی مرده‌اند، زنده می‌سازد تا آن دانه حیات الهی که در وجودشان نهاده شده، شروع به رشد کند و ثمر و میوه آورد.

(۲) با توجه به آیات مختلف، دو ستون زیر را کامل کنید. ستون سمت راست عباراتی است که بیانگر معنای تجدید حیات است و ستون سمت چپ دلیل تجدید حیات می‌باشد. برای درک بهتر شما، مورد اول را انجام داده‌ایم.

عباراتی که بیانگر معنای تجدید حیات است	دلیل تجدید حیات
(a) یوحنا ۱۳:۱ تولد از خدا	اراده خدا
(b) یوحنا ۳:۳ ...	...
(c) یوحنا ۵:۳ ...	...
(d) یوحنا ۷:۳ ...	...
(e) یوحنا ۸:۳ ...	...
(f) اول پطرس ۳:۱ ...	...
(g) اول پطرس ۲۳:۱ ...	...
(h) اول یوحنا ۲۹:۲ ...	...
(i) اول یوحنا ۹:۳ ...	...
(j) اول یوحنا ۷:۴ ...	...
(k) اول یوحنا ۱:۵ ...	...
(l) اول یوحنا ۱۸:۵ ...	...

در تمرین بالا، ستون دلایل تجدید حیات، اصول مهمی را در ارتباط با این موضوع بیان می‌کند. اکنون به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱- خدا از ازل، احیای روحانی ما را (تجدید حیات) اراده نمود (افسیان ۴:۱).

- ۲- تولد تازه، به ما این توانایی را می‌بخشد تا با امید، محبت و پاکی زندگی کنیم.
- ۳- تولد تازه، ما را به ملکوت آسمان و حیات ابدی می‌برد.

(۳) در کتاب مقدس، عبارات دیگری نیز بیانگر مفهوم تجدید حیات می‌باشد. آیات زیر را بخوانید و آن عبارات را بنویسید. برای درک بهتر شما مورد اول انجام شده است.

(a) یوحنا ۵:۲۴ - انتقال از مرگ به حیات

(b) دوم قرنتیان ۵:۱۷

(c) غلاطیان ۶:۱۵

(d) افسسیان ۲:۱۰

(e) افسسیان ۴:۲۴

(f) تیطس ۳:۵

(۴) عبارت زیر را کامل کنید.

برطبق کتاب مقدس، تجدید حیات ثمره کار است که در آن شخص
روحانی می‌یابد و به یک در مسیح تبدیل می‌گردد.

ماهیت تجدید حیات

تجربه‌ای منفعل

همانگونه که قبلاً بیان کردیم، در تحقق تجربه تجدید حیات، انسان نسبتاً منفعل است. مسئولیت انسان را در این مقوله، می‌توان با ارتباط موجود بین یک دکتر و مریض مقایسه نمود. دکتر بدون رضایت مریض نمی‌تواند او را عمل کند. اما پس از آن که اعتماد مریض جلب شد، دکتر از اختیار تام برخوردار می‌گردد. هر چند هیچ مریضی کاملاً منفعل نیست زیرا که کار دکتر زمانی آغاز می‌شود که مریض رضایت خود را اعلام کرده باشد. در آموزه نجات نیز با همین شرایط مواجه هستیم. خدا

بدون موافقت ما کاری نمی‌کند. چه شادی عظیمی برای ما وجود دارد از اینکه می‌توانیم روح و روان مریض، آسیب‌دیده و غمگین خود را به‌دست این پزشک حاذق و بزرگ بسپاریم و به او اعتماد کنیم.

تجربه ناگهانی

تجربه برخورداری از حیات تازه الهی در روح و روان انسان‌ها یک‌باره به‌وجود می‌آید. همیشه تولد، مرحله‌ای بحرانی است، تولد روحانی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. هر کدام از ما تاریخ تولدمان را به‌خاطر داریم. ما ناگهان در یک لحظه، به جهان وارد شدیم. به همین ترتیب، تولد تازه نیز تجربه‌ای بحرانی است. ممکن است برای تحقق آن زمانی لازم باشد اما هنگامی که رخ می‌دهد، ناگهان اتفاق می‌افتد. به این مثال توجه کنید.

شخصی به شما هدیه‌ای می‌دهد، لحظه‌ای قبل شما آن هدیه را نداشتید اما در این لحظه آن را دریافت می‌کنید. هدیه، ناگهان به شما تقدیم می‌گردد و شما آن را می‌پذیرید، حیات روحانی نیز همین گونه است. در یک لحظه آن را ندارید و در لحظه بعد آن را به‌دست می‌آورید. تولد تازه، تجربه‌ای قطعی و غیرقابل انکار است. ما حیات تازه را از آسمان به یک‌باره دریافت می‌کنیم.



تجربه‌ای اسرارآمیز

حیات تازه روحانی، به طرز اسرارآمیزی آشکار می‌گردد. مسیح چگونگی وقوع تولد تازه را شرح نداد اما علت آن را بیان نمود: «آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است» (یوحنا ۶:۳). روح و جسم به دو قلمرو متفاوت تعلق دارند و یکی از آنها نمی‌تواند دیگری را ایجاد کند. سرشت انسان تنها قادر به ایجاد انسان دیگری است اما سرشت روحانی را تنها روح القدس می‌تواند ایجاد نماید.

مسیحیت، تنها یک سیستم اخلاقی یا رفتاری نمی‌باشد. بلکه به معرفی حیات جدیدی می‌پردازد که خدا توسط روح القدس در قلب انسان می‌نهد. روح القدس با شیوه منحصر به فردی که خود می‌داند، ناگهان و به طرز اسرارآمیزی به قلب انسان وارد می‌گردد و نور و حیات الهی را به قلب تاریک، مرده و بی حاصل انسان ارزانی می‌دارد. عملکرد اسرارآمیز روح خدا، خلقت تازه را به همراه دارد. انسان تنها زمانی که از روح متولد می‌گردد، خلقت و سرشت تازه را دریافت می‌کند. سرشت تازه، انسان را برای آسمان آماده و مناسب می‌گرداند. به همین دلیل، عیسی این اصل غیرقابل تغییر را بیان کرد که «باید از سر نو مولود گردید» (یوحنا ۷:۳). زیرا اگر شخصی می‌خواهد به آسمان برود، باید از سرشت تازه‌ای که مناسب باشد بهره برد.

تجربه رشد یابنده

گرچه حیات روحانی تازه، ناگهان به وجود می‌آید اما به تدریج رشد می‌کند. همانگونه که به تفصیل خواهیم دید، ایمانداران برای خدا جدا گشته‌اند تا هر روز فقط برای او زندگی کنند. دعوت هر ایماندار آن است که هر روز وقف خدا گردد و بیشتر به شباهت مسیح درآید (رومان ۸:۲۹).

(۵) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست بیانگر ماهیت تجدید حیات و ستون سمت چپ اسامی مختلف آن می باشد.

(a) بیانگر کیفیت حیات تازه روحانی است که به سوی شبیه شدن به مسیح پیش می رود.

(b) انسان رضایت خود را اعلام می دارد و پزشک اعظم حیات تازه روحانی را در او قرار می دهد.

(c) تولد از روح همانند وزیدن باد است، تأثیر آن را می بینیم اما چگونگی آن را نمی دانیم.

(d) تولد تازه تجربه ای بحرانی است.

(۱) منفعل

(۲) ناگهانی

(۳) اسرارآمیز

(۴) رشدیابنده

عقاید غلط درباره تجدید حیات

در مورد موضوع تجدید حیات، عقاید اشتباه بسیار متداولی وجود دارد. گرچه در این کتاب نمی توانیم به بحث جامعی پیرامون آنها بپردازیم، اما در حد امکان سعی خواهیم کرد که آنها را بررسی کنیم و مطالعه جامع تر را به خود شما واگذار خواهیم کرد. شایع ترین عقیده اشتباه در رابطه با تجدید حیات آن است که انسان در هنگام تعمید، تجدید حیات می یابد. پیروان این نظریه، معتقدند که تمام پیامدهای سقوط انسان توسط آبی که در آن تعمید می گیرد، رفع می گردد و پس از تعمید، گناهان شخص با اجرای آیین های کلیسا (از جمله عشاء ربانی) پاک می شود. آنها معتقدند که تعمید، وسیله نجات است. حال بیایید به بررسی آیات کتاب مقدس پیرامون هدف و جایگاه تعمید آب در زندگی ایماندار به مسیح بپردازیم.

به یاد دارید زمانی که یحیی تعمیددهنده موعظه می‌کرد و تعمید می‌داد، پیامش این بود: «توبه کنید زیرا که ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۳:۲). مردم گناهان خود را اعتراف می‌کردند و از یحیی تعمید می‌گرفتند (نگاه کنید به متی ۳:۶، مرقس ۱:۴-۵ و لوقا ۳:۳ و ۷-۸). عیسی نیز خدمت خود را همین‌گونه آغاز کرد. «با اینکه خود عیسی تعمید نمی‌داد، بلکه شاگردانش» (نگاه کنید به یوحنا ۱:۴-۲). عیسی قبل از صعودش به آسمان، به شاگردانش فرمان داد: «رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را ... تعمید دهید» (متی ۲۸:۱۹). شاگردان نیز از فرمان مسیح اطاعت کردند و تعمید را به‌عنوان بخش بسیار مهمی از خدمت خود انجام دادند. پطرس در روز پنطیکاست گفت: «توبه کنید و ... تعمید گیرید» (اعمال ۲:۳۸). آشکار است که خداوند مؤسس آیین تعمید است و کلیسای اولیه نیز آن را موعظه می‌کرد. همچنین مشخص است که نوایمانان، پس از توبه از گناهان‌شان و ایمان به عیسی خداوند، تعمید می‌گرفتند.

در انجیل یوحنا ۵:۳، عیسی از آب به‌عنوان نمادی از پاکی یاد می‌کند که شخص پس از ایمان به کار کفاره‌کننده مسیح، از آن بهره‌مند می‌شود. آب در عهدعتیق و در آیین‌های معبد یهود نمایانگر پاک شدن بود. یهودی راست‌دین (ارتدکس) در یک مضمون مذهبی، آب را عامل پاکی می‌داند. بنابراین عیسی به نیکودیموس چنین گفت: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود».

پولس در تیطس ۵:۳ می‌گوید که «... محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی که از روح‌القدس است». منظور پولس از غسل، پاکی از گناهان می‌باشد. در لحظه تجدید حیات، «چیزهای کهنه درمی‌گذرد». گناهان با عمل فوق‌طبیعی خدا پاک می‌شود و «همه چیز تازه می‌گردد» (دوم قرنتیان ۵:۱۷). بنابراین ایماندار باید پس از تجربه تجدید حیات، تعمید آب بگیرد.

تعمید، شهادتی است که انسان به جهان، مبنی بر تغییر سرشت باطنی خود می‌دهد. تعمید نمادی است که مرگ و دفن سرشت گناه‌آلود و تولد سرشت جدید را

به تصویر می‌کشد (رومیان ۳:۵-۶). علاوه بر آن، پطرس تعمید را نمادی از اطاعت انسان معرفی می‌کند (اول پطرس ۳:۲۱). پطرس می‌گوید که منظور من از تعمید، شستشوی کثافات بدنی نیست و ما نیز باید اضافه کنیم که تعمید در پاک شدن و رفع گناه و از میان رفتن پیامدهای سقوط، هیچگونه تأثیری ندارد (نگاه کنید به عبرانیان ۹:۲۲ و ۲۶-۲۸). بنابراین، تعمید گرفتن گرچه وظیفه هر ایمانداری است اما فقط بیانگر واقعیت تجدید حیات است. تعمید، اعتراف ایمان ما به عیسی مسیح در حضور دیگران می‌باشد.

۶) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- a) تجدید حیات، بخشش حیات تازه الهی به انسان فانی است در حالی که تعمید عملی است نمادگرایی که مبین واقعیت تجدید حیات است.
- b) مسیح و یحیی تعمیددهنده در خدمت خود ابتدا توبه (روی گردان شدن از گناه) و سپس تعمید را موعظه کردند.
- c) تجربه زندانبان فیلیپی (اعمال ۱۶:۳۰-۳۴) و اهل خانه کرنیلیوس (اعمال ۱۰:۴۴-۴۸ و ۱۱:۱۷) به ما نشان می‌دهند که شخص پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح و تغییر زندگی، آماده تعمید می‌گردد.

اشتباه شایع دیگر آن است که عده‌ای اعتقاد دارند تجدید حیات، شخص را کامل می‌گرداند. عبارتی را به یاد دارم که پاسخ این باور اشتباه است: «مسیحیان کامل نیستند، آنها تنها بخشیده شده‌اند». نباید تولد تازه را با تولد طبیعی مقایسه نماییم. کودک در هنگام تولد امکان رشد دارد، اما هنوز کودک است. در دنیای روحانی نیز یک نوایمان امکان رشد دارد، اما در شناخت خداوند هنوز طفل است. تجدید حیات به معنای بلوغ روحانی شخص از همان بدو تولد تازه نیست، بلکه بیانگر آغاز رابطه مسیح با ایماندار می‌باشد. «هر که در وی ثابت است گناه نمی‌کند و هر که گناه می‌کند او را ندیده است و نمی‌شناسد» (اول یوحنا ۳:۶). شخص تولد تازه یافته، سفر خود را به سوی رشد مسیحی آغاز می‌کند.

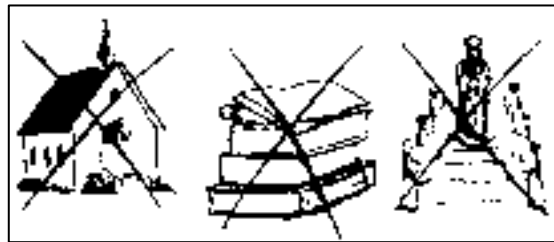
عده‌ای دیگر معتقدند که تجدید حیات، ثمره یک زندگی خوب است؛ زندگی که با انجام دادن کارهای خوب توأم باشد. آنها استدلال می‌کنند که چون زندگی خوبی دارند، خدا نیز نجات را عادلانه به آنها می‌بخشد. اما کتاب مقدس می‌گوید که همه گناه کرده‌اند و به نجات‌دهنده از گناه نیاز دارند (رومیان ۳:۲۳؛ اول یوحنا ۱:۹). هر که پسر خدا را دارد حیات جاودان دارد اما هر که پسر خدا را ندارد، حیات روحانی ندارد (اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲). خدا چون دید که انسان کاملاً گمراه گشته و در اوج ناامیدی به سر می‌برد، چنین قربانی باارزشی را برای نجات انسان مهیا کرد (یوحنا ۳:۱۶-۱۸). تنها با ایمان و تسلیم به مسیح می‌توانیم تغییر کنیم و برای آسمان آماده گردیم. کارهای خوب، ثمره یک زندگی تغییر یافته است. آنها ریشه یا سرچشمه آن نمی‌باشند.

گروهی دیگر نیز به اشتباه فکر می‌کنند که تحصیل علم، مسائل جهان را حل می‌کند و به انسان تجدید حیات می‌بخشد. در زمان معاصر، انسان‌ها به خود و پیروزی‌های خود اعتقاد دارند. اما با وجود پیشرفت علم و دانش، مسائل انسان لاینحل باقی مانده است. در این قرن، جنگ‌های بسیاری درگرفته است که هر چه زمان می‌گذرد دامنه وسیع‌تری می‌یابد و مرگ میلیون‌ها انسان بی‌گناه شاهدهی بر ناتوانی تعلیم و تربیت در مورد تغییر طبیعت فاسد انسانی است یعنی همان طبیعتی که منشأ همه مشکلات انسان‌ها است. تحصیل علم، ذهن انسان را منور می‌کند تا دیدگاهش نسبت به زندگی وسعت یابد و به تصحیح روش‌های غلط خود بپردازد. اما علم و دانش قادر به درمان سرشت فاسد انسان نیست. دانشی که وقف خدا نگردد، تنها به غرور شخص می‌انجامد (اول قرنتیان ۸:۱). دانش، نمی‌تواند تغییری آنی در سرشت شخصی که خواهان تولد تازه است ایجاد کند. تنها روح القدس می‌تواند این تغییر را ایجاد کند. اگر تحصیل علم سبب تجدید حیات می‌گشت، آنگاه تنها عده معدودی تولد تازه را تجربه می‌کردند اما علم و دانش عامل تجدید حیات نیست. خدا، تولد تازه و تجدید حیات را در دسترس همه انسان‌ها قرار داده است.

عده‌ای دیگر به اشتباه اعتقاد دارند که عضویت در کلیسا همان تجدید حیات است. چنین استدلالی به ظاهر منطقی است ولی عضویت در کلیسا تنها بیانگر تعلق ما به یک نهاد می‌باشد. چنین رویکردی، به مسائل بنیادی انسان، از جمله تباهی سرشت و مرگ روحانی شخص پاسخی نمی‌دهد. خوب است که عضو یک کلیسا باشیم اما برای آن که عضو بدن مسیح باشیم، باید تولد تازه بیابیم.

و سرانجام عده‌ای فکر می‌کنند که با اجرای آیین‌های مذهبی، مراسم تطهیر، نگاهداری رسوم و دعاها، مشخص، تجدید حیات می‌یابند و خدا آنها را می‌پذیرد. اما ممکن است فردی تمامی این کارها را انجام دهد اما هیچ چیز درباره آزادی از گناه و زندگی تغییر یافته ندهد. شخص ممکن است تمام وظایف مذهبی خود را انجام دهد اما از لحاظ روحانی مرده باشد.

آیین‌های مذهبی علم و دانش عضویت در کلیسا



مسیح تنها راه است

۷) چرا هر یک از عقاید زیر درباره تجدید حیات اشتباه است؟ (پاسخ این سؤال را می‌توانید در دفتر یادداشت‌تان بنویسید.)

- a) تجدید حیات در هنگام تعمید شخص به وجود می‌آید.
- b) تجدید حیات، شخص را کامل می‌گرداند.
- c) تجدید حیات نتیجه یک زندگی خوب است.
- d) انسان با تحصیل علم و افزایش آگاهی، تجدید حیات می‌یابد.
- e) عضویت در کلیسا همان تجدید حیات است.

f) تجدید حیات ثمره حفظ آیین‌ها و مراسم مذهبی و ادای دعا‌های مشخص می‌باشد.

نیاز به تجدید حیات

تجدید حیات به دو دلیل ضروری می‌باشد که عبارتند از: سرشت انسان و ذات خدا. مسیح به این نکته اشاره کرد که عمیق‌ترین و جامع‌ترین نیاز انسان، تغییر بنیادی شخصیت و سرشت او می‌باشد. انسان به علت گناه و نتایج حاصله از سقوط، در وضعیت اسفباری قرار دارد. اثرات مخرب گناه در رفتار و روابط انسان منعکس می‌گردد. انسان چون گناهکار است، گناه می‌کند و اعمال انسان بیانگر واقعیت وجودی او می‌باشد. «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند» (رومیان ۲۳:۳). «عادل نیست، یکی هم نی» (رومیان ۱۰:۳). «همچنان که به‌وساطت یک انسان گناه داخل جهان گردید و به گناه موت، و به اینگونه موت بر همه مردم طاری گشت از آنجا که همه گناه کردند» (رومیان ۱۲:۵).

آیا تا به حال از رفتار مردم متعجب شده‌اید؟ چرا گناه می‌کنند؟ آنها گناه می‌کنند چون سرشت‌شان با گناه عجین شده است. اگر شما سرشت آدم را دارید، مانند او عمل می‌کنید. اما اگر در مسیح هستید، مثل او رفتار خواهید کرد. اسم خانوادگی من فامیل پدرم است چون در خانواده او به دنیا آمده‌ام. من از لحاظ ظاهری مثل پدرم هستم. مثل او قدم می‌زنم و این کار را آگاهانه برای تقلید از او انجام نمی‌دهم بلکه به این خاطر می‌کنم که فرزند او هستم و برخی از خصوصیات رفتاری او را به ارث برده‌ام. من در این خانواده متولد شده‌ام. به همین ترتیب، ما نیز خصوصیات را از خانواده سقوط کرده انسان به ارث می‌بریم.

سرشت انسانی ما سقوط کرده و به ما فرمان می‌دهد که گناه کنیم و تا زمانی که سرشت جدیدی را دریافت نکنیم، به گناه کردن ادامه می‌دهیم. سرشت کهنه ما، در موقعیتی خود را آشکار خواهد نمود. مرگ روحانی ما در اعمال و رفتارمان جلوه‌گر می‌شود. رفتارهایی از قبیل خشم، شهوت، تنفر، اهانت و حرف‌های زشت، بیانگر

سرشت کهنه و فاسد ما هستند (کولسیان ۸:۳-۹). در این وضعیت، هیچ چیز با ارزشی در ما وجود ندارد که بتوان با توسل به آن با خدا ارتباط برقرار کرد. ما برده گناه هستیم (رومیان ۷:۱۴). و میل به نیکویی کردن در ما هست ولی قدرت انجام آن را نداریم (آیه ۱۸). انسان‌هایی که از لحاظ روحانی مرده‌اند، در راه‌های کج این جهان قدم می‌نهند و از شیطان، دشمن خدا اطاعت می‌کنند. یعنی همان روحی که اکنون اشخاص نامطیع را کنترل می‌کند. آنها طبق شهوات و تمایلات و افکار نفسانی خود عمل می‌کنند و سزاوار خشم و غضب خدا هستند (افسسیان ۲:۱-۳).

۸) جلوی عبارات صحیح علامت بنزید.

- a) چون انسان از لحاظ روحانی مرده است، به تجدید حیات احتیاج دارد. شرایط بد انسان، امکان ایجاد رابطه با خدا را از او سلب می‌کند.
- b) انسان به‌خاطر شرایط بد محیطی و تأثیرات بد خانوادگی گناه می‌کند. انسان شخصاً گناه نمی‌کند.

c) گناه، ثمره سرشت فاسد و گناه‌آلودی است که از آدم به ارث برده‌ایم.

گناه، روح و روان و بدن انسان را کاملاً تباه کرده است. انسان نه فقط از لحاظ روحانی مرده است، بلکه ذهن و قوه تفکرش نیز از لطامات مهلک سقوط، در امان نمانده است. انسان با وجود دستاوردهای جامعه نوین، نسبت به خدا و امور مربوط به او مرده است (اول قرن‌تین ۲:۱۴) و اشخاص فهیم نیز که تولد تازه ندارند و تجدید حیات را تجربه نکرده‌اند، «در عقل خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم به سبب جهالتی که به جهت سخت‌دلی ایشان در ایشان است» (افسسیان ۴:۱۸).

اما انسان حتی در شرایط سقوط کرده خود، تاج مخلوقات خدا می‌باشد. انسان هنوز صورت خدا را بر خود دارد و با وجود عدم شناخت خدا، در سایر جنبه‌های زندگی از درک بالایی برخوردار است. اما دانش انسان، به‌علت از دست دادن بُعد روحانی، ناقص می‌باشد. حقایق در دسترس انسان است، اما او از تفسیر صحیح آنها ناتوان می‌باشد. در نتیجه، انسان درباره زندگی، فلسفه خود را دنبال می‌کند که در آن

عموماً یا جایگاهی برای خدا قائل نیست و یا درک او از وجود خدا کاملاً اشتباه است و نمی‌تواند او را به درستی عبادت کند.

(۹) رومیان ۱: ۱۸-۳۲ را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- (a) چگونه انسان می‌تواند خدا را بشناسد؟
- (b) انسان چه وقایعی را با دیدن طبیعت درباره خدا می‌آموزد؟
- (c) چه عاملی سبب سقوط انسان می‌گردد؟
- (d) این آیات درباره زندگی و افکار انسانی چه می‌گویند؟

بحث ما در رابطه با تجدید حیات، ممکن است این فکر را در ذهن شما ایجاد کند که تنها اشخاص بسیار بد و فاسد به تولد تازه احتیاج دارند. اما کتاب مقدس به ما می‌گوید که همه گناه کرده‌اند و نیاز دارند از لحاظ روحانی زنده و احیا گردند.

(۱۰) با استفاده از آیات زیر بنویسید که در هر مورد چه شخصی به تولد تازه و تجدید حیات احتیاج دارد.

- (a) لوقا ۱۸: ۱۸-۲۵
- (b) یوحنا ۳: ۱-۲۱
- (c) اعمال رسولان ۱۰: ۴۸
- (d) اعمال رسولان ۸: ۲۶-۴۰
- (e) اعمال رسولان ۱۶: ۱۳-۱۵

در تمامی آیات فوق، با اشخاصی مواجه می‌شویم که خوب و صالح بودند اما به حیات روحانی احتیاج داشتند. گاهی اوقات اشخاصی مثل آن فریسی در لوقا ۱۸ به نجات‌دهنده احتیاجی ندارند. مثلی است که می‌گوید: «اشخاصی که بیماری و مرض را مهم نمی‌دانند، در رفتن به نزد پزشک درنگ می‌کنند». بیشتر مذاهب جدا از مسیحیت، اعتقاد دارند که انسان‌ها با شیوه‌های مختلفی به سوی یک مقصد می‌روند. چنین تعلیمی نجوای مار را به یاد ما می‌آورد: «مانند خدا عارف نیک و بد خواهید

شد» (پیدایش ۵:۳). آنها فکر می‌کنند که با سعی و تلاش خود نجات می‌یابند و در نهایت خدایان می‌گردند.

اما ما تصویر صحیح را در مسیحیت می‌بینیم. تمام انسان‌ها در بیابان گناه به سر می‌برند و تشنه و خواهان شناخت حقیقتند. تنها بازگشت انسان به سوی سرچشمه حیات، پاسخگوی مسائل روحانی او می‌باشد. عده‌ای درگیر تخیلات و توهمات خود هستند و به سوی مسیحی که سرچشمه حیات است، نمی‌آیند. مسیح یک راه، در میان راه‌های بیشمار نیست. او تنها راه رهایی است. عیسی مسیح به جهان آمد تا انسانی را که در عمق فساد تبه‌گشته بود نجات دهد. خدا به انسان حیات روحانی می‌بخشد و او را برای یک زندگی تازه قیام می‌دهد.

تولد تازه، به معنای برخورداری از سرشتی تازه و زندگی خداپسندانه است. تنها تولد تازه می‌تواند سرشتی پاک را در انسان ایجاد کند تا او بتواند با خدا مشارکت داشته باشد. تنها با تقدس می‌توان نزد خدا حاضر شد (عبرانیان ۱۲:۱۴). بنابراین تجدید حیات، سرشت انسان را تغییر می‌دهد و حیات روحانی تازه ما را تأیید می‌کند.

(۱۱) جلوی عبارت صحیح علامت بزنید. تجدید حیات ضروری است زیرا.....

(a) قدوسیت خدا، تغییر کامل سرشت انسان را انتظار دارد.

(b) خدا به مشارکت با انسان احتیاج دارد.

(c) فکر انسان را به کار می‌اندازد تا دانش رهایی‌بخش را کسب کند.

تجربه تجدید حیات

به این نکته اشاره کردیم که تجربه تجدید حیات گرچه اسرارآمیز است، اما کاملاً حقیقی و واقعی است. «باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد و صدای آن را می‌شنوی لیکن نمی‌دانی که از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح متولد می‌گردد» (یوحنا ۸:۳). ما می‌توانیم اثرات و نتایج تجدید حیات را در زندگی‌مان

بینیم حتی زمانی که قادر به شرح کامل آن نیستیم. ما می‌توانیم تجدید حیات را تجربه کنیم. عظمت و شگفتی تجربه تولد تازه، روح پرستش را در ما می‌دمد، با وجودی که قادر به درک کامل آن نیستیم.

طریق تجدید حیات

تجدید حیات، دو جنبه الهی و انسانی دارد. همانگونه که دیدیم، خدا فقط عامل تجدید حیات است و روح‌القدس به ما تولد تازه می‌بخشد. روح خدا در ما حیات جدیدی قرار می‌دهد هر چند اشخاصی که تولد تازه نیافته‌اند، برای پذیرش هدیه نجات و پاسخ به دعوت خدا مسئول هستند.

(۱۲) آیات زیر را بخوانید و شرح دهید که در هر کدام چگونه تجدید حیات به‌وجود می‌آید. برای درک بهتر شما به مورد اول پاسخ داده‌ایم.

(a) یوحنا ۶:۳ روح‌القدس تولد روحانی را ایجاد می‌کند.

(b) اول قرنتیان ۴۵:۱۵

(c) تیطس ۵:۳

(d) یعقوب ۱۷:۱-۱۸

(e) اول پطرس ۲۳:۱

در این آیات می‌بینیم که همه شخصیت‌های تثلیث اقدس در تجدید حیات سهیم هستند، همچنین به اهمیت کلام خدا در تجدید حیات پی می‌بریم. حال بینیم که خدا با استفاده از چه وسایلی تجدید حیات را ایجاد می‌کند.

در این رابطه، یوحنا به اهمیت ایمان به کلام خدا اشاره می‌کند. «این را نوشتم به شما که به اسم پسر خدا ایمان آورده‌اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید» (اول یوحنا ۵:۱۳). ایمان به کلام، ایمان به شهادتی است که کلام خدا درباره عیسی مسیح می‌دهد تا به مسیحی که کلام مکشوف می‌کند، اعتماد کنیم (اول یوحنا ۹:۵-۱۰). «شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر او

است. آنکه پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد حیات را نیافته است» (اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۲). ایمان به شهادت کلام خدا، امری فراتر از یک باور ذهنی صرف است. همانگونه که در درس گذشته دیدیم، ایمانی که تجدید حیات واقعی را ایجاد می‌کند، تمام ابعاد وجود شخص، فکر و احساس و اراده را دربرمی‌گیرد. پولس می‌گوید: «زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید نجات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف می‌شود به جهت نجات» (رومیان ۱۰: ۹-۱۰).

عمل دیگر ایجاد تجدید حیات، موعظه کلام راستین خدا است (یعقوب ۱: ۱۸ و اول قرنثیان ۴: ۱۵). بنابراین، کلام خدا یکی از وسایل تجدید حیات است «از آنرو که تولد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه از غیر فانی یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدالابد باقی است» (اول پطرس ۱: ۲۳). موعظه کلام، یکی از وسایلی است که خدا از طریق آن انسان را نجات می‌دهد.

شخص، با ایمان و پذیرش عیسی مسیح، تولد تازه می‌یابد. این کار مستلزم تصمیمی آگاهانه از سوی شخص است. مسیح با زور در را باز نمی‌کند. «اینک بر در ایستاده می‌گویم اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکاشفه ۳: ۲۰). «اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲).

بنابراین، اساس شناخت نجات خدا، انتخاب آگاهانه و پذیرش قلبی است که به تجدید حیات می‌انجامد.

دیدیم که تجدید حیات به یکباره از جانب خدا بخشیده می‌شود. خدا تولد تازه را عطا می‌کند و اشخاصی که تجدید حیات می‌یابند، فرزندان خدا هستند، «که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند» (یوحنا ۱: ۱۳). تولد تازه را تولد از روح نیز می‌نامند (یوحنا ۳: ۶). «... به غسل تولد تازه و

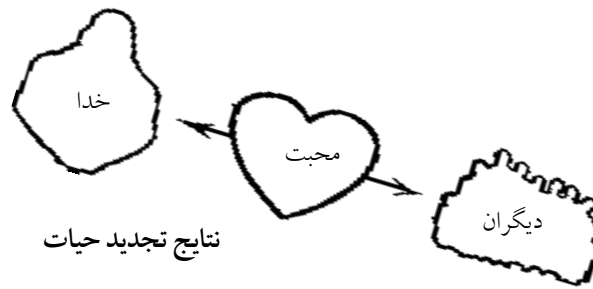
تازگی که از روح‌القدس است» (تیطس ۵:۳). مسیح، توسط روح‌القدس به قلب‌های ما وارد می‌شود (مکاشفه ۲۰:۳). بنابراین تمام شخصیت‌های تثلیث اقدس در تجدید حیات سهیم هستند.

۱۳) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- a) تجدید حیات، ثمره زندگی و اعمال خوب می‌باشد.
- b) موعظه کلام خدا تجدید حیات را ایجاد می‌کند.
- c) تحصیل علم که جهان را از جهل و تاریکی به تمدن نوین سوق داد، باعث تجدید حیات می‌شود.
- d) عضویت در کلیسای یکی از راه‌های مهم کسب تجدید حیات است.
- e) اجرای مراسم و آیین‌های مذهبی و قرائت دعاها، مشخص، تجدید حیات را برای انسان ممکن می‌سازد.
- f) تجدید حیات مستقیماً از جانب خدا بخشیده می‌شود. روح‌القدس عامل ایجاد تولد تازه است. تولد تازه زمانی صورت می‌گیرد که شخص در قلب خود را به سوی مسیح باز کند.

شواهد تجدید حیات

هنگامی که شخص تولد تازه می‌یابد، از حیات جدیدی که به او قوت می‌بخشد، آگاه می‌گردد. او دیگر اشتیاقی جدید و هدفی واقعی در زندگی دارد. شخص تولد تازه یافته، ارزش‌های جدیدی را در زندگیش خواهد داشت و دیدگاهش نسبت به زندگی، کاملاً تغییر خواهد کرد (دوم قرنتیان ۵:۱۷). روح خدا به روح ما ملحق می‌شود تا اعلام کند که ما فرزندان خدا هستیم (رومیان ۸:۱۶، غلاطیان ۴:۶). شخصی که تولد تازه می‌یابد، حضور و هدایت روح خدا را درک می‌کند و همین امر، گواه بر واقعیت تجربه تجدید حیات است (رومیان ۸:۱۴).



شخصی که تجدید حیات را تجربه می‌کند، محبتی عاشقانه برای خدا دارد. کانون توجه، دیگر خود شخص نیست بلکه حالا دیگر خدا مرکز زندگی او شده است. محبت خدا توسط روح القدس در قلبش ریخته شده است (رومیان ۵:۵) و او خدا را محبت می‌کند (اول یوحنا ۴:۱۹). او که واقعاً تولد تازه یافته، نه فقط خدا را به خاطر بخشش این حیات جدید دوست می‌دارد، بلکه دیگران را نیز محبت می‌نماید (اول یوحنا ۴:۲۱ و ۵:۲). محبت به دیگران دلیل بزرگی است که نشانگر مرگ سرشت کهنه و حاکمیت سرشت جدید است. «ما می‌دانیم که از موت گذشته داخل حیات گشته‌ایم از اینکه برادران را محبت می‌نمائیم» (اول یوحنا ۳:۱۴).

۱۴) دلایل واقعیت تجربه تولد تازه عبارتند از.....

- a) داشتن فلسفه جدیدی در زندگی، اشتیاق بیشتر برای شناخت خود و بی‌نیاز شدن از دیگران.
- b) اجرای یک سری قوانین و مقررات جدید که سرپیچی از آنها به مجازات و مرگ جاودانی می‌انجامد.
- c) آگاهی از حیات تازه، تعلق به خانواده خدا، درک هدایت الهی و قدرت حفظ‌کننده او.

شخص تولد تازه یافته از اسارت گناه آزاد می‌شود. اما اگر گناه کرد، شفيعی نزد پدر هست، یعنی عیسی مسیح عادل (اول یوحنا ۱:۲). خون مسیح، گناه او را پاک می‌کند (اول یوحنا ۱:۷) و او بخشش و تقویت می‌یابد. اما او دیگر نباید اسیر گناه باشد. «هر که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند زیرا تخم او در وی می‌ماند و او نمی‌تواند گناهکار بوده باشد زیرا که از خدا تولد یافته است» (اول یوحنا ۳:۹).

شخص تولد تازه یافته با اعتراف و ایستادگی بر وعده‌های خدا، شریک ذات الهی می‌گردد (دوم پطرس ۱:۴) و به شباهت نجات‌دهنده خود در می‌آید (رومیان ۸:۲۹). همچنین با زندگی در قوت روح القدس، بر شهوات این جهان غلبه می‌یابد (غلاطیان ۵:۲۴، اول یوحنا ۴:۵). چنین شخصی، چون نیک گشته، درست عمل می‌کند. عادت‌های خوب جایگزین عادت‌های کهنه می‌شود (اول یوحنا ۲:۲۹). این دلایل و شواهد برای آنها و دیگران بیانگر واقعیت تولد تازه است.

۱۵) شواهد (دلیل) تجدید حیات (راست) را با اثبات یا رد آن (چپ) مطابقت دهید:

- a) آگاهی از حیات جدید، آرزوها و ارزش‌های جدید.
- b) آگاهی از حضور روح خدا در زندگی‌مان که تجربه تولد تازه را واقعی می‌گرداند.
- c) حضور، هدایت و الزام روح القدس.
- d) درک گناهان خود و ناتوانی برای مقابله با آن، احساس تقصیر و عدم توانایی برای غلبه بر آن.
- e) محبت به خدا و دیگران.
- f) درک آن که اگر شخص گناه کند، خدا او را می‌بخشد و او را تقویت می‌نماید.
- g) رشد در شناخت مسائل روحانی و شبیه مسیح شدن، غلبه بر جهان با تمامی شهواتش.

h) داوری بر دیگران و سنجش مسیحیت آنها.

(۱) دلیل تجدید حیات است

(۲) دلیل تجدید حیات نیست

تکمیل تجدید حیات

تجدید حیات، آغازگر حیات روحانی در ما می‌باشد. همانگونه که دیدیم، تجربه تولد تازه، حرکتی است پیشرونده که هدف آن شبیه مسیح شدن است (اول یوحنا ۲:۳). خدا ما را برگزیده و برای خود جدا نموده تا ما شبیه مسیح گردیم (رومیان ۸:۲۹). پیشرفت در زندگی روحانی تا پایان زندگی ما ادامه خواهد داشت و تا زمانی که جلال نیابیم، کامل نخواهیم گردید. وقتی مسیح ظهور کند، مثل او خواهیم بود و هر که در مسیح چنین امیدی دارد، خود را پاک می‌سازد (اول یوحنا ۲:۳ و ۳). اگر می‌خواهیم مثل مسیح شویم، باید بکوشیم تا زندگی مان مثل او باشد (اول پطرس ۲:۲۱). حتی اکنون نیز که خود را وقف او می‌نماییم «از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم» (دوم قرنتیان ۳:۱۸).

۱۶) چه برکاتی را پس از تجربه تولد تازه به دست می‌آوریم؟

خودآزمایی

به سؤالات زیر پاسخ‌های کوتاه دهید.

- (۱) متداول‌ترین واژه‌ای که معرف تجدید حیات است می‌باشد.
- (۲) کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که در تولد تازه، انسان از لحاظ دوباره متولد می‌گردد.
- (۳) شخص گناهکار پس از تجربه تجدید حیات، خلقت تازه‌ای در می‌گردد.
- (۴) طبق یوحنا ۱۶:۳، چه کسی می‌تواند تولد تازه را تجربه کند؟
- (۵) دو دلیلی را که بیانگر واقعیت تجدید حیات است نام ببرید.
- یکی از پاسخ‌های زیر صحیح می‌باشد. جلوی آن علامت بزنید.
- (۶) یکی از اشتباهات رایج درباره تجدید حیات آن است که عده‌ای معتقدند...
 - a) تجدید حیات، همان بازگشت است.
 - b) تعمید، عامل تجدید حیات است.
 - c) تجدید حیات تغییری صرفاً ذهنی است.
- (۷) تجدید حیات ضروری است زیرا.....
 - a) انسان احساس تقصیر می‌کند.
 - b) جزئی از قوانین جامعه است.
 - c) ذات خدا مقدس است.
- (۸) دلیل دیگر ضرورت تجدید حیات...
 - a) سرشت فاسد انسان است.

(b) حفظ احکام شریعت است.

(c) حفظ رسومات انسانی است.

(۹) تجربه تجدید حیات، تجربه‌ای است که در آن.....

(a) گناهکار صادقانه می‌کوشد، نجات خود را همانند اشخاص صادق دیگری که در پی آن هستند به دست آورد.

(b) گناهکاری که در بیابان گناه گم گشته، نزد مسیح، سرچشمه حیات می‌آید و زندگیش را به او تسلیم می‌کند تا با اعتماد کامل به مسیح، حیات روحانی و سرشت جدید را دریافت کند.

(c) شخص گناهکار می‌کوشد تا با تحصیل علم تغییر کند. او معتقد است با کسب دانش بیشتر و همچنین با اهداف خوب می‌تواند گناهانش را پاک کند.

(۱۰) کدام یک از عبارات زیر تفسیر صحیحی از تجربه تجدید حیات می‌باشد.

(a) تجدید حیات عملی است پیچیده که در آن، خدا و انسان در ایجاد یک شخصیت جدید سهمی یکسان دارند. این شخصیت در زندگی اشخاصی که صادقانه در جستجوی خدا هستند شکل می‌گیرد.

(b) تجدید حیات اساساً بنا نهادن اهداف و آرمان‌های نوین می‌باشد و کوششی است که شخص برای اصلاح زندگی خود می‌کند.

(c) تجدید حیات به صورت اسرارآمیز و به یکباره اتفاق می‌افتد. شخصی که توبه می‌کند از لحاظ روحانی تغییر کرده، از گناه روی گردان می‌شود و به مسیح ایمان می‌آورد و خود را کاملاً تسلیم خدا می‌نماید.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

- (۹) a) در آیه ۲۰ می‌خوانیم که مسیح خود را در خلقت مکشوف کرده است.
b) انسان به روشنی می‌تواند قدرت ابدی و ذات الهی خدا را مشاهده کند.
c) هر چند انسان خدا را می‌شناسد ولی آنگونه که شایسته او است از او تکریم و تشکر نمی‌کند.
d) افکار انسان کاملاً پوچ شده و شهوت قبیح و زندگی شرارت‌آمیزش مانع شناسایی حقیقت است.
- (۱) a) غلط
b) درست
c) درست
d) درست
- (۱۰) a) شخصی از اشراف قوم یهود که همه احکام مذهب یهود را وفادارانه به‌جا آورده بود.
b) نیکودیموس فریسی که از بزرگان قوم یهود بود. در واقع او معلم بزرگی بود.
c) کرنیلیوس، افسر ارتش روم که شخص مذهبی بود.
d) خواجه‌سرای حبشی که شخص برجسته‌ای در دربار ملکه حبشه بود.
e) لیدیا، زنی که خدا را پرستش کرد.

(۲)

عباراتی که بیانگر معنای تجدید حیات است	دلیل تجدید حیات
(a) یوحنا ۱:۱۳ تولد از خدا	اراده خدا
(b) یوحنا ۳:۳ تولد دوباره	برای دیدن ملکوت خدا
(c) یوحنا ۵:۳ تولد از آب و روح	برای ورود به ملکوت
(d) یوحنا ۷:۳ تولد دوباره	دلیلی ارائه نشده است
(e) یوحنا ۸:۳ تولد از روح	اراده روح القدس
(f) اول پطرس ۳:۱ از سر نو مولود شدن	برای داشتن امید زنده
(g) اول پطرس ۲۳:۱ دوباره متولد شدن	دلیلی ارائه نشده است
(h) اول یوحنا ۲:۲۹ تولد از او (خدا)	برای اجرای عدالت
(i) اول یوحنا ۹:۳ تولد از خدا	برای اجتناب از گناه
(j) اول یوحنا ۷:۴ تولد از خدا	برای محبت کردن به برادران
(k) اول یوحنا ۱:۵ از خدا مولود شدن	برای محبت کردن به برادران
(l) اول یوحنا ۱۸:۵ تولد از خدا	برای اجتناب از گناه

(۱۱) a) قدوسیت خدا، تغییر کامل سرشت انسان را انتظار دارد.

(۳) a) انتقال از مرگ به حیات

b) خلقت تازه

c) خلقت تازه

d) آفریده شده در مسیح عیسی

e) شخصیت تازه

f) روح القدس ما را نجات می دهد و تقدیس می نماید و به ما حیات

جدیدی می بخشد.

(۱۲) a) روح القدس تولد روحانی را ایجاد می کند.

b) آدم آخر (مسیح) روح حیات بخش است.

c) روح القدس تولد تازه را به ما می بخشد.

d) او به وسیله کلام راستین خود به ما تولدی دیگر بخشید.

(e) کلام زنده و جاودانی خدا به ما تولدی دوباره بخشید.

(۴) روح القدس، تولد، خلقت تازه

(۱۳) (a) غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) غلط

(e) غلط

(f) درست

(۵) (a) ۴- رشدیابنده

(b) ۱- منفعل

(c) ۳- اسرارآمیز

(d) ۲- ناگهانی

(۱۴) (c) آگاهی از حیات تازه، تعلق به خانواده خدا، درک هدایت الهی و قدرت

حفظ‌کننده او.

(۶) (a) درست

(b) درست

(c) درست

(۱۵) (a) ۱

(b) ۱

(c) ۱

(d) ۲

(e) ۱

(f) ۱

۱ (g)

۲ (h)

- ۷ (a) تعمیم تنها نماد یا شهادتی است از تغییری که قبلاً به وجود آمده است.
- (b) رشد روحانی، امری تدریجی است که با تولد تازه آغاز می‌گردد و شخص هر روز بیشتر شبیه مسیح می‌گردد.
- (c) همه ما گناه کردیم و به نجات‌دهنده احتیاج داریم. اگر مسیح را به عنوان خداوند زندگی مان بپذیریم، حیات جاودانی داریم و گرنه هلاک می‌شویم.
- (d) تحصیل علم نمی‌تواند سرشت گناه‌آلود ما را که عامل مشکلات مان است درمان کند.
- (e) عضویت در کلیسا نمی‌تواند با مسئله گناه و عدم درک روحانی ما مقابله کند.
- (f) هیچ کدام از این موارد پاسخگوی سرشت فاسد انسان و عدم درک روحانی او نمی‌باشد.

۱۶) با تمرکز بر خداوند ما عیسی مسیح، هر چه بیشتر شبیه او می‌گردیم. «ای حبیبان الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود لکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید» (اول یوحنا ۳:۲).

۸ (a) درست

(b) غلط

(c) درست

خدا انسان را بی گناه اعلام می کند:

عادل شمردگی

حمید در مدرسه، پسر شلوغی بود و معلمش را اذیت می کرد. او تکالیفش را خیلی بد خط می نوشت و معلم نمی توانست آنها را تصحیح نماید. در روزی که جلسه اولیا و معلمان برگزار می شد معلم کارهای کلاسی بچه ها را به والدین شان نشان می داد. حمید نیز آن روز به همراه والدینش به مدرسه رفت اما وقتی به کلاسش رسید، ترسید وارد شود. بنابراین، پدر و مادرش وارد کلاس شدند و حمید بیرون از کلاس با اضطراب به سخنان معلم گوش می داد. سرانجام، دیگر نتوانست تحمل کند و وارد کلاس شد تا نظاره گر تکالیف بچه ها باشد.

او می دانست که چه تکالیف بدی انجام داده است. احساس تقصیر و خجالت، تمام وجودش را فرا گرفت. اما هنگامی که تکالیفش را دید، متوجه شد که چقدر خوش خط می باشند. اثری از خط خوردگی و یا بد خطی در آنها نبود. هنگامی که پدر و مادرش از کلاس بیرون رفتند، او از فرصت استفاده کرد و از معلمش که مسیحی خداشناسی بود، پرسید: «چه اتفاقی افتاده است؟» معلم گفت: «چون تو را دوست دارم، می خواهم کمکت کنم. همه آن صفحات بد خط را پاره کردم. می خواهم فکر کنم که تو هرگز اشتباهی مرتکب نشدی یا کار بدی انجام ندادی».

حمید به شدت تحت تأثیر محبت عمیق معلمش قرار گرفت. عمل محبت آمیز آن معلم، زندگی حمید را به کلی تغییر داد. این داستان از محبت خدا، تصویر زیبایی به ما می دهد. خدایی که گناه انسان را می بخشد و با او به گونه ای رفتار می کند که گویی هرگز گناهی مرتکب نشده است. در این درس، به بررسی موضوع عادل شمردگی در آموزه نجات خواهیم پرداخت.



رئوس مطالب

ماهیت و معنای عادل شمردگی

سرچشمه عادل شمردگی

تجربه عادل شمردگی

اهداف درس

در پایان این درس باید بتوانید:

- شرح دهید که در مبحث عادل شمردگی، عدالت خدا چگونه انسان گناهکار را بی گناه می کند.
- جنبه های مثبت و منفی مفهوم سرچشمه عادل شمردگی را توضیح دهید.
- از این عبارت دفاع کنید: انسان تنها با ایمان عادل شمرده می شود.
- فیض خدا را تمجید نمایید که انسان گناهکار را عادل اعلام می کند و عدالت مسیح را به حساب او می گذارد.

فعالیت های یادگیری

- (۱) رومیان باب های ۳-۵ و غلاطیان باب ۳ را بخوانید. این بخش ها اطلاعات مفیدی در رابطه با مبحث عادل شمردگی به شما می دهد.

ماهیت و معنای عادل‌شمردگی

اکنون در رابطه با کار خدا در نجات انسان، به بررسی مفهوم عادل‌شمردگی می‌پردازیم. تجلی فیض و رحمت خدا، مقام و جایگاه ما را نیز در برابر خدا ارتقاء می‌بخشد. در بحث زنجیره‌وار آموزه نجات، مباحث عادل‌شمردگی و تجدید حیات را باید با یکدیگر مطالعه نمود. زیرا هر دو آنها در یک زمان رخ می‌دهند. هنگامی که خدا توسط روحش، به شخص حیات جدیدی می‌بخشد، او را نیز عادل اعلام می‌کند. یعنی شخص از مجازات گناه، رهایی می‌یابد و خدا به‌گونه‌ای با او رفتار می‌کند که نه تنها از مجازات گناه رهایی می‌یابد بلکه گویی هرگز گناهی مرتکب نشده است. در اینجا با اوج تجلی محبت و فیض خدا روبرو می‌گردیم که قدردانی و عشق به خدا را در ما پدید می‌آورد.

ماهیت عادل‌شمردگی

ایوب پرسید: «لیکن انسان نزد خدا چگونه عادل شمرده شود» (ایوب ۲:۹). زندانبان فیلیپی نیز سؤال کرد: «ای آقایان مرا چه باید کرد تا نجات یابم» (اعمال ۱۶:۳۰). یکی از مهمترین سؤالات زندگی این است: «انسان گناهکار چگونه می‌تواند رابطه‌اش را با خدا درست کند و از محبت و رحمت خدا اطمینان حاصل نماید؟» پاسخ به این سؤال را در عهدجدید و به‌خصوص در رساله به رومیان می‌یابیم. رساله‌ای که نقشه نجات را به شیوه بسیار دقیقی ترسیم می‌نماید. موضوع اصلی این رساله را در باب اول و در آیات ۱۶ و ۱۷ می‌یابیم و می‌توانیم آن را اینگونه خلاصه کنیم: انجیل، قدرت خدا برای نجات انسان است زیرا بیانگر چگونگی تغییر شرایط و موضع انسان گناهکار است تا او بتواند با خدا رابطه صمیمانه داشته باشد.

کتاب مقدس، به ما تعلیم می‌دهد که عدالت خدا دو بعد دارد: داوری و نجات (اول یوحنا ۹:۱، رومیان ۲۴:۳-۲۶). عدالت او، مجازات گناه را تقاضا می‌کند. اما خدا راهی برای گناهکار مهیا می‌کند تا بتواند او را بی‌گناه اعلام کند تا دیگر مجازات و داوری در انتظار او نباشد. کفاره مسیح، چنین برکتی را برای انسان آماده نمود. در درس اول در این باره بحث کردیم.

(۱) آیا معنای واژه کفاره را به‌خاطر دارید؟ اگر آن را به‌یاد نمی‌آورید، مرور مختصری بر درس اول داشته باشید. سپس جاهای خالی زیر را با واژه و یا واژه‌های مناسب پر نمایید.

..... نیاز به کفاره را ایجاد می‌نماید. کفاره، به معنای غضب الهی است. کفاره، در رابطه با کار است. عمل جانشینی و کفاره‌کننده خدا، گناهان گناهکار را و خشم الهی را و مجازات عادلانه گناه بر قرار نمی‌گیرد.

(۲) رومیان ۲۱:۳-۲۶ را بخوانید و موضوع اصلی آن را بنویسید.

(۳) در اول یوحنا ۹:۱ می‌خوانیم: «اگر گناهان خود را اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» این آیه چه ارتباطی با مبحث عدالت خدا و مسئله گناه انسان دارد؟

آیات رساله به رومیان و اول یوحنا به ما تعلیم می‌دهند که خدا هنگامی که انسان را عادل می‌شمارد، معیار اخلاقی خود را به کنار نمی‌نهد. عدالت او پابرجا است. مدت مدیدی تصور می‌شد که خدا گناه را نادیده می‌گیرد (رومیان ۲۵:۳)، اما کار مسیح بر صلیب جلجتا نشان داد که اینگونه نیست. محبت ازلی و بردباری خدا، ما را از داوری و محکومیت عادلانه گناه بازمی‌دارد. اما گناه در همه حال، شایسته داوری و مجازات است. بنابراین مسیح در زمان مناسب به جهان آمد، تا عدالت خدا را بر صلیب نشان دهد. او محکوم شد تا گناهکار، بی‌گناه اعلام شود! گناهکاری که توبه

می‌کند، عدالت مسیح را دریافت می‌کند و خدا به‌خاطر ایمانش، او را عادل اعلام می‌نماید (رومیان ۳:۲۶).

۴) کدام عبارت بیانگر ماهیت عادل‌شمردگی است؟

a) عادل‌شمردگی، به داوری اشاره دارد و بیانگر عملی است که خدا ایمانداران به مسیح را عادل اعلام می‌کند.

b) عادل‌شمردگی، عملی است که در آن خدا، شخص را عادل می‌نماید.

c) عادل‌شمردگی به داوری گناهکارانی که در پیشگاه تخت الهی می‌ایستند، اشاره می‌کند.

معنای عادل‌شمردگی

واژه عادل‌شمردگی، در ابتدا به معنای اعلام عادل‌شمرده شدن می‌باشد. عادل‌شمردگی، عملی است عینی که در خارج از ما به‌وجود می‌آید. عادل‌شمردگی، با وضعیت روحانی ما ارتباطی ندارد (چه شخص از لحاظ روحانی بالغ باشد و چه نباشد) بلکه به موضع و جایگاه ما در برابر خدا مربوط می‌باشد. عادل‌شمردگی، به معنای آن است که هنگامی که ما به کار کفاره‌کننده مسیح بر صلیب ایمان می‌آوریم و نجات الهی را تجربه می‌کنیم، خدا عدالت مسیح را به حساب ما می‌گذارد و به‌خاطر مسیح، می‌توانیم در حضور خدا سرافراز باشیم و مثل عادلان بایستیم. در عهدعتیق، شخصی که شریعت خدا را انجام می‌داد، عادل محسوب می‌گشت. اما در عهدجدید، عدالت مسیح برای ما محسوب می‌گردد.

۵) بین مفهوم عادل‌شمردگی در عهدعتیق و عهدجدید تفاوت مهمی وجود دارد. نخست، خروج ۷:۲۳، تثنیه ۱۰:۲۵ و امثال ۱۵:۱۷ را بخوانید. سپس رومیان ۴:۱-۸ و ۵:۱-۱۱ را بخوانید و تفاوت را در دفتر یادداشت‌تان بنویسید.

به یاد دارید که گناه، عامل قطع رابطه انسان با خدا می باشد. نتایج گناه، احساس تقصیر، محکومیت و جدایی از خدا برای انسان بود (پیدایش ۳: ۱-۲۴). عادل شمردگی، رابطه واقعی انسان را با خدا تحکیم می بخشد. احیا و تقویت رابطه انسان را با خدا در رومیان باب ۸ می بینیم که شامل:

(۱) عادل شمردگی، احساس تقصیر را رفع می کند زیرا عدالت مسیح برای ما محسوب می گردد: «کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود آیا خدا که عادل کننده است» (۳۳: ۸).

(۲) عادل شمردگی به خاطر بخشش گناهان، محکومیت را رفع می نماید: «کیست که برای شان فتوی دهد» (۳۴: ۸).

(۳) عادل شمردگی، رابطه انسان را با خدا برقرار می سازد: «کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد» (۳۵: ۸).

بنابراین در عادل شمردگی، تفکر خدا نسبت به شخص گناهکار، به خاطر رابطه آن شخص با مسیح تغییر می کند. اما عادل شمردگی امری فراتر از بخشش گناهان، رفع محکومیت و احیاء رابطه با خدا می باشد. در عادل شمردگی، موضع انسان گناهکار ارتقا می یابد و او «عادل» اعلام می گردد. اجازه دهید با ذکر یک مثال به تشریح این مفهوم مهم پردازیم. حکمرانی، مجرمی را عفو می نماید و حتی در دفاع از او خواهان استرداد حقوق آن مجرم به عنوان یک شهروند می باشد. اما به علت سابقه سوء این شخص، بازگرداندن حیثیت و موقعیت پیشین امری محال به نظر می رسد. زیرا که یک مجرم همیشه شخص شناخته شده ای است. بالاترین نیاز یک خطاکار آن است که جامعه با او به گونه ای رفتار کند که گویی هرگز محکوم نگشته و خطایی انجام نداده است. تنها بدین صورت است که او می تواند وارد جامعه گردد.

اما هنگامی که خدا شخصی را عادل اعلام می نماید، گذشته گناه آلود گناهکار و خطاهایش را پاک می کند. به علاوه او به گونه ای با شخص رفتار می کند که گویی هرگز گناهی مرتکب نشده است و او را در حضور خود عادل اعلام می نماید. اما باید

به این نکته توجه نماییم که عادل‌شمردگی امری فراتر از یک اعلام صرف است. قربانی مسیح، موضع شخص را در حضور خدا ارتقا می‌بخشد. عدالت مسیح برای شخص تولد تازه یافته، محسوب می‌گردد و او عادل در نظر گرفته می‌شود. چه تفکر پر جلالی! خدای عادل تنها بدین طریق می‌تواند انسان گناهکار را عادل اعلام نماید زیرا مسیح عدالت ما گشته است (اول قرن‌تین ۱: ۳۰)، او گناهکار را نجات می‌دهد و موضع شخص عادل را به او می‌بخشد. مسیح چون به جای گناهکار مجازات شد و بار تمام گناهان را بر خود گرفت، می‌تواند عدالت خود را به ما ببخشد (دوم قرن‌تین ۵: ۲۱). شخصی گفته است: «عادل‌شمردگی، در ابتدا محو گناهان و سپس محسوب نمودن عدالت مسیح برای ما است».

(۶) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

- | | |
|---|------------------------|
| (۱) رابطه محبت آمیز ما با خدا تقویت می‌گردد. | a) شریعت در انتظار |
| (۲) ایمان حاصل می‌شود. | b) مزد گناه |
| (۳) شریعت را به جا آورد و تاوان گناه را پرداخت. | c) قربانی مسیح |
| (۴) بخشش گناهان را دریافت می‌کند. | d) شخصی که به مسیح |
| (۵) فیض رایگان خدا است که خدا توسط آن | ایمان دارد |
| گناه را می‌بخشد و گناهکار توبه‌کار را به خاطر | e) عادل‌شمردگی |
| عدالت مسیح، عادل اعلام می‌نماید. | |
| (۶) مجازات شخصی است که آن را زیر پا گذاشته | f) عادل‌شمردگی تنها با |
| است. | |
| (۷) مرگ را برای گناهکار تقاضا می‌کند. | g) بر پایه عادل‌شمردگی |

نامه کوتاه پولس به فلیمون را در عهدجدید بخوانید. آیا می‌توانید به نمونه‌ای از عادل‌شمردگی در این نامه اشاره کنید؟ آیا به آیه ۱۸ توجه کردید؟ پولس به فلیمون می‌گوید که اگر اونیسیموس به او بدهکار است، آن را به حساب پولس بگذارد و بدین ترتیب دیگر اونیسیموس تعهدی در قبال فلیمون ندارد و آزاد می‌باشد. رابطه

صحیح و دوستانه پولس با دوستش فلیمون برای اونیسیموس امتیازی محسوب می‌گردد.

(۷) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

(a) عادل‌شمردگی، عملی است ذهنی که در ما به وجود می‌آید و با رشد روحانی ما مربوط می‌باشد.

(b) عادل‌شمردگی، عملی است که بیرون از ما انجام می‌شود و به عدالت اشاره می‌کند.

(c) در عادل‌شمردگی، عدالت مسیح است که به حساب انسان گذاشته می‌شود و گناه انسان رفع می‌گردد.

(d) خدا هنگامی که گناهکار را می‌بخشد، گذشته او را پاک می‌کند و با او به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی هرگز گناهی مرتکب نشده است.

ارتباط عادل‌شمردگی با شریعت

پولس می‌گوید، هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت نیک (عادل) شمرده نمی‌شود (رومیان ۳: ۲۰). شریعت، به خودی خود مقدس است و تمام احکام آن مقدس و عادلانه و نیکو است (رومیان ۷: ۱۲). هدف از دادن شریعت، عادل نمودن انسان نبود بلکه برقراری یک استاندارد و معیار عدالت بود. خدا شریعت را به موسی بخشید تا قوم اسرائیل درک صحیحی از خوب و بد داشته باشند (خروج ۲۰). عهدعتیق، تاریخ قوم یهود و ناطاعتی مداوم آنها را از شریعت، بیان می‌کند.

حال به ذکر سه دلیل می‌پردازیم که چرا شریعت نمی‌تواند شخص را عادل کند. اول، شریعت نمی‌تواند ما را عادل کند زیرا که قدرت تغییر سرشت ضعیف و گناه‌آلود انسان را ندارد. شریعت، نشانگر واقعیت گناه و وضعیت گناه‌آلود ما است و نمی‌تواند راه‌حلی برای درمان گناه بیابد. شریعت مثل خط‌کشی است که طول وسیله‌ای را اندازه می‌گیرد اما نمی‌تواند بر طول آن بیفزاید. «... از شریعت دانستن گناه

است» (رومیان ۳: ۲۰). شریعت مثل آیین‌های است که تباهی و شرارت ما را نشان می‌دهد اما نمی‌تواند آلودگی‌های وجودمان را پاک کند. همیشه می‌توانیم به این آیین‌ها نگاه کنیم اما نگاه کردن ما را پاک نخواهد کرد. شریعت، معیار خدا را از عدالت به ما نشان می‌دهد. شریعت بیانگر ناتوانی و قصور ما در حفظ احکام خدا است اما نمی‌تواند ما را تغییر دهد. همانگونه که کاهن و لاوی، شخص مجروح را در جاده اریحا ترک کردند، شریعت نیز ما را بی‌یاور و ناامید ترک می‌کند (لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷). شریعت قدرتی برای احیای ما در وضعیت ناگوارمان ندارد. تنها مسیح، سامری نیکو، می‌تواند ما را نجات دهد.

دوم، شریعت نمی‌تواند ما را عادل کند زیرا که تغییرناپذیر است. شریعت، رحمت نمی‌شناسد و تنها مجازات زیر پا گذاشتن احکام الهی را در نظر می‌گیرد. برای عادل شمرده شدن توسط شریعت، شخص باید تمام احکام شریعت را بدون هیچ اشتباهی انجام دهد (غلاطیان ۳: ۱۰ و یعقوب ۲: ۱۰) و سرشت گناه‌آلود انسانی ما قادر به انجام چنین کاری نیست.

سوم، شریعت نمی‌تواند گذشته را تغییر دهد و یا ذات گناه‌آلود نسل انسان را پاک نماید. شخص ممکن است ناگهان تصمیم بگیرد که تمام احکام شریعت را به‌جا آورد. زندگی او از این لحظه به بعد، ممکن است مورد قبول خدا واقع گردد اما او نمی‌تواند گذشته‌اش را تغییر دهد. در حضور خدا تمام زندگی ما منکشف است و تنها خون مسیح می‌تواند گناهان گذشته را پاک نماید و سرشت جدیدی را در ما بیافریند.



شریعت:

- نمی‌تواند ذات ما را تغییر دهد.
- نمی‌تواند عوض شود.
- نمی‌تواند گذشته ما را عوض کند.

با توجه به همین دلایل، پولس می‌گوید که شریعت هرگز نمی‌تواند شخصی را عادل کند (غلاطیان ۲:۲۱). باید بدانیم که هدف شریعت، رهایی ما از گناه نیست بلکه نشان دادن گناه می‌باشد.

۸) صحیح‌ترین عبارت را انتخاب کنید. شریعت نمی‌تواند شخص را عادل کند زیرا...

- (a) از درمان سرشت گناه‌آلود انسان که ریشه مشکلات او می‌باشد، عاجز است.
- (b) نمی‌تواند ضعف و نیاز شخص را به او نشان دهد.
- (c) در ابتدا با گذشته شخص در ارتباط است و با اخلاق ارتباطی ندارد.

شریعت، برای ایجاد معیار عدالت لازم می‌باشد. شریعت نشانگر گناه انسان، سرشت گناه‌آلود او و ناامیدی انسان در درمان گناه است و می‌تواند ما را به سوی فیض هدایت کند. گرچه شریعت نمی‌تواند شخص را نجات دهد اما او را به سوی نجات‌دهنده هدایت می‌کند. «پس شریعت لایه‌ای ما شد تا به مسیح برساند تا از ایمان عادل شمرده شویم» (غلاطیان ۳:۲۴).

ارتباط بین حفظ شریعت و عادل‌شمردگی را می‌توان با ذکر یک مثال شرح داد. شخصی با هواپیما عازم مقصدی می‌شود. هواپیما تنها یک وسیله است و هرگز این فکر به ذهن کسی خطور نمی‌کند که هواپیما را خانه خودش بسازد بلکه از آن برای رسیدن به مقصد استفاده می‌کند و هنگامی که به مقصد رسید، از هواپیما پیاده می‌شود. شریعت، به قوم اسرائیل داده شد تا آنها را به مقصد خاصی برساند و آن مقصد ایمان و اعتماد به فیض رهایی‌بخش خدا بود. اما هنگامی که نجات‌دهنده آمد، قوم اسرائیل آنچنان از لحاظ روحانی کور بودند که مثل شخصی عمل کردند که حتی هنگامی که به مقصدش رسیده بود نمی‌خواست از هواپیما پیاده شود. بسیاری از یهودیان، صندلی‌های هواپیما یعنی «شریعت» را ترک نکردند با وجود آنکه عهدجدید اعلام می‌کند که «... مسیح است انجام شریعت به جهت عدالت برای هر که ایمان آورد» (رومیان ۱۰:۴).

پولس، رابطه بین حفظ شریعت و عادل‌شمردگی را در غلاطیان ۳:۲۴-۲۵ شرح می‌دهد. او تصویر معلمی را ترسیم می‌کند که شاگردانش را تعلیم و آموزش می‌دهد تا به سن قانونی برسند و ارث را تصاحب کنند. خدا از طریق شریعت، وضعیت ناگوار انسان را به او نشان داد، ملاک عدالت الهی را به تصویر کشید و ناتوانی انسان را در تحقق احکام شریعت به‌خوبی نشان داد. اما اکنون انسان با ایمان به کاری که مسیح روی صلیب انجام داد، نزد خدا عادل اعلام می‌گردد و معیار عدالت خدا را به‌جا می‌آورد. مسیح، تاوان گناهان ما را پرداخت و عدالت او، برای ما محسوب گشت. مسیح، شریعت را به کمال رساند و ما را به رایگان عادل شمرد. عدالت و فیض او این برکت را نصیب ما کرد.

(۹) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

- (a) ما را در حضور خدا عادل می‌کند.
- (b) معیار عدالت خدا را برای ما مشخص می‌کند.
- (c) گناهان گذشته ما را پاک می‌کند و سرشت ما را تغییر می‌دهد.
- (d) نمی‌تواند سرشت انسان را تغییر دهد.
- (e) راه حلی برای رفع گناه است.
- (f) گناه را به ما می‌شناساند.
- (g) رحمت ندارد.

(۱) شریعت

(۲) عادل‌شمردگی

تفاوت بین عادل‌شمردگی و تجدید حیات

در این بخش متوجه خواهید شد که بعضی از ویژگی‌های عادل‌شمردگی و تجدید حیات در درون ما و بعضی دیگر در خارج از ما به‌وجود می‌آیند. برای مثال، عادل‌شمردگی، امری است که در خارج از ما در برابر تخت خدا اتفاق می‌افتد و در

آنجا است که خدا ما را عادل اعلام می‌کند. عادل‌شمردگی، تصمیم خدا در رابطه با موقعیت و جایگاه ما در برابر او است. اساس عادل‌شمردگی، کاری است که مسیح برای ما انجام می‌دهد. عادل‌شمردگی رابطه ما را با خدا تغییر می‌دهد.

همانگونه که قبلاً گفتیم، عادل‌شمردگی و تجدید حیات در یک زمان به وجود می‌آیند. آنها بیانگر جنبه‌های گوناگون یک کار می‌باشند. تجدید حیات، کار انجام شده خدا در درون ما است و نشان‌دهنده وضعیت روحانی و سرشت تغییر کرده ما می‌باشد. عادل‌شمردگی و تجدید حیات در یک لحظه انجام می‌گیرند.

(۱۰) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست ویژگی‌ها و ستون سمت چپ اسامی مربوط به ویژگی‌ها می‌باشند.

- | | |
|-----------------|--|
| (۱) عادل‌شمردگی | a) عملی در خارج از ما |
| (۲) تجدید حیات | b) عملی در درون ما |
| (۳) هر دو | c) عملی در یک لحظه |
| | d) با موقعیت و جایگاه ما در برابر خدا مربوط است. |
| | e) نشانگر سرشت دگرگون شده درونی ما می‌باشد. |

(۱۱) هنگامی که می‌گوییم عادل‌شمردگی کاری است عینی منظورمان این است که.....

(۱۲) عادل‌شمردگی و تجدید حیات از لحاظ زمانی چگونه اتفاق می‌افتند؟

سرچشمه عادل‌شمردگی

انسان در اعماق وجودش می‌اندیشد که باید کاری انجام دهد تا سزاوار لطف الهی شود و نجات یابد. در کلیسای اولیه، عده‌ای از یهودیان معتقد بودند که گناهکاران علاوه بر ایمان باید احکام شریعت را نیز به جا آورند تا نجات یابند. از آن زمان، این دیدگاه اشتباه، در بعضی از کلیساها رواج یافت. چنین دیدگاهی، سفرهای

زیارتی به اماکن مقدس، اجرای آیین‌های مذهبی، سخت‌گیری بر خود و صدقه دادن را شرط آمرزش گناهان می‌داند. در مذاهب الحادی، اشخاص می‌کوشند تا خدایان را با انجام کارهای نیک، خشنود سازند. علت آنکه آنها برای کسب شایستگی در حضور خدا، چنین سخت می‌کوشند، آن است که: خدا رحیم و بخشنده نیست و انسان نیز نیک و عادل نیست؛ پس انسان باید عادل گردد تا خدا بر او رحم نماید.

مارتین لوتر از این دیدگاه اشتباه بسیار رنج برد. او کوشید تا با افکار خود، نجات را به‌دست آورد. فریاد او که می‌گفت: «ای لوتر، چه هنگام عادل می‌گرددی تا لطف خدا را به‌دست آوری؟» فریاد قلب میلیون‌ها انسان است. سرانجام او حقیقت را در انجیل یافت. خدا رحیم و بخشنده است و می‌خواهد انسان را عادل نماید. بنابراین، عادل‌شمردگی، ثمره کار انسان و یا اجرای احکام شریعت نیست: «نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد...» (تیتس ۳: ۵) کتاب مقدس، عادل‌شمردگی را ثمره اعمال ما نمی‌داند و حتی کوشش برای کسب آن را محکوم می‌نماید. پولس رسول، این موضوع را به‌روشنی در رساله به غلاطیان تعلیم می‌دهد.

۱۳) آیات زیر را از رساله غلاطیان بخوانید و سپس نتایج حاصله از کوشش شخص برای کسب عادل‌شمردگی را بنویسید. به اولین مورد پاسخ داده شده است.

(a) ۹-۸: هر که انجیل دیگری را موعظه کند، محکوم به جهنم است.

(b) ۲۱:۲

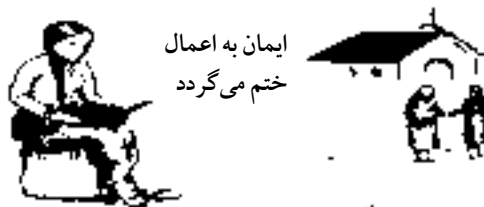
(c) ۳-۱:۳

(d) ۱۰:۳

(e) ۴:۵

پولس، به‌روشنی تعلیم می‌دهد که عادل‌شمردگی با اعمال و کارهای انسان به‌دست نمی‌آید. اما عده‌ای می‌پرسند: «آیا یعقوب فقط بر اعمال تأکید نمی‌ورزد؟» برای آنکه به این سؤال پاسخ دهیم، یعقوب ۲: ۱۸-۲۶ را با دقت بخوانید.

به این نکته توجه کنید که یعقوب، ایمان رهایی بخش و نجات دهنده را محکوم نمی‌نماید بلکه بر علیه ایمان صرفاً ذهنی و منفعل سخن می‌گوید. یعقوب، اعلام می‌کند که ایمان منفعل، شخص را عادل نمی‌گرداند و بر ایمان فعال تأکید می‌ورزد یعنی ایمانی که به عمل ختم می‌گردد. پولس بر این نکته صحنه می‌گذارد که اعمال نیکو ما را عادل نمی‌گرداند (تیطس ۳: ۵). پولس می‌گوید که ایمان نجات دهنده، جدا از اعمال، ما را عادل می‌گرداند (رومیان ۳: ۲۱-۲۲). شخصی گفته است: «ما با ایمان و اعمال نجات نمی‌یابیم، ما با ایمانی نجات می‌یابیم که عمل می‌کند». تفاوت دیدگاه پولس و یعقوب را با درک محتوای پیام آنها بهتر متوجه می‌شویم. پولس به روشنی علیه این عقیده مبارزه می‌کرد که انسان با ایمان و با حفظ شریعت نجات می‌یابد. از طرف دیگر، یعقوب با این نظر که چون ما با فیض نجات یافتیم و دیگر متعهد به حفظ شریعت نیستیم و یا تاوان زیر پا گذاشتن شریعت را نخواهیم پرداخت، مبارزه می‌کرد. عده‌ای که چنین دیدگاهی داشتند، مسیحی را متعهد به حفظ قوانین اخلاقی نمی‌دانستند و در نتیجه، نظام اخلاقی او را سست کرده، امکان نادیده گرفتن تعهدات اخلاقی را به او می‌دادند تا در نهایت، زندگی او از معنا و محتوا تهی گردد. بنابراین، یعقوب و پولس بر ضد یکدیگر سخن نمی‌گویند. آنها مثل سربازانی هستند که پشت به پشت با دشمنانی که به آنها حمله می‌کنند، مبارزه می‌نمایند. پولس با اشخاصی می‌جنگد که حفظ شریعت را عامل نجات می‌دانند و جنگ یعقوب با اشخاصی است که فکر می‌کنند نجات، آنها را کاملاً از شریعت آزاد می‌کند.



۱۴) آیات زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

- (a) پیدایش ۱۵:۶-۱۶ و ۱۶:۱۵-۱۶. ابراهیم چند سال داشت هنگامی که خدا وعده پسری را به او داد و ایمان او به وعده خدا، عدالت محسوب گشت.
- (b) پیدایش ۱۷:۱. ابراهیم در هنگام تجدید وعده، چند سال داشت؟
- (c) پیدایش ۱۷:۱۷ و ۲۱:۱. ابراهیم در هنگام تولد اسحق، چند سال داشت؟
- (d) پیدایش ۲۲:۱-۱۸. اسحق چند ساله بود که خدا از ابراهیم خواست تا او را قربانی کند؟
- (e) تقریباً چند سال بین عادل‌شمردگی ابراهیم (۶:۱۵) و عمل تقدیم قربانی اسحق وجود دارد؟
- (f) دوباره یعقوب ۲۱:۲-۲۴ را بخوانید. این تمرین چگونه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که پولس و یعقوب یکدیگر را نفی نمی‌کنند؟

پولس، ایمانی را تحسین می‌کند که تنها به خدا اعتماد می‌کند و یعقوب، ایمان منفعل و صرفاً ذهنی را محکوم می‌کند. پولس، اعمال بدون ایمان را رد می‌کند و یعقوب اعمالی را تحسین می‌کند که نشانگر واقعیت ایمان است. عادل‌شمردگی که پولس آن را موعظه می‌کند، به ابتدای زندگی مسیحی اشاره دارد - اما عادل‌شمردگی که یعقوب از آن سخن می‌گوید، به زندگی مطیع و مقدسی اشاره دارد که بیانگر نجات شخص می‌باشد. کتاب مقدس، به روشنی بیان می‌کند که فیض خدا سرچشمه عادل‌شمردگی است. کتاب مقدس همچنین می‌گوید که اساس عادل‌شمردگی ما، کار کفاره‌کننده مسیح می‌باشد، «به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است» (رومیان ۳:۲۴). فیض خدا و صلیب مسیح، سرچشمه و اساس عادل‌شمردگی ما می‌باشند.

در رساله به رومیان، کلمه «مجاناً» از مفهوم وسیعی برخوردار است و به معنای «بدون دلیل یا علت» می‌باشد. این واژه، نشانگر فیض خدا است که نه به خاطر شایستگی و یا کاری که انجام دادیم، نصیب‌مان می‌گردد، بلکه هدیه‌ای است برای

شخص نالایق، هدیه‌ای که شخص نمی‌تواند با توانایی خود آن را به‌دست آورد و یا چیزی در قبالش بدهد. فیض خدا بسیار فراتر از اعمال نیکو و یا خدمات مفید مسیحی است. اما کارهای خوب ما بیانگر وقف واقعی و عملی ما به خدا است.

اکنون به بررسی برخی از سوء تعبیرهای موجود در رابطه با موضوع فیض می‌پردازیم. مثال زیر به شما کمک خواهد کرد تا معنای فیض را بهتر درک کنید. شخصی با یک قاضی دوست بود. روزی آن شخص مرتکب جرمی شد و به دادگاهی رفت که قاضی آن دوستش بود. پس از بررسی کیفرخواست و استماع شهادت شهود، قاضی اشد مجازات را اعلام کرد و جریمه بسیار سنگینی برای او تعیین نمود. آن شخص فکر می‌کرد که قاضی به‌خاطر دوستی که با او دارد، تا حدی قانون را نادیده خواهد گرفت اما چنین نبود. پس از اعلام حکم، قاضی در حالی که از دادگاه خارج می‌شد، تمام جریمه را به منشی دادگاه پرداخت کرد. قاضی برای حفظ قانون، حکم به محکومیت آن شخص داد، اما به‌خاطر محبت خود، جریمه دوستش را پرداخت.

فیض، به معنای آن نیست که خدا به‌خاطر محبتش گناه را نادیده بگیرد و داوری عادلانه را به کنار بگذارد. خدای عادل و قدوس نمی‌تواند با گناه به سادگی برخورد کند و آن را نادیده بگیرد زیرا در آن صورت، برخلاف ذات خود عمل نموده است. فیض خدا، نشانگر این حقیقت است که خدا از طریق کفاره مسیح، تاوان گناه را کاملاً پرداخت کرد و در نتیجه می‌تواند گناهکار را عفو نماید. بخشش خدا، بر پایه عدالت محض او قرار دارد. «او امین و عادل است» (اول یوحنا ۱:۹). فیض خدا در کار کفاره‌کننده مسیح که نشانگر عدالت محض و قدوسیت خدا است تجلی می‌یابد و هر که توبه کند، بخشش الهی را دریافت خواهد نمود.

- (۱۵) جلوی عبارات صحیحی که بیانگر تعلیم کتاب مقدس درباره سرچشمه عادل شمردگی است، علامت بزنید.
- (a) چون اعمال، بیانگر ایمان زنده است، پس اساس عادل شمردگی می باشد.
- (b) فیض خدا سرچشمه عادل شمردگی است.
- (c) خدا از طریق کفارۀ مسیح، مجازات زیر پا گذاشتن شریعت را پرداخت کرد، پس می تواند گناهکار را عفو نماید.
- (d) هنگامی که شخصی به مسیح ایمان می آورد، فضیلت ایمانش اساس عادل شمردگی می گردد.

تجربه عادل شمردگی

نمونه های عادل شمردگی

پولس رسول در رومیان باب ۴ درباره تجربه دو نفر که نمونه های برجسته ای از عادل شمردگی هستند، صحبت می کند. این باب را سریع بخوانید و به خصوص به آیات ۶-۸ توجه کنید.

حضرت داود، درباره شادی شخصی که خدا بدون در نظر گرفتن اعمالش، او را عادل محسوب می دارد می نویسد: «خوشابه حال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهان شان مستور گردید. خوشابه حال کسی که خداوند گناه را به وی محسوب نفرماید» (رومیان ۴: ۸-۶). در این آیات، ما ایمان را بدون اعمال نمی بینیم، ولی آن را جدا شده از اعمال می بینیم. در این بخش، در آیات ۱-۹، اعمال قبل از ایمان معرفی نمی شود بلکه تنها ایمان مطرح می گردد. «اما کسی که عمل نکند بلکه ایمان آورد به او که بی دینان را عادل می شمارد، ایمان او عدالت محسوب می شود» (رومیان ۴: ۵).

اما چنین ایمانی، اعمال را به عنوان شهادتی از واقعیت زنده بودنش به همراه دارد. پولس، ریشه و منشأ عادل شمردگی را ایمان جدا از اعمال می داند. همانگونه که

دیدیم، یعقوب درباره میوه ایمان که همان اعمال نیکو است، سخن می‌گوید. میوه، نشانگر نوع ریشه‌ای است که آن را ثمر داده است. در این قیاس، باید به‌خاطر بسپاریم که ایمان ریشه است و اعمال نیکو ثمره آن می‌باشند. میوه نمی‌تواند ریشه را ایجاد کند.

در یک نمونه با شکوه عادل‌شمردگی، پولس، ابراهیم را به‌عنوان دومین مظهر عادل‌شمردگی از طریق ایمان و نه شریعت معرفی می‌کند. پولس، به این نکته اشاره می‌کند که ابراهیم قبل از آنکه مختون گردد (پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۴)، با ایمان عادل محسوب گشت (پیدایش ۱۵: ۶). به‌علاوه، او نشان می‌دهد که ابراهیم با حفظ احکام شریعت عادل نگشت: «زیرا به ابراهیم و ذریت او وعده‌ای که او وارث جهان خواهد بود، از جهت شریعت داده نشد بلکه از عدالت ایمان» (رومیان ۴: ۱۳).

با ذکر این نمونه‌ها، درمی‌یابیم که شیوه خدا برای عادل‌شمردگی چنین می‌باشد: باید همانگونه که هستیم به حضور خدا بیاییم و هدیه او را دریافت کنیم.

۱۶) دو نمونه‌ای که پولس در رومیان باب ۴ بیان می‌کند، چگونه ایمان را به‌عنوان ریشه و اعمال را به‌عنوان ثمر و میوه عادل‌شمردگی معرفی می‌کند؟ پاسخ را در دفتر خود بنویسید.

وسعت کارکرد عادل‌شمردگی

در درس اول، به بررسی کتاب مقدس پیرامون وسعت کارکرد کفاره پرداختیم و نتیجه گرفتیم که کفاره، کارکردی نامحدود دارد. اما هنگامی که درباره وسعت عملکرد عادل‌شمردگی سخن می‌گوییم، درمی‌یابیم که تفاوتی وجود دارد. عادل‌شمردگی محدود به اشخاصی است که به مسیح ایمان می‌آورند. هر شخص باید از ثمرات کار مسیح برخوردار گردد (مکاشفه ۳: ۲۰) و آن را ارج نهد. بنابراین، عطیه عادل‌شمردگی تنها محدود به اشخاصی است که آن را پذیرفته و از آن بهره می‌برند.



جوانی از خانواده خود جدا می شود و به سرزمین دوری می رود. در آنجا به سختی بیمار می گردد. به محض آنکه پدرش از بیماری پسرش خبردار می شود دارویی برایش می فرستد که تنها آن دارو می توانست او را از مرگ نجات دهد. اما آن جوان به خاطر سرکشی و لجبازی آن را نپذیرفت و حالش هر روز بدتر شد. در آستانه مرگ از پزشکان خواست تا او را نجات دهند. آنها در پاسخ گفتند که تنها آن دارویی که پدرت برایت فرستاده بود، می توانست تو را نجات دهد، اما اکنون دیگر خیلی دیر شده است. در عادل شمردگی نیز اشخاصی که هدیه نجات را با ایمان می پذیرند، به رایگان عادل محسوب می گردند.

۱۷) کدام عبارت، درباره وسعت کارکرد عادل شمردگی صحیح می باشد؟

- a) وسعت عملکرد عادل شمردگی با درجه عادل شمردگی ارتباط دارد. بدین معنا که عده ای از دیگران عادل تر می باشند.
- b) عادل شمردگی نیز مثل کفاره، بدون در نظر گرفتن ایمان و پذیرش ما کارکرد نامحدود دارد.
- c) خدا عطیه عادل شمردگی را برای همه مهیا نموده است اما تنها اشخاصی که به مسیح ایمان می آورند و از ثمرات کار او بهره مند می گردند، عادل محسوب می شوند.

طریق عادل شمردگی

همانگونه که دیدیم، شریعت و اعمال نیکو نمی‌توانند شخص را عادل بگردانند. در واقع، انسان به عدالت خدا نیاز دارد. عدالت خدا، هدیه‌ای است که به رایگان به انسان داده می‌شود (رومیان ۳:۲۴). ولی انسان باید این هدیه را بپذیرد. اما چگونه می‌توان این هدیه را دریافت کرد؟ به چه طرقی می‌توان عادل شمردگی را به دست آورد؟ برای پاسخگویی به این سؤال، آیاتی را از کتاب مقدس بررسی می‌کنیم:

(۱) «زیرا ما یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت محض ایمان عادل شمرده می‌شود» (رومیان ۳:۲۸).

(۲) «یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است» (رومیان ۳:۲۲).

(۳) «پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم» (رومیان ۵:۱).

(۴) «به ایمان نوح وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید» (عبرانیان ۱۱:۷).

(۵) «...تا مسیح را دریابیم و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است بلکه با آن که به وسیله ایمان مسیح می‌شود یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان می‌شود» (فیلیپیان ۳:۸-۹).

بنابراین، ایمان دستی است که دراز می‌شود تا برکت خدا را بگیرد. ایمان، اساس عادل شمردگی نیست بلکه شرط آن می‌باشد. شخصی گفته است که ایمان سبب برتری و شایستگی شخص نمی‌گردد. گدایی که دست خود را برای گرفتن صدقه دراز می‌کند، به خود نمی‌بالد. ایمان، هرگز بهای کسب عادل شمردگی نیست بلکه طریق اکتساب آن می‌باشد.

با توجه به این اصل که ایمان طریق برخورداری از امتیاز عادل شمردگی است، می‌توان به تصحیح برخی از اشتباهات پرداخت. اول، چون انسان سقوط کرده، قادر به انجام نیکویی و اجرای عدالت نیست، پس نمی‌تواند به خاطر عدالت شخصی و یا تلاش انسانی، به خود ببالد. در تیطس ۳:۵ می‌خوانیم: «نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد». دوم، ترس از آنکه

چون ما خیلی ضعیف و یا خیلی گناهکار هستیم و قادر به حفظ نجات خود نمی باشیم، با ایمان رفع می گردد. اهمیت ایمان در این حقیقت نهفته است که ما را با مسیح متحد می کند و به ما نیرو می بخشد. شخص در اتحاد با مسیح، برای یک زندگی خداپسندانه انگیزه و قدرت لازم را دارد: «زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید» (غلاطیان ۳:۲۷). «و آنانی که از آن مسیح می باشند جسم را با هوس ها و شهواتش مصلوب ساخته اند» (غلاطیان ۵:۲۴). پولس، شکرگزاری خود را برای ایمان زنده ایمانداران فیلیپی چنین ابراز می کند: «چونکه به این اعتماد دارم که او که عمل نیکو را در شما شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید» (فیلیپیان ۱:۶).

۱۸) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- a) عادل شمردگی، ثمره فیض خدا است و ما آن را با ایمان به دست می آوریم. ایمان ما به عمل فداکارانه مسیح روی صلیب است.
- b) ایمان، اساس عادل شمردگی است و نه شرط آن.
- c) این حقیقت که ما به رایگان و تنها با ایمان، عادل محسوب می گردیم، تمام عواملی را که منجر به غرور و فخر انسانی می گردند، از میان برمی دارد.
- d) ایمان، شخص را با مسیح متحد می کند به گونه ای که او همفکر مسیح شده، از حیات او بهره مند می گردد.

هنگامی که کلام خدا موعظه می شود، روح القدس در ما ایمان را ایجاد می کند و ما از طریق ایمان، عادل شمرده می شویم. کتاب مقدس به ما می گوید: «لهمذا ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا» (رومیان ۱۰:۱۷). ایمان، وعده خدا را باور و تصاحب می کند. ایمان، شخص را به آغوش نجات دهنده خود یعنی مسیح می برد تا از آمرزش گناهان خود اطمینان حاصل نماید. چنین ایمان و اعتمادی، وجدان شخص را آرام می کند و به او امید حیات جاودان می بخشد. چون ایمان زنده و نیرومند است، شخص را پر از روح شکرگزاری می کند و ثمره آن با اعمال نیکو تجلی می یابد.

۱۹) هنگامی که می‌گوییم عادل‌شمردگی را با ایمان می‌توان به‌دست آورد، منظورمان آن است که.....

۲۰) ایمان چگونه ایجاد می‌شود؟

نتایج عادل‌شمردگی

نتایج عادل‌شمردگی بسیار است. یکی از نتایج بیشمار آن، پاک شدن از گناه و ورود شخص به جماعت مقدسین و برخورداری از برکات الهی است: «خوشابه‌حال کسی که عصیان او آمرزیده شد و گناه وی مستور گردید» (مزمور ۱:۳۲). اکنون به بررسی برکات عالی و بیشمار عادل‌شمردگی می‌پردازیم.

۲۱) آیات زیر را بخوانید و نتایج عادل‌شمردگی را در هر کدام بنویسید.

(a) اعمال ۳۹:۱۳

(b) رومیان ۱:۵

(c) رومیان ۹:۵

(d) رومیان ۵:۱۰-۱۱

(e) رومیان ۸:۳۰

(f) رومیان ۸:۳۳-۳۴

(g) تیطس ۷:۳

نجات، بزرگترین هدیه خدا است که ما را در مسیح تبدیل به خلقت تازه‌ای می‌کند. پولس در دوم قرن‌تیا ۵:۱۸-۲۱ چنین می‌گوید: «و همه چیز از خدا که ما را به‌واسطه عیسی مسیح با خود مصالحه داده و خدمت مصالحه را به ما سپرده است. یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد. پس برای مسیح ایلچی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس به‌خاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید. زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.»

خودآزمایی

سؤالات چند جوابی - بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

- (۱) در عادل شمردگی، خدا گناهکار را بی گناه اعلام می کند زیرا.....
- (a) گناه انسان را به خاطر محبت عظیم خود، نادیده می گیرد.
 - (b) خدا با محبت خود، گناهان انسان را بر صلیب مسیح قرار داد تا عدالت مسیح برای انسان محسوب گردد.
 - (c) خدا، به انسان اجازه داد تا مجازات گناهان خود را با انجام دادن کارهای خوب جبران کند و گناهش رفع گردد.
- (۲) در عادل شمردگی.....
- (a) در واقع، گناهکار عادل محسوب نمی گردد حتی اگر خدا او را عادل اعلام کند.
 - (b) شخص در صورتی که اعمال نیکو انجام دهد، عادل محسوب می گردد.
 - (c) شخص به خاطر عدالت مسیح عادل محسوب می گردد.
- (۳) عادل شمردگی نه فقط بخشش گناهان را به ارمغان می آورد بلکه.....
- (a) رابطه شخص را نیز با خدا تقویت می کند و او در برابر خدا مثل یک شخص عادل می ایستد.
 - (b) صلح با خدا و آزادی از محکومیت را نیز به ما ارزانی می دارد.
 - (c) a و b
- (۴) کتاب مقدس، به روشنی می گوید که شخص.....
- (a) تنها با ایمان عادل شمرده می شود نه با اعمال و یا اجرای احکام شریعت.
 - (b) با اجرای کامل احکام شریعت و ایمان به مسیح، عادل محسوب می گردد.

(c) با اهداف خوب، کارهای نیکوی بسیار و صداقت عقیده، عادل محسوب می‌گردد.

(۵) اساس عادل‌شمردگی.....

(a) تنها محبت خدا می‌باشد.

(b) فیض خدا و صلیب مسیح می‌باشد.

(c) اشتیاق انسان برای رابطه صحیح با خدا می‌باشد.

(۶) در درس گذشته دیدیم که چون ایمان سرچشمه عادل‌شمردگی است، پس...

(a) مهم‌تر از اعمال نیکوی ما نمی‌باشد.

(b) امتیازی که شخص را از دیگران برتر سازد، نیست. همانگونه که گدایی که دستش را برای صدقه خواستن دراز می‌کند، به خود نمی‌بالد.

(c) محدود به ارزش شخصی است که به مسیح ایمان می‌آورد.

(۷) نیاز گناهکاران محکومی که در حضور خدا می‌ایستند، چیست؟

(a) اجرای عدالت کامل

(b) خدا اعمال نیکوی بسیار آنان را فراموش نکند.

(c) رحمت خدا

(۸) طبق درس، بسیاری از اشخاص صادق غیر مسیحی، عادل‌شمردگی را

نتیجه.....

(a) اعمال نیکوی انسان می‌دانند.

(b) رحمت و فیض خدا می‌دانند نه اعمال انسان

(c) تصمیم خدا برای عادل نمودن اشخاص برگزیده می‌دانند.

(۹) عادل‌شمردگی به معنای آن است که.....

(a) من هرگز گناه نکرده‌ام.

(b) خدا گناه را نادیده می‌گیرد.

(c) گویی هرگز مرتکب گناه نشده‌ام.

(۱۰) وسعت کارکرد عادل شمردگی.....

(a) مثل کفاره محدود می باشد.

(b) محدود به اشخاصی است که عطیه عادل شمردگی را با ایمان می پذیرند.

(c) محدود به اشخاصی است که پیام انجیل را می شنوند.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

(۱۱) در خارج از ما به‌وقوع می‌پیوندد؛ هنگامی که در برابر تخت خدا عادل شمرده می‌شویم.

(۱) غضب الهی، فرونشاندن، مسیح، می‌پوشاند، فرومی‌نشاند (آرام می‌نماید)، گناهکار.

(۱۲) آنها در یک زمان به‌وقوع می‌پیوندند.

(۲) قربانی مسیح، نشانگر عدالت خدا است و هر که به مسیح ایمان آورد، خدا او را عادل اعلام می‌کند.

(۱۳) (b) اگر شخص با اعمالش نجات یابد پس مرگ مسیح بیهوده بوده است.

(c) احمقانه است اگر بخواهیم با اعمال و یا اجرای شریعت عادل گردیم.

(d) اشخاصی که می‌خواهند با اجرای شریعت عادل گردند زیر شریعت می‌باشند.

(e) شخصی که فکر می‌کند با اجرای شریعت نزد خدا عادل می‌گردد، در حقیقت خود را از مسیح جدا نموده است.

(۳) خدا هنگامی که گناهان ما را می‌بخشد، امین و عادل است.

(۱۴) (a) دقیق نمی‌توان گفت اما احتمالاً بیش از ۸۶ سال سن داشت.

(b) ۹۹ سال

(c) ۱۰۰ سال

(d) پاسخ قاطعی نمی‌توانیم ارائه دهیم اما او احتمالاً ۱۵ سال سن داشت. او

باید آنقدر بزرگ بوده باشد تا بتواند با خود چوب را به بالای کوه ببرد (آیه ۶). ابراهیم نیز تقریباً ۱۱۵ سال سن داشت.

(e) دقیقاً نمی دانیم، اما احتمالاً ۳۰ سال فاصله وجود دارد.

(f) یعقوب به خوبی با تاریخ زندگی ابراهیم آشنا بود. او می دانست که ابراهیم از ابتدا عادل محسوب گشته بود (پیدایش ۱۵: ۶) و بر اهمیت اعمال، که نشانگر واقعیت ایمان است، تأکید ورزید. ابراهیم با ایمان به خدا، عادل گشت و با اعمال خود، ایمانش را نشان داد.

(۴) (a)

(۱۵) (a) غلط

(b) درست

(c) درست

(d) غلط

(۵) در عهدعتیق تنها اشخاص پاک، عادل نامیده می شوند اما در عهدجدید گناهکاران و بی پناهان با ایمان، عادل اعلام می گردند.

(۱۶) پاسخ شما. ما به این نمونه ها اشاره کردیم. پولس می گوید که داود، از عادل شمردگی جدا از اعمال، سخن می گوید. او شادی فردی را به تصویر می کشد که خدا به خاطر ایمانش، گناهانش را بخشید. ابراهیم نیز نمونه زیبای عادل شمردگی جدا از اجرای اعمال شریعت است. او نیز با ایمان، نزد خدا عادل محسوب شد. این نمونه ها به ما می آموزند که ایمان، ریشه و اعمال، میوه عادل شمردگی هستند.

(۶) (a) ۶

(b) ۷

(c) ۳

(d) ۴

(e) ۵

(f) ۲

۱ (g)

۱۷) c) خدا عطیه عادل شمردگی را برای همه مهیا نموده است اما تنها اشخاصی که به مسیح ایمان می‌آورند و از ثمرات کار بهره‌مند می‌گردند، عادل محسوب می‌شوند.

۷) a) غلط

b) درست

c) درست

d) درست

۱۸) a) درست

b) غلط

c) درست

d) درست

۸) a) از درمان سرشت گناه‌آلود انسان که ریشه مشکلات او می‌باشد، عاجز است.

۱۹) برای عادل شمرده شدن باید ایمان زنده و فعال داشت.

۹) a) ۲

b) ۱

c) ۲

d) ۱

e) ۲

f) ۱

g) ۱

(۲۰) ایمان با شنیدن کلام خدا ایجاد می شود.

۱ (a) (۱۰)

۲ (b)

۳ (c)

۱ (d)

۲ (e)

(۲۱) (a) شخص از تمام گناهانی که شریعت نتوانست او را آزاد نماید، آزاد خواهد شد.

(b) صلح با خدا

(c) رهایی از غضب خدا

(d) ما که قبلاً دشمنان خدا بودیم، اکنون با او دوست هستیم.

(e) چون عادل شمرده شدیم، پس اطمینان جلال یافتن را داریم.

(f) از حس تقصیر و محکومیت آزاد شدیم.

(g) وارث حیات جاودان می گردیم.

خدا انسان را در خانواده خود می‌پذیرد:

فرزندخواندگی

پدر و مادر مریم به‌خاطر اعتیاد به الکل توجهی به او نمی‌کردند. زندگی او در ترس، تنهایی و سختی سپری می‌شد. به‌تدریج دیدگاه مریم نسبت به زندگی تغییر کرد و رفتارش ناهنجار شد. مؤسسه آسایش و رفاه کودکان بی‌سرپرست، او را به خانواده‌های خوب بسیاری سپرد اما رفتار ضد اجتماعی‌اش، امکان نگهداری او را از دیگران سلب می‌کرد. بسیاری از خانواده‌ها، داستان غم‌انگیز زندگیش را می‌شنیدند اما از قبول او اجتناب می‌کردند. سرانجام، آقا و خانم فلسفی او را به فرزندخواندگی پذیرفتند و تمام کارهای قانونی برای این کار انجام شد. اما در آخرین لحظات، آقای فلسفی ناگهان فوت کرد و همه چیز به هم خورد. بالاخره، خانواده دیگری او را به فرزندخواندگی پذیرفت. مریم در آن خانواده از چنان محبت و مهربانی برخوردار شد که پس از مدتی زخم‌های روحی و روانی‌اش شفا یافت و به عضوی مفید در جامعه تبدیل شد. امروز زندگی او باعث برکت و تسلی دیگران است.

خدا نیز همین گونه ما را محبت کرده است. او نه تنها گناهان ما را می‌بخشد و به ما حیات تازه عطا می‌کند، بلکه ما را در خانواده خود قرار می‌دهد تا مثل پسران و دختران او از همه حقوق و مزایای فرزندخواندگی بهره ببریم. عظمت فرزندخواندگی در این حقیقت متجلی می‌گردد که خدا با وجود آن که وضعیت گناه‌آلود، وحشتناک، سقوط کرده و سرکش ما را دید، اما باز محبت آسمانی خود را از ما دریغ نکرد. آنچه ما را به تعجب و امید می‌دارد، محبتی است که از اراده و خواست خدا سرچشمه می‌گیرد. او می‌خواهد و می‌تواند ما را محبت کند. او پدر آسمانی ما است و ما فرزندان او می‌باشیم! آیا او شایسته تمجید بی‌پایان و پرستش نمی‌باشد؟



رئوس مطالب

ماهیت فرزندخواندگی

زمان فرزندخواندگی

تجربه فرزندخواندگی

اهداف درس

در پایان این درس باید بتوانید:

- تعلیم کتاب مقدس را در رابطه با فرزندخواندگی در خانواده خدا شرح دهید.
- ارتباط بین تجدید حیات، عادل شمردگی و فرزندخواندگی را بیان کنید.
- برکات و طرق کسب فرزندخواندگی را توضیح دهید.
- محبت و مهربانی عظیم خدا را در پذیرش ما به خانواده الهی، تمجید کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- (۱) رومیان باب ۸، غلاطیان باب ۴ و افسسیان باب ۱ را بخوانید. لطفاً این بخش‌ها را دقیق بخوانید و به‌خصوص به مفهوم فرزندخواندگی توجه کنید.
- (۲) متن درس را به‌دقت بخوانید و در پایان به خودآزمایی پاسخ دهید و جواب‌های خود را مرور کنید.
- (۳) دروس ۵-۸ را به‌دقت بخوانید تا در پایان درس به آزمون میانی ۲ پاسخ دهید.

ماهیت فرزندخواندگی

فرزندخواندگی، همانند تجدید حیات و عادل‌شمردگی، کار خدا است که در شخصی که به مسیح ایمان می‌آورد، انجام می‌گیرد. فرزندخواندگی، با مقام شخص در خانواده خدا و امتیازات فرزندخواندگی سر و کار دارد. هدف خدا تنها آن نیست که ما را از بردگی گناه رهایی دهد بلکه می‌خواهد که ما پسران و دختران او گردیم. پولس می‌گوید: «چنانکه ما را از پیش از بنیاد عالم در او برگزید ... که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم به‌وساطت عیسی مسیح برحسب خشنودی اراده خود» (افسیسیان ۱: ۴-۵).

معنای فرزندخواندگی

معنای تحت‌اللفظی واژه‌ای که فرزندخواندگی ترجمه شده، «قبول فرزند» می‌باشد. این واژه، به مقام و موقعیتی اشاره دارد که شخص به‌طور طبیعی از آن برخوردار نیست و نمی‌تواند نسبت به آن هیچگونه ادعایی داشته باشد. ما با واژه فرزندخواندگی آشنا هستیم. معمولاً خانواده‌ای، بچه‌ای را که یتیم است، به فرزند می‌پذیرد و با او مثل فرزند واقعی خود رفتار می‌کند و آن بچه به‌خاطر ارتباط جدیدی که با والدینش دارد، از همه حقوق و امتیازات یک فرزند برخوردار می‌گردد. اما پولس رسول، دیدگاه فرزندخواندگی را از لحاظ روحانی بررسی می‌کند. او از این واژه بهره می‌گیرد تا به عملکرد فیض‌آمیز خدا اشاره نماید که در آن، هر که به مسیح ایمان آورد، فرزند خدا می‌گردد. تولد تازه، سبب ایجاد ارتباطی بسیار نزدیک و فرزندگونه با خدا می‌گردد (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳). اما این خدا است که چنین مقامی را به ما می‌بخشد و ما را فرزندان خود می‌خواند (غلاطیان ۴: ۱-۷). در خانواده خدا، هر

شخص همه حقوق یک فرزند را دارد و خدا به او همچون فرزند واقعی خود نگاه می‌کند.

حال که مفهوم فرزندخواندگی را بیان کردیم، به مرور مختصری بر درس‌های گذشته می‌پردازیم.

بدون شک به‌خاطر دارید که در تجدید حیات، شخص حیات جدید و خلقت تازه‌ای می‌یابد. در عادل‌شمردگی، شخص در برابر خدا از موضع و جایگاه جدیدی بهره‌مند می‌گردد و در فرزندخواندگی شخص مقام جدیدی به‌دست می‌آورد.

(۱) برای مروری مختصر، دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

- (a) با جایگاه و موضع شخص در برابر خدا سر و کار دارد.
- (b) بیانگر تغییر در سرشت شخص است.
- (c) به مقام شخص در خانواده خدا اشاره دارد.
- (d) از حقوق فرزندی برخوردار است.
- (e) گناه شخص را به حساب مسیح و عدالت مسیح را به حساب ایماندار می‌گذارد.

(f) با تولد تازه به شخص حیات روحانی می‌بخشد.

(۱) تجدید حیات

(۲) عادل‌شمردگی

(۳) فرزندخواندگی

واژه یونانی که به فرزندخواندگی ترجمه شده، در ترجمه یونانی عهدعتیق به چشم نمی‌خورد. اما در عهدعتیق، با نمونه‌هایی از فرزندخواندگی مواجه می‌گردیم. این نمونه‌ها نشانگر رسوم خاصی در عهد پاتریارخ‌ها می‌باشند. طبق این رسوم، خانواده بی‌فرزند می‌توانست پسری را به فرزندی قبول کند تا یاور آنها در زندگی باشد و در هنگام مرگ آنها را دفن نماید. و اگر والدین او صاحب فرزند دیگری نمی‌شدند، او از ارث برخوردار می‌گشت. اما اگر والدینش صاحب پسری می‌شدند،

ارث به او می‌رسید و آن فرزندخوانده، دیگر حق و حقوقی نداشت. این آیین به‌خوبی بیانگر رابطه ابراهیم و ایلعازر است (پیدایش ۱۵:۲-۴). علاوه بر آن، اگر زنی نمی‌توانست فرزندی به‌دنیا آورد، می‌توانست از کنیزش استفاده کند تا برای همسرش فرزندان به‌دنیا آورد (نگاه کنید به پیدایش ۱۶:۲). و اگر کنیز، فرزندی به‌دنیا می‌آورد، قانون به زن اجازه نمی‌داد که آن کنیز را بیرون کند. این مطلب نیز رابطه ابراهیم و سارا را به‌خوبی شرح می‌دهد (پیدایش ۱۱:۲۱-۱۲).

(۲) آیات زیر را از عهدعتیق بخوانید. چه شخصی در هر مورد به فرزندی قبول می‌گردد.

(a) خروج ۱۰:۲

(b) اول پادشاهان ۱۱:۲۰

(c) استر ۷:۲ و ۱۵

در عهدعتیق مفهوم فرزندی، مهم‌تر از مفهوم فرزندخواندگی است، زیرا که تأکید اولیه آن بر تولد تازه می‌باشد که مفهوم فرزندخواندگی را نیز به‌همراه دارد.

(۳) خروج ۲۲:۴-۲۳، تثنیه ۱۴:۲-۱۸:۳۲، ارمیا ۳۱:۹، هوشع ۱:۱۰ و ۱:۱۱، ملاکی ۱:۶ و ۱۷:۳ را بخوانید و به سؤالات زیر در دفترتان پاسخ دهید.

(a) در این آیات چه اشخاصی فرزندان خدا می‌باشند؟

(b) در کدام یک از این آیات، فرزندی همراه با تولد می‌باشد.

(c) کدام یک از این آیات، بیانگر فرزندخواندگی می‌باشند؟

می‌بینیم که دیدگاه فرزندخواندگی در عهدعتیق، برای قوم خدا ناآشنا نبود. اما به‌نظر می‌آید که عمل فرزندخواندگی در عهدعتیق رابطه مستقیمی با تعلیم عهدجدید ندارد. در عوض، فرهنگ فرزندخواندگی یونانی- رومی قرن اول، گویا زمینه استفاده

پولس از واژه فرزندخواندگی را فراهم ساخته است. زیرا که این واژه، به تضاد بین آزادی یک خانه‌زاد و بردگی یک اسیر می‌پردازد.

در فرهنگ یونانی- رومی، فرزندخواندگی عملی بسیار مرسوم بود. در آن زمان اگر مرد و زنی فرزندی نداشتند، آن مرد می‌توانست پسری را به فرزندی قبول کند و او وارثش می‌گشت. حتی ممکن بود والدین آن پسر زنده باشند اما این مطلب منافاتی با فرزندخواندگی او نداشت زیرا اغلب خانواده‌ها مایل بودند فرزندان‌شان را به خانواده‌هایی بسپارند که در آنجا از امکانات و فرصت‌های بهتری برای زندگی برخوردار باشند. هنگامی که بچه‌ای به فرزندی پذیرفته می‌شد، پدر و مادر واقعیش دیگر حقی بر او نداشتند و اختیار کامل او بر عهده پدر و مادر جدیدش بود. پدر جدید او این حق را داشت تا تمام زندگی پسر را در تمام ابعادش در کنترل خود گیرد. او حتی می‌توانست پسر را تنبیه کند. در ضمن، او مسئول اعمال پسرش نیز بود و موظف بود نیازهای فرزندش را رفع کند.

آن فرزند، پس از عضویت در خانواده جدید برای موفقیت در زندگی آینده‌اش، به تعلیم و تربیت نیاز داشت. او می‌آموخت تا به بزرگ‌ترها احترام بگذارد و در زندگی مسئولیت بپذیرد. آموزش همراه با محبت والدین، درس‌های باارزشی به او می‌داد و او آماده می‌شد تا با فراز و نشیب‌های زندگی مواجه گردد. در دوران رشد خود به مدارج بالای اجتماعی می‌رسید تا بتواند در آینده وظایف مهم‌تری را برعهده گیرد. تمامی این امتیازات را خانواده جدید به شخص می‌داد. تعلیم پولس درباره تجدید حیات، عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی چنین دیدگاهی را از فرزندخواندگی منعکس می‌سازد.

در تعلیم پولس، خدا شخص را از وضعیت گذشته خود رهایی داده، به او تولد تازه می‌بخشد تا بتواند به خانواده الهی وارد گردد. گناهان زندگی گذشته‌اش پاک می‌گردد و مثل یک فرزند بالغ به خانواده خدا وارد می‌گردد. بنابراین او عضوی از اعضای خانواده الهی می‌گردد و از امتیازات یک فرزند بهره‌برده، مسئولیت‌هایی را نیز عهده‌دار می‌شود. به‌خاطر امتیاز فرزندخواندگی، شخص باید تمام وقت، توانایی و

دارایی خود را در اختیار خدا قرار دهد. پس فرزندخواندگی، عملکرد فیض‌آمیز خدا است که در آن خدا، اشخاصی را که به مسیح ایمان آوردند به‌عنوان پسران و دختران خود در خانواده‌اش می‌پذیرد و آنها از تمام حقوق و امتیازات فرزند بر خوردار می‌گردند.

(۴) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

(a) پولس رسول رسم فرزندخواندگی عهدعتیق را در تعالیم خود منعکس می‌سازد.

(b) در فرهنگ رومی- یونانی عمل فرزندخواندگی بسیار رایج بود.

(c) در فرهنگ رومی- یونانی، والدین اختیار تام بر فرزندخواندگان داشتند و می‌بایست نیازهای آنها را نیز رفع نمایند.

(d) ما هنگامی عضو خانواده الهی می‌گردیم که آموزه فرزندخواندگی را می‌پذیریم.

(e) پس از تجربه تولد تازه، به‌عنوان فرزندان وارد خانواده خدا می‌گردیم.

گرچه فرزندخواندگی تعلیمی مهم در عهدجدید است اما تنها در بعضی از کتاب‌های عهدجدید به آن اشاره شده است و چون ارتباط بسیار نزدیکی با تجدیدذیات دارد، عده‌ای فکر می‌کنند که از اهمیت کمتری برخوردار است. اما در تعلیم پولس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و یکی از زیباترین و مهم‌ترین تعالیم عهدجدید می‌باشد.

(۵) آیات زیر را بخوانید. فرزندخواندگی، در هر کدام چه برکتی را نصیب ما می‌سازد. به مورد اول پاسخ داده شده است.

(a) رومیان ۸: ۱۵-۱۶ - ما را از روح بندگی و ترس آزاد می‌سازد.

(b) رومیان ۸: ۲۰-۲۳

(c) رومیان ۹: ۴-۱۲

(d) غلاطیان ۳:۴-۷

(e) افسسیان ۵:۱-۷

پولس در رومیان ۴:۹ به موضوع فرزندخواندگی قوم اسرائیل اشاره می‌کند. به‌کارگیری این واژه در این متن، بیانگر آن است که تمام برکات قوم اسرائیل به‌خاطر رابطه خاص آنها با خدا می‌باشد. در اینجا، پولس به‌طور خاص به قوم اسرائیل اشاره می‌کند اما در تعلیم عهدجدید، کلیسا قوم واقعی خدا است و از همان برکات قوم اسرائیل بهره‌مند است. به یک معنا، رابطه خاص ما با خدا اساس تمام برکاتی است که او به ما ارزانی می‌دارد. خدا هیچ چیز نیکو را از فرزندانش منع نخواهد کرد (مزمور ۱۱۸:۸۴). پولس می‌گوید: «او که پسر خود را دریغ نداشت بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید» (رومیان ۸:۳۲). در حالی که شاید نتوانیم تشخیص دهیم که چه چیزی برای ما بهترین است اما خدا همه چیز را برای خیریت آنانی که او را دوست دارند و فرزندان او گشته‌اند، به‌کار می‌برد (رومیان ۸:۲۸). اما باید همیشه به‌خاطر بسپاریم که به‌خاطر شایستگی ما نیست که برکتی نصیب ما می‌شود.

۶) لوقا ۱۷:۷-۱۰ را بخوانید. تفکر ما در رابطه با خدمت به خدا چه باید باشد؟ جواب را در دفتر خود بنویسید.

فرزندان خدا باید بدانند که کوشش‌های‌شان به هیچ وجه همپای محبت عظیم خدا نمی‌باشد. محبتی که ما را با فیض خود در خانواده الهی می‌پذیرد. پدر آسمانی ما نیازهای ما را رفع می‌کند و برکاتش را در زندگی‌مان جاری می‌سازد. خانم و آقای پاتر، پسر جوانی را که از یک ملیت دیگری بود به‌عنوان فرزند خود پذیرفتند. آنها اسم دان را بر او گذاشتند. از آن به بعد، او دیگر دان پاتر بود. دان، چنان در خانواده پاتر محبت می‌شد که پس از مدتی خود را کاملاً عضو آن خانواده دانست. او نیز همانند فرزندان دیگر آن خانواده، از حقوق و امتیازات مساوی

برخوردار شد. خانواده پاتر قانوناً مسئول دان بودند. آنها امکان ادامه تحصیل و رفتن به کالج را برای او مهیا ساختند. او هیچ تفاوتی با اعضای دیگر خانواده نداشت. سالگرد تولد او را جشن می‌گرفتند و در کریسمس مثل بچه‌های دیگر به او هدیه می‌دادند. در واقع تمام برکات آن خانواده به‌خاطر رابطه فرزندی در اختیار او بود. محبت پدر آسمانی ما بسیار عظیم‌تر از این مثال کوچک می‌باشد. او ما را وارث وعده‌های خود کرده است و هر روز ما را با برکات خود شادمان می‌سازد.

(۷) کدام یک از عبارات زیر صحیح می‌باشند. به‌کارگیری واژه فرزندخواندگی در عهدجدید بیانگر آن است که.....

- a) فرزندخواندگی عملی قانونی است که در آن شخص فرزند خدا می‌گردد.
- b) اشخاصی که تولد تازه یافته‌اند، مقام فرزندخواندگی خدا را به‌دست می‌آورند.
- c) شخص با اطاعت از خدا شیوه جدیدی را در زندگی پیروی می‌نماید.

زمان فرزندخواندگی

فرزندخواندگی، در سه مرحله به‌وجود می‌آید. اولین مرحله مربوط به گذشته است. پولس رسول در افسسیان ۴:۱-۶ می‌گوید: «چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی‌عیب باشیم که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم به‌وساطت عیسی مسیح برحسب خشنودی اراده خود برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب.»

(۸) دوباره افسسیان ۴:۱-۶ را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- a) چه شخصی عمل فرزندخواندگی را انجام می‌دهد؟
- b) چه اشخاصی فرزندان خدا می‌گردند؟
- c) به‌وسیله چه شخصی ما فرزندان خدا می‌گردیم؟

(d) منشأ فرزندخواندگی چیست؟

(e) هدف از فرزندخواندگی چیست؟

به این نکته توجه کنید که خدا در عمل فرزندخواندگی، ابتکار عمل را در دست دارد. فرزندخواندگی، با محبتی که طبق خواست خدا است آغاز می‌گردد و شخص، عضو خانواده الهی می‌شود تا فیض عظیم خدا را تمجید نماید. در پایان آیه ۴ و در آیه ۵، متوجه تصمیم ازلی خدا می‌گردیم که بر پایه محبت او قرار دارد تا با همان محبت، فرزندان خدا گردیم. تصمیم ازلی خدا مبتنی بر قبول فرزندخواندگی ما، تنها به‌خاطر محبت او است. و چون تنها فیض خدا فرزندخواندگی را ممکن می‌سازد، پس تمام تلاش‌های انسانی برای کسب آن بیهوده می‌باشد.

در این متن، مشاهده می‌کنیم که فرزندخواندگی علاوه بر برکات بسیاری که به ما می‌بخشد، مسئولیت‌هایی را نیز برای ما به ارمغان می‌آورد. «چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم» (افسسیان ۴:۱). اگر ما خدا را پدر آسمانی خود خطاب می‌کنیم، پس نباید به‌گونه‌ای زندگی کنیم که او از داشتن چنین فرزندان خجالت‌زده شود. تجربه فرزندخواندگی، بلیطی نیست که ما را به آسمان می‌رساند بلکه باید به روح خدا اجازه دهیم تا مطیع بودن ما را آشکار سازد و تا نور معرفت جلال خدا از ما بدرخشد (دوم قرنتیان ۶:۴). چه احساسی به شما دست می‌دهد اگر شخصی را ببینید که همیشه لباسی سفید و آراسته بر تن دارد اما هرگز حمام نکرده است؟ چنین ناهمگونی‌ای به هیچ وجه معنا و مفهومی ندارد. اگر ما نیز به شایستگی فرزندان خدا زندگی نکنیم و مطابق اعترافات خود عمل نماییم، دیگر نمی‌توانیم ادعا کنیم که فرزندان خدا هستیم.

۹) اهمیت مرحله گذشته فرزندخواندگی آن است که.....

(a) ارزش این تعلیم را به‌علت قدمت آن نشان می‌دهد.

(b) نشانگر نقشه ازلی خدا برای نجات انسان می‌باشد (نجاتی که فرزندخواندگی

نیز جزئی از آن است).

(c) شروع نقشه نجات را در عهدعتیق به ما نشان می‌دهد.

دومین مرحله فرزندخواندگی مربوط به زمان حال است. «ای حبیبان، الان فرزندان خدا هستیم» (اول یوحنا ۲:۳). پولس در غلاطیان ۴:۶ از زمان حال استفاده می‌کند: «اما چون که پسر هستید». این حقیقت که ما اکنون فرزندان خدا هستیم، برکات بسیاری برای ما به ارمغان می‌آورد. اول، ما را از ترس آینده‌ای هولناک آزاد می‌سازد زیرا از هم اکنون فرزندان خدا هستیم و دیگر نباید نسبت به آن هیچ شکی به خود راه دهیم. کلام خدا قاطعانه این حقیقت را به ما می‌گوید و روح خدا همراه با روح ما شهادت می‌دهند که ما فرزندان خدا هستیم (رومیان ۸:۱۶).

دوم، ما باید همچون فرزندان خدا در این جهان زندگی کنیم. یوحنا می‌گوید هر که امید ظهور مسیح را دارد خود را پاک می‌سازد، همانطور که مسیح پاک است (اول یوحنا ۳:۳). پولس در نامه به تیتوس، ما را نصیحت می‌کند که راه‌های شرارت‌آمیز و شهوات دنیوی را ترک کرده، با روشن‌بینی، عدالت و خداترسی در این جهان زندگی کنیم (تیتوس ۲:۱۲). فرزندان خدا باید زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشند.

رومیان ۸:۱۴-۱۷ و غلاطیان ۴:۴-۷ را به دقت مطالعه نمایید. این آیات بیانگر تحقق برکت فرزندخواندگی در زمان حاضر می‌باشند. آنها به ما نشان می‌دهند که فرزندخواندگی ما را از بردگی رهایی داده، تا خدا را پدر خطاب کنیم و وارث او گردیم. زمانی ما برده گناه، شیطان و خود بودیم و در چنگال ترس از مرگ به سر می‌بردیم (عبرانیان ۲:۱۴-۱۵) و در انتظار داوری الهی بودیم. اما مسیح با محبت عظیم خود ما را از اسارت گناه رهانید و با نثار جان خود، بهای آزادی ما را پرداخت تا فرزندان خدا شویم. بنابراین دیگر لازم نیست در ترس از مرگ و یا ترس از خدا زندگی خود را سپری کنیم.

۱۰) عبرانیان ۲۸:۱۲ را بخوانید. در این آیه، ترس از خدا چه معنایی دارد؟

اما ما نباید مثل دیگران از خدا بترسیم زیرا چنین ترسی از احساس تقصیر و ترس از مجازات نشأت می‌گیرد و خدا چنین احساسی را دوست ندارد. اما هنگامی که زندگی ما مثل زندگی مسیح در این جهان باشد، محبت او در ما به کمال می‌رسد (اول یوحنا ۴:۱۶-۱۹). و می‌توانیم «پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند» (عبرانیان ۴:۱۶).

فرزندخواندگی، به ما این حق را می‌دهد تا با خدا بدون هیچ واسطه‌ای رابطه داشته باشیم و او را «ابا، یعنی پدر» خطاب کنیم (رومیان ۸:۱۵، غلاطیان ۴:۶). این عبارت، بیانگر لحن با محبت و دوستانه‌ای است که از عشق، احترام و قدرشناسی ما برای پدر آسمانی سرچشمه می‌گیرد. هنگامی که اینگونه دعا می‌کنیم، در قلب خود اطمینان داریم که فرزند خدا هستیم و او ما را دوست دارد. روح‌القدس، ما را در پرستش مناسب پدر هدایت می‌کند و به ما کمک می‌کند تا با محبت و شجاعت، طبق خواست خدا، به حضورش بیاییم (رومیان ۸:۱۵-۱۷ و ۲۶-۲۷).

برکت دیگر فرزندخواندگی در زمان حاضر آن است که ما وارثان خدا هستیم. وارثانی که هنوز میراث کامل خود را دریافت نکرده‌اند. پولس می‌گوید که خدا مُهر مالکیت خود را بر ما گذاشت و روح‌القدس را به‌عنوان ضامن همه برکات آینده، در دل‌های ما نهاد (دوم قرنتیان ۱:۲۱-۲۲ و ۵:۵). روح‌القدس در زندگی ما مُهری است دال بر اینکه ما متعلق به خدا هستیم. پولس همچنین می‌گوید که روح‌القدس، ضامن و بیعانه برکات آسمان است. یک روز، نجات یافتگان وارث تمام برکات الهی خواهند شد.

(۱۱) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

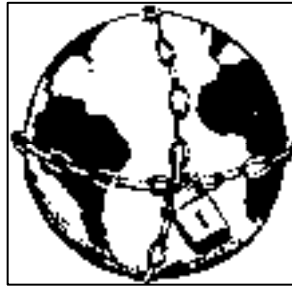
- (a) یکی از برکات فرزندخواندگی در زمان حاضر آن است که ما فرزندان خدا هستیم.
- (b) فرزندخواندگی به معنای آن است که رفتار خود را تغییر ندهیم و هرگونه که می‌خواهیم زندگی کنیم.
- (c) ترس خدا به معنای احترام گذاشتن و تکریم او می‌باشد.
- (d) ترس ما از خدا نشانگر تعلق ما به او است.
- (e) خدا، روح‌القدس را به‌عنوان ضامن و بیعانه همه برکات آینده، در دل‌های ما نهاده است تا آن که یک روز وارث تمام برکات الهی گردیم.

سومین مرحله فرزندخواندگی، مربوط به زمان آینده است. در زمان حاضر ما شاهد تحقق کامل آن نیستیم. اما در انتظار آیندهٔ پر جلال خواهیم بود که با آمدن مسیح، به کمال می‌رسد. در آن زمان، از تمام برکات فرزندخواندگی بهره‌مند خواهیم گشت.

(۱۲) رومیان ۸:۲۳ را بخوانید. در این آیه، فرزندخواندگی به چه برکتی اشاره می‌کند؟

پولس در رومیان ۸:۱۸-۲۳ تصویر باشکوهی ترسیم می‌کند. او از دیدگاه یک نبی سخن می‌گوید. پولس، نظاره‌گر تمام خلقت است که منتظر جلال آینده می‌باشد. او به این نکته اشاره می‌کند که در زمان حاضر، خلقت در حال زوال است. خلقت در عطش‌رهایی از قدرت گناه، نابودی و مرگ و آزادی از لطمات لعنت می‌سوزد. ما مسیحیان نیز مثل خلقت در انتظار رهایی از جهان حاضر و محدودیت‌های فیزیکی، رنج و مرگ هستیم. حتی اکنون بدن فانی ما به تدریج در حال زوال است (دوم قرنتیان ۴:۱۶). هر چند روح‌القدس، ضامن و بیعانه آینده‌ای پر جلال است اما ما در آرزوی ظهور میراث ابدی فرزندخواندگی خود هستیم.

خلقت



در انتظار رهایی

آخرین مرحله فرزندخواندگی در رابطه با بدن‌های ما می‌باشد. پولس نمی‌گوید که در آن آینده پر جلال ما فقط روح خواهیم بود (دوم قرن‌تیا ۵: ۱-۵). در این جهان، ما بدن و روح داریم و در جلال آینده نیز تمامیت ما حفظ خواهد گردید. اما بدن‌های جلال یافته، دیگر برده گناه و فساد نخواهد بود بلکه بدنی با جلال و روحانی خواهد بود که مناسب ملکوت خدا و حیات روحانی است. «... که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود» (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱). همچنین به اول قرن‌تیا ۱۵: ۳۵-۵۴ نگاه کنید. هنگامی که با بازگشت مسیح، فرزندخواندگی ما به کمال برسد، بدن‌های ما تبدیل به بدن‌های روحانی باشکوه خواهند شد. در مرحله آخر فرزندخواندگی، قدرت و جلال خدا، آزادی، احیا و خلقت تازه را برای ما به کمال می‌رساند. پولس، زندگی با مسیح را با شادی و با چنین امید پر جلالی ادامه می‌دهد. پولس می‌گوید: «اما او که ما را برای این درست ساخت خدا است که بیعانه روح را به ما می‌دهد» (دوم قرن‌تیا ۵: ۵).

در فرزندخواندگی، فیض خدا همچون رودخانه‌ای خروشان از ازل به دامن زمان جریان می‌یابد و دوباره به ازل رجعت می‌کند. فیض او چون موج آبی نیرومند، ما را به سوی هدف پر جلال و مبارک آینده و فناپذیر هدایت می‌کند.

(۱۳) اهمیت سه مرحله فرزندخواندگی را شرح دهید. پاسخ را در دفتر خود

بنویسید.

تجربه فرزندخواندگی

طرق اکتساب فرزندخواندگی

ممکن است بپرسید که چگونه می‌توان فرزندخواندگی را به‌دست آورد؟ برای پاسخگویی به این سؤال، باید بگوییم که خدا توسط روح‌القدس فرزندخواندگی را در قلب اشخاصی که به حقیقت انجیل پاسخ مثبت می‌دهند به‌وجود می‌آورد. سهم هر شخص در تحقق برکت فرزندخواندگی، ایمان به عیسی مسیح و پذیرش او می‌باشد.

همانگونه که قبلاً دیدیم چنین اعتقادی، تمامیت شخص از جمله فکر، احساس و اراده را در بر می‌گیرد و شامل شناخت حقیقت انجیل (یوحنا ۸:۳۲) و پذیرش قلبی است (رومان ۱۰:۱۰). ایمان و پذیرش قلبی مسیح و تسلیم کامل زندگی به او، نیازمند تصمیمی است که با تمام وجود گرفته می‌شود. ایمان ما، فرزندخواندگی را ایجاد نمی‌کند بلکه وسیله دریافت این برکت می‌باشد (غلاطیان ۳:۲۶). یوحنا اضافه می‌کند: «و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱:۱۲).

اما در تحقق برکت فرزندخواندگی، سهم اصلی از آن خدا است. پاسخ مثبت شخص به نجات الهی، این امکان را به خدا می‌دهد تا کار تبدیل‌کننده خود را آغاز نماید. خدا در یک لحظه، گناه را می‌بخشد و به شخص خلقت تازه‌ای عطا می‌کند. انسان از جایگاه و موضع جدیدی در برابر خدا برخوردار می‌گردد و مقام تازه‌ای را در خانواده الهی می‌یابد. روح‌القدس، برکت فرزندخواندگی را برای ما واقعی می‌گرداند و ما خدا را «ابا، یعنی پدر» خطاب می‌کنیم (رومان ۸:۱۵). نامی که بیان آن از جانب ما، عالی و عجیب است. مقام و جایگاه جدید فرزندخواندگی، ثمره شایستگی و یا اعمال نیکوی ما نیست. بلکه تنها محبت و فیض خدا است که همه ما را بدون هیچگونه تبعیضی در خانواده الهی می‌پذیرد. «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن زیرا که همه شما در مسیح عیسی

یک می‌باشید» (غلاطیان ۳:۲۸). «اما چون که پسر هستید خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند یا ابا یعنی ای پدر» (غلاطیان ۴:۶).

۱۴) کدام عبارت زیر درباره طرق کسب فرزندخواندگی صحیح می‌باشد؟

- a) فرزندخواندگی، نتیجه کوشش و آرزوهای خوب شخص است.
- b) فیض مقاومت‌ناپذیر خدا که خاص برگزیدگان او است و به تصمیم آنها هیچ ارتباطی ندارد، عامل فرزندخواندگی است.
- c) فرزندخواندگی، ثمره محبت و فیض خدا برای اشخاصی است که به پیغام انجیل پاسخ مثبت داده، به مسیح ایمان می‌آورند.

مشخصات فرزندخواندگی

تاکنون آموزه نجات را به‌عنوان کار خاص خدا بررسی نمودیم و فهمیدیم که هر یک از ابعاد آموزه نجات با جوانب دیگر این واقعه، به‌صورت زنجیری با هم در ارتباط هستند. هر یک از این مفاهیم، به‌صورت مجزا و همچنین در رابطه با آموزه‌های دیگر نجات، از معنای خاصی برخوردار می‌باشند. بیایید به مرور مختصر برخی از تشابهات و تفاوت‌های موجود بین مفاهیم تجدید حیات، عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی بپردازیم. عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی، نشانگر اجرای عدالت الهی می‌باشند. بنابراین آنها را به‌عنوان عملکردهای قضایی در نظر می‌گیریم. هر دو آنها مقامی به شخص می‌دهند. عادل‌شمردگی، به گناهکار مقام «تبرئه» را می‌بخشد در حالی که فرزندخواندگی، مقام فرزند بالغ را به شخص عطا می‌کند (در این باره به‌تفصیل سخن خواهیم گفت). هر دو این آموزه‌ها، بیانگر رابطه‌ای خاص با خدا هستند که ویژگی‌های متفاوتی دارند. عادل‌شمردگی، رابطه‌ای است بین یک قاضی عادل و یک گناهکار مجرم در حالی که فرزندخواندگی بیانگر رابطه پدر و فرزندی می‌باشد. عادل‌شمردگی، اساساً رابطه‌ای شرعی و قانونی است در حالی که

فرزندخواندگی رابطه‌ای پدرگونه است. عادل‌شمردگی با اجرای عدالت آغاز می‌گردد در حالی که محبت، آغازگر فرزندخواندگی است.

پدر با محبت	داور عادل
فرزند مقام می‌یابد	گناهکار بخشیده می‌شود
فرزندخواندگی	عادل‌شمردگی

تجدید حیات و فرزندخواندگی، در رابطه با حضور ما در خانواده الهی می‌باشند. تجدید حیات، تجربه‌ای است که ما در آن به خانواده خدا معرفی می‌گردیم. اما فرزندخواندگی، به ما در این خانواده، مقام فرزندان بالغ را می‌بخشد. جایگاه منحصر به فردی که در لحظه تجدید حیات می‌یابیم، تولد از خدا و کسب مقام فرزند به صورت قانونی می‌باشد. پس از آن، در رابطه و مسئولیت خود با خدا رشد کرده، مقام فرزندان بالغ را کسب می‌کنیم.

تمام تجارب کودکی و نوجوانی که در زندگی انسان طبیعی می‌باشند، در مفهوم روحانی فرزندخواندگی نادیده گرفته می‌شوند. در نتیجه، ما به یک‌باره از همه معلمان و سرپرستان آزاد گشته، همانند فرزندان بالغ مسئول زندگی روحانی خود، با تمام ابعادش خواهیم بود. در قلمرو روحانی، برای فرزند بی‌مسئولیت جایگاهی وجود ندارد. کتاب مقدس، هیچ تمایزی بین نوایمانان و ایمانداران قدیمی قائل نمی‌شود. پیام خدا برای ایمانداران بالغ و رشد کرده و همچنین ایمانداران تازه، یکسان می‌باشد. مبدا که ما نیز از مسئولیت‌های خود شانه خالی کرده، در ایمان به مسیح بچه بمانیم (اول قرن‌تیا ۱:۳). باید بدانیم که ایمانداران قرن‌تس به‌خاطر جسمانیت خود بچه بودند و در اینجا طول مدت ایمان مدنظر نمی‌باشد. بنابراین، به‌عنوان فرزندان بالغ، ما ورثه خدا و هم ارث با عیسی مسیح هستیم. چنین مقام ارزشمندی ما را قادر می‌سازد تا وارث برکات بیشماری گردیم.

- (۱۵) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید. این عبارات بیانگر تفاوت‌ها و تشابهات ویژگی‌های فرزندخواندگی، عادل‌شمردگی و تجدیدحیات هستند.
- (a) عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی، نشانگر اجرای عدالت الهی می‌باشند و آنها را به‌عنوان عملکردهای قضایی در نظر می‌گیریم.
- (b) عادل‌شمردگی، به ایماندار به مسیح مقام عادل را می‌بخشد در حالی که فرزندخواندگی به او مقام فرزند بالغ را عطا می‌کند.
- (c) عادل‌شمردگی، بیانگر رابطه پدر با پسر است در حالی که فرزندخواندگی رابطه قاضی عادل با گناهکار می‌باشد.
- (d) فرزندخواندگی و تجدیدحیات، در رابطه با حضور ایماندار در خانواده خدا می‌باشند.
- (e) فرزندخواندگی ما را به خانواده الهی معرفی می‌کند و تجدیدحیات به ما مقام فرزندان بالغ را می‌بخشد.
- (f) تجدیدحیات، در یک لحظه به‌وجود می‌آید اما فرزندخواندگی نیاز به زمان دارد. شخص باید امتحان شود که آیا شایسته برکات فرزندی خدا هست یا خیر.

برکات فرزندخواندگی

فرزندخواندگی، برکات بسیاری را برای ما به ارمغان می‌آورد. یکی از بزرگ‌ترین آن برکات، شهادت روح خدا با روح ما است که اعلام می‌کنند ما فرزندان خدا هستیم تا از فرزندخواندگی خود اطمینان حاصل نماییم و محبت خدا را در قلب خود باور نماییم (رومان ۸: ۱۵). اما می‌توان به برکات بسیار مهم دیگری نیز اشاره نمود.

۱۶) آیات زیر را بخوانید و برکات فرزندخواندگی را در هر یک یادداشت نمایید.

- (a) متی ۹:۷-۱۱
- (b) مزمور ۲۳:۱
- (c) مزمور ۱۴۴:۱-۲
- (d) یوحنا ۱۴:۲۶
- (e) عبرانیان ۱۲:۷
- (f) عبرانیان ۱۴:۴-۱۶
- (g) رومیان ۸:۱۷

تمامی برکات و نتایج فرزندخواندگی، مربوط به زمان حال می‌باشند و در همه آنها بر کار خدا تأکید می‌شود. بعضی دیگر از برکات فرزندخواندگی عبارتند از:

- ۱) پدر ما، همه احتیاجات ما را با ثروت عظیم خود رفع می‌کند (فیلیپیان ۴:۱۹).
- ۲) او ما را از قید شریعت آزاد می‌کند (غلاطیان ۴:۴-۵).
- ۳) او ما را از ترس آزاد می‌کند (رومیان ۸:۱۵ و دوم تیموتائوس ۱:۷).
- ۴) او ما را به مشارکت با خدا دعوت می‌کند (اول یوحنا ۱:۳).

این برکات و همچنین برکات بیشمار دیگر، مهم‌ترین نیازهای ایماندار به مسیح را رفع می‌نمایند. خدا با قبول کردن ما به‌عنوان فرزند، نام خود را جلال می‌دهد. فیض و محبت خدا، بیانگر عظمت و بزرگی او است. در حقیقت، تمام کارهایی که خدا برای نجات ما انجام می‌دهد، در نهایت به جلال اسم او ختم می‌شود و در برکات بیشمار فرزندخواندگی، جلال او را به‌وضوح می‌بینیم.

(۱۷) کدام یک از عبارات زیر نشانگر برکات فرزندخواندگی نمی‌باشد؟

- (a) در فرزندخواندگی ما شفقت، توجه و مهربانی خدا را در زندگی مان می‌بینیم و او تمام نیازهای طبیعی و روحانی ما را رفع می‌کند.
- (b) در فرزندخواندگی ما حفاظت، تعلیم و تربیت الهی را در زندگی مان می‌بینیم و نیز از فرزندخواندگی خود اطمینان حاصل می‌کنیم.
- (c) در فرزندخواندگی ما با دلیری و اعتماد به حضور خدا وارد می‌شویم و ورثه خدا و هم ارث با مسیح می‌گردیم.
- (d) پس از اطمینان از فرزندخواندگی خود، می‌توانیم هر گونه که بخواهیم زندگی کنیم.

دلایل دال بر فرزندخواندگی

فرزندخواندگی، اساساً کاری عینی است یعنی آن که خارج از ما اتفاق می‌افتد. ما در ابتدا به کلام خدا اعتماد می‌کنیم که واقعیت فرزند بودن ما را تأیید می‌کند. بنابراین شهادت کلام خدا مهم‌ترین دلیلی است که بر حقیقت مقام فرزندخواندگی ما مهر تأیید می‌زند. اما شهادت روح و تجربیات روحانی ما نیز که خود را در رفتار ما آشکار می‌سازند، دلیل دیگر فرزندخواندگی ما است.

(۱۸) آیات زیر را بخوانید و در هر کدام دلایل دال بر فرزندخواندگی را بنویسید.

(a) رومیان ۴:۸ و غلاطیان ۱۸:۵

(b) غلاطیان ۴:۵-۶

(c) افسسیان ۱۲:۳

(d) اول یوحنا ۹:۲-۱۱ و ۱:۵

(e) اول یوحنا ۱:۵-۳

هیچ کدام از ما برای تحقق کامل این برکات در زندگی مان کامل نیستیم اما هرچه بیشتر از روح خدا پر گردیم و توسط روح القدس هدایت شویم، بیشتر به شباهت

مسیح در خواهیم آمد (رومان ۸: ۱۵-۱۶). چنین تغییر مثبت و فزاینده‌ای، بیانگر این حقیقت است که ما فرزندان خدا هستیم.

آگاهی از این حقیقت که عضو خانواده خدا هستید، باید شما را تا به ابد سپاسگزار و شاد گرداند. چنین برکتی، شما را به‌سوی تسلیم کامل به خدا دعوت می‌کند. دیگر نباید کاری بکنید که سبب بی‌حرمتی و یا خجالت خانواده الهی گردد. خدا عطا کند که ارزش و اهمیت این برکت را درک کنید و مقام فرزندی خود را با افتخار و غرور پاس بدارید. و هرگز فراموش نکنید که شما کاهنانی هستید که به پادشاهی رسیده‌اید تا اعمال و صفات عالی خدایی که شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت کرده است به همه اعلام نمایید (اول پطرس ۲: ۹).

۱۹) چه شهادت قلبی دال بر فرزندخواندگی خود دارید. پاسخ را در دفتر خود یادداشت نمایید.

۲۰) چه شهادت خارجی دال بر فرزندخواندگی خود دارید. پاسخ را در دفتر خود یادداشت نمایید.

برای درک بهتر آموزه فرزندخواندگی، به داستان واقعی زیر توجه کنید. از ازدواج آقا و خانم مورفی ۱۰ سال می‌گذشت اما آنها فرزندی نداشتند. پس به آنها پیشنهاد شد تا کودکی را که در شرف تولد بود، به فرزندی بپذیرند. آن کودک متعلق به یک زن جوان یونانی بود که نمی‌توانست از فرزندش مراقبت نماید. به آقا و خانم مورفی اطمینان داده شد که آن کودک به خانواده خوبی تعلق دارد. پس با شادی این پیشنهاد را پذیرفتند و آن را پاسخ دعای خود دانستند. آنها این خبر خوب را با همه دوستان خود در میان گذاشتند. پس از تولد این کودک، شادی عظیمی به آنها دست داد. دختری بسیار زیبا که نویدبخش برکت خدا برای آنان بود، پا به جهان گذاشته بود. اما چند ساعت پس از تولد، دکتر به آنها خبر داد که این کودک یک مشکل جدی در سقف دهان دارد و از آنها پرسید که آیا هنوز این دختر را می‌خواهند یا نه؟ آنها پاسخ

دادند: «بله، او هدیه خدا برای ما است و با وجود این مشکل هم هنوز او را دوست داریم.» هنگام انجام کارهای قانونی فرزندخواندگی مشکل دیگری نیز پیش آمد و آن این بود که چون آقا و خانم مورفی در ایالت دیگری زندگی می‌کردند نمی‌توانستند قانوناً او را دختر خودشان بنامند. وکیل آقای مورفی برای حل این مشکل نزد دادستان کل ایالت رفت. دادستان، پس از بررسی موضوع اعلام کرد که با توجه به مراحل قانونی انجام شده، هیچ منع قانونی برای آقای مورفی وجود ندارد و او می‌تواند کودک را به خانه خود ببرد. آقای مورفی نیز سریعاً به بیمارستان رفت و کودک را به خانه خود برد. چند ماه بعد عمل جراحی موفقیت‌آمیزی بر روی کودک انجام شد و او کاملاً سلامتی خود را باز یافت.

این داستان، تصویری از محبت خدا برای انسان‌هایی است که ناامید و سرگردان و محکوم به مرگند و به عبارتی گم‌گشته‌اند. سرشت گناه‌آلودمان ما را چنان ملوث کرده که نمی‌توانیم اراده خدا را به‌طور کامل به‌جا آوریم. اما خدا ما را دوست دارد و ما را به‌سوی خود هدایت می‌کند. دشمن بزرگ ما نمی‌خواهد ما نزد خدا برویم. آرزوی شیطان آن است که ما در اسارت گناه باقی بمانیم ولی مرگ مسیح بر روی صلیب، تمام موانع فرزندخواندگی را از میان برداشت و اکنون ما در خانواده خدا پاک شده، شفا یافته و با لباس عدالت خدا آراسته گشته‌ایم و از برکات الهی بهره‌مند هستیم. برکت و آزادی که فرزند خدا در خانواده الهی تجربه می‌کند، عاملی است که او را تا به ابد شاد و شکرگزار می‌گرداند.

خودآزمایی

- (۱) تعلیم کتاب مقدس درباره فرزندخواندگی نشانگر فیض خدا است که...
- (a) به ما اطمینان مقام فرزندی را در آینده می‌بخشد هنگامی که مسیح را روبرو ببینیم.
- (b) ما را در خانواده خدا قرار داده، تا از تمام حقوق و امتیازات فرزندی برخوردار باشیم.
- (c) ما را فرزندان خدا اعلام می‌کند اما تا هنگامی که بالغ نگردیم، نمی‌توانیم از برکات آن بهره‌مند شویم.
- (۲) هنگامی که به مسیح ایمان می‌آوریم و فرزندان خدا می‌گردیم، خدا با ما...
- (a) همچون خادمان خود که هنوز تحت بندگی هستند، رفتار می‌کند.
- (b) همچون کودکانی که تحت نظارت معلمان و سرپرستان هستند رفتار می‌کند.
- (c) همچون فرزندان بالغی که وارث قانونی ثروت خود هستند رفتار می‌کند.
- (۳) سهم انسان در فرزندخواندگی...
- (a) تلاش برای کسب شایستگی فرزند خدا شدن است.
- (b) ایمان و پذیرش قلبی عیسی مسیح است.
- (c) تنها آرزو نمودن کسب این برکت با تمام مزایای آن می‌باشد.
- (۴) سهم خدا در فرزندخواندگی...
- (a) پذیرش ما به عنوان اطفالی است که قبل از تحقق فرزندی خود باید به رشد روحانی خود ادامه دهند.
- (b) اعلام فرزندخواندگی ما است. خدا ما را دعوت می‌کند تا برای اثبات فرزندخواندگی خود درست عمل کنیم.

(c) پذیرش و قبول ما به عنوان فرزندان خود می باشد. او روح القدس را به ما می بخشد که مهر فرزندی ما است.

(۵) زمان فرزندخواندگی.....

(a) از ازل جزء نقشه نجات خدا بوده است.

(b) در هنگام تجدید حیات می باشد.

(c) در ابتدا مربوط به آینده است در هنگامی که بدن های ما تبدیل می گردد.

(۶) کدام عبارت زیر جزو برکت فرزندخواندگی نمی باشد؟

(a) رهایی از اسارت شریعت

(b) تعلیم و تربیت در خانواده خدا

(c) وارث برکات الهی

(d) غلام و برده خدا بودن

(۷) طبق تعلیم پولس رسول، مفهوم فرزندخواندگی...

(a) مربوط به مراسم عهد عتیق می باشد.

(b) متأثر از فرهنگ یونانی-رومی است.

(c) مربوط به مراسم آسیایی شرقی و غربی است.

(۸) خدا، فرزندخواندگی را از ازل مقدر نمود. این برکت.....

(a) به شکل کامل در زندگی این جهان تحقق می یابد.

(b) در زمان حاضر آغاز می گردد اما در ابدیت به کمال می رسد.

(c) تنها در ابدیت آشکار می گردد و به کمال می رسد.

(۹) آخرین مرحله فرزندخواندگی در رابطه با...

(a) نجات روح ما می باشد که با آن رستگار می گردیم.

(b) نجات جان ما می باشد که با آن به موجودات کامل روحانی تبدیل می گردیم.

(c) تبدیل بدن‌های ما است که برای زندگی در حضور خدا و ابدیت مناسب می‌گردد.

(۱۰) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

(a) تغییری است در مقام و رتبه شخص، او از امتیازات فرزند خدا بهره‌مند می‌گردد.

(b) تغییری است در سرشت شخص.

(c) تغییری است در موضع جایگاه شخص در برابر خدا.

(۱) تجدید حیات

(۲) عادل‌شمردگی

(۳) فرزندخواندگی

این آخرین درس از بخش دوم می‌باشد. بعد از انجام این خودآزمایی، دروس ۵-۸ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

(۱۱) a) درست

b) غلط

c) درست

d) غلط

e) درست

(۱) a) ۲) عادل‌شمردگی

b) ۱) تجدیدحیات

c) ۳) فرزندخواندگی

d) ۳) فرزندخواندگی

e) ۲) عادل‌شمردگی

f) ۱) تجدیدحیات

(۱۲) به رهایی نهایی بدن‌های ما.

(۲) a) دختر فرعون، موسی را به فرزندگی پذیرفت.

b) تحفیس ملکه، جنوبت را به فرزندگی پذیرفت.

c) مردخای، استر را به فرزندگی پذیرفت.

(۱۳) فرزندخواندگی، تصمیم ازلی خدا است که در زمان حاضر برای ایماندار

واقعیتی غیرقابل انکار می‌گردد و در آینده در ابدیت به کمال می‌رسد.

(۳) a) قوم اسرائیل

b) خروج ۲۲:۴-۲۳، تثنیه ۱۸:۳۲-۲۰، ارمیا ۹:۳۱ و ملاکی ۶:۱

c) تثنیه ۱۴:۱-۲، هوشع ۱۰:۱ و ۱:۱۱، ملاکی ۱۷:۳

(۱۴) c) فرزندخواندگی، ثمره محبت و فیض خدا برای اشخاصی است که به پیغام انجیل پاسخ مثبت داده، به مسیح ایمان می‌آورند.

(۴) a) غلط

b) درست

c) درست

d) غلط (ما با تولد تازه عضو خانواده الهی می‌گردیم)

e) درست

(۱۵) a) درست

b) درست

c) غلط (برعکس این عبارت صحیح است)

d) درست

e) غلط (برعکس این عبارت صحیح است)

f) غلط

(۵) b) به انتظار ما و تمام خلقت پایان می‌دهد.

c) فرزندان خدا برکاتی دارند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند.

d) ما را از اسارت شریعت رهایی می‌دهد.

e) ما را از زندگی گناه‌آلود گذشته رهایی می‌دهد.

(۱۶) a) ما از خدا هدایای خوبی دریافت می‌کنیم.

b) نیازهای ما را در زندگی رفع می‌کند.

c) خدا از ما محافظت می‌کند.

d) خدا ما را هدایت می‌کند.

e) خدا ما را با محبت خود تربیت می‌کند.

f) با دلیری و اعتماد به حضور خدا وارد می‌شویم.

- (g) ما هم‌ارث با مسیح هستیم (همچنین نگاه کنید به اول پطرس ۱: ۳ و ۵)
- (۶) هنگامی که همه وظایف خود را انجام دادیم، نباید مغرور و خودپسند گردیم. ما فقط غلامان بی‌منفعتی هستیم که وظایف خود را انجام داده‌ایم.
- (۱۷) (d) پس از اطمینان از فرزندخواندگی خود، می‌توانیم هر گونه که بخواهیم زندگی کنیم.
- (۷) (b) اشخاصی که تولد تازه یافته‌اند، مقام فرزندخواندگی خدا را به‌دست می‌آورند.
- (۱۸) (a) روح خدا ما را هدایت می‌کند.
- (b) می‌دانیم به خدا تعلق داریم.
- (c) با اعتماد به پدر آسمانی خود نزدیک می‌شویم.
- (d) همه ایمانداران را دوست داریم.
- (e) از خدا اطاعت می‌کنیم.
- (۸) (a) خدا
- (b) ایمانداران
- (c) عیسی مسیح
- (d) خشنودی اراده خدا
- (e) تا او را به‌خاطر فیض پر جلالش ستایش کنیم.
- (۱۹) پاسخ شما. ممکن است بگویید پس از ایمان به مسیح و زندگی برای او، شادی، اطمینان و آرامش را در قلب خود دارم.
- (۹) (b) نشانگر نقشه ازلی خدا برای نجات انسان می‌باشد (نجاتی که فرزندخواندگی نیز جزئی از آن است).
- (۲۰) پاسخ شما. میوه روح در زندگی ما دیده می‌شود (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳)
- (۱۰) او حاکم بر کائنات و خالق ما است، ما باید با ترسی آمیخته با احترام به حضور او برویم.

بخش سوم

آنچه خدا کامل می گرداند



انتشارات
نسخة ال

کامل نمودن سرشت انسان: تقدیس

اکثر ما داستان‌هایی را که در آن دو شخصیت خوب و بد با یکدیگر مبارزه می‌کنند، دوست داریم. شخصیت خوب داستان همیشه کارهای خوب انجام می‌دهد و شخصیت بد مظهر بدی است. اگر داستان با پیروزی قهرمانی که مظهر خوبی است پایان پذیرد، ما خوشحال می‌شویم و اگر شخصیت خوب داستان ضعیف شود، با تمام وجود او را تشویق می‌کنیم تا مأیوس نگردد و به مبارزه‌اش ادامه دهد. این داستان‌ها، معمولاً با پیروزی قهرمان داستان، بر ضد بدی پایان می‌پذیرد.

همه ما با سرشتی فاسد و گناه‌آلود، به دنیا می‌آییم. سرشت گناه‌آلود ما همان شخصیت بد داستان است و ما را به بدی ترغیب می‌نماید. هنگامی که به مسیح به عنوان نجات‌دهنده خود ایمان می‌آوریم، او به ما خلقتی تازه و سرشتی روحانی و جدید می‌بخشد. خلقت تازه، همان شخصیت خوب و قهرمان داستان زندگی ما است. اگر به سرشت کهنه و گناه‌آلود خود اجازه دهیم تا نیرومند گردد و کنترل زندگی ما را به دست خود گیرد، آنگاه خلقت تازه، تضعیف می‌گردد. اما اگر به روح القدس اجازه دهیم تا زندگی ما را به دست خود گیرد، آنگاه سرشت روحانی جدید ما قوت می‌یابد و بر وسوسه‌های سرشت کهنه، پیروز می‌گردد. باید بدانیم تا زمانی که زنده‌ایم باید با سرشت فاسد خود مبارزه کنیم تا ضعیف و ضعیف‌تر گردد و دیگر نتواند زندگی ما را کنترل نماید. هرچه خلقت تازه در ما نیرومندتر گردد، بیشتر به شباهت عیسی مسیح، نجات‌دهنده خود در خواهیم آمد.

تقدیس، به معنای هرچه بیشتر به شباهت مسیح در آمدن می‌باشد. تقدیس، با تولد تازه و بازگشت آغاز می‌گردد و با تسلیم ما به روح القدس و تجلی روز افزون خلقت تازه رشد می‌کند. در این درس، به بررسی آموزه تقدیس خواهیم پرداخت تا بدانیم

چگونه خلقت تازه می‌تواند به‌عنوان قهرمان زندگی ما بر گناه پیروز گردد و ما را شبیه مسیح گرداند.



رئوس مطالب

ماهیت تقدیس
تقدیس شونندگان
تجربه تقدیس

اهداف درس

در پایان این درس باید بتوانید:

- هدف تقدیس را بیان کنید.
- تفاوت بین تقدیس موضعی و پیش‌رونده را بیان کنید.
- پیشرفت تقدیس را در زندگی ایماندار شرح دهید.
- نقش روح‌القدس را در تجلی هرچه بیشتر تقدیس در زندگی ایماندار بشناسید. هدف روح خدا آن است که ایماندار به شباهت مسیح درآید.

فعالیت‌های یادگیری

(۱) رساله رومیان باب‌های ۶ الی ۸ و کولسیان ۱:۳-۱۰ را قبل از مطالعه درس

بخوانید.

متن درس

ماهیت تقدیس

ما ایمانداران، سه نوع مرگ را به ترتیب تجربه می‌کنیم. اول، قبل از ایمان در خطایا و گناهان خود مرده‌ایم و محکوم به نابودی هستیم (افسسیان ۱:۲ و کولسیان ۱۳:۲). گناه، چنان ما را ملوث نموده که سبب مرگ روحانی و جدایی ما از خدا می‌شود. دوم، در عادل‌شمردگی، از مجازات گناه که مرگ است آزاد می‌گردیم. مسیح، مجازات گناهان ما را بر روی صلیب پرداخت و اگر به او و کاری که برای ما انجام داد ایمان بیاوریم، تمام برکات رهایی‌بخش صلیب نصیب ما می‌گردد. با ایمان در مرگ مسیح شریک می‌گردیم (دوم قرنتیان ۱۴:۵ و غلاطیان ۲:۲۰) و در نتیجه قانوناً از مجازات گناه آزاد می‌شویم و در نهایت، ما باید نسبت به گناه بمیریم (رومیان ۱۱:۶). باید آزادی از گناه را در قلب و وجود خود نیز تجربه کنیم. آزادی از نتایج دردناک گناه باید به آزادی از خود گناه ختم شود. چنین مرگی با قدرت روح‌القدس که در ما ساکن است، تحقق می‌یابد (رومیان ۸:۱۳).

تقدیس، به معنای آزادی از انسانیت کهنه و پوشیدن انسانیت جدید است. انسانیت کهنه همان سرشت فاسد هر شخص است که با تولد در این جهان وارث آن می‌گردد (افسسیان ۲:۴ و ۲۴). انسانیت جدید همان سرشت تازه است که با تجدید حیات در شخص به‌وجود می‌آید. هنگامی که پولس درباره رهایی از انسانیت کهنه سخن می‌گوید، به نابودی انسانیت کهنه اشاره نمی‌کند بلکه منظور او جانشینی انسانیت تازه به‌جای آن است. پولس می‌گوید انسانیت تازه را بپوشید. یعنی شخص

تولد تازه یافته، باید از تمام مواهب و فیض‌هایی که انسانیت تازه به ارمغان می‌آورد، بهره برد مثل «... دلسوزی، مهربانی، فروتنی، ملایمت و بردباری». او همچنین به ایمانداران می‌گوید: «متحمل یکدیگر شده همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید، چنانکه مسیح شما را آمرزید شما نیز چنین کنید» (کولسیان ۱۲:۳-۱۳).

انسانیت کهنه می‌خواهد ما را به بردگی شیطان، خود و گناه وا دارد. اما انسانیت تازه که توسط روح القدس در ما به وجود می‌آید، به ما قدرت می‌بخشد تا خدا و مردم را خدمت کنیم و در پی زندگی عاری از ناراستی باشیم.

تقدیس، دربردارنده مرگ انسانیت کهنه با اعمال گناه‌آلودش می‌باشد (کولسیان ۵:۳ و رومیان ۸:۱۳) تا دیگر تسلیم گناه نباشیم. تقدیس، بذریک زندگی مقدس را که در هنگام تجدید حیات در ما کاشته می‌شود، بارور می‌کند. تقدیس، بیانگر زندگی است که ویژگی آن ایمان به مسیح است؛ زندگی‌ای که معیارها، اهداف و انگیزه‌های جدیدی دارد و خدایسندانه، درست و با اطمینان می‌باشد.

رشد روحانی را می‌توان با تأثیری که شیره درخت دارد، مقایسه نمود. شیره، تمام برگ‌های پژمرده را که به درخت چسبیده‌اند و حیات آن را تضعیف می‌نمایند، از درخت جدا می‌کند. روح القدس نیز ما را از تمایلات گناه‌آلود، اسارت‌ها و عادت‌های انسانیت کهنه آزاد می‌کند تا زندگی خود را وقف و تسلیم مسیح نماییم.

۱) کدام یک از عبارات زیر بیانگر ماهیت تقدیس می‌باشد؟

a) در تقدیس، شخص نسبت به شیطان، خود و گناه کاملاً می‌میرد و دیگر وسوسه‌های انسانیت کهنه بر او تأثیری ندارد.

b) در تقدیس، مسیح خداوند زندگی شخص می‌گردد. انسانیت تازه، سرشت جدید او می‌گردد ولی او باید دائماً با انسانیت کهنه خود مبارزه کند تا آن را تحت کنترل خود نگه دارد.

ج) در هنگام تجدید حیات و در یک تجربه عرفانی، پاک و مقدس و کامل می‌گردد و دیگر زندگی روحانی جلال یافته‌ای خواهد داشت.

معنای تقدیس

تعلیم عهدجدید پیرامون آموزه تقدیس، بر اساس کار مسیح برای ما و در وجود ما می‌باشد. پاسخ ما به برکات خدا که در برگزیدگی، تولد تازه، عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی متجلی می‌شود، یک زندگی پاک و مقدس می‌باشد. تقدیس، ارتباط نزدیکی با تمام آموزه‌های نجات دارد. ثمره و نتیجه منطقی تمام این آموزه‌ها، تقدیس می‌باشد. افسسیان ۸:۲-۱۰ به ابعاد مختلف آموزه نجات اشاره می‌کند.

زیرا به سبب فیض است که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خدا است (برگزیدگی). این نجات نتیجه اعمال شما نیست (عادل‌شمردگی) پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد. زیرا که ما مصنوع دست او هستیم (برگزیدگی) و خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است (تجدید حیات) تا آن کارهای نیکو را که او قبلاً برای ما مقدر فرمود (پیش‌تعیینی) که انجام دهیم، به جا آوریم.

۲) دوباره افسسیان ۸:۲-۱۰ را بخوانید، ثمره برکات الهی چه می‌باشد؟

معنای تحت‌اللفظی تقدیس، «مقدس کردن یا تخصیص دادن» است اما معنای اصلی این واژه «جدا شدن و جدا نمودن» می‌باشد. این جدایی به خصوص در رابطه با جهان گناهکار می‌باشد. واژه‌های کتاب مقدس در رابطه با آموزه تقدیس، به شخصیت فرد اشاره می‌کنند و این نکته نشانگر آن است که شخص باید از گناه جدا گشته، وقف خدا گردد.

قدوسیت خدا بیانگر یک جدایی دوگانه است. خدا گرچه جهان را خلق نمود اما بسیار فراتر از خلقت و مخلوقات خود می‌باشد و از آنها جدا است (خروج ۱۵:۱۱، اشعیا ۴۰:۲۵-۲۶، ۵۷:۱۵). خلقت، صنعت دست او است اما هیچ چیز را نمی‌توان

با او مقایسه و یا تشبیه نمود. خدا در قدوسیت خود عظیم و متعال است و برتر از همه مخلوقاتش می‌باشد. خدا از گناه کاملاً جدا است، او گناه را به هر شکل آن تحمل نمی‌نماید. او از ما می‌خواهد تا از فرامین اخلاقی او اطاعت کنیم. اگر می‌خواهیم با تمام وجود به خدا تعلق داشته باشیم باید افکار، اعمال و سخنان ما پاک باشند (مزمور ۲۴: ۳-۴). قدوسیت اخلاقی خدا بیانگر جدایی او از گناه است.

۳) اشعیا ۱: ۵-۶ را بخوانید این آیات بیانگر.....

(a) قدوسیت عظیم و متعال خدا هستند.

(b) قدوسیت اخلاقی خدا هستند.

(c) هر دو

۴) طبق آیات زیر، عکس‌العمل هر شخص پس از مواجه شدن با قدوسیت عظیم

خدا چه می‌باشد؟

(a) اشعیا ۱: ۵-۶

(b) یعقوب ۴: ۸-۹

اگر به یک اتاق بسیار نورانی وارد شوید، همه می‌توانند به راحتی لباس‌های شما را ببینند. در آنجا نمی‌توانید پیراهن سفید خود را که لکه‌های سیاهی دارد، پنهان نمایید. اما اگر به اتاق تاریکی بروید، هیچ کس نمی‌تواند لکه‌های پیراهن شما را تشخیص دهد. هر چه بیشتر به خدا نزدیک شویم، بیشتر از گناهان خود آگاه می‌گردیم و با تمام قلب و وجودمان از او می‌خواهیم که ما را تقدیس نماید و برای خدمت خود جدا کند. قدوسیت اخلاقی، بنیان درک مفهوم تقدیس در کلام خدا می‌باشد. تقدیس، عملکرد فیض‌بخش خدا است تا تمام وجود ما احیا گشته، بیشتر به شباهت خدا درآییم. فیض خدا به ما توانایی می‌بخشد تا بر سرشت گناه‌آلود خود فائق آییم و زندگی درست و خداپسندانه‌ای داشته باشیم.

با وجود آنکه ذات خدا از گناه مبرا است، اما او رابطه خود را با انسان قطع نکرد زیرا که انسان گناهکار را دوست دارد. او فرزند خود را فرستاد تا مثل انسان گردد و او را از گناه نجات دهد. هنگامی که پطرس می‌گوید که خداوند مسیح را در دل‌های خود تقدیس نماید (اول پطرس ۳:۱۵)، منظورش آن است که باید به او به‌عنوان خدا و خداوند احترام بگذاریم. بنابراین، معنای واژه تقدیس برای مسیحیان، مقدس زندگی کردن و پاک بودن است. مسیحیان شهر قرتس با آنکه از گناهان‌شان بازگشت کرده بودند اما خطایای فاحشی نیز مرتکب شده بودند و می‌بایست در ایمان خود بیشتر رشد می‌کردند. پولس این حقیقت را تشخیص داد و اهمیت تقدیس را برای آنها شرح داد.

در عهدعتیق، وسایلی که برای اهداف مقدس کنار گذاشته می‌شود، مقدس نامیده می‌شد. باید به‌خاطر بسپاریم که کاربرد واژه مقدس به معنای جدا نمودن وسیله و یا شخصی برای خدا می‌باشد.

(۵) در آیات زیر چه چیزهایی مقدس می‌باشند؟

(a) خروج ۳:۵ و یوشع ۵:۱۵

(b) لاویان ۱۱:۴۴

(c) لاویان ۲۷:۱۴-۱۶

(d) اعداد ۸:۱۷

(e) اشعیا ۴۸:۲

اما تقدیس، معنایی فراتر از جدایی از گناه و فساد این جهان دارد. تقدیس بیانگر وقف به خدا است. شخصی که از اسارت گناه آزاد می‌شود اما تسلیم و وقف خدا نمی‌گردد، همانند کشتی است که از لنگرگاه خود جدا گشته، اما سکانی برای هدایت ندارد.

در تقدیس، ما کاملاً تسلیم آن اهداف مقدسی می‌گردیم که برای آنها جدا گشته‌ایم و با این عمل، هرچه بیشتر تقدیس می‌گردیم. در آموزه تقدیس مراحل

جدایی از گناه، وقف و تطهیر و پالایش روح وجود دارند. خدا عامل تقدیس ما است، و چون او مقدس است، پس ما نیز باید تقدیس گردیم. خدا می‌خواهد تمامیت وجود ما یعنی روح، جان و بدن را تقدیس نماید. هدف خدا آن است که در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح از هر نوع عیب و نقصی دور باشیم (اول تسالونیکیان ۵:۲۳). در تحقق آموزه تقدیس، ما با کمک روح خدا انسانیت کهنه را از خود بیرون کرده، انسانیت تازه را می‌پوشیم و بدین ترتیب زندگی خود-محور و گناه‌آلود خود را تحت انقیاد روح مقدس خدا درمی‌آوریم. و بدین صورت آن قسمت‌هایی از وجودمان را که بر ضد قدوسیت خدا عصیان می‌کند و قطع رابطه کرده، نابود می‌کنیم و متمرکز زندگی و حیات تازه خود در مسیح می‌گردیم. حیات و زندگی جدید ما همان انسانیت تازه و سرشت جدید ما است.

آنچه که پولس با تمثیل، کندن و پوشیدن می‌نامد (کولسیان ۳:۹-۱۰)، تجربه هر روز زندگی ما می‌گردد. آنها تنها تجربیات حاد و بحرانی نیستند که تنها یک بار و برای همیشه، در زندگی ما به وجود آیند.

۶) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

- a) تقدیس تنها بیانگر جدایی از گناه می‌باشد.
- b) در تقدیس، شخص خود را وقف اهداف مقدسی می‌کند که برای آنها جدا گشته است.
- c) هدف خدا از تقدیس، آماده شدن ما برای آمدن خداوند عیسی مسیح می‌باشد.
- d) تقدیس، بیانگر رهایی از انسانیت کهنه و پوشیدن حیات تازه در مسیح عیسی است.

با بررسی تعالیم کتاب مقدس پیرامون آموزه تقدیس، درمی‌یابیم که تقدیس تمام جوانب زندگی ما را چه در رابطه با خدا و چه در رابطه با دیگران دربرمی‌گیرد. اکنون به بررسی نتایج تقدیس در زندگی شخصی می‌پردازیم.

۱) شخصی که تقدیس می‌گردد، به خدا احترام می‌گذارد (امثال ۷:۱) و خدا را دوست دارد (متی ۲۲:۳۷). او با شادی تسلیم اراده خدا می‌گردد و می‌خواهد تا اراده‌اش با اراده خدا یک گردد (عبرانیان ۱۳:۲۰-۲۱). علاوه بر آن، او مشتاق است تا با خدا مشارکت داشته باشد (اول یوحنا ۳:۱) و همه چیز را برای جلال خدا انجام دهد (اول قرنتیان ۱۰:۳۱).

۲) در رابطه با مسیح، تقدیس به معنای انکار نفس و پذیرش خداوند عیسی مسیح می‌باشد (متی ۱۶:۲۴). مسیح نمونه ما می‌گردد (اول پطرس ۲:۲۱). ما نیز باید مثل پولس تلاش کنیم تا هر روز بیشتر به شباهت مسیح درآییم (فیلیپیان ۳:۸-۱۰). و اگر در این راه گاه شکست خوردیم، باز هم برای تقدیس و پاک شدن نزد او برویم (اول یوحنا ۱:۹).

۳) تقدیس در رابطه با روح القدس، معنای زندگی تحت هدایت و کنترل روح خدا می‌باشد (رومیان ۸:۴-۵). باید مواظب باشیم تا روح خدا را محزون نسازیم (افسیسیان ۴:۳۰) و روح را اطفاء ننماییم (اول تسالونیکیان ۵:۱۹).

۴) تقدیس، به معنای پشیمانی و نفرت از گناه می‌باشد (رومیان ۷:۲۴). فیض خدا به ما می‌آموزد که راه‌های شرارت‌آمیز و شهوات دنیوی را ترک کرده، با روشن‌بینی و عدالت و خداترسی در این جهان زندگی کنیم (تیتس ۲:۱۲). تقدیس، اشتیاق رهایی کامل از گناه را در ما ایجاد می‌کند.

۵) در نهایت تقدس، تجلی‌بخش ثمره روح در رابطه ما با دیگران می‌باشد (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳). اگر تحت هدایت روح خدا زندگی کنیم، ثمره روح در روابطمان با دیگران ایجاد می‌گردد.

(۷) کدام عبارت صحیح می‌باشد. تقدیس.....

- (a) تمام جوانب زندگی و همه روابط ما را در برمی‌گیرد. زندگی‌ای که تحت هدایت و کنترل روح خدا است.
- (b) بر اساس اعمال و تلاش‌های خود شخص می‌باشد. او باید خود را مقدس، پاک و مقبول خدا بگرداند.
- (c) بیانگر مرگ یک‌باره انسانیت کهنه و تجلی انسانیت تازه به‌عنوان محور زندگی ما است. بدین ترتیب شخص بی‌گناه می‌گردد.

عبارات و واژه‌های متعددی بیانگر مفهوم آموزه تقدیس می‌باشند که از جمله می‌توان به عبارات متداولی از قبیل: زندگی با مفهوم‌تر و عمیق‌تر، زندگی پیروزمند، زندگی غنی از معنا، تقدس و قلب پاک اشاره نمود. در اینجا باید به بُعد مهمی از واژه تقدیس اشاره نماییم که برای همه گروه‌ها معنای یکسانی ندارد. عده‌ای معتقدند که تقدیس همان تعمید روح‌القدس می‌باشد (پری و یا دریافت روح‌القدس). اما همانگونه که خواهیم دید، عباراتی که در رابطه با تعمید روح‌القدس می‌باشند، به آموزه تقدیس اشاره‌ای ندارند.

(۸) آیات زیر را بخوانید. در هر کدام، دریافت و یا تعمید روح‌القدس، چه تأثیری بر ایمانداران داشت؟

- (a) لوقا ۴۷:۲۴-۴۹
- (b) اعمال رسولان ۸:۱
- (c) اعمال رسولان ۴:۲ و ۳۱:۴
- (d) اعمال رسولان ۱۹:۱-۶

در این آیات، تعمید و یا پری روح‌القدس اشاره‌ای به آموزه تقدیس ندارد. تعمید روح برای شهادت دادن، تقویت جهت خدمت و توانایی برای موعظه مؤثر به ما قدرت می‌بخشد. تکلم به زبان‌ها می‌تواند یکی از نشانه‌های تعمید روح‌القدس باشد.

پری روح القدس، ما را به شباهت مسیح درمی آورد تا هر چه بیشتر وقف و تسلیم خدا گردیم. اما پری روح، همان تجربه پیش رونده تقدیس نیست. تقدیس از زمان تولد تازه در ایماندار آغاز می گردد و تا زمانی که شخص در حضور خدا می ایستد، ادامه خواهد یافت.

- ۹) در رابطه با آموزه تقدیس، جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.
- a) خدا به خاطر قدوسیت خود قادر به تحمل گناه نیست.
 - b) تقدیس، به معنای جدا شدن برای خدمت خدا می باشد.
 - c) تقدیس، به این معنا است که ما دیگر نمی توانیم گناه کنیم.
 - d) تقدیس شامل جدایی از گناه و وقف به خدمت خدا می باشد.
 - e) تقدیس مرحله ای روحانی است که به اراده ما ارتباطی ندارد.
 - f) تقدیس، تمام جوانب زندگی ما را دربرمی گیرد که شامل تفکر ما نسبت به خدا، پسرش مسیح، روح خدا و سایر انسان ها است.
 - g) تقدیس، به معنای آن است که ما هر چه بیشتر به شباهت مسیح درمی آییم.
 - h) تقدیس، به معنای تسلط سرشت تازه بر سرشت کهنه می باشد.
 - i) در تقدیس، سرشت کهنه ما کاملاً از بین می رود.

دو بُعد تقدیس

در این قسمت، به بررسی مهمترین مفهوم آموزه تقدیس می پردازیم. درک این موضوع که تقدیس دو بعد موضعی و تجربی دارد، بسیار مهم می باشد. ایماندار در رابطه خود با خدا، از موضع و جایگاه خاصی برخوردار است و تقدیس در زندگی او تجربه ای است مداوم و پویا. تحقق تقدیس، هم به یک باره (ناگهانی) است و هم پیش رونده. تقدیس موضعی و یا ناگهانی، ارتباطی با روحانیت شخص ندارد و نمی توان درجاتی برای آن در نظر گرفت و بدین ترتیب، شخص از لحاظ جایگاه و یا موضع، مقدس تر از شخص دیگر نیست. تقدیس موضعی به معنای تغییر موضع و

یا جایگاه انسان گناهکار است. او اکنون خدای قدوس را می‌پرستد. تقدیس موضعی، عملی است پایان یافته زیرا مسیح قدوسیت ما گشته است (اول قرن‌تیا ۱:۳۰). اما تقدیس پیش‌رونده، مستقیماً با رشد روحانی شخص در ارتباط است و درجاتی دارد و بدین ترتیب ممکن است شخص مقدس‌تر از شخص دیگر باشد.

(۱۰) در آیات زیر ابعاد تقدیس یعنی موضعی یا پیش‌رونده را مشخص نمایید و طرق کسب تقدیس را در هر کدام بنویسید. پاسخ را در دفتر خود بنویسید.

- (a) رومیان ۸:۱۳
- (b) رومیان ۱۲:۲
- (c) اول قرن‌تیا ۱:۲
- (d) اول قرن‌تیا ۶:۱۱
- (e) دوم قرن‌تیا ۳:۱۸
- (f) دوم قرن‌تیا ۵:۱۴-۱۵
- (g) دوم قرن‌تیا ۷:۱
- (h) افسسیان ۲:۱-۶
- (i) کولسیان ۳:۳-۴
- (j) کولسیان ۳:۵
- (k) اول تسالونیکیان ۳:۱۲

(۱۱) با توجه به آیات فوق، تقدیس موضعی در چه زمانی به‌وجود می‌آید؟

این آیات به‌روشنی بیان می‌دارند که تقدیس موضعی، جایگاهی است که خدا برای ایمانداران به مسیح مهیا نموده است. تقدیس موضعی، تجربه‌ای نیست که پس از تولد تازه و با پشتکار در پی آن باشیم. این نوع تقدیس، بخشی از تجربه بازگشت است.

دو متن از کتاب مقدس، تعلیم جامعی پیرامون تقدیس موضعی و پیش‌رونده ارائه می‌دهند. نخست، پولس در اول قرن‌تین ۹:۶-۲۰ در رابطه با وضعیت ایمانداران قرن‌تس، قبل از ایمان به مسیح سخن می‌گوید. پولس این نکته را برای آنها روشن می‌سازد که هنگام بازگشت از گناه، آنها پاک شده، مقدس گردیده و عادل شمرده شده‌اند (آیه ۱۱) و بدین ترتیب ضرورت و امکان ایجاد زندگی مقدس را برای آنها بیان می‌کند. پولس سه فعل پاک شدن، مقدس گردیدن و عادل شمرده شدن را در زمان گذشته به کار می‌برد، زیرا که آنها نتیجه تجربه نجات می‌باشند. اما پولس در رساله به کولسیان ۱:۳-۱۰، وضعیت ایماندار را با کار پایان یافته مسیح مرتبط می‌داند و می‌گوید که نجات شما باید منجر به زندگی خداپسندانه‌ای گردد. زندگی‌ای که کاملاً با زندگی گذشته شخص فرق می‌کند. شیوه جدید زندگی و اطاعت از هدایت‌های روح القدس، ما را هر چه بیشتر به شباهت مسیح درمی‌آورد تا به شناخت کامل‌تری از خدا دست یابیم.

۱۲) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید.

- a) بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح دائماً رشد و نمو کنید (دوم پطرس ۱۸:۳).
- b) عیسی مسیح یک بار و برای همیشه بدن خود را به عنوان قربانی تقدیس کرد و ما از گناهان خود پاک گشتیم (عبرانیان ۱۰:۱۰).
- c) خداوند مسیح را برای ما عدالت، قدوسیت و آزادی گردانیده است (اول قرن‌تین ۳۰:۱).
- d) خداوند عطا فرماید که محبت شما برای یکدیگر و همه مردم افزایش و گسترش یابد (اول تسالونیکیان ۱۲:۳).

۱) زمان نجات ایجاد می‌گردد

۲) تجربه‌ای پیش‌رونده می‌باشد

تقدیس پیش‌رونده مفاهیم متعددی دارد. اول، این نوع تقدیس، روزافزون است زیرا که مسیحیان می‌باید هر چه بیشتر به شباهت مسیح درآیند. دوم، تمام طول زندگی ما را دربرمی‌گیرد. بنابراین در این زندگی، نمی‌توان به کاملیت مطلق دست یافت.

(۱۳) آیات زیر را بخوانید و در هر یک، بعد خاص کاملیت مسیحی را مشخص نمایید.

- (a) عبرانیان ۱۴:۱۰
- (b) اول قرنتیان ۶:۲ و ۲۰:۱۴
- (c) غلاطیان ۳:۳
- (d) کولسیان ۱۲:۴ و متی ۴۸:۵
- (e) کولسیان ۲۲:۱ و فیلیپیان ۱۲:۳

این آیات به ما می‌آموزند که کاملیت امری پیش‌رونده است. ما به‌خاطر فیض عظیم خدا، در مسیح کامل هستیم و چون نجات‌دهنده کاملی داریم، عدالت او برای ما محسوب می‌گردد. اما ما نیز باید به‌طور پیوسته به‌سوی کاملیت، حرکت و تلاش کنیم.

در عهدجدید، عیسی مسیح به ما فرمان می‌دهد تا کامل باشیم (متی ۴۸:۵). اگر منظور این آیه کاملیت بدون گناه است پس هیچ کس به آن دست نیافته است. اما با توجه به متن درمی‌یابیم که مسیح از شاگردانش انتظار دارد تا همانند پدر آسمانی خود نسبت به دوستان و دشمنان با محبت باشند. پولس، موضوع کاملیت را در رساله فیلیپیان ۱۲:۳ و ۱۵ چنین شرح می‌دهد. او در ابتدا می‌گوید که کاملیت مقوله‌ای دست‌نیافتنی است، اما سپس آن را دست‌یافتنی معرفی می‌کند. به‌سادگی می‌توان دریافت که پولس پس از ایمان به مسیح، از لحاظ جایگاه و موضع کامل می‌گردد. اما او می‌بایست هر روزه برای کامل شدن تلاش می‌کرد. در کولسیان ۲۸:۱، ۱۲:۴ و

عبرانیان ۲۳:۱۲، کاملیت به عنوان هدفی در آینده و در پایان راه معرفی می گردد، نه در این جهان.



۱۴) فرمان مسیح که گفت «کامل باشید» به معنای.....

- a) لزوم کاملیت مطلق و به یک باره است که اکنون باید تحقق یابد.
- b) نشان دادن محبت خداگونه، از جانب مسیحیان برای دوستان و دشمنان است.
- c) جستجوی تجربه ای خاص پس از بازگشت است که ما را کاملاً کامل می کند.

اشخاصی که معتقدند انسان می تواند به کاملیت مصون از خطا و گناه دست یابد، به توانایی انسان برای تحقق این هدف، تأکید بسیاری می ورزند. آنها همچنین برای قدوسیت خدا و جدی بودن گناه اهمیت ناچیزی قائل می شوند. آنها با گناه به عنوان مقوله ای خارج از انسان برخورد می کنند. اما کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد که گناه در ابتدا ثمره روح خاطی انسان می باشد. من اعتقاد دارم که ما بیشتر با افکار و تمایلات بد خود گناه می ورزیم تا با انجام دادن یک سری اعمال ظاهری. ما چون در مسیح هستیم، کامل می باشیم اما هنوز هم ضعف هایی داریم. من اعتقاد دارم که دو نوع کاملیت وجود دارد. که عبارتند از کاملیت مطلق و کاملیت نسبی. آنچه که مطلقاً کامل است، دیگر نیازی به رشد ندارد. بنابراین این نوع کاملیت فقط مختص خدا

است. اما آنچه که به طور نسبی کامل است، به سوی هدفی که برای آن خلق شده، حرکت می کند. این نوع کاملیت برای انسان ممکن می باشد.

(۱۵) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

(a) شخصی که معتقد است انسان می تواند به طور مطلق کامل گردد، به توانایی انسان برای زندگی کامل تأکید بسیار می ورزد و برای قدوسیت خدا و کراهت گناه، اهمیت ناچیزی قائل است.

(b) شخصی که معتقد است انسان می تواند به طور مطلق کامل گردد، گناه را اساساً مقوله ای ذهنی می داند و در نتیجه برای آن اهمیت چندانی قائل نیست.

(c) در رابطه با مقوله کاملیت، تنها خدا به طور مطلق کامل است. اما انسان نیز می تواند به طور نسبی کامل گردد، اگر هدفی را که برای آن خلق شده، تحقق بخشد.

گروهی از مسیحیان که باور دارند کاملیت برای آنها در این جهان به طور مطلق امکان پذیر است، تقدیس را تجربه ای قاطع و تمام کننده می دانند. آنها بر این باورند که پس از ایمان و بازگشت از گناه، در یک لحظه کامل می گردند و دریافت روح القدس نیز تأییدی بر این حقیقت است. آنها بر این موضوع پافشاری می کنند که سرشت کهنه در یک لحظه نابود می گردد. امروزه این دیدگاه را «کمال گرایی» می نامیم. استنتاج چنین نظری بر اساس رساله رومیان باب ۶ می باشد.

اما بررسی دقیق رومیان ۱:۶-۱۱ نشانگر تجربه ای است که از جایگاه ایمانداری که با مسیح متحد گشته، سخن می گوید. اگر اینگونه نیست، پس چرا پولس می گوید که شخص باید خود را نسبت به گناه مرده انگارد اما نسبت به خدا زنده؟ شخصی که به طور مطلق مرده است، دیگر نیازی ندارد که خود را مرده بداند. او جدا از هر نوع تفکر یا نقطه نظری مرده است.

پولس، وضعیت خود را در رومیان باب ۷ بیان می کند. او خود را شخصی نجات نیافته (آیات ۷-۱۳) و نجات یافته (آیات ۱۴-۲۴) معرفی می کند. او بر یک زندگی توأم با شکست، پیروز گشته است. اما ظفر او نتیجه نابودی سرشت کهنه نیست بلکه

از طریق خداوند عیسی مسیح می‌باشد (۲۵:۷). پولس پیروزی ایماندار را در باب ۸ نتیجه سکونت روح مقدس خدا در او می‌داند (به‌خصوص به آیات ۱۷-۱:۸ نگاه کنید). در ابتدا روح خدا، ایماندار را از فرمان گناه و موت که همان تسلط سرشت کهنه است رهایی می‌دهد و بدین ترتیب ایماندار می‌تواند طبق خواسته روح خدا زندگی کند و اراده و تفکر خود را با تفکر روح خدا همسو سازد (آیه ۵). پیروزی با قدرت روح خدا بر اعمال گناه و موت به معنای نابودی کامل سرشت کهنه و گناه‌آلود نمی‌باشد (آیه ۳). ایماندار باید پیروزی بر سرشت کهنه را هر روز تجربه و تکرار کند. زیرا ذات گناه‌آلود ما هر روز ما را با وسوسه‌های مختلف، به گناه ترغیب می‌کند. «مرده انگاشتن» اشاره به تضعیف قدرت گناه می‌باشد تا دیگر طبق عادت گناه نکنیم و اعمال فاسد را ترک نماییم. چنین پیروزی تنها با فیض خدا و قوت روح القدس امکان‌پذیر است (رومیان ۸:۱۳ را با کولسیان ۳:۵ و ۸-۱۰ مقایسه کنید).

- ۱۶) در کنار جملاتی که بیانگر تقدیس موضعی می‌باشند شماره ۱ و برای جملاتی که بیانگر تقدیس پیش‌رونده هستند، شماره ۲ بگذارید.
- a) سارا قبلاً گناهکار بود اما اکنون خدای قدوس را می‌پرستد.
- b) حمید، در زندگی روحانی خود رشد کرده است و اکنون کلام خدا را تعلیم می‌دهد.
- c) پولس، زندگی روحانی خود را تلاشی برای خدمت بهتر به خدا، محبت بیشتر به مسیحیان و درک فیض خدا معرفی می‌کند.
- d) پولس می‌گوید که قرن‌ها مردمان شهوت‌ران، دزد، دروغگو و مست بودند اما اکنون از گناهان خود پاک شده، جزء مقدسین گشته و در عیسی مسیح عادل شمرده می‌شوند (اول قرنتیان ۶:۹-۱۱).
- e) حمید پس از تجربه تولد تازه، به‌خاطر کار تمام شده مسیح، کامل محسوب می‌گردد. او آماده است تا برای مسیح زندگی کند.

f) حمید، مسیحی با ایمانی است که می‌کوشد هدایت روح خدا را درک نماید تا هدفی را که برای آن خلق شده، تحقق بخشد. او در امور روحانی رشد می‌کند.

تقدیس شونده‌گان

تقدیس شونده‌گان، برگزیدگان خدا می‌باشند. خدا اشخاصی را که از ازل برگزید، تقدیس می‌کند. برگزیدگان و نجات‌یافتگان تقدیس می‌گردند. قوم برگزیده خدا، قوم مقدس خدا می‌گردند.

تقدیس، تمامیت وجود فرد یعنی فکر، احساس و اراده را دربرمی‌گیرد (اول تسالونیکیان ۵:۲۳). دل و ذهن شما باید کاملاً تازه گردد (افسیسیان ۲۲:۴-۲۳). یک فکر تازه، هر روز بیشتر به شباهت مسیح درمی‌آید و مقدس و عادل می‌گردد. علایق و احساسات ما نیز مقدس می‌گردند. «با محبت برادرانه یکدیگر را دوست بدارید» (رومیان ۱۲:۱۰). سرانجام، اراده ما تسلیم خدا می‌گردد تا توان اجرای اهداف الهی را داشته باشیم. زیرا خدا است که از لطف خود، هم اراده و هم قدرت هر کاری را در شما ایجاد می‌کند (فیلیپیان ۲:۱۳). پولس، ایمانداران روم را نصیحت می‌کند که: «و اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند» (رومیان ۶:۱۳). تقدیس، برای کلیسا و خادمین آن ضروری می‌باشد. کلیسا، عروس مسیح است و باید پاک باشد. «... چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر ساخته تقدیس نماید» (افسیسیان ۲۵:۵-۲۶).

و کلیسا را با تمام زیبائیش پاک و بدون عیب و لکه و چین و چروک و یا هر نقص دیگری به خودش تقدیم نماید (آیه ۲۷).

(۱۷) تقدیس شوندگان،.....

- (a) شامل همه انسان‌ها می‌شود.
- (b) اشخاصی هستند که ارزش جدا شدن برای خدمت خدا را دارند.
- (c) ایمانداران به مسیح هستند که کلیسا را بنا می‌کنند.

تجربه تقدیس

کتاب مقدس، به روشنی تعلیم می‌دهد که تعمید روح، تجربه‌ای است که معمولاً پس از تولد تازه روی می‌دهد (اعمال ۲: ۳۸). در اعمال ۱۰: ۴۴-۴۶ شکل متفاوتی از این تجربه را مشاهده می‌کنیم. برای مثال، خانواده کرنیلیوس هر دو تجربه را در یک زمان چشیدند. هدف از تعمید روح، توانایی برای خدمت خداوند است (اعمال ۸: ۱). اما هدف از تقدیس، زندگی خداپسندانه‌ای است که منعکس‌کننده حضور خدا در زندگی شخص می‌باشد تا او هر چه بیشتر از لحاظ روحانی رشد کند.

عده‌ای تقدیس را تجربه‌ای منفک و بحرانی می‌دانند، که در سرشت روحانی شخص به وجود می‌آید. آنها معتقدند که شخص پس از تولد تازه به یکباره کامل شده، از گناه آزاد می‌گردد. چنین تجربه‌ای، متضمن تصمیمی است که ثمره آن، تقدس کامل روح و جان و آزادی از گناه و فساد است و شخص کاملاً وقف خدا می‌گردد. آنها بر این موضوع تأکید می‌ورزند که کاملیت به یکباره به وجود می‌آید و آن ثمره تعمید روح القدس می‌باشد (آنها تعمید روح را همان تقدیس می‌دانند). حال به بررسی این دیدگاه می‌پردازیم.

کمال‌گرایان با استناد به اول یوحنا ۳: ۸-۹ بر موضع خود تأکید می‌ورزند. این آیات را بخوانید. یوحنا در این قسمت، به روشنی درباره شخصی سخن می‌گوید که در گناه زندگی می‌کند و از آن دست نمی‌کشد. البته هیچ مسیحی واقعی نمی‌تواند در چنین وضعیتی زندگی کند. اما یوحنا نمی‌گوید که مسیحیان هرگز گناه نمی‌کنند. با مقایسه این آیات با اول یوحنا ۸: ۱-۲: ۲ منظور یوحنا را بهتر درک می‌کنیم. یوحنا، مسیحیان را تشویق می‌کند تا در نور زندگی کنند و بکوشند مطیع خدا باشند و با او

رابطه‌ای با مفهوم داشته باشند. یوحنا برای آنکه هر نوع سوء تفاهمی را در مخاطبین خود رفع نماید، می‌گوید: «اگر گوییم که گناه نکرده‌ایم او را دروغگو می‌شماریم» (اول یوحنا ۱: ۱۰). و در اول یوحنا ۲: ۱-۲ چنین می‌گوید: «عیسی مسیح عادل و او است کفار به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه به جهت تمام جهان نیز» (یوحنا خود را نیز در ردیف سایر ایمانداران قرار می‌دهد).

بنابراین، تقدیس نه یک تجربه بحرانی است و نه تجربه‌ای است که شخص را کاملاً از گناه آزاد می‌کند. تقدیس به معنای توانا گشتن برای خدمت نیز نمی‌باشد. هدف از تقدیس، تغییر سرشت ایماندار برای نزدیک شدن و شباهت هر چه بیشتر به مسیح می‌باشد. ایماندار در مشارکت خود با خداوند، از لحاظ روحانی رشد می‌کند و روح خدا نور الهی را بر قلب و وجودش می‌تاباند (اول یوحنا ۱: ۷). با قدم زدن در نور، خود مسیح ما را از هر گناهی پاک می‌کند و جلال خدا بر ما ساطع گشته، به تدریج به شباهت مسیح درمی‌آییم (دوم قرنتیان ۳: ۱۸). بنابراین تقدیس، همانند تعمید روح، تجربه‌ای کامل‌کننده و قطعی نمی‌باشد بلکه مرحله‌ای است که در آن سرشت جدید ما رشد می‌کند تا به شباهت مسیح درآییم.

(۱۸) هدف از تقدیس،.....

a) توانا ساختن ایمانداران برای خدمت و نابود کردن سرشت گناه‌آلود در یک تجربه بحرانی است.

b) ایجاد تغییر در ایماندار است تا او هرچه بیشتر به شباهت مسیح درآید.

c) تربیت مسیحیانی است که به کاملیت مطلق در این جهان دست می‌یابند.

طرق تقدیس

در تحقق تقدیس، خدا و انسان نقش دارند. هر سه شخصیت تثلیث در تقدیس سهیم هستند. خدای پدر، ما را تقدیس می‌کند (اول تسالونیکیان ۲:۵ و اول پطرس ۱:۵). پسر، ما را تقدیس می‌کند (عبرانیان ۱۰:۲-۱۱ و ۱۰:۱۰ و ۱۲:۱۳). روح القدس نیز ما را تقدیس می‌کند (اول پطرس ۱:۲ و رومیان ۸:۱۳) و در ما ثمره روح را به وجود می‌آورد (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳). اما انسان نمی‌تواند خود را تقدیس نماید. پولس می‌گوید که حتی در زندگی یک ایماندار نیز این خدا است که قدم اول را برمی‌دارد و او را مقدس می‌گرداند (فیلیپیان ۲:۱۳). با وجود این، هر شخص باید کارهای مشخصی را برای تقدیس خود انجام دهد. اول، او باید ایمان خود را بر مسیح بنا نهد (اعمال ۱۸:۲۶). وقتی شخص به مسیح ایمان می‌آورد، از لحاظ جایگاه و موضع تقدیس می‌گردد. این نوع تقدیس در همان لحظه تولد تازه ایجاد می‌شود، زیرا مسیح قدوسیت ما است (اول قرنتیان ۱:۳۰). قدم دوم، جد و جهد برای برخورداری از یک زندگی مقدس می‌باشد. کلام خدا خیلی قاطع به ما تعلیم می‌دهد که بدون یک زندگی مقدس نمی‌توان خدا را دید (عبرانیان ۱۲:۱۴). بدون درک کلام خدا، تلاش برای پاک زیستن امکان‌پذیر نیست. زیرا کلام خدا همچون آیین‌های است که انگیزه‌های قلب ما را آشکار می‌سازد و در هنگام ناامیدی به ما تسلی می‌بخشد (یوحنا ۱۷:۱۷). کلام خدا، لزوم تقدس را آشکار می‌سازد (افسیسیان ۴:۱۱-۱۳) و ایمانداران را تشویق می‌کند تا برای یک زندگی مقدس تلاش کنند (اول پطرس ۱:۱۵-۱۶). بهترین قدم برای تقدیس، تسلیم کامل زندگی‌مان به خدا می‌باشد (رومیان ۶:۱۳ و ۱۹-۲۲ و ۱:۱۲). تسلیم کامل به خدا به معنای آن است که شخص خود را از آلودگی‌ها پاک سازد تا ظرفی شود که برای مقاصد خاص به کار رود و برای اربابش مقدس و مفید و برای هر کار نیکو آماده باشد (دوم تیموتائوس ۲:۲۱).

خدا برای تقدیس ما از رنج نیز استفاده می‌کند (عبرانیان ۱۲:۱۰-۱۱ و مزبور ۱۹:۶۷ و ۷۱). خدا گاهی از طریق تجربیات دردناک ما را اصلاح می‌کند. اما پس از

پایان مشکلات، ثمره مثبت و مفید آنها را در خودمان خواهیم دید. باید با روحی مثبت و خوب با ناملایمات زندگی برخورد کنیم. خدا به خاطر خیریت ما چنان در ما عمل می‌کند تا مثل او پاک شویم (عبرانیان ۱۲: ۱۰).

۱۹) بدون نگاه کردن به صفحات قبل کتاب به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- a) چه اشخاصی در تحقق تقدیس سهیم هستند؟
- b) دو کار ضروری که شخص باید برای تقدیس خود انجام دهد چیست؟
- c) کلام خدا چگونه به تقدیس ما کمک می‌کند؟
- d) معنای تسلیم کامل به خدا چه می‌باشد؟
- e) چگونه مشکلات و شداید زندگی به تقدیس ما کمک می‌کنند؟

تقدیس، پیروزی مستمر برگناه را به ارمغان می‌آورد و این پیروزی، قوت و ثمردهی بیشتری را در زندگی‌مان به همراه دارد اما ما نیز باید برای استمرار رشد روحانی خود با خدا همکاری کنیم. باید با اطاعت و وقف، در مسیح بمانیم. تقدیس، آموزه‌ای صرفاً ذهنی نیست بلکه بیانگر رابطه هر روزه ما با عیسی مسیح است. رابطه هر روز ما با مسیح، سبب پیشرفت در امر تقدیس می‌گردد.

سرودی کوتاه بیانگر تشکر ما از خدایی است که با روح خود زندگی‌مان را در دستان خود گرفته، صورت مسیح را در ما شکل می‌دهد.

بیایید در پایان این درس، این سرود را دعای خود سازیم.

بگذار تا زیبایی مسیح در من دیده شود

بگذار تا شفقت و پاکی او در من جای گیرد

آه ای روح خدا

همه وجودم را پاک کن

تا زیبایی مسیح در من دیده شود.

خودآزمایی

سؤالات صحیح - غلط.

- (۱) هدف از تقدیس، ایجاد زندگی صحیحی است که منعکس‌کننده رابطه شخص با خدا می‌باشد تا او هر چه بیشتر از لحاظ روحانی رشد کند.
- (۲) ماهیت تقدیس در بردارنده جدایی از جهان گناهکار و همچنین جدا شدن برای خدمت خدا می‌باشد.
- (۳) تقدیس بیانگر تجربه بحرانی یا قاطعی در ایماندار است که طی آن انسانیت کهنه نابود می‌گردد و انسانیت تازه، کنترل کامل زندگی شخص را به دست می‌گیرد.
- (۴) تقدیس، عمل فیض‌بخش خدا است که توسط آن تمامیت وجود ما احیا گشته، به شباهت خدا درمی‌آید.
- (۵) خدمت روح خدا در زندگی ما آن است که ما را قادر می‌سازد تا بر سرشت گناه‌آلود غلبه کنیم و هرچه بیشتر پاک و راست زندگی کنیم.
- (۶) منظور پولس از در آوردن «انسانیت کهنه» و پوشیدن «انسانیت جدید»، بیان تجربیات روحانی است که یک بار و برای همیشه در زندگی یک مسیحی به وجود می‌آید.
- (۷) ثمره تقدیس، محبت به خدا، زندگی با هدایت روح خدا، تنفر از گناه، شبیه مسیح شدن و تجلی ثمره روح در روابطمان با دیگران می‌باشد.
- (۸) تقدیس موضعی، به تغییر جایگاه و موضع ایماندار اشاره دارد که در زمان تولد تازه ایجاد می‌گردد و فرد طی آن، خدای قدوس را می‌پرستد.

- (۹) تقدیس پیش‌رونده، از جایگاه ایماندار در برابر خدا در زمان عادل‌شمردگی سخن می‌گوید.
- (۱۰) شخص پس از تولد تازه، از لحاظ جایگاه خود در مسیح کامل محسوب می‌گردد اما می‌باید هر روزه در رابطه خود با خدا بکوشد تا کامل گردد.
- (۱۱) کمال‌گرایی، آموزه‌ای است که عده‌ای بر اساس آن اعتقاد دارند انسان می‌تواند به یک زندگی مصون از خطا و گناه دست یابد.
- (۱۲) عده‌ای از مسیحیان تعلیم می‌دهند که تقدیس، تجربه قاطعی است که طی آن شخص به یک باره کامل می‌گردد.
- (۱۳) عده‌ای از مسیحیان معتقدند که تقدیس همان تعمید روح‌القدس است.
- (۱۴) پولس رسول از طریق نابودی سرشت کهنه خود، بر زندگی توأم با شکست خود پیروزی به‌دست آورد.
- (۱۵) ایماندار باید برای تحقق تجربه تقدیس، زندگیش را تسلیم خدا نماید و به روح خدا اجازه دهد تا کنترل زندگی را به‌دست گیرد.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

- (۱۰) ابعاد تقدیس طرق کسب تقدیس
- | | |
|---------------|---|
| (a) پیش‌رونده | روح القدس |
| (b) پیش‌رونده | با تازه نمودن افکارش شخص را دگرگون می‌کند |
| (c) موضعی | اتحاد با عیسی مسیح |
| (d) موضعی | در نام خداوند عیسی |
| (e) پیش‌رونده | روح القدس |
| (f) موضعی | مرگ ما با مسیح |
| (g) پیش‌رونده | زندگی با احترام به خدا |
| (h) موضعی | مرگ ما با مسیح |
| (i) موضعی | مرگ و حیات با مسیح |
| (j) پیش‌رونده | به مرگ سپردن هوس‌های این جهان |
| (k) پیش‌رونده | کمک خدا |
- (۱) (b) در تقدیس، مسیح خداوند زندگی شخص می‌گردد. انسانیت تازه، سرشت جدید او می‌گردد ولی او باید دائماً با انسانیت کهنه خود مبارزه کند تا آن را تحت کنترل خود نگه‌دارد.
- (۱۱) پس از آنکه به مسیح ایمان می‌آوریم، زیرا که در مرگ و قیام او سهیم می‌گردیم.
- (۲) ثمره برکات الهی در اعمال نیکو تجلی می‌یابد. اعمال نیکوی ما را تنها خدایی می‌بیند که از رفتار و انگیزه‌های پاک ما آگاه است تا هر چه بیشتر به شباهت عیسی مسیح درآییم.

(۱۲) a) ۲- تجربه‌ای پیش‌رونده می‌باشد

(b) ۱- زمان نجات ایجاد می‌گردد

(c) ۱- زمان نجات ایجاد می‌گردد

(d) ۲- تجربه‌ای پیش‌رونده می‌باشد

(۳) c) هر دو

(۱۳) a) کاملیت موضعی در مسیح

(b) رشد روحانی در مقابل عدم رشد روحانی

(c) کاملیت پیش‌رونده

(d) رشد کردن و اطاعت کامل از اراده خدا

(e) کاملیت نهایی در آسمان

(۴) a) اشعیا خود را در برابر قدوسیت مهیب خدا، بی‌ارزش و کوچک می‌دید.

او خود را در حضور قدوس و پاک خدا گناهکار می‌دید.

(b) انسان هرچه بیشتر به خدا نزدیک شود، بیشتر احساس گناه می‌کند و

برای خطایای خود متأسف می‌گردد.

(۱۴) b) نشان دادن محبت خداگونه، از جانب مسیحیان برای دوستان و دشمنان

است.

(۵) a) زمین

(b) بدن انسان

(c) خانه یا زمینی که وقف خدا می‌گردد.

(d) نخست‌زاده انسان یا حیوان

(e) شهر مقدس (اورشلیم)

(۱۵) a درست

(b) غلط

(c) درست

(۱۶) a غلط

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(۱۶) a ۱- موضعی

(b) ۲- پیش‌رونده

(c) ۲- پیش‌رونده

(d) ۱- موضعی

(e) ۱- موضعی

(f) ۲- پیش‌رونده

(۷) a تمام جوانب زندگی و همه روابط ما را در برمی‌گیرد. زندگی‌ای که تحت هدایت و کنترل روح خدا است.

(۱۷) c ایمانداران به مسیح هستند که کلیسا را بنا می‌کنند.

(۸) a به ایمانداران قدرت موعظه بخشید.

(b) به ایمانداران قدرت داد تا درباره مسیح شهادت دهند.

(c) ایمانداران به زبان‌ها تکلم کردند و با دلیری کلام خدا را موعظه کردند.

(d) ایمانداران به زبان‌ها تکلم کردند.

(۱۸) b ایجاد تغییر در ایماندار است تا او هرچه بیشتر به شباهت مسیح درآید.

(۹) a درست

(b) درست

(c) غلط

(d) درست

(e) غلط

(f) درست

(g) درست

(h) درست

(i) غلط

(۱۹) (a) خدا از طریق روح القدس، و خود ایماندار.

(b) او باید به مسیح ایمان بیاورد تا تولد تازه یابد و خدا به او ذات و سرشت جدیدی عطا کند. شخص باید بکوشد تا زندگی مقدسی داشته باشد و به سرشت جدید خود اجازه دهد تا بر سرشت کهنه و شریر غلبه یابد.

(c) کلام خدا آشکارکننده انگیزه‌های قلب ما است. کلام خدا ما را یاری می‌دهد تا بر ناامیدی‌ها فائق آییم و هرچه بیشتر مقدس گردیم.

(d) تسلیم به معنای جدایی از گناه و وقف شدن به خدا است. باید همیشه آماده باشیم تا کار صحیح و خوب را انجام دهیم.

(e) هنگامی که با روحیه مناسب و مثبت، با ناملایمات زندگی برخورد کنیم، آنها ما را تقدیس می‌کنند.

تکمیل نجات انسان: جلال آینده

انسان از بدو آفرینش، همیشه در تکاپوی داشتن زندگی آرمانی برای خود بوده است. آدم و حوا کوشیدند تا فاصله بین خودشان و خدا را که با خوردن میوه ممنوعه ایجاد شده بود به این وسیله پر کنند (پیدایش باب ۳). سپس انسان با ساختن برج بابل کوشید تا خود را از بلایای طبیعی حفظ کند (پیدایش ۱۱). تاریخ، بیانگر کاوش انسان برای اکسیر فناپذیر حیات است، حیاتی که انسان را از کهولت و مرگ حفظ کند. دولت‌ها به تمهیدات متعددی متوسل شدند تا قوانینی جامع و کامل خلق نمایند. انسان همیشه برای ایجاد سلامتی و آزادی کامل از درد و مرض در تلاش بوده است اما هیچ یک از این تلاش‌ها ثمری موفقیت‌آمیز نداشته است. زیرا کلام خدا می‌گوید: «مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است» (عبرانیان ۹: ۲۷). خدا آنچه را که همیشه انسان در آرزویش بوده ولی نتوانسته به آن دست بیابد، به رایگان به او عطا می‌کند. این درس، نشانگر هدیه خدا به اشخاصی است که نجات او را می‌پذیرند. نجاتی که به جلال ختم می‌گردد.

در جلال آینده، ما شاهد پایان گناه، مرض، بیماری، درد و مرگ، فقر، جنگ‌ها، بی‌عدالتی و همه مظاهر بد دیگر خواهیم بود. بدین ترتیب، جلال خدا زمین را خواهد پوشاند و قلب‌ها و ذهن‌های نجات‌یافتگان را مملو خواهد ساخت. شناخت این حقایق به ما کمک می‌کند تا با آینده‌نگری خدا را خدمت کنیم و در انتظار جلال یافتن خود باشیم.



رئوس مطالب

مرور نجات
تعریف جلال
بنیان جلال
اطمینان جلال
ماهیت جلال

اهداف درس

- در پایان این درس باید بتوانید:
- ارتباط آموزه‌های دیگر نجات را با آموزه جلال درک کنید.
 - اطمینان جلال آینده را شرح دهید.
 - ماهیت جلال را توضیح دهید.
 - با اشتیاق در انتظار تکمیل نجات خود باشید.

فعالیت‌های یادگیری

- (۱) رساله رومیان ۸:۱۸-۲۵ را چند بار بخوانید. همچنین دوم قرن‌تیاں ۵:۱-۵ و اول قرن‌تیاں ۱۵:۱-۵۷ و سایر آیات درس را نیز مطالعه نمایید.
- (۲) در پایان درس به خودآزمایی پاسخ دهید.
- (۳) در پایان درس، بخش سوم را دوباره مرور نمایید و به خودآزمایی ۳ پاسخ دهید.

متن درس

مرور نجات

در درس‌های گذشته، آموزه نجات را به صورت یک سلسله وقایع بررسی نمودیم. دیدیم که انسان گناهکار پس از آنکه از گناهانش توبه می‌کند و به مسیح ایمان می‌آورد، از آموزش الهی بهره‌مند می‌گردد و بدین ترتیب سایر مواهب نجات یک به یک ایجاد می‌گردند. همانگونه که اشاره کردیم، تنها به منظور یک بررسی سیستماتیک و هدفدار، ترتیبی مشخص برای آموزه نجات قائل شدیم. پیش از آنکه آخرین واقعه نجات را بررسی نماییم، مروری مختصر بر درس‌های گذشته خواهیم داشت.

(۱) آموختیم که هدف ازلی خدا پیش از خلقت کائنات، نجات انسان از طریق اتحاد با عیسی مسیح می‌باشد. اراده خدا آن است که انسان متعلق به او باشد و در حضورش مقدس و بی‌عیب گردد. این مطالب را تحت عنوان آموزه گزینش و پیش‌تعیینی بررسی نمودیم. دیدیم که تمامی این مواهب محض فیض و محبت خدا است.

(۲) هنگامی که خدا انسان را خلق کرد، به او آزادی انتخاب بخشید تا در برابر محبت و فیض خدا واکنشی مثبت یا منفی نشان دهد. آدم با اراده آزاد خود از خدا ناطاعتی کرد و مشارکت خود را با خدا از دست داد.

(۳) به بررسی نتایج گناه پرداختیم که عبارتند از: جدایی از خدا، مرگ روحانی و محکومیت. در واقع نجات انسان به خاطر گناه آدم، ضروری گشت. گناه آدم، تمام نسل انسان را آلوده نمود.

(۴) خدا به خاطر عدالت خود، کفاره‌ای مهیا نمود و بدین ترتیب تاوان مجازات گناهکار را به طور کامل پرداخت. زیرا که مسیح برای گناهان انسان مجازات شد. او به خاطر سرشت گناه‌آلودی که از آدم به نسل انسان منتقل شد و نیز به خاطر گناهانی که انسان مرتکب می‌شود، روی صلیب جان باخت. مسیح به جای انسان جریمه گناهان او را پرداخت و قربانی مقبول خدا گشت.

(۵) هدیه سخاوتمندانه خدا، تمام نیازهای روحانی انسان را رفع می‌کند که عبارتند از:

- الف) گناهان انسان را می‌پوشاند.
- ب) غضب خدا را از گناه انسان برمی‌دارد.
- ج) انسان را با خدا مصالحه می‌دهد.
- د) عدالت خدا را تحقق می‌بخشد.
- ه) تاوان گناه را می‌پردازد.
- و) محکومیت را از ایماندار برمی‌دارد.

این مطالب، نکات برجسته درس‌های ۱ و ۵ می‌باشند و بیانگر اراده خدا در نجات انسان هستند.

۱) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید. مطالب درس‌های ۱ و ۵ را به خاطر بسپارید.

a) خدا عده‌ای را از ازل در مسیح برگزید تا برای او مقدس و بی‌عیب باشند.

b) خدا از ازل تصمیم گرفت که چه اشخاصی نجات یابند و چه اشخاصی هلاک گردند.

c) نجات، فیض خدا است که به شایستگی شخص ارتباطی ندارد.

d) چون انسان از آدم سرشت گناهکار را به ارث برده است، پس شخصاً گناهکار نیست.

e) کفاره، شامل پوشش گناه، فرونشستن غضب الهی، و مصالحه خدا با انسان گناهکار، نجات گناهکار و احیای رابطه خدا با انسان می‌باشد.

توبه، آغازگر زنجیر بازگشت است. انسان با شناخت گناهش، آن را به خدا اعتراف می‌کند و از آن دست می‌کشد. توبه واقعی، ثمراتی را در زندگی شخص به بار می‌آورد. ایمان حلقه بعدی این زنجیر است. ایمان، عملی آگاهانه و داوطلبانه است که شخص تمام اعتماد خود را بر موضوع ایمان می‌نهد و به آن اجازه می‌دهد تا زندگی و اعمالش را کنترل کند. توبه به معنای بازگشت از گناه و ایمان، به معنای بازگشت به سوی خدا می‌باشد. هنگامی که شخص از گناه به سوی خدا باز می‌گردد، بازگشت را تجربه می‌کند. این مفاهیم را در بخش اول کتاب، تحت عنوان «آنچه خدا درخواست می‌کند» بررسی کردیم.

در بخش ۲، به بررسی آنچه خدا تدارک می‌بیند، پرداختیم که شامل تجدید حیات، عادل‌شمردگی و فرزندخواندگی بودند. تجدید حیات، عملکرد الهی است که خدا توسط آن حیات روحانی را به انسان گناهکاری که توبه می‌کند و به خداوندی مسیح ایمان می‌آورد، می‌بخشد. روح‌القدس عامل این تغییر فوق طبیعی و ناگهانی است و حیاتی را که او به ایماندار می‌بخشد، تولد تازه نامیدیم. همزمان با ایجاد استمرار این تغییر، خدا شخص را با فیض رایگان خود عادل محسوب می‌کند. او

همه گناهان انسان را می‌بخشد و او را در حضور خود عادل می‌بیند. شخص عادل شمرده شده، موضع و جایگاه جدیدی پیدا می‌کند. او بی‌گناه محسوب می‌گردد. خدا عدالت مسیح را برای شخص گناهکار محسوب می‌کند. عدالتی که تنها با ایمان حاصل می‌گردد. علاوه بر آن، پدر آسمانی، ما را در خانواده الهی، به فرزند خود می‌پذیرد تا ما به عنوان فرزندان خدا از تمام حقوق و مزایای یک فرزند برخوردار باشیم.

بنابراین می‌بینیم که

- در تجدید حیات، شخص سرشت جدیدی می‌یابد.

- در عادل‌شمردگی، شخص جایگاه و موضع جدیدی می‌یابد.

- در فرزندخواندگی، شخص مقام جدیدی می‌یابد.

در درس قبل، به بررسی آموزه تقدیس پرداختیم. دیدیم که چون خدا مقدس است، پس ما نیز باید در زندگی مان مقدس باشیم. تقدیس به معنای جدایی از گناه و جدا شدن برای اطاعت و وقف خدا می‌باشد. خدا در هنگام تولد تازه، قدوسیت مسیح را برای ما محسوب می‌دارد و زندگی جدید ما با هدایت روح همراه می‌گردد و هر روز با شناخت عمیق‌تر خدا، بیشتر به شباهت مسیح در می‌آییم.

در این درس، به بررسی سرنوشت ابدی خود خواهیم پرداخت. آنجا که همه ما در حضور نجات‌دهنده ما، مسیح جمع خواهیم شد. در این درس، به بُعد نهایی آموزه نجات می‌پردازیم. بعدی که همه خلقت مشتاقانه منتظر تجلی آن است یعنی جلال آینده ما (رومیان ۸: ۱۸-۲۵).

۲) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست مفاهیم اساسی

نجات و ستون سمت چپ تعاریف آنها می‌باشد.

- | | |
|-----------------------|-----------------|
| (۱) موضع جدید | a) جلال |
| (۲) بازگشت به سوی خدا | b) بازگشت |
| (۳) پوشش گناه | c) فرزندخواندگی |

(۴) به شباهت مسیح در آمدن	(d) توبه
(۵) مقام جدید	(e) گزینش و پیش تعیینی
(۶) بیانگر تغییر جهت کامل در زندگی است.	(f) کفاره
(۷) بازگشت از گناه	(g) ایمان
(۸) عملکرد خدا از ازل	(h) تجدید حیات
(۹) سرشت جدید	(i) تقدیس
(۱۰) هدف نهایی	(j) عادل شمردگی

تعریف جلال

اگر زنجیر نجات را حلقه به حلقه بررسی کنیم، در می یابیم که آنچه را که خدا شروع کرده، به طور قطع به کمال می رساند. سکونت روح خدا در ما تنها بیعانه و آغازگر حیات جاودان است که در آینده تحقق می یابد. پولس می گوید: «چونکه به این اعتماد دارم که او که عمل نیکو را در شما شروع کرد آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید» (فیلیپیان ۱:۶). بنابراین جلال که حلقه نهایی این زنجیر می باشد، در روز عیسی مسیح به وقوع می پیوندد و خدا کار با شکوه و عظیم خود را در نجات انسان به کمال خواهد رساند. ما انتظار آن روز را می کشیم. روزی که رخدادش نویدبخش آزادی کامل ما و تمام خلقت می باشد (رومیان ۸:۲۱-۲۳).

اما معنای روز مسیح عیسی چه می باشد؟ آن روز، روز بازگشت مسیح برای خاصان و نجات یافتگان از گناه است. او برای کلیسای خود و تمام اشخاصی که به او اعتماد کردند باز می گردد. در اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۵:۲ می خوانیم که: «زیرا خود خداوند با صدا و آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید. اما ای برادران در

خصوص وقت‌ها و زمان‌ها، احتیاج ندارید که به شما بنویسم. زیرا خود شما به تحقیق آگاهید که روز خداوند چون دزد در شب می‌آید.»

و همچنین در اول قرن‌های ۱۵: ۵۱-۵۲ و ۵۸ می‌خوانیم که: «همانا به شما سِرّی می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد. در لحظه‌ای، در طرفه‌العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد. بنابراین ای برادرانِ حبیبِ من پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست.»

و همچنین در فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱ می‌خوانیم که: «اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات‌دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم، که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، برحسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند.»

آفرینش، واقعه‌ای تاریخی است و جلال آینده اوج این واقعه می‌باشد و به‌طور حتم روی خواهد داد و ما در حضور خدا متبدل گشته، جلال خواهیم یافت (اول قرن‌های ۱۵: ۵۴). بنابراین، می‌توان جلال را عملکرد الهی دانست که در آن خدا نجات ما را به کمال خواهد رساند و ما را از لحاظ اخلاقی برای ابدیت آماده خواهد کرد و در حضور او بدنی با جلال مثل مسیح خواهیم داشت (فیلیپیان ۳: ۲۱). دو هزار سال پیش پولس نیز مثل ما اشتیاق خود را برای تحقق چنین روزی، به ایمانداران شهر روم بیان کرد (رومیان ۸: ۱۸-۲۵). ما نیز چون مسیحیان عبرانی زبان، لذت عطایای سماوی و قوت عالم آینده را چشیده‌ایم (عبرانیان ۶: ۵). قوت عالم آینده، دل و ذهن ما را چون آهنربایی نیرومند به سوی خانه آسمانی ما می‌کشد.

(۳) روز خداوند در چه زمانی به وقوع می‌پیوندد؟

(۴) در روز خداوند برای مسیحیان چه اتفاقی می‌افتد؟

(۵) با توجه به عبارت فوق، جلال آینده.....

(a) بیانگر ماهیت تجربه نجات انسان است.

(b) عملکردی است که خدا توسط آن ایمانداران را تقدیس کرده، به آسمان

می برد.

(c) عملکرد الهی است که خدا در آن، نجات انسان را به کمال می رساند و ما را

از لحاظ اخلاقی برای ابدیت و زندگی در حضور خود آماده می گرداند.

بنیان جلال

عمل کفاره کننده مسیح، سرچشمه تمام ابعاد نجات می باشد. جلال آینده ما نیز به خاطر مرگ، قیام و شفاعت مسیح است. مرگ مسیح، پاسخی قاطع به تمام لطامات گناه است و برکات زیر را به ارمغان می آورد:

(۱) عدالت خدا را به انجام می رساند (رومیان ۳: ۲۵).

(۲) خدا را با انسان مصالحه می دهد (دوم قرنتیان ۵: ۱۸-۲۱).

(۳) تطهیر گناه را به انجام می رساند (عبرانیان ۱: ۳).

(۴) نجات تحقق می یابد (افسیسیان ۱: ۷).

قیام مسیح، نشانگر رضایت خدا از قربانی مسیح است. پولس رسول در باب معروف مربوط به قیامت مردگان، در اول قرنتیان باب ۱۵ می گوید که چون مسیح از مردگان برخاست ما نیز قیام خواهیم کرد.

کار مسیح برای ما تنها با مرگ و قیام او ختم نمی گردد. او در حضور پدر خود در آسمان برای ما شفاعت می کند (رومیان ۸: ۳۴ و عبرانیان ۷: ۲۵). عیسی به ما اطمینان داد که برای ما شفاعت خواهد کرد (لوقا ۲۲: ۳۲، یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۹: ۱۷ را بخوانید). شفاعت مسیح آنانی را که با خون او خریداری شده اند، از لغزش دور نگه می دارد تا همیشه در حضور خدا باشند.

- (۶) با توجه به مطالب فوق‌الذکر به سؤالات زیر در دفتر خود پاسخ دهید.
- (a) چه اطمینانی به قیام ما از مردگان وجود دارد تا همیشه با مسیح باشیم؟
- (b) با عبارات خود به اختصار شرح دهید که چگونه مرگ مسیح جلال آینده را برای ما مهیا می‌سازد؟
- (c) وقتی مسیح گفت که برای ما ایمانداران شفاعت خواهد کرد، منظورش چه بود؟
- (۷) جلوی عبارتی که توضیح صحیح مفهوم بنیان و پایه جلال می‌باشد، علامت بگذارید:
- (a) جلال یافتن کاملاً وابسته به وفاداری ایماندار و نتیجه تقدیس کامل او می‌باشد.
- (b) بنیان جلال، مرگ، قیام و شفاعت مسیح است.
- (c) جلال یافتن، نتیجه اعمال خوب ایماندار می‌باشد و پایه آن عدالت شخصی است.

اطمینان جلال

تجلی جلال تمام خلقت در آینده، حقیقتی است که بنیان آن فداکاری مسیح بر روی صلیب در تاریخ بشر می‌باشد. در کلام خدا اطمینان جلال را می‌توان در واژه‌های خاصی دید که تمام آنها بیانگر فیض خدا می‌باشند و به زندگی ایماندار معنا و مفهوم بیشتری می‌بخشند.

۸) آیات زیر را بخوانید و در هر یک واژه‌هایی را که بیانگر اطمینان جلال می‌باشند بیابید.

- a) تیطس ۲:۱ و اول یوحنا ۲:۲۵
 - b) اول قرنتیان ۲۰:۱۵ و ۲۳
 - c) دوم قرنتیان ۲۲:۱ و ۵:۵ و افسسیان ۱۴:۱
 - d) دوم قرنتیان ۲۲:۱ و افسسیان ۱۳:۱ و ۳۰:۴
 - e) افسسیان ۱:۱ و ۱۸، ۵:۵، کولسیان ۳:۲۴، عبرانیان ۹:۱۵ و اول پطرس ۱:۳-۴
- ۹) دو ستون زیر را با یکدیگر تطبیق دهید. قبل از انجام این کار، واژه‌هایی را که در تمرین فوق بیانگر اطمینان جلال بودند، مرور نمایید. این تمرین به شما کمک می‌کند تا اهمیت این واژه‌ها را به‌خوبی درک کنید.

- a) بیانگر مالکیت و امنیت است و تحقق روزی را تضمین می‌کند که رهایی ما به‌طور کامل انجام خواهد پذیرفت.
- b) بیعانه‌ای است که متضمن برکت تمام و کمال در آینده می‌باشد.
- c) تحقق آن در آینده است.
- d) چیزی است که در آینده نصیبمان می‌گردد.
- d) نویددهنده کل محصول می‌باشد. محصولی زیاد و پر بار.

۱) وعده

۲) نوبر محصول

۳) بیعانه یا وثیقه

۴) مهر

۵) ارث

این واژه‌ها بیانگر تحقق کامل برکات نجات در آینده می‌باشند. تجربه نجات ما در زمان حاضر، تنها آغازگر برکاتی است که در روز عیسی مسیح به کمال می‌رسد (فیلیپیان ۱:۶)

ماهیت جلال

کمال جان و روح

جلال در ابتدا بیانگر کمال اخلاقی است. یوحنا می‌گوید: «مانند او خواهیم بود» (اول یوحنا ۳:۲). این عبارت، به معنای آن است که ما مثل خدا از لحاظ اخلاقی کامل می‌شویم نه آنکه خدا می‌گردیم. هنگامی که جلال یافته در حضور خدا بایستیم، دیگر توانایی ارتکاب گناه نخواهیم داشت. جلال، برای همیشه امکان سقوط مجدد ما را به گناه رفع می‌کند. ما نیز تا به ابد مثل او بی‌گناه خواهیم بود.

آیات زیر تحقق کمال جان و روح را نشان می‌دهند. واژه‌های یونانی عهدجدید نیز در پراکنش نوشته شده تا درجه کمال را مشخص سازند. آیات را با دقت بخوانید.

۱- کولسیان ۲۲:۱ و افسسیان ۴:۱ و ۲۷:۵ (amomos) - بیانگر آن است که از لحاظ اخلاقی بدون لکه و یا بی‌عیب خواهیم بود.

۲- کولسیان ۲۲:۱ (hagios) - بیانگر آن است که ما در مسیح پاک، بی‌عیب و بی‌آلایش خواهیم بود و با قدوسیت خدا هماهنگ خواهیم گشت.

۳- فیلیپیان ۱۰:۱ (aproskopos) - بیانگر آن است که بی‌تقصیر خواهیم بود. دیگر هیچ چیز سبب لغزش ما نخواهد شد. دیگر هیچ چیز نخواهد توانست ما را از لحاظ اخلاقی سرزنش یا متهم کند.

۴- فیلیپیان ۱۰:۱ (eiliknines همراه با aproskopos) - بیانگر پاکی، بی‌تقصیری و بی‌عیب بودن می‌باشد.

۵- اول قرن‌تین ۸:۱ (anegkletos) - بیانگر رفع هر نوع اتهامی می‌باشد. به همین دلیل، در روز عیسی مسیح در حضور خدا از همه اتهامات اخلاقی آزاد خواهیم بود.

۶- اول تسالونیکیان ۱۳:۳ و ۲۳:۵ (amemptos) - تمامیت وجود ما که شامل روح، جان و جسم می‌باشند در حضور خدا بی‌عیب خواهند بود.

۷- افسسیان ۲۷-۲۵:۵ (spilos , rhutis) - کلیسا بدون هیچ لکه و عیب یا هر نقص دیگری خواهد بود.

آموزه کمال را می‌توان با توجه به تمامی این آیات شناخت. بشر از زمان سقوط آدم در باغ عدن (پیدایش ۳) مشتاق کمال اخلاقی بوده است. علاوه بر آن، جامعه نیز متحول و کامل خواهد بود زیرا انسان‌های کاملی آن را تشکیل خواهند داد. بهشتی چنین با شکوه، ابدیتی را برای ما رقم می‌زند که فراتر از زیباترین و بزرگترین آرزوهای ما می‌باشد. زیرا در آنجا دیگر شاهد مرض و فقر، جنگ و بی‌عدالتی نخواهیم بود و ساکنین آن را انسان‌های منوری تشکیل خواهند داد که از گناه‌رهای یافته، از خلقت عظیم و زیبای خدا لذت می‌برند و برای تمامی این برکات خدا را جلال می‌دهند.

۱۰) جلوی عبارات صحیح علامت بزنید.

a) یوحنا رسول می‌گوید «مانند او خواهیم بود.» این عبارت به معنای آن است که سرانجام انسان خدا خواهد شد.

b) جلال یافتن، تجربه و یا واقعه‌ای است که در روز مسیح اتفاق خواهد افتاد که پس از آن دیگر امکان سقوط مجدد ما به گناه وجود نخواهد داشت.

c) واژه‌های یونانی که بیانگر کمال اخلاقی می‌باشند، نشانگر فقدان نقص اخلاقی، آزادی از هر نوع اتهام، و سرزنش، بی‌تقصیری، بی‌لکه و مقدس بودن در مسیح و هماهنگی با قدوسیت خدا و بی‌عیبی هستند.

d) جلال آینده شامل جامعه‌ای خواهد بود که از لحاظ اخلاقی نیز کامل است.

شرکت در حیات جاودان

جلال شامل شراکت کامل ما در حیات جاودان است. یوحنا می گوید که اکنون نیز حیات جاوید را داریم، اما تحقق کامل آن در آینده روی خواهد داد. شاید با این مثال بهتر بتوانیم موضوع را شرح دهیم. در هنگام تجدید حیات، تخم حیات ابدی در ما کاشته می شود و شروع به رشد می کند اما تنها در روز عیسی مسیح به رشد کامل رسیده، میوه می دهد.

حیات جاوید دو بعد دارد: ۱) حیاتی با ویژگی و کیفیتی برتر و ۲) حیاتی بی پایان و ابدی. در هنگام تولد تازه، رابطه ما با خدا احیا می گردد و زندگی جدیدی می یابیم. به عبارت دیگر حیات خدا به زندگی ما روح و طراوت می بخشد. زندگی ما دیگر به هیچ وجه قابل مقایسه با زندگی گذشته مان نمی باشد. در واقع حیاتی وافر و مملو از برکت ما را در برگرفته است.

جلال، بخشنده حیات جاوید با تمام عظمت و مواهب آن است. رابطه ما با خدا رابطه ای پر جلال و کامل خواهد بود که فراتر از قوه درک و ذهن محدود ما می باشد زیرا که رابطه ای کامل، نامحدود ایده آل و آرمانی خواهد بود. حیات جاوید با تمام برکاتش تا به ابد نصیب ما می گردد.

۱۱) جلال آینده، شراکت کامل در حیات جاوید را به همراه دارد. این جمله به معنای آن است که

a) ایمانداران از حیات جاودان بهره نخواهند برد.
b) مسیحیان، اکنون حیات جاوید را دارند اما تحقق کامل آن در آینده روی می دهد.

c) شخص با رشد روحانی کامل خود به حیات جاودان دست می یابد.

تحقق کامل آزادی

نجات، برکاتی را به همراه دارد که دستیابی به آنها به صورت طبیعی غیر ممکن است. مسیحیان با تسلیم خود به مسیح از گناه آزاد می گردند. عیسی گفت: «حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد» (یوحنا ۸:۳۲). او افزود: «اگر پسر، شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود» (یوحنا ۸:۳۶). حقیقتی که در کلمه خدا، عیسی مسیح آشکار شد به واقع انسان را آزاد می کند.

انسان همیشه در پی آزادی بوده است و خدا وعده آزادی را به انسان می بخشد. اما اگر انسان اراده خود را تسلیم خدا نکند، در اسارت گناه باقی خواهد ماند و همیشه برده گناه، ناامیدی و مرگ خواهد بود.

جلال، بیانگر تحقق کامل آزادی است؛ آزادی از هر نوع فساد، آلودگی و گناه. آزادی ما از گناه اکنون کامل نمی باشد (یوحنا ۸:۳۲-۳۶، رومیان ۶-۸ و غلاطیان ۱:۵ و ۱۳)، اما در روز مسیح کامل خواهد گشت. اکنون با خواهش های نفس خود مبارزه می کنیم اما در آن روز مبارزه پایان خواهد یافت و برای نیکویی کردن آزاد خواهیم بود.

جلال آینده، آزادی از شریعت را نیز برای ما به ارمغان می آورد. ما در مسیح عادل محسوب می شویم و تقدیس می گردیم و دیگر از شریعت آزاد می باشیم. اکنون در زندگی ما قوانین اخلاقی خدا هادی هستند اما در ابدیت دیگر به آن قوانین نیازی نخواهیم داشت (متی ۵:۱۷-۱۸). و سرانجام جلال آینده، رهایی از مرگ را برای ما به ارمغان می آورد. مسیحیان مرگ را می چشند اما از نیش آن در امان هستند (اول قرنیتان ۱۵:۵۱-۵۶).

مرگ و قیام مسیح ترس ما را از مرگ رفع می کند (عبرانیان ۲:۱۴-۱۸). پیروزی نهایی را در جلال آینده خواهیم دید. زیرا که مرگ دیگر وجود ندارد.

اکنون می توانیم از تحقق کامل آزادی خود در مسیح شادمان گردیم (نگاه کنید به رومیان ۸:۱۸-۲۵ و دوم قرنیتان ۴:۱۶-۱۸). اکنون فرزندان خدا هستیم (اول یوحنا ۳:۲) و می کوشیم تا مثل خداوند خود گردیم و به شباهت کامل او در آییم (رومیان

۸: ۲۹-۳۰). در جلال، انسانیت ما به شباهت کامل ذات انسانی خداوند ما عیسی مسیح درخواهد آمد.

۱۲) جلال، تغییر و تبدیل با شکوهی را به همراه دارد. عبارات زیر را که بیانگر ابعاد مختلف جلال می باشند، کامل کنید.

- a) جلال آینده آرزوی انسانی را برای تحقق کامل خود به انجام می رساند.
- b) آزادی مسیحیان ثمره آنها به خداوند عیسی مسیح می باشد.
- c) مسیحیان از و و آزاد خواهند شد.
- d) انسانیت ما به شباهت کامل ذات انسانی درخواهد آمد.

کامل شدن بدن

جلال آینده، تمامیت وجود ما را دربرمی گیرد. بنابراین شامل بدن ما نیز می شود. کتاب مقدس ارزش زیادی برای بدن قائل می باشد و هیچ وقت آن را گناه آلود نخوانده است. در حقیقت طبق پیدایش ۱: ۲۶-۳۰ تمامیت وجود ما به صورت خدا خلق شد. خدا در هنگام خلق بدن آدم، آن را نیکو خواند (پیدایش ۱: ۳۱). در عهدجدید واژه جسم، به سرشت گناه آلود انسان اشاره دارد که کمال انسانیت کهنه و خودمحور است. عهدجدید بدن را بخشی از وجود انسان می داند. انسان به خاطر اندام های خود از جمله گوش، چشم، دست و پا و غیره گناهکار نمی باشد. فعالیت های طبیعی بدن بد قلمداد نمی شود. بنابراین بدن نیز چون چیزی از وجود ما است در جلال آینده سهم می گردد. به خاطر بسپارید که تمامیت وجود انسان یعنی روح، جان و بدن در جلال سهم می گردند.

۱۳) دوم قرن‌تین ۵:۱-۵ را بخوانید و جاهای خالی را پر کنید.

a) پولس می‌گوید که در حیات جاوید، ما خواهیم داشت. بنابراین بدون بدن نخواهیم بود.

b) اکنون در انتظار رهایی از بدن زمینی خود آه می‌کشیم اما در ابدیت خواهیم داشت. بنابراین زندگی فانی ما در حیات غرق می‌گردد.

c) خدا ما را برای چنین تبدیلی آماده می‌کند و به ما را می‌بخشد که بیعانه و ضامن برکات آینده است.

پولس، در این آیات بیان می‌کند که بدن عضو لاینفک وجود انسان چه در این دنیا و چه در ابدیت می‌باشد. اگر چه بسیاری از اقوام بت‌پرست در گذشته بدن را سم روح و جان می‌دانستند، اما پولس آن را هیکل روح‌القدس می‌نامد (اول قرن‌تین ۱۹:۶).

ترجمه قدیمی کتاب مقدس، در فیلیپیان ۲۱:۳ کلمه «ذلیل» را برای بدن به کار می‌برد «شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود». در ترجمه‌های جدیدتر این کلمه تصحیح می‌گردد به «بدن‌های فانی ما را دگرگون خواهد ساخت» (ترجمه تفسیری) و «بدن‌های حقیر ما را تبدیل خواهد کرد» (ترجمه هزاره نو). اکنون بدن ما متأثر از آثار سوء گناه است و هنوز لعنت گناه، درد و مرض و مرگ بر آن قرار دارد. اما در جلال آینده، بدن ما به شکل بدن پرشکوه مسیح در خواهد آمد (فیلیپیان ۲۱:۳ و اول یوحنا ۲:۳).

۱۴) اول قرن‌تین ۵۱:۱۵-۵۷ را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

a) مسیحیان چه وقت وارث جلال آینده می‌گردند؟

b) چه هنگام مردگان در مسیح وارث جلال آینده می‌گردند؟

قیام مردگان و تبدیل کامل مخلوقات، وقایع شگفت‌انگیزی هستند که فراتر از قوه تصور ما می‌باشند. ذهن کوچک و محدود ما قادر به درک واقعه با شکوهی که در روز مسیح مکشوف خواهد گشت و جهان هستی را دگرگون خواهد ساخت نمی‌باشد. ما نیز همچون یوحنا دقیقاً نمی‌دانیم که ماهیت بدن‌های جلال یافته چه خواهد بود (اول یوحنا ۳:۲). پولس می‌گوید که خدا ما را با بدنی آسمانی خواهد پوشانید. پولس همچنین اضافه می‌کند که «به همین نهج است نیز قیامت مردگان. در فساد کاشته می‌شود، و در بی‌فسادی برمی‌خیزد؛ در ذلت کاشته می‌گردد و در جلال برمی‌خیزد؛ در ضعف کاشته می‌شود و در قوت برمی‌خیزد؛ جسم نفسانی کاشته می‌شود و جسم روحانی برمی‌خیزد. اگر جسم نفسانی هست، هر آینه روحانی نیز هست. و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت» (اول قرنتیان ۱۵: ۴۲-۴۴ و ۴۹). پولس قیام بدن را با رشد دانه‌ای مقایسه می‌کند که در زمین کاشته می‌شود. ساقه‌ای که رشد می‌کند، دقیقاً مشابه همان دانه اولیه نمی‌باشد. شکوه و جلال ساقه، کوچکی دانه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بدن قیام کرده نیز با جلال‌تر از بدنی خواهد بود که پس از مرگ دفن می‌گردد. بدن قیام کرده، دقیقاً مشابه بدن دفن شده نخواهد بود. مهم‌تر آنکه قیام مسیح ضامن قیام تمام ایمانداران برای حیات جاودان می‌باشد (اول قرنتیان ۱۵: ۲۰).



دفن شدن



قیام

۱۵) کدام یک از عبارات زیر درباره ماهیت جلال درست می‌باشند جلوی آنها علامت بزنید.

- (a) جلال در ابتدا بیانگر کامل شدن بدن ما می‌باشد.
- (b) هنگامی که جلال یافته در حضور خدا می‌ایستیم، دیگر قادر به گناه کردن نیستیم.
- (c) هنگامی که در روز مسیح عیسی جلال می‌یابیم، تمامیت وجود ما یعنی روح، جان و بدن بی‌عیب خواهد بود.
- (d) جلال به معنای آن است که ما به تدریج به شباهت مسیح درمی‌آییم تا آنکه یک‌روز کاملاً مثل او گردیم.
- (e) کتاب مقدس می‌گوید که «ما مانند مسیح خواهیم بود». این جمله به معنای آن است که ما مثل مسیح بی‌گناه خواهیم گردید.
- (f) جلال به معنای شراکت در حیات جاودان و تحقق کامل آزادی ما می‌باشد.
- (g) جلال آینده، آزادی از گناه، شریعت و مرگ را برای ما به ارمغان می‌آورد.
- (h) بدن ما جلال نخواهد یافت.
- (i) در جلال آینده بدن ما متبدل می‌گردد.
- (j) حیات جاودان بی‌پایان است و برتر از حیات فعلی ما می‌باشد.

بنابراین در جلال آینده، ما شاهد بزرگترین تغییر برای انسان خواهیم بود و تا ابد در حضور خدا به‌سر خواهیم برد. همه خلقت نیز از فساد رهایی خواهد یافت و در چنین آزادی پر جلالی سهم خواهد گشت (رومیان ۸: ۱۹-۲۳). زمینی جدید به وجود خواهد آمد و دیگر شاهد مرگ و تباهی، غم و فغان و درد نخواهیم بود. دیگر تا به ابد اشکی بر چشمان ما نخواهد بود. خدایی که خالق تمام کائنات و رهایی‌دهنده انسان است، خانه‌ای برای ما تا به ابد آماده می‌کند و ما را جلال می‌دهد. ما نیز می‌توانیم مثل پولس با اطمینان و با شادی بگوییم که او که عمل نیکو را در شما شروع کرد آن را تا روز عیسی مسیح به کمال می‌رساند (فیلیپیان ۱: ۶).

خودآزمایی

(۱) جلال، به سایر آموزه‌های نجات مربوط است زیرا.....

- (a) بیانگر تحقق کامل نجات در زندگی مسیحیان می‌باشد.
- (b) قبل از حاضر شدن در حضور مسیح یکی از مراحل رشد روحانی در زندگی شخص می‌باشد.
- (c) از وضعیت ایماندار در آینده سخن می‌گوید و بدین ترتیب کتاب مقدس برای آن اهمیت چندانی قائل نیست.

(۲) اطمینان جلال بر اساس حقایق مشخصی می‌باشد که ثمره کار مسیح در زندگی ایماندار است. این حقایق نشانگر آنند که

- (a) امید داشتن، اساس اطمینان جلال ایماندار است.
- (b) ایمانداران اکنون در همه ابعاد از برکات فرزندخواندگی بهره‌مندند و در انتظار تغییر کوچکی در تجربه جلال خود می‌باشند.
- (c) نجات ما منتظر تحقق کامل خود در آینده است.
- (۳) ماهیت جلال در ابتدا از سخن می‌گوید.

- (a) تغییر فیزیکی
- (b) تغییر روحانی
- (c) کمال اخلاقی

(۴) کدام یک از عبارات زیر جزء جلال نمی‌باشد؟

- (a) تغییر کامل بدن
- (b) زندگی عاری از هر گناه در این جهان
- (c) آزادی نامحدود و حیاتی با ویژگی و کیفیتی برتر

(۵) خداوند تنها درباره برکات آینده به ما وعده‌هایی نداد. او فقط از ما نخواست تا به کلامش اعتماد کنیم و شاد باشیم بلکه.....

- (a) پیام‌آوران قابل اعتماد را برای ما فرستاد تا درباره حیات جاودان با ما سخن بگویند تا امید را در زندگی مان از دست ندهیم.
- (b) روح‌القدس را فرستاد تا به عنوان ضامن برکات آینده در ما ساکن شود.
- (c) عطای نبوت را به کلیسا بخشید تا مسیحیان را از اهداف خود در آینده باخبر سازد.

- (۶) واژه‌های وعده، نوبر محصول، وثیقه یا بیعانه، مهر و ارث همه بیانگر.....
- (a) اطمینان نجات ما می‌باشند که در انتظار تحقق کامل خود می‌باشند.
 - (b) تحقق کامل نجات ما در زمان حاضر می‌باشند.
 - (c) نجات و رهایی ما هستند.

- (۷) هفت واژه یونانی پیرامون کمال آینده نشانگر آند که.....
- (a) انسان جلال یافته با خدا برابر می‌گردد.
 - (b) انسان نجات‌یافته از کمال اخلاقی بهره‌مند می‌گردد که او را برای حیات جاودان مناسب می‌سازد.
 - (c) جلال برای هر فرد مسیحی است اما بر جامعه تأثیری ندارد.

- (۸) بنیان جلال مثل سایر آموزه‌های نجات.....
- (a) در رابطه با میزان همکاری انسان با خدا می‌باشد.
 - (b) در رابطه با رشد روحانی ایمانداران می‌باشد. هر چه شخص بیشتر رشد کند، بیشتر جلال می‌یابد و برعکس.
 - (c) مرگ، قیام و شفاعت مسیح می‌باشد.

۹) جلال یافتن را می‌توان عملکرد خدا دانست که در آن.....

- (a) خدا شخصی را که به او اعتماد می‌کند، نجات می‌دهد.
- (b) خدا نجات را در انسان به کمال می‌رساند و انسان را از لحاظ اخلاقی برای ابدیت آماده می‌کند.
- (c) خدا در آغاز مجازات شریران، عده‌ای منتخب از نجات‌یافتگان را به آسمان می‌برد.

۱۰) در جلال آینده.....

- (a) روح ما جلال می‌یابد زیرا که کمال اخلاق با روح ما مربوط است.
- (b) در هنگام ورود به آسمان از بدن خود آزاد می‌گردیم.
- (c) تمامیت وجود شخص یعنی روح، جان و بدن متبدل می‌گردد.

این آخرین درس از بخش سوم و نیز آخرین درس این کتاب است. بعد از اتمام این خودآزمایی، درس‌های ۹ و ۱۰ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ‌های صحیح تمرین‌ها

(۸) (a) وعده

(b) مسیح نوبر نجات ما نامیده می‌شود. در بعضی ترجمه‌های دیگر واژه ضامن نیز استفاده شده است.

(c) روح القدس ما را مهر می‌کند.

(d) نجات، ارث نامیده می‌شود.

(۱) (a) درست

(b) غلط

(c) درست

(d) غلط

(e) درست

(۹) (a) ۴- مهر

(b) ۳- بیعانه یا وثیقه

(c) ۱- وعده

(d) ۵- ارث

(e) ۲- نوبر محصول

(۲) (a) ۱۰- هدف نهایی

(b) ۶- بیانگر تغییر جهت کامل در زندگی است

(c) ۵- مقام جدید

(d) ۷- بازگشت از گناه

(e) ۸- عملکرد خدا از ازل

(f) ۳- پوشش گناه

(g) ۲- بازگشت به سوی خدا

(h) ۹- سرشت جدید

(i) ۴- به شباهت مسیح در آمدن

(j) ۱- موضع جدید

(۱۰) a غلط

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(۳) هیچ کس نمی داند اما کتاب مقدس به ما می گوید که مسیح مثل دزد در شب می آید.

(۱۱) b) مسیحیان، اکنون حیات جاوید را دارند اما تحقق کامل آن در آینده روی می دهد.

(۴) چه زنده باشیم و چه مرده، قیام خواهیم کرد و خداوند را در آسمان ملاقات خواهیم کرد و متبدل خواهیم شد و مثل او بدن های جلال یافته ای خواهیم داشت.

(۱۲) a) آزادی

(b) تسلیم

(c) گناه، شریعت و مرگ

(d) مسیح

(۵) c) عملکرد الهی است که خدا در آن، نجات انسان را به کمال می رساند و ما را از لحاظ اخلاقی برای ابدیت و زندگی در حضور خود آماده می گرداند.

(۱۳) a) بدن جاودانی

b) بدن آسمانی

c) روح القدس

(۶) a) قیام خود مسیح از مردگان، به ما اطمینان می بخشد که ما نیز قیام خواهیم کرد.

b) مرگ مسیح همه موانع موجود بین ما و خدا را از میان برمی دارد (گناه، جدایی و ناپاکی).

c) او به جای ما نزد پدر دعا می کند تا برای یک زندگی مقدس و پیروزمند توانا گردیم.

(۱۴) a) در هنگام آمدن مسیح

b) پس از قیام از مردگان

b) بنیان جلال، مرگ، قیام و شفاعت مسیح است.

(۱۵) a) غلط (کمال اخلاقی مهمترین بعد جلال می باشد)

b) درست

c) درست

d) غلط

e) درست

f) درست

g) درست

h) غلط

i) درست

j) درست

پاسخ خودآزمایی‌ها

درس اول

(۱) a) درست

b) درست

c) غلط

d) درست

e) غلط

(۲) a) درست

b) غلط

c) دست

d) درست

e) درست

f) غلط

g) درست

(۳) a) درست

b) غلط

c) درست

d) درست

e) غلط

f) درست

درس دوم

a (١)

b (٢)

c (٣)

a (٤)

c (٥)

b (٦)

b (٧)

a (٨)

b (٩)

b (١٠)

(١١) a (٢) احساس

(b) (١) فکر

(c) (٣) اراده

(d) (٣) اراده

(e) (١) فکر

(f) (٢) احساس

درس سوم

(١) درست

(٢) غلط

(٣) درست

(٤) غلط

(۵) درست

(۶) درست

(۷) درست

(۸) غلط

(۹) غلط

(۱۰) درست

(۱۱) غلط

(۱۲) درست

(۱۳) غلط

(۱۴) درست

(۱۵) غلط

درس چهارم

(۱) a

(۲) b

(۳) a

(۴) c

(۵) b

(۶) a (۱

(b) ۱

(c) ۲

(d) ۱

(e) ۱

۱ (f)

۲ (g)

۱ (h)

درس پنجم

b (۱)

c (۲)

a (۳)

b (۴)

c (۵)

a (۶)

c (۷)

a (۸)

b (۹)

c (۱۰)

درس ششم

۱) تولد دوباره و یا تولد از آسمان

۲) تولد دوباره از لحاظ روحانی

۳) مسیح

۴) همه انسان‌ها

۵) آگاهی از حیات جدید در قلب‌تان، هدف و اشتیاق تازه برای زندگی، ارزش‌های جدید و دیدگاه تازه نسبت به زندگی، شهادت روح خدا در قلب‌مان و

هدایت‌های او، عشق به خدا، زندگی‌ای که خدا در مرکز آن است و محبت برای دیگران.

b (۶

c (۷

a (۸

b (۹

c (۱۰

درس هفتم

b (۱

c (۲

c (۳

a (۴

b (۵

b (۶

c (۷

a (۸

c (۹

b (۱۰

درس هشتم

b (۱)

c (۲)

b (۳)

c (۴)

a (۵)

d (۶)

b (۷)

b (۸)

c (۹)

۳(a (۱۰

۱ (b

۲ (c

درس نهم

(۱ درست

(۲ درست

(۳ غلط

(۴ درست

(۵ درست

(۶ غلط

(۷ درست

۸) درست

۹) غلط

۱۰) درست

۱۱) درست

۱۲) درست

۱۳) درست

۱۴) غلط

۱۵) درست

درس دهم

۱) a

۲) c

۳) c

۴) b

۵) b

۶) a

۷) b

۸) c

۹) b

۱۰) c

حیات در مسیح

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

آزمون‌های میانی

آزمون ۱ (مربوط به دروس ۱-۴)

بخش اول: سؤالات صحیح یا غلط

جملات زیر یا صحیح هستند یا غلط. اگر جمله صحیح است پاسخ a و اگر جمله غلط است پاسخ b را انتخاب کنید:

- ۱- انسان‌ها همه گناهکار هستند پس توبه ضروری است.
- ۲- توبه اساساً یک عملکرد ذهنی است.
- ۳- خدمت کلام و یک دید تازه از خدا، سبب توبه می‌گردند.
- ۴- ایمان، مقوله‌ای حیاتی و مهم می‌باشد زیرا بر تمامی عرصه‌های زندگی انسان تأثیر می‌گذارد.
- ۵- ایمان، تنها ثمره پذیرفتن است زیرا که اساساً عواطف را دربر می‌گیرد.
- ۶- توبه و ایمان همان بازگشت می‌باشند.
- ۷- کلام خدا تنها معیار برای سنجش بازگشت واقعی است.

بخش دوم: سؤالات چند جوابی

برای هر سؤال تنها یک پاسخ صحیح وجود دارد، آن را مشخص کنید.

- ۸- نتایج توبه عبارتند از:
 - (a) شادی جامعه در نتیجه بازگشت گناهکار
 - (b) شادی خانواده توبه‌کار
 - (c) شادی آسمان از بازگشت شخص گناهکار بسوی خدا
 - (d) شادی مردم جهان به خاطر تغییر خوب

۹- تأسف شخص برای گناهانش بر چه چیزی تأثیر می‌گذارد؟

- (a) عقل
- (b) احساس
- (c) اراده

۱۰- آن جنبه از توبه که تصمیم‌گیری را دربر می‌گیرد، چه نام دارد؟

- (a) بعد فیزیکی
- (b) بُعد احساسی
- (c) بُعد ذهنی
- (d) بُعد ارادی

۱۱- به چه طریق گناهکار درک می‌کند که به خدا خطا ورزیده است؟

- (a) از طریق عقل و ذهن خود که در توبه حضور دارند.
- (b) از طریق مشکل احساسی
- (c) با زندگی در جامعه‌ای مترقی و آگاه
- (d) با شنیدن پیام داوری، نه پیام محبت

۱۲- تعریف ساده ایمان عبارت است از.....

- (a) عملی که از طریق آن اعتماد خود را به خدا بیان کرده، به فیض خدا امیدوار گردیم.
- (b) درک حقایق شنیده شده و اعتماد بر آنها
- (c) عملی که از طریق آن اعتماد خود را بر خدا نهاده، به او اجازه می‌دهیم تا زندگی ما را هدایت نماید.
- (d) جهشی در تاریکی بسوی آنچه که آرزویش را داریم.

۱۳- به چه طریق ایمان زنده‌ای که خدا را خشنود می‌سازد دیده می‌شود؟

- (a) با تعهد کامل و تسلیم زندگی مان به مسیح
- (b) تنها با اعتماد ساده به خدا بدون خدمت یا عملی
- (c) با اعتماد و باور مطالبی درباره مسیح
- (d) با توکل بر ذهن و عدم توجه به احساسات یا اراده

۱۴- اعمال خوب یکی از خصیصه‌های ایمان زنده می‌باشند زیرا که

- (a) در نجات شخص نقش دارند.
- (b) بیانگر ایمان زنده و سالم فرد هستند.
- (c) نشان می‌دهند که شخص شایسته نجات می‌باشد.
- (d) برای تأثیر گذاشتن بر جهان بی‌ایمان لازم هستند.

۱۵- عبارت «درجات ایمان» معرف آن است که

- (a) شخص همیشه ایمان کمی دارد ولی در وقت مناسب ایمانش رشد خواهد کرد.
- (b) شخص از درجه ایمان کمتر به درجه ایمان بزرگتر حرکت می‌کند.
- (c) با دریافت ایمان بزرگتر، دیگر ایمان شخص هرگز کم نخواهد شد.
- (d) ایمان، زنده و پویا است و می‌تواند در هر شخص رشد کند.

۱۶- توبه و ایمان به بازگشت مربوط می‌شوند زیرا

- (a) تنها در این رابطه آنها بخشی از تجربه نجات می‌باشند.
- (b) همه این ابعاد با کار روح‌القدس در زندگی مردم ارتباط دارند، پس ارتباطشان خیلی ضعیف است.
- (c) مربوط به جنبه‌ای از نجات می‌باشند.
- (d) گناهکار را برای بازگشت آماده می‌سازند، پس ارتباطشان مستقیم است.

۱۷- بازگشت ثمره.....

- (a) خودشناسی است، شخص می‌فهمد که معیار اخلاقی را زیر پا نهاده است.
- (b) ذهنی کنجکاو است که در جستجوی نجات‌دهنده ناشناخته‌ای است.
- (c) پاسخ شخص به خدمت موعظه کلام و عمل روح القدس می‌باشد.

۱۸- کدام یک نتیجه بازگشت نمی‌باشد.

- (a) دریافت حیات جاودان و رهایی از مرگ ابدی
- (b) پاک شدن گناهان
- (c) کامل شدن آنی با دانش کامل روحانی
- (d) رابطه‌ای تازه با خدا و مردم

۱۹- توبه، ایمان و بازگشت.....

- (a) بر کل وجود ما اثر می‌گذارند یعنی عقل، احساس و اراده.
- (b) تنها عمل خدا هستند که انسان در آن هیچ سهمی ندارد.
- (c) کلماتی هستند که در معنا فرقی با یکدیگر ندارند.
- (d) عمل غیر قابل مقاومت خدا می‌باشند.

آزمون ۲ (مربوط به دروس ۵-۸)

بخش اول: سؤالات صحیح یا غلط

جملات زیر یا صحیح هستند یا غلط. اگر جمله صحیح است پاسخ a و اگر جمله غلط است پاسخ b را انتخاب کنید:

- ۱- نیاز به تجدید حیات نیازی جهانی است زیرا که همه گناه کرده‌اند.
- ۲- در تجدید حیات، خدا به شخص توبه‌کار حیات روحانی می‌بخشد و او دوباره متولد می‌گردد.
- ۳- عادل‌شمردگی یعنی ایمان به علاوه انجام شریعت.
- ۴- گناهکاران در حضور خدای قدوس محکومند، پس نیازمند عدالت هستند.
- ۵- عادل‌شمردگی، عملکردی عینی است که در برابر تخت خدا صورت می‌گیرد.
- ۶- در فرزندخواندگی، شخص موضع و موقعیت تازه‌ای بدست می‌آورد.
- ۷- یکی از بزرگترین برکات فرزندخواندگی، شهادت روح القدس است که مقام فرزندی را تأیید می‌کند.

بخش دوم: سؤالات چند جوابی

برای هر سؤال تنها یک پاسخ صحیح وجود دارد، آن را مشخص کنید.

- ۸- تجدید حیات در کلام خدا.....
 - a) تغییری است که تنها بر تفکر و عقاید شخص اثر می‌گذارد.
 - b) ایجاد ارزش‌های نوین برای برخورداری از زندگی بهتر می‌باشد.
 - c) نتیجه اعتقادات خالصانه مردم نیک می‌باشد.
 - d) تولد از آسمان و یا توسط روح القدس می‌باشد.

۹- تجدید حیات ضروری است زیرا.....

- (a) شخص به علت گناه احساس تقصیر می‌کند.
- (b) خانواده شخص گناهکار او را وادار به توبه می‌کند.
- (c) سرشت انسان و ذات خدا آن را طلب می‌کند.
- (d) معرف انتظارات جامعه است.

۱۰- اعتقاد رایج و اشتباه درباره تجدید حیات آن است که.....

- (a) تجدید حیات همان بازگشت می‌باشد.
- (b) شخص با تعمید آب تجدید حیات می‌یابد.
- (c) این تجربه اساساً تغییری در ذهن شخص است.
- (d) شرایط تحقق آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشد.

۱۱- نقطه اشتراک تحقق تجربه تجدید حیات برای همگان آن است که.....

- (a) گناهکاران در وادی گناه گم گشته‌اند و تنها راه رهایی از مشکلات خود را مسیح می‌دانند.
- (b) اشخاص صالح برای فتح قلّه کوه، راه‌های متفاوتی برمی‌گزینند اما همه این راه‌ها به یک مقصد ختم می‌گردند.
- (c) شخص خود را با دانش، تحصیلات و تلاش‌هایش تغییر می‌دهد.

۱۲- عدالت خدا حتی با اعلام بی‌گناهی گناهکاران استوار می‌گردد زیرا.....

- (a) در عادل‌شمردگی، اعلام بی‌گناهی گناهکار از جانب خدا، بدون پرداخت بهای گناه کافی می‌باشد.
- (b) اعمال خوب شخص تاوان گناهانش می‌باشد.
- (c) در عادل‌شمردگی، گناهان ما بر مسیح قرار می‌گیرد و عدالت او به حساب ما گذاشته می‌شود.

۱۳- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که شخص.....

(a) تنها با ایمان و نه با اعمال، ریاضت و یا عدالت شخصی عادل شمرده می‌شود.

(b) با تلفیقی از حفظ آداب شریعت، ایمان و اعمال نیک عادل شمرده می‌شود.

(c) با رشد مداوم در زندگی روحانی عادل شمرده می‌شود.

۱۴- کدام یک از آیات زیر به بهترین شکل مفهوم عادل شمرده‌گی با ایمان را شرح می‌دهد؟

(a) رومیان ۸:۱

(b) غلاطیان ۳:۵

(c) تیطس ۳:۵

(d) رومیان ۴:۵

۱۵- اساس عادل شمرده‌گی.....

(a) شفقتی است که خدا نسبت به گناهکاران احساس می‌کند.

(b) فیض خدا و صلیب مسیح می‌باشد.

(c) نیاز انسان گمشده به راهی ساده برای فرار از عدالت می‌باشد.

(d) اشتیاق قلبی انسان برای داشتن رابطه‌ای صحیح با خدا می‌باشد.

۱۶- فرزندخواندگی، عملکرد فیض‌آمیز خدا است که از طریق آن.....

(a) در خانواده خدا تولد تازه می‌یابیم.

(b) در خانواده خدا فرزندان می‌گردیم که حقوق طبیعی فرزندی را دارا

می‌باشند.

(c) از مجازات گناه آزاد گشته، عادل محسوب می‌گردیم.

(d) دارای طبیعتی تازه در مسیح می‌گردیم.

۱۷- فرزندخواندگی که با عادل‌شمردگی و تجدید حیات رابطه نزدیکی دارد

تغییر.....

(a) رتبه و موقعیت شخص است و شخص امتیازات فرزندى خدا را کسب

می‌کند.

(b) در سرشت (ذات و طبیعت) شخص است و در ابتدا به تجربه تولد تازه

مربوط می‌گردد.

(c) در جایگاه شخص در برابر خدا است و به عدالت شخصى فرد مربوط

می‌گردد.

(d) در افکار و اعمال شخص است که متأثر از تجربه بازگشت می‌باشد.

۱۸- عهدجدید طریق کسب فرزندخواندگی را.....

(a) کوشش و اشتیاق شخص برای پاسخگویی به محبت خدا معرفی می‌کند.

(b) فیض غیر قابل مقاومت خدا برای برگزیدگان معرفی می‌کند.

(c) دریافت فیض خدا با ایمان به مسیح معرفی می‌کند.

(d) مسیح، تحقق قوانین اخلاقی شریعت معرفی می‌کند.

۱۹- کدام یک از موارد زیر از جمله مزایا و برکات فرزندخواندگی نمی‌باشد؟

(a) محبت خدای پدر، توجه و درک او

(b) حفاظت، تعلیم و تأدیب و رفع نیازها

(c) دلیری برای رفتن به حضور خدا به‌عنوان وارثان

(d) ارثی که هرگز از دست نمی‌رود بدون در نظر گرفتن نوع زندگی‌ای که

داریم.

آزمون ۳ (مربوط به دروس ۹-۱۰)

بخش اول: سؤالات صحیح یا غلط

جملات زیر یا صحیح هستند یا غلط. اگر جمله صحیح است پاسخ a و اگر جمله غلط است پاسخ b را انتخاب کنید:

- ۱- تقدیس به معنای جدا شدن از گناه برای خدا می باشد.
- ۲- کاملیت نسبی به معنای آن است که ما تنها هدفی را که برای آن خلق شده ایم، تحقق می بخشیم.
- ۳- تقدیس به معنای در آوردن یا کندن انسانیت کهنه و پوشیدن انسانیت تازه می باشد.
- ۴- شخصی که اعتقاد دارد انسان می تواند با قوت خود در کاملیت زندگی کند، از گناه انسان و قدوسیت خدا درک محدودی دارد.
- ۵- جلال یافتن که در آینده انتظار ما را می کشد، به آموزه های دیگر نجات ارتباطی ندارد.
- ۶- آیات کتاب مقدس به ما اطمینان جلال یافتن می دهد که نشان دهنده تحقق نجات در آینده است.
- ۷- جلال یافتن در ابتدا به جایگاه قضایی ما در برابر خدا مربوط می شود.

بخش دوم: سؤالات چند جوابی

برای هر سؤال تنها یک پاسخ صحیح وجود دارد آن را مشخص کنید.

- ۸- هدف از تقدیس در زندگی ایماندار آن است که.....
 - (a) همین لحظه در شناختش نسبت به مسیح کامل گردد.
 - (b) تنها با همین تجربه به بلوغ کامل روحانی برسد.
 - (c) او به تدریج و به صورت پیشرونده شبیه به مسیح گردد.

(d) او در حضور خدا از جایگاهی مقدس برخوردار باشد.

۹- تجربه تقدیس برای ما.....

- (a) تجربه‌ای بحرانی و غیر قابل انکاری را به ارمغان می‌آورد.
- (b) تغییر ما و همچنین به شباهت مسیح در آمدن را به ارمغان می‌آورد.
- (c) یک وضعیت کامل بی‌گناهی و معصومیت را به ارمغان می‌آورد.
- (d) قوت برای خدمت را به ارمغان می‌آورد.

۱۰- در هنگام تولد تازه چه نوع تقدیسی را دریافت می‌کنیم؟

- (a) موقعیتی
- (b) پیشرونده
- (c) نسبی
- (d) شرطی

۱۱- اشخاصی که اعتقاد دارند مسیحیان می‌توانند به حد بی‌گناهی کامل گردند،

تقدیس را.....

- (a) تخریب کامل سرشت جسمانی تعریف می‌کنند.
- (b) تعمید روح‌القدس می‌دانند که با هدف خدمت داده شده است.
- (c) همان تجدید حیات می‌دانند.
- (d) تجربه نهایی یک مسیحی تعریف می‌کنند.

۱۲- پنطیکاستی‌ها معتقدند که تعمید روح‌القدس.....

- (a) همان تقدیس است.
- (b) تنها برای مسیحیان بالغ امکان‌پذیر است.
- (c) تجربه‌ای پس از تولد تازه می‌دانند.
- (d) تجربه‌ای است که به ایماندار قوت برای خدمت می‌بخشد.

۱۳- تقدیس.....

(a) تجربه‌ای است که در آن ایماندار از تمامی تلاش‌هایش برای مبارزه با سرشت جسمانی رها می‌گردد.

(b) انگیزه‌ای به ایماندار می‌بخشد تا سطح کاربرد عطایای روحانی را ارتقاء بخشد.

(c) اشتیاقی است برای مقدس زیستن و وقف هر چه بیشتر به خدا.

۱۴- ارتباط جلال یافتن با سایر آموزه‌های نجات به چه ترتیب می‌باشد.

(a) به شیوه غیرمستقیم است چون با آینده در ارتباط است.

(b) جلال یافتن، آخرین حلقه زنجیر نجات است که معرف کامل شدن نجات می‌باشد.

(c) جلال یافتن با کاملیت نهایی مقدسین در تقدیس مربوط می‌گردد.

(d) به شیوه‌ای که کلام خدا آن را بیان کرده است.

۱۵- به چه طریقی می‌توانیم از برکت جلال یافتن که خدا به ما بخشیده، مطمئن باشیم؟

(a) انبیاء

(b) سنت مسیحی

(c) آئین‌هایی که عیسی به ما داد.

(d) هدیه روح القدس

۱۶- ماهیت جلال یافتن در ابتدا مربوط می‌شود به.....

(a) کاملیت اخلاقی

(b) جایگاه قضایی

(c) وضعیت قانونی

(d) موقعیت خانوادگی

۱۷- اساس تجربه جلال یافتن در ابتدا به.....

- (a) میزان پاسخ هر یک از ما به فیض خدا بستگی دارد.
- (b) عدالت شخصی و اعمال نیک ما بستگی دارد.
- (c) مرگ، قیام و شفاعت مسیح وابسته است.
- (d) رشد روحانی ایمانداران بستگی دارد.

۱۸- کدام بخش از وجودمان تحت تأثیر جلال یافتن قرار می‌گیرد؟

- (a) روح
- (b) جان
- (c) عقل
- (d) تمام وجودمان

۱۹- جلال یافتن عملکرد خدا است که در آن.....

- (a) خدا سرشت تازه‌ای به توبه‌کاران می‌بخشد.
- (b) خدا نقش نجات‌بخش خود را کامل می‌کند و ایمانداران را آماده ابدیت می‌گرداند.
- (c) خدا متوکلان خود را به‌عنوان اشخاص پاک و عادل می‌پذیرد.
- (d) خدا مقدسین زنده خود را به آسمان می‌برد.